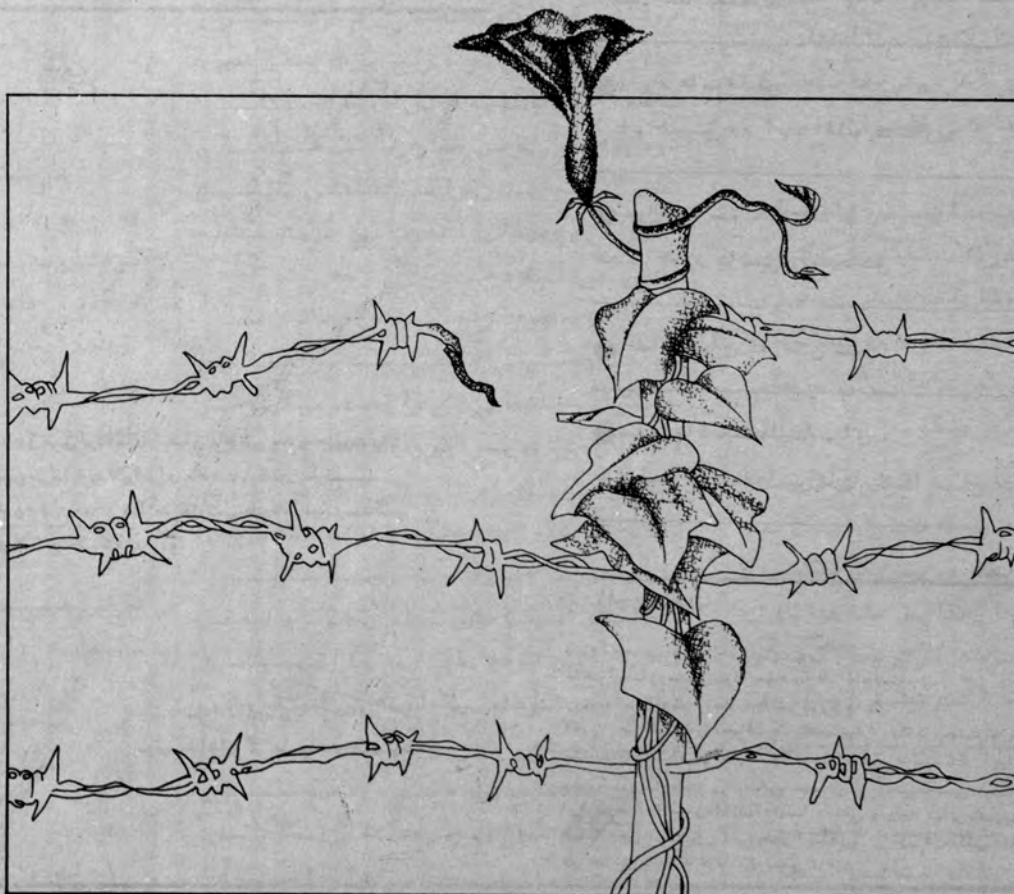


إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا      در راه خدا بسوی تحمل مصائب و سختیها ،      فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا  
 با قلبی شاد و با صفا

# راهمچاهک

- پیرامون اجرای قانون احزاب
- دیدگاه‌های مختلف در مورد آیت الله منتظری
- نقض حاکمیت ملت ایران در قطعنامه کنفرانس کازابلانکا
- حساسیتهای سیا در مورد انقلاب اسلامی
- اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها و معضلات انقلاب
- سیر مواضع آیت الله کاشانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد





● پیرامون فقه امام خمینی ، ۲۱  
سخنرانی حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی

● بدترین ظلم ، ظلمی است که از ۲۶  
ظلم بودن آن غافل باشیم

● جایگاه همه پرسی در اسلام ۲۸

● نظرات مطبوعات ، شخصیت ها ۳۰  
و جریان های سیاسی در مورد  
استعفای آیت الله منتظری

● نظر آیت الله خاتمی پیرامون شخصیت ۴۸  
آیت الله منتظری و ادعای سید مهدی هاشمی

● نظریات اساسی در حوزه علمیه قم ۴۹  
درباره مقام علمی  
آیت الله منتظری

● ارجاعات فقهی ۵۱  
امام خمینی به آیت الله منتظری

● مواضع استراتژیک ۵۳  
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

● حسابهای سازمان سیا ۵۶

● نقض حاکمیت ملت ایران ۵۸  
در قطعنامه کنفرانس کابل

## راه مجاهد

دبیر نشر شورای نویسندگان  
معاونت مشاور مدیر مسئول مهندس آیت الله مینوی  
روشن سازی ادبی و تئوریک - چاپ - فروغ دانش  
آدرس : توجه شود که راه مجاهد به علت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل  
مکوشی زیر سر آدرس مدیر مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون  
مطبوعات و مراجع وزارت ارشاد معرفی نگردد. تقاضا میشود قبل از مراجعه  
از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۰۸ تماس بگیرید. تهران  
خیابان ری - خیابان شهید رضوی (آسمانگل) - کوی قاسم گلی - کوچه خوان  
طباطبائی - ۲۶ - صندوق - کد پستی ۱۱۷۵۶

● فقه امام خمینی (قسمت نهم) ۳

● درس و کلام امام خمینی ۸

● مصاحبه پیرامون آزادی احزاب ۱۰

● اجتهاد مصطلح در حوزه های برای حل معضلات انقلاب کافی نیست ۱۶

● بیش بینی مرحوم دهخدا درباره سرنگونی سلطنت ۲۰

● پرتوی از قرآن ۶۱

● سیر مواضع آیت الله کاشانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۶۴

● ملاک مرجعیت از دیدگاه مرحوم آیت الله کاشانی ۶۶

● پاسخ به خوانندگان ۶۸

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره ۲۱۳/۱۰۴  
تاریخ ۶۸-۴-۱۸  
پشت

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت ارشاد اسلامی

آقای لطف الله مینوی  
صاحب امتیاز نشریه راه مجاهد

سلام علیکم ،

با زکشت به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ مبنی بر تقاضای انطباق با قانون جدید مطبوعات  
موسوب اسفند ماه ۱۳۶۴ ، به اطلاع میرساند به منظور اجرای ماده ۱۷ قانون مذکور  
تقاضای یاد شده ، در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۵ هیأت نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی  
قرار گرفت و ادامه انتشار آن نشریه بلامانع اعلام گردید ....

مهراب اکبریان  
سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات  
۶۸/۴/۱۸

# فقه

## امام خمینی

با یاری خداوند متعال  
در دوران حیات امام خمینی موفق شدیم ۸  
شماره تحت عنوان فقه امام خمینی  
برشته تحریر در آوریم که در سیزدهمین  
روز از خرداد ماه ۶۸ با رحلت جانگداز  
امام مواحه شدیم . در این شماره  
سعی داریم قسمت نهم  
فقه امام خمینی که توشه گیری مختصری  
از قسمت اول وصیت نامه ایشان است را  
به رهپویان و پیروان آن مرحوم تقدیم  
داریم " برگ سبزی است تحفه درویش "

" قسمت نهم "

تفکیک ناپذیری  
قرآن و عترت

سنگینی قرآن و عترت بر  
بازیگران طاغوتی و توطئه  
آنها علیه ایمن دو

بنظر می آید مفهوم لاینفک بودن  
قرآن و عترت این است که قرآن در هر  
زمان عینیتی دارد که تحقق آن در زمان  
رسول الله (ص) شخص نبی اکرم و بعد  
از ایشان عترت رسول الله (ص) است .  
برای توضیح این مطلب که قرآن و  
عترت لاینفک هستند چند مثال میبرداریم:

علی قرآن ناطق

امام وصیت نامه خود را با حدیث  
ثقلین آغاز کرده و از قرآن و عترت به  
عنوان دو بازیگران بردوش دشمنان اسلام  
و بازیگران نام میبردند . قرآن و عترت  
دو ثقلی است که سنگینی رشد و گسترش  
نیروهای حق را در تاریخ بر ظالمان تحمیل  
کرده اند اما علیه این دو و دینعه  
توطئه های زیادی هم از جانب دشمنان  
شکل گرفته است زیرا که دشمنان بزرگترین  
خطر را از به میدان آمدن این دو و دینعه  
الهی می دانستند .

از یک طرف رشد و گسترش اسلام یعنی  
تهاجم و سنگینی قرآن و سنت بر علیه  
ستحگران و متجاوزان و از طرف دیگر توطئه  
دشمنان برای به انزوا کشاندن و شکلی  
نمودن این دو ، حریاناتی است که در تاریخ  
اسلام فراوان به چشم می خورد . بدنبال  
خارج شدن قرآن و عترت از صحنه ، علت  
ناامیدی مسلمانان از قرن چهارم به بعد  
بدلیل این بوده که این سالها مسلمانان  
بیشتر وجه توطئه بر علیه این دو ثقل اکبر  
و کبیر را دیده اند و وجه رشد و گسترش آنرا .  
در این مدت بقدری دشمن در ذهن مسلمانان  
بزرگ گشته که حتی علما ما از تشکیل  
حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای  
قرآنی میباشد ، یوس و نا امید گشته  
بودند .

در جنگ صفین زمانی که لشکریان  
معاویه به دستور او قرآن را به سر نیزه  
کردند و ندادند که ما مسلمان و تابع حکم  
قرآنیم حضرت علی (ع) فرمود که من قرآن  
ناظم یعنی که حضرت علی (ع) در آن -  
مقطع قرآن محقق بوده و بدون ایشان و  
عمل صالح زمان نمی توان بطور شکلی به  
قرآن تاءسی نمود .  
چه بسیارند کسانی که قرآن قرآن میکنند  
ولی به محکم قرآن یعنی این مطلب که  
قرآن عینیت خارجی داشته و هر آیه ای از آن  
یک مابه ازای عینی دارد توجه ندارند .

شمر حافظ قرآن بود ولی  
یک آیه محکم آنرا نمیدانست

در عاشورای حسینی شاهد مکالمه ای  
بین زهیر ابن قین و شمر ابن ذی الجوشن  
میباشیم . در این مکالمه زهیر خطاب

متن وصیت نامه عبادی سیاسی امام به  
این شرح است :

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صلى الله عليه و  
آله وسلم : اني تارك فيكم الثقلين  
كتاب الله وعترتي اهل بيته فانهما  
من يفتراقا حتى يردا علي الحوض . . . . .

وبعدا بینجا نب مناسب می دانم که  
شمه کوتاه و قاصد در باب ثقلین تذکر  
دهم . نه از حیث مقامات عینی و معنوی  
و عرفانی که قلم مثل منی عا جزا ست از  
جسارت در مرتبه ای که عرفان آن بر تمام  
داشده وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از  
آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و توانا  
سنگین و تحمل آن فوق طاقت . اگر نگوییم  
ممتنع است . و نه آنچه بر بشریت گذشته  
است از مهجور بودن از حقایق مقام والای  
ثقل اکبر و ثقل کبیر که از هر چیز اکبر  
است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه  
از آنچه گذشته است برای دو ثقل از  
دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شما را  
آن برای مثل منی میسر نیست با قصور  
طلاع و وقت محدود ، بلکه مناسب دیدم  
شاره ای گذرا و بسیا کوتاه از آنچه بر  
بین دو ثقل گذشته است بنمایم "



به شمرکه حافظ قرآن بود می گوید :  
 " ... والله ما اظنك تحکم من کتاب  
 الله آیتین فابشر بالخزی یوم القیمه  
 والعذاب الالیم " ... گمان نمی برم  
 که از کتاب خدا دو آیه محکم را بدانی،  
 نویدت می دهم به رسوایی روز رستخیزو  
 عذاب و شکنجه دردناک " ( نقل از کتاب  
 یک شب و روز عاشورا ، تالیف مرحوم  
 حاج میرزا خلیل کمره ای )

بنظر میرسد مفهوم این سخن زهیر  
 در مورد شمر حافظ قرآن جز این نیست  
 که قرآن را بدون " مابه ازا " و " تحقق "  
 و " ناطق " آن که در آن زمان امام  
 حسین (ع) و کاروان کربلا بوده اند  
 نمی توان فهمید و هر حرکتی مانند حفظ  
 قرآن را نیز باید به عمل صالح هر عصری  
 پیوند داد برای درک محکما ت قرآن راهی  
 جز ربط دادن آیات به عینیت خارجی  
 آن یعنی امامت حی و زنده نمی باشد و  
 تنها به این صورت است که از تفسیر به  
 رای خودداری میشود .

### روش توشه گیری صحیح از قرآن

بنظر میرسد منظور از لاینفک بودن  
 قرآن و سنت این است که تفسیر صحیح  
 آیات قرآن و محکم و متشابه نمودن آیات  
 آن فقط در رابطه با امام معصوم ممکن  
 می باشد و در زمان غیبت هم تنها راه درک و  
 تفسیر و تحقق قرآن انتظار فرج است .  
 منظور از انتظار فرج بیکار نشستن نیست  
 بلکه حرکت در جهت لقاء الله و لقاء  
 امام زمان (عج) است که منجر به تشکل  
 و تشکیل حکومت اسلامی میگردد و پیروزی  
 انقلاب اسلامی یکی از مصادیق این روش  
 از تفسیر قرآن بوده که آیات قرآن عینیت  
 پیدا کردند و بدینال آن درک ما از امام  
 زمان (عج) هم بالا رفت .  
 خلاصه اینکه اگر قرآن را به تنهایی  
 و دور از نظام امامت مانند قیامت بررسی  
 کنیم راجع به محکم ترین آیات مانند  
 قیامت یا توحید و ... مواجه با نظرات  
 بنیادا " متفاوتی خواهیم شد . در حقیقت  
 مفهوم عمل به قرآن این است که قرآن  
 ما " به ازا " و " حامل " و " ناطقی "  
 دارد که بدون توجه به آن هیچ یک از  
 برداشتها محکم نیست ، همانطور که

میدانیم شیعه سالهاست در برابر توطئه  
 قرار دارد که گفته میشود عترت چیزی است  
 " من در آوردی " در برابر قرآن . در -  
 حالیکه اینطور نیست و مسئله همانطور  
 که امام در وصیت نامه اشاره کردند بسیار  
 عمیق است .

آیت الله مشکینی در این رابطه  
 برای مسئولین حج توضیح دادند که  
 عترت چیزی در برابر قرآن نیست بلکه  
 یک شبکه تزکیه شده برای رساندن قرآن  
 به مردم بوده و روایات هم برای توضیح  
 و باز کردن آیات قرآن میباشد امام در  
 وصیت نامه گفتند که قرآن ثقل اکبر  
 است و عترت ثقل کبیر و لذا تبعیت کبیر  
 از اکبر بدیهی می باشد .

### منطق اسم الله و

### نظام آیه گرا

برای توضیح این روش تفسیر از قرآن  
 که بسیار مهم است ، اشاره ای به تفسیر  
 " الحمد " امام خمینی می نمایم . در  
 این تفسیر امام بدین مضمون گفته اند :  
 " همه چیز اسم الله است " ، یعنی  
 هر پدیده ای را که بنگریم " اسم الله "  
 یا " نشانه خدا " و به عبارت عمیق تر  
 " آیه خداست " ملاحظه می کنیم نگرش  
 امام نسبت به جهان یک نگرش قرآنی  
 است . و در این نگرش آیات قرآن به  
 عنوان الفاظ بکار برده نمیشود بلکه هر  
 آیه ای از قرآن یک " مدلول خارجی یا  
 مابه ازای عینی " دارد و از همین جاست  
 که امام به مطلب گهرباری میرسند و آن  
 اینکه " نجات قرآن مراد فاست با نجات  
 بشریت " و از همین جاست که امام " درد  
 دین " را با " درد توده " یکی میگیرند .  
 و با این نگرش است که امام امتیاز  
 بزرگی نسبت به روحانیونی پیدا میکنند  
 که فقط در دین دارند و دین را هم در  
 احکام یا الفاظ خلاصه می کنند . احکامی  
 که در مرتبه " حکم " است و کاری با  
 " مصادیق " ندارد و الفاظی که کاری با  
 زندگی مردم ندارد .

ملاحظه کردیم ، با وجود اختلاف در  
 تفاسیر مختلف با وجود آمدن انقلاب همه  
 علما و ملت متحد گردیدند ، چرا که انقلاب  
 ( قیام الله ) خود روش محکم تحقق  
 قرآن و بهترین تفسیر آن است .

برای درک محکما ت قرآن راهی  
 جز ربط دادن آیات به عینیت  
 خارجی آن یعنی امامت حی و  
 زنده نمی باشد و تنها به این  
 صورت است که از تفسیر به رای  
 خودداری می شود .

در ادامه وصیت نامه چنین میخوانیم :

" شایدم جمله لن یفترقا حتی یردا علی  
 الحوض ، اشاره باشد بر اینکه بعد از  
 وجود مقدس رسول الله ، صلی الله علیه  
 وآله وسلم ، هر چه بر سر یکی از این دو  
 گذشته است برد دیگری گذشته است و  
 مهجوریت هریک مهجوریت دیگری است تا  
 آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا  
 در حوض وارد شوند . و آیا این حوض مقام  
 اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال  
 قطرات در دریاست یا چیز دیگری که به عقل  
 و عرفان بشر راهی ندارد ؟ ... "

مهجور بودن یکی ازدو ثقل  
 مهجور بودن دیگری را به  
 دنباله دارد

" ظهور آیات ، ظهور امام زمان "

در زمان پیامبر اکرم (ص) قرآن و  
 سنت در شخص نبی (ص) تجلی داشت و این  
 راه همه مردم هم میدانستند ، پس از رحلت  
 پیامبر لاینفک بودن قرآن و عترت در شخص  
 علی (ع) عینیت داشت ولی همه مردم  
 اینرا درک نکردند و در ذهن مردم یک نوع  
 جدایی بوجود آمد که هم موجب مهجور ماندن  
 قرآن شد و هم موجب مهجور ماندن علی (ع) .  
 این یک اصل کلی است که به هر  
 نسبتی آیات قرآن از پس پرده غیب به  
 صحنه ظهور میرسید ، اهل بیت نیز در ذهن  
 مردم ظهور می یافتند ، علت غایب ماندن امام  
 زمان نیز همین است که قرآن در بین  
 مردم غایب بوده و مهجور مانده . شاید  
 منظور از " لن یفترقا و یردا علی الحوض "  
 که در حدیث آمده این باشد که با ردیگر



قرآن وعترت که به ظاهر در ذهن مردم از هم جدا شده اند در حوض به پیا میرا کرم (ص) میرسند و پیا یان هجران فرا میرسد.

( رجوع شود به مقاله ظهور تدریجی آیات قرآن و امام زمان راه مجاهد شماره ۲۷ ) حرکت انقلابی و رهایی بخشی واقعی در هر عصر و زمان این است که یک نیروی انقلابی بتواند قرآن را از مهوریت بدر آورده و به صحنه زندگی بیاورد که بدنبال آن است که زندگی اهل بیت الگو و راهنمای عمل شده و میتوانیم پیرو امام زمان (عج) باشیم.

امیدواریم پیروان دلسوز امام و خط امام این وصیت نامه امام را راهنمای عمل نموده و حداقل در حوزة های علمیه قرآن را که دلیل اول معرفی شده بصورت درس رسمی در آورده و به صحنه زندگی بیاورند و از این طریق گامی بزرگ در جهت ظهور آیات قرآن بردارند.

و همچنین امیدواریم در آموزشهای حوزه های علمیه، امام زمان (عج) و جامعه توحیدی ایشان بعنوان حکم اولیه در آمده و در احکام فقهی تأیید فعال نماید. چنانکه امام در وصیت نامه گفته اند و استدلال خدا گر قرآن مهور باشد امام زمان (عج) هم مهور خواهد ماند و امیدواریم از طرف دست اندکاران با این پیشنهاد دلسوزانه برخورد شود.

در ادامه وصیت نامه می خوانیم: "... باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان برای دو و دیعه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گذشته بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است ..."

ستم بر قرآن ستم بر بشریت است  
ونجات قرآن نجات بشریت است

در این قسمت از وصیت نامه، امام ستم بر قرآن و مهوریت آن را ستم بر تمام مسلمین و بشریت می دانند. بنظر میرسد امام قانون فطرت را یک قانون عام و فراگیر میدانند و به فطرت بشریت تکیه می نمایند. به این ترتیب کسی میتواند بشریت را نجات بدهد که قانون فطرت را بداند و برای عمل به قانون فطرت

اولین کار نجات قرآن از مهوریت است. زیرا سلاح مناسب برای نجات بشریت قانون قرآن ( قانون حامی مستضعفان ) می باشد. هر حرکتی نیازمند به قانون صحیح است حرکتیایی که بر مبنای قانون صحیح نبوده اند، اغلب قیامهای کوری بوده اند که حتی اثرات منفی نیز داشته اند.

بنظر میرسد، امام با این برداشت مستضعفین و مستکبرین را طبقه بندی اقتصادی نمی کنند بلکه آنها یی را مستضعف واقعی میدانند که در جهت تحقق قانون فطرت و به صحنه در آوردن قرآن تلاش میکنند و در دین و توده دارند و نجات قرآن را نجات بشریت میدانند.

در ادامه وصیت نامه امام چنین نوشته اند:

"... اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا و این ودیعه الهی ما ترک پیا میرا سلام (ص) ..."

● ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهائی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما ست.

توشه گیری از قرآن  
بزرگترین میراث و ارثان  
رسول الله (ص) است.

امام از قرآن به عنوان ودیعه الهی و ما ترک رسول الله (ص) یاد می کنند در واقع قرآن، این کلام الهی و این قانون فطرت و این دستور زندگی و مبارزه چیزی است که از رسول الله (ص) به تمام سالکان و مسلمانان بلکه بشریت به ارث رسیده است و این در واقع همان ارثی است که حسین (ع) میراث دار آن از آدم (ع) بوده و این همان ارثی است که امانت داران خود را در تمام تاریخ جوش و حرکت میدهند و آنان را علیه ظلم و بی عدالتی می شوراند. ما ترک وارث - تمام پیروان واقعی رسول الله (ص) نیز باید در همین راستا بوده و بهترین

آن توشه گیری از قرآن و سنت و تلاش در جهت وحدت آیندو باشد.

در ادامه وصیت نامه می خوانیم:

"... مسائل اسفانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیا میرا کرم صلی الله علیه و آله وسلم دریافت کرده بودند و ندای انی تارک فیکم الثقلان در گوشان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی بوده و هست از صحنه خارج کردند و به حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و

انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پیا به گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است. و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ حدیث به کشف تمام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الاسماء را از شریاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را بقسط و عدل رساند و حکومت را بدست اولیاء الله، معصومین علیهم صلوات الاولین و الاخرین بسپارد تا آنان بهره که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت نداشتند و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت های



جا ثروآخوندهای خبیث بدترا ز طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الاسف به دست دشمنان توطئه گرو دستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و نداد و آنکه بایده وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و بایکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی بر میآورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن میگفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز هست ..."

### ملک مرز بندی نیروهای انقلابی و غیر انقلابی

همانطور که در وصیت نامه به آن اشاره شده بزرگترین توطئه که بدست مشترک ظالمین و آخوندهای درباری و دوستان جاهل انجام شده خارج کردن قرآن از صحنه زندگی و مبارزه و تبلیغ در این جهت است که "قرآن کاری و ربطی به حکومت ندارد" این عده با تلاش در این جهت که فقه سیاسی اسلام را کنایه گذاشته و فقه عبادی فردی را جایگزین آن نمایند به حرکت افول یا بنده خود ادامه دادند. از طرف دیگر حرکتی که در جهت به صحنه آوردن قرآن و مطرح کردن حکومت عدل الهی به عنوان آرمان قرآن و در واقع راهنمای عمل نمودن قرآن، در این وصیت نامه به عنوان یک محور اساسی برای مرز بندی بین نیروهای مترقی و انقلابی و نیروهای مرتجع و غیر انقلابی مطرح گردیده است.

"... ما مفتخریم که پیرو مذهبیه هستیم که رسول خدا موسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیر المومنین علی بن ابی طالب این بنده رها شده از تمام قیود، ماء موررها کردن بشر از تمام غلال و بردگیهاست، ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ماست."

در حالیکه برخی فقها به لحاظ فقهی به سندیت نهج البلاغه اشکال دارند و اصولا به کتاب نهج البلاغه به عنوان یک سند فقهی در حوزه ها استناد نمی شود. امام خمینی به عنوان یک مرجع دینی و رهبر سیاسی کتاب نهج البلاغه را بالاترین سند فقهی پس از قرآن می نامند.

گرچه امام خمینی در وصیت نامه به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) توجه خاصی مبذول داشته اند و صحیح هم می باشد ولی ملاحظه می کنیم در حوزه های ما آنقدر که قال باقر (ع) و قال صادق (ع) وجود دارد، قال الله و قال رسول الله (ص) و قال علی (ع) و قال حسین (ع) کمتر بچشم می خورد.

امام تلاش زیادی کرده اند تا این نقیصه برطرف شود و امیدواریم روزی - برسد که نظام جمهوری اسلامی و حوزه های علمیه ما نهج البلاغه را پس از قرآن بالا ترین سند حکومتی و فقهی قرار دهند و علاوه بر نهج البلاغه سایر خطب و روایات علی (ع) که در منابع دیگر آمده در یک جا جمع آوری و بصورت درس حکومت اسلامی درآید. امام در این راستا پیاپی برای افتتاح کنگره های نهج البلاغه فرستاده و به آن توجه خاصی داشتند. خوشبختانه آیت الله منتظری و استاد محمد تقی جعفری یک دوره کامل تفسیر نهج البلاغه نموده اند.

### و آنچه لازم است تذکر دهیم آن است که وصیت سیاسی الهی

اینجا نبأ اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد.

اصولا "هما" همانطور که امام در وصیت نامه گفته اند مردم ما ملتی هستند که خود را پای بند قرآن و عترت میدانند و هر فرد یا گروهی که با این دو محور به این دورکن توجه داشته و آنرا در راس کار و بر نامه خود قرار داده موفق بوده است خواه روشنفکر باشد خواه روحانی. امام چه در وصیت نامه و چه در صحبت های دیگرشان خطی را دنبال می کنند و آنهم خط قرآن و سنت را و لذا علیرغم برخی تحلیلهای می توان ایشان را در قالب صنف و گروه و یا تضاد روشنفکر و روحانی تحلیل نمود.

مشایعت تاریخی مردم از امام نشان دهنده قدرشناسی مردم است و به عبارت عمیقتر "حق شناسی" مردم.

مردم در خود غرور و هویتی احساس میکردند که رهبرشان می خواهد همچون پیامبر اکرم (ص) حکومت تشکیل دهد و آیات قرآن را پیاده نماید تا زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) گردیم.

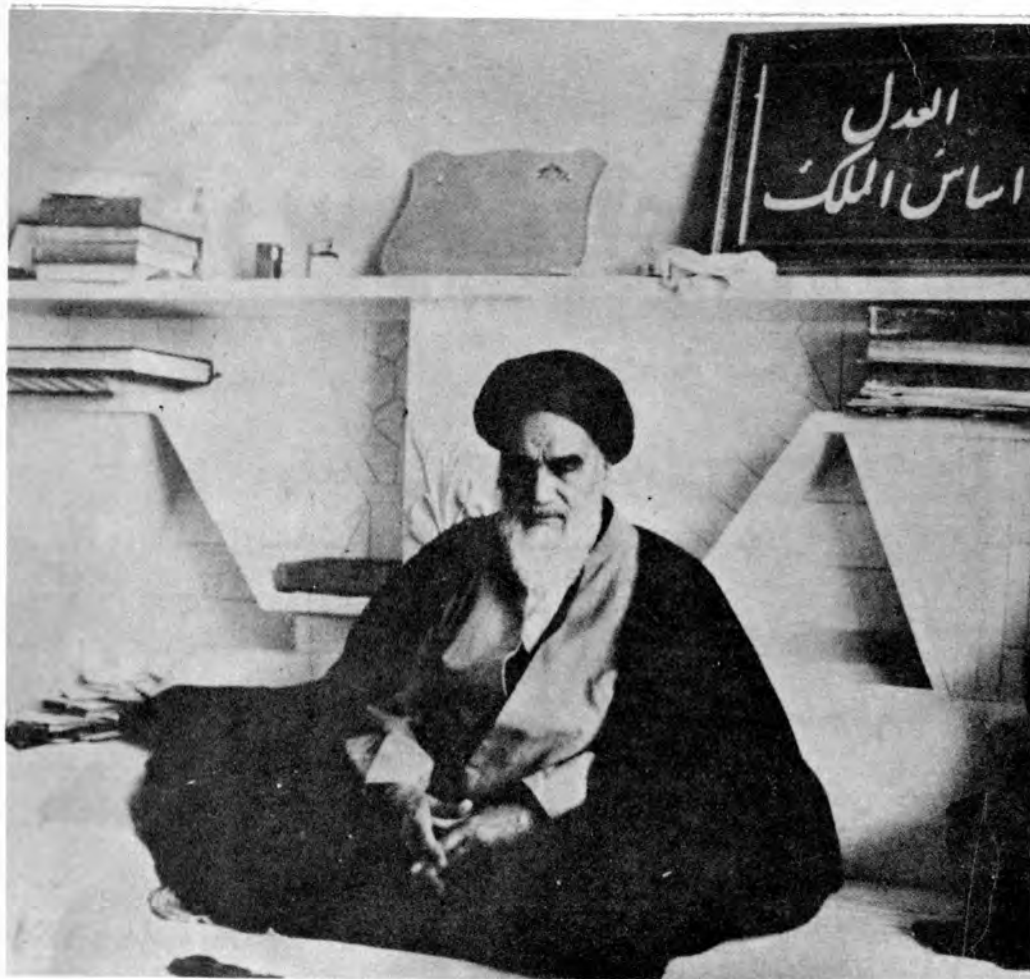
در اینجا خود را مکلف دیدیم که یادای از شهدای بنیانگذار مجاهدین بنمایم آنها سر لوحه آموزشهایشان قرآن بود و نهج البلاغه و شهید حنیف نژاد می گفت امیدوارم روزی برسد که در هر منزل تیمی یک قرآن باشد و یک نهج البلاغه و همه راهنماییها را از این دو کتاب استخراج نمائیم.

پس از سال ۵۰ که دست آوردهای مجاهدین در مورد نهج البلاغه چاپ و منتشر شد بارها و بارها کتاب نهج البلاغه با ترجمه تجدید چاپ گردید و مطالعه آن رایج گشت. کتاب "راه حسین" مجاهدین اولین کتابی است در تاریخ ایران که توسط یک گروه بطور سازمان یافته و دسته جمعی نوشته شده که توجه بنیانگذاران را به قرآن و عترت نشان میدهد.

موفقیت و پیروزی و مردمی شدن مجاهدین هم در همین ارزشهایشان نهفته بودند چیز دیگر مثل روشنفکر بودن یا دانشگاهی بودن. امید داریم که در حق این احیا کنندگان قرآن و سنت در زمان خودشان با برجسبایی نظیر التقاطی و ... ظلم نشود.

امام در ادامه وصیت نامه می نویسد:

"... ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت پیشه دوره گرد و حسن



و حسنی مبارک هم آخور با اسرائیل  
جنایتکارند... ما مفتخریم که دشمن  
ما صدام علفی است...."

از شرایط اجتهاد تشخیص  
مصدق حق و باطل هر زمان  
است

امام رضوان الله تعالى علیه در وصیت نامه خود اشاره به دشمنان اسلام انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نموده اند یعنی که اشاره به مصداق بارز دشمنان کرده اند. در اینجا مشاهده میشود که امام کلی گویی نکرده و صرفاً "یک حکم کلی صادر نموده اند بلکه به مصداق هم اشاره کرده اند. و به عنوان مثال از حسین اردنی و حسن و حسنی مبارک و صدام نام برده و به عبارتی مصداق حق و مصداق باطل و همچنین خط مشی حق و خط مشی باطل را مشخص کرده اند. و همچنین در وصیت نامه شان به مرثیه خوانان اهل بیت توصیه کرده اند که در اشعارشان به مصداق بارز وظالمین و مشرکین اشاره نمایند ملاحظه می کنیم که امام به خط مشی کارفرمایی صرف معتقد نبوده و ما یلند که هر فرد و گروه وصف و دسته ای با عنایت دشمن درگیر شده و حالت رویا رویی پیدا نموده و از نفسانیات و کلی گویی بهره برند. نحوه پرداختی انقلابی از قبل ارقام ۱۵ خرداد متداول گشت و مداحان سعی میکردند بطور تلویحی از دشمن نام ببرند. نحوه پرداختی انقلابی نقش زیادی در پیروزی انقلاب و موفقیتهايمان در دفاع مقدس داشته است امام در همین راستا در منشور برادری شان مورخه ۶۷/۸/۱۰ در جواب آقای انصاری مطلبی به شرح زیر نوشته اند:

"... یک فرد اگر علم در علوم معهود حوزه ها باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمیتواند زمان جامعه را بدست گیرد...."

باید توجه کرد که این صحبت های امام درجه رابطه ای است و زمینه آن چیست؟ فقها و علما اکثراً "معتقدند که کار مجتهد و در حکم است و کاریه تشخیص

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند.

"مصدق" ندارد. نتیجه عملی این بیان چنین میشود که کار مجتهد تنها صدور حکم است و فقط باید بگوید "ظلم بدار است" ولی "ظالم" (مصدق) را معرفی نکند و از آنجا که صالح را از غیر صالح تشخیص نمی دهد ممکن است تمامی افراد بیت و تشکیلاتش نام صالح باشد. استاد محمد تقی جعفری در سال گذشته گفته بودند یکی از شرایط اجتهاد علاوه بر صدور حکم تشخیص مصداق است و در غیر این صورت فرد مجتهد نیست.

بنظر میرسد این بیان امام و استاد جعفری، انقلابی در مفاهیم حوزه ها باشد که بدینال انقلاب ۲۲ بهمن و وارد شدن

عامه روحانیت در عمل صالح بوجود آمد. البته این نقص وجود دارد که برای تشخیص مصلحت جامعه با بستی علاوه بر تقوای یک متدلوژی و اسلام راهنمای عمل هم مسلح بود که خلاص چنین مجموعه در جامعه احساس میشود. علت اصلی تشکیل گروه های جدا از روحانیت این بود که روحانیت عموماً "وارد مصداق" نمیشده و یک مجموعه راهنمای عمل نداشتند.





# درس‌وگ امام

## درس‌هایی از قیام مردمی مشایعت از امام

در تاریخ انقلاب و مردم بکرات از این قیام‌ها داشته‌ایم :  
قیام استقبال از امام - پیروزی ۲۲ بهمن - تصرف لانه جاسوسی - سیل جریان شهادت طلب به حبسه‌ها و دفع تجاوز - قیام مردم در روز جهانی قدس ۶۴ - بالاخره در گرد و اسلام آباد و آخرین در مشایعت از امام . اگر واقعه نتیجه‌گیری و درس‌گیری درستی از این قیام‌ها نکنیم . یعنی اراده مردم را برآور نکنیم ، خدا "سواغ اشتغال" را بر اربابانگان نمبرویم و در حل معضلات انقلاب از فرمول‌های انقلابی و سبجی استفاده می‌کنیم در غیر این صورت پیش‌بینی چرخش به سمت غرب تحقیق یافته و آغاز تلخی خواهد بود سرپایان گرفتن ده سال مقاومت

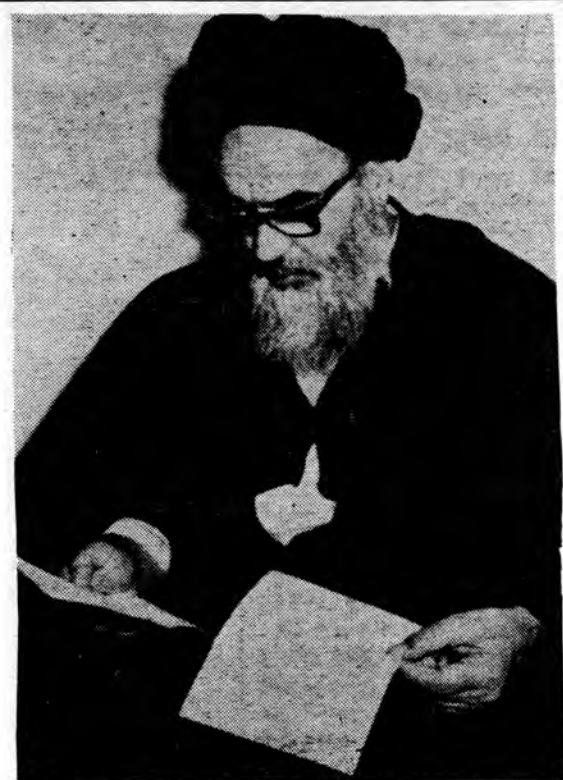
**درس دوم :** قبل از یزیدیشش قطعنامه تصور میشد که مردم حنیگرا نمی‌کشند . لذا باید احکام شورای امنیت را پذیرفت (موقت یا دائمی) ولی مقاومت دلیرانه مردم در گرد و اسلام آباد دفع تجاوز مردمی از صدام - رجوی اشتباه آن تحلیل را مشخص کرد .

ولی در جریان درگذشت امام خمینی گفته شد میخواستم چند روز قوت امام را دیرتر اعلام کنیم تا مسئله رهبری حل شود . در طایفه این قیام مردمی مشایعت بود که به نظام جمهوری ثبات و آرامش بخشید . البته بعداً همین امر محور تبلیغات شد .

ورود امام به ایران با استقبال چشمگیر مردمی رویش و مشایعت از ایشان هم‌همان حالت را تداعی کرد . گزارش‌هایی که در مطبوعات خواندیم و از صدا و سماعلاظه کردیم ، همگی گوشه‌ای از این قیام مردمی را توصیف کردند ولی همگان ادعان داشتند که بیان آن حالت وصف‌ناپذیر است . حالت نال و ناله و آشوب‌های طبیعی جاری شده را فقط با حضور در آن صحنه می‌توانستیم مشاهده کنیم . در این نوشته سعی ما بر این است که از این قیام مردمی درس‌هایی برای حل معضلات انقلاب و نظام جمهوری بگیریم :

**درس اول :** در زمان حیات امام را دیوهای بیگانه و جناح‌هایی در داخل پیش‌بینی میکردند که درگذشت امام خمینی نقطه عطف یا چرخش خواهد بود . در پیرویه مقاومت انقلاب اسلامی در برابر توطئه‌های غرب همچون پیش‌بینی میکردند که آن موقع دلار از آنتر و یونیدبا غرب بیشتر خواهد شد .

در تحلیل آنها این مشایعت چشمگیر مردم پیش‌بینی نشده بود . دیدیم که مردم از آرمان‌های امام حمایت کردند . اصولاً هر وقت رشدی و مقاومتی در داخل در مقابل غرب بوجود آمد غرب نومیدتر و توطئه‌ها افزایش یافته و دلار گرانتر میشود .



در عبرت آموزی باید توجه داشت که خط امام "خط امام و امت" است و هرکاری که بدون گذار از درون مردم ، از راه میان بروییم و با حذف مردم بیش برودیه شکست منجر خواهد شد .

### درس سوم :

در جامعه ماعمدتا "دوینش و لدا دوخط مشی نیست به "مردم" وجود دارد بینش اول معتقد است که : مردم فطرتاً "حق جو" و "عدل طلب" و "ضداللم" و "آزادمنش" هستند (( پرتوی از قرآن مرحوم طالقانی "آیه شماره ۱۵۰ سوره بقره فلاتخشوهم و اخشونی )) بینش دوم که بینش آمار است "مردم" را در آراء و نظرات عامه مردم خلاصه می‌کنند که ممکن است این اکثریت در مقاطعی برخلاف روند تاریخ و خلاف قرآن هم باشند .

بینش اول از یکطرف ما را از آفت عوام زدگی و جودزدگی مصون نگه داشته و ثانیاً موجب میشود ترس از اکثریت دشمن را به دل راه ندهیم . ثالثاً این بینش ما را از تن دادن به لیبرالسم یعنی بی‌جهتی در تاریخ نجات میدهد . رابعاً ما را متعهد به تبعیت از ملت می‌کند که یا بپند و متعبد به قرآن و سنت هستند . بینش دوم ما را تابع اکثریت و وضع موجود می‌کند . و اما در رابطه با مشایعت مردمی

از امام تعجب ما این است که چرا صاحبان  
بینش دوم که مردم را در آراء و تجمیع  
اکثریت خلاصه می کنند، برای اساس  
ملاکها و معیارهای خود انقلاب و مردم را  
پذیرا نیستند و یا بدرا اساس ملاکهای  
خود تجدیدنظر نموده و معتقد شده اند که  
بشت کردن یا روی آوردن عامه مردم به  
کسی دلیل و حجتی نیست و یا بدید  
حق مستقلا" چیست و باطل کدام است .  
بهر حال این تجدیدنظر هم نوعی تبعیت  
از مکتب انقلاب است حفظ اختلاف در -  
مصادق حق و باطل میشود . البته ناگفته  
نماند که جمعیت زیادی از بینش دوم  
نسبت به انقلاب و مردم تغییر عقیده  
داده اند . اینها قبلا" امام را فاقد  
پایگاه مردمی می دانستند در حالیکه  
حالا معتقد شده اند که ایشان از پایگاه  
مردمی و وسیعی برخوردار بوده اند . در  
برگزیده نظرات و آراء مردم بوده اند .  
نیروهای ملت گرای ما با ید توجه داشته  
باشند که ملت ما همین ها هستند با فرهنگ  
و عقایدشان و اگر تحولی هم بخواهند  
صورت دهند با ید با صبر و حوصله تکیه به  
همین ها باشد . مگر میشود مردمی از خارج  
وارد کرد و جایگزین اینها کرد .

#### درس چهارم :

این قیام ثابت کرد که ملت  
ایران امت خوب و قدرشناسی هستند و  
با گذشت ده سال شور و هیجان نشان نسبت  
به انقلاب کم نشده و همواره بیشتر هم شده  
است و نیا زمند رهبران و مسئولین  
هستند که نیا ز دل آنها را درک کنند و  
و بتوانند آنها را بسوی تحقق آرزوهای  
فطری و قلبی شان پیش ببرند این پدیده  
تشدید نیا ز به ظهور هدایتگر کامل و مهدی  
موعود را نشان می دهد و امید ما به ظهور  
هر چه سویعتر آن حضرت تقویت می نماید .

#### انگیزه مردم از شرکت در مشایعت امام

در پایان این نوشته انگیزه حضور مردم  
در مشایعت از امام را می آوریم . قابل  
تذکر است که تمامی این انگیزه ها در  
برخورد با مردم شنیده شده و بدست آمده  
است . می گفتند به این دلیل در تشییع  
حنا زه شرکت کرده ایم که :

## این قیام ثابت کرد که ملت ایران امت خوب و قدرشناسی هستند و با گذشت ده سال، شور و هیجان نشان کم نشده و بیشتر هم شده است و نیا زمند رهبران و مسئولینی هستند که نیا ز دل آنها را درک کنند .

۱ - امام پس از ۱۳۰۰ سال به  
مردم مسلمان ایران غرور و هویت اسلامی  
بخشید و مفتخر شدیم که پس از پیاپی مبر  
اکرم حکومت اسلامی تشکیل دهیم .  
۲ - امام خمینی افتخار زمینه  
سازی ظهور امام زمان (عج) به ملت  
ما داد و بدین لحاظ به ملت ما عظمت  
بخشید .

۳ - همان شعاری که مردم برای  
مرحوم طالقانی دادند و گفتند که ای  
نایب پیغمبر ما جای تو خالی ، امام هم  
سعی داشتند همه کارها ئی که پیاپی مبر  
کرد در مرتبه خود انجام دهد .

۴ - امام در برابر برادران و  
مظلوم بود .

۵ - حضور در مطی برای وداع با  
امام در حقیقت وداع با انقلابی بود  
که با آن ما نوس بودم

۶ - امام هم یک مرد روحانی  
بود هم مبارز ، هم زندان رفته و تبعید  
شده و هم مرجع تقلید و رهبرانقلاب .

۷ - امام هویت ملی ایرانی ه  
را بهتر از هر رهبر ملی حفظ کرد مملکت  
را از تجزیه طلبی در کردستان ، گنبد و  
خوزستان نجات داد و با قدرت کامل از  
صدام و رجوی دفع تجاوز کرد .

۸ - امام به ما رفاه و امنیت و . .  
نداد ولی ده سال در برابر غرب مقاومت  
کرد و به فشا رهای آنها تن نداد .

۹ - علیرغم اینکه با امام  
اختلاف فکری دارم ولی نسبت او پاک  
بود و برای خدا کار میکرد .

۱۰ - قبل از فوت امام ناراضی  
بودم و ناراضی ها را از جانب امام  
می دیدم ولی پس از فقدان امام ، امام  
را در مجموع دیدم که مثبت بود .

۱۱ - امام یک عمر زحمت کشید  
درس خواند ، کتاب نوشت و درس داد . -  
درس خواندن کار سختی است .

۱۲ - امام به قرآن و سنت علاقه  
داشت و عمرش را در این راه و برای پیاده  
کردن قرآن و سنت ائمه اطهار علیهم  
السلام صرف کرد .

۱۳ - برای ارزیابی هواداران -  
امام شرکت کردم ، گرچه با وی مخالف  
بودم .

۱۴ - امام ملت را نظامی کرد ،  
ارتش زمی ما را رزمی کرد و نگذاشت  
حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ تکرار شود ،  
که هم عوارض جنگ و ورود متفقین به  
ایران را تحمل کردیم و هم جوانان  
ترسو با رآمدند .

۱۵ - گرچه من مخالف خیلی کا را  
بودم ولی امام ملت را سیاسی کرد ،  
ملت ما را احیاء کردند نفس سیاسی کردن  
ملت کار بزرگی بود .

۱۶ - من از عملکردهای مسئولین  
ناراضی بودم نه از اصل انقلاب و تشییع  
جنازه امام حمایت از آرمانها و اصول  
انقلاب است .

۱۷ - برای این شرکت کردم که  
بینم چه میشود و یک ارزیابی از وضع  
آینده مملکت بدست آورم .

۱۸ - حق شناسی و قدرشناسی از  
کارهایی که امام در طول این ده سال  
انجام دادند .

# مصاحبه



## اشاره

در زمستان ۶۷ روزنامه کیهان  
مصاحبه‌ای با برادر لطف‌الله میثمی بعمل  
آورد و طی آن نظریات ایشان را درباره ۳  
سؤال زیر جویا شد:

- ۱- نقش احزاب و گروهها در تعادل  
سیاسی جامعه و نحوه تحقق قانون احزاب
- ۲- علل تشکیلات گریزی در ایران
- ۳- نحوه تحقق آزادیها و حدود آن و  
قانون احزاب.

بنظر رسید از آنجا که مطالب و محورهای  
 مطرح شده در این مصاحبه بنظر ما برای ثبات  
 انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مفید بوده و  
 موضوع بحث مورد نیاز نیروهای انقلاب  
 است، لذا بر آن شدیم که متن مصاحبه را  
 در نشریه راه مجاهدین و ریم با شد که گامی  
 در جهت ثبات انقلاب و نظام برداشته باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

## ۱ - حریت و تعادل سیاسی جامعه

در ابتداء، مطلب مهم اینکه بحث  
 " دادن یا ندادن آزادی " هیچ ضرورتی  
 ندارد زیرا این مسأله از اصول بدیهی و از  
 شعارهای اساسی انقلاب بوده که بکرات در  
 قانون اساسی هم مورد تاکید قرار گرفته  
 است. لذا امروز بحث بر سر تحقق آزادیهاست  
 که چگونه آزادیها را پیاده کنیم و نقش احزاب  
 و گروهها در تعادل سیاسی جامعه چیست؟ و رمز  
 تشکیلات گریزی و عدم موفقیت بعضی از  
 احزاب چه بوده است؟ البته پاره‌ای احزاب  
 هم موفق بوده اند که به رمز موفقیت آنها  
 اشاره میشود.

طال برای ورود و ادامه بحث چند مطلب  
 اساسی را به اجمال توضیح میدهم:  
 مطلب اول شکاف بین مفهوم حریت و فرق  
 آن با آزادی غربی است. حریت که در فارسی  
 آزادی ترجمه شده، جوهر آن، بندگی خدا و

عدم بندگی غیر از خداست. زیرا وقتی که غیر  
 از خدا را بنده نباشیم طبعاً "خط مشی عدم  
 بیعت با یزید و یزیدیان زمان و ابرقدرتهای  
 فعلی را نیز بدنبال خواهد داشت و همچنین  
 از تشکیل و پیدایش "باند" در یک حزب  
 گروه هم سمانعت میشود. یک انسان آزاد  
 خوی از ابرقدرتها، امپریالیسم، دستهای  
 مرموز و شیوه‌های رعب و تهدید آمیزشان بدل  
 راه نمیدهد. اما من نیز بارها گفته‌ام که این  
 انقلاب باعث شده خوف ما از ابرقدرتها  
 بریزد چرا که وقتی قدرتی بالاتر از قدرت خدا  
 قرار ندهیم، فقط بنده و یا شیم، دیگر به  
 نوکرا جنبی و ابرقدرتها تبدیل نمی‌شویم.  
 آزادی در همین کادر حریت، یعنی درگیری  
 و مبارزه با امپریالیسم و ابرقدرتها و  
 جلوگیری از هرگونه ظلم و استبداد و وابستگی  
 در داخل مفهوم پیدا میکند. آزادی در غیر  
 از این کادر تعادل جامعه را بهم می‌زند.  
 اگر حزب یا گروهی شعار آزادی را بدون مبارزه  
 با امپریالیسم و ابرقدرتها مطرح کند، این  
 همان "آزادی" میشود که "جرج بوش" در  
 سمت معلون ریگان، در نیکا را گوته مطرح  
 میکند. جرج بوش در نیکا را گوته اصرار به  
 آزادی احزاب مخالف یعنی احزابی که در  
 خط اقتصاد آزاد هستند، دارد. اصولاً آزادی  
 در کادر عدالت مفهوم پیدا میکند و حزب یا  
 گروهی که به آزادی بدون عدالت معتقد  
 باشد، موجب برهم زدن تعادل جامعه  
 میشود. زیرا که اراده خداوند بر عدل است  
 عدل الهی مقدم بر هر چیزی حتی احکام  
 است و بر آزادی هم مقدم است.

تعادل معنی میانه روی هم میدهد ولی  
 عدل اینطور نیست و اگر اصطلاح تعادل را -  
 بکار می‌بریم منظور همان عدل است. در اینجا  
 وقتی از عدالت صحبت میشود، منظور عدل  
 میانگین غربی و یا عدل مساوات نیست.  
 بلکه منظور عدل الهی است که هر چیزی را  
 درست سوحای طبیعی خودش قرار میدهد. آدم  
 صالح و ناصالح را در حای واقعی خودشان قرار  
 میدهد. از دل عدل الهی، مبارزه و حریت  
 در می‌آید ولی از دل آزادی غربی عدالت

مصاحبه چاپ نشده کیهان با مهندس لطف‌الله میثمی

در نمی‌آید. ریشه تاریخی و انحراف برخی  
 از احزاب و گروهها در ایران این بوده است  
 که به عدل الهی وجهت تاریخ توجه نکرده و  
 صرفاً "شعار آزادی و یا عدالت اجتماعی"،  
 آنهم به مفهوم شرقی و یا غربی آن، داده -  
 اند.

## ۲ - حریت و مبارزه با گروه‌گرائی و بانندبازی

حریت باعث میشود که حتی با روابط  
 نا سالم درون گروهی نیز درگیر شویم و این  
 با آزادی بیان و یا آزادیهای غربی تفاوت  
 دارد. این حریت است که میتواند ترس از غیر  
 خدا را زایل سازد، بطوریکه فرد حتی با  
 روابط نا سالم درون گروهی نیز درگیر شود.  
 و این خیلی مهم است. معمولاً در درون -  
 گروهها و احزاب، پاره‌ای روابط عاطفی  
 بوجود می‌آید. بعنوان مثال یک فرد شیوه‌ای  
 غیر اسلامی بکار می‌برد و فرد دیگر در مقابل آن  
 سکوت مینماید، در عوض شیوه‌های غیر اسلامی  
 خود او هم نادیده انگاشته میشود. این دو  
 تلویط " یک باند در درون تشکیلات میشوند.  
 یکی از موارد موفق نبودن برخی احزاب  
 و گروهها همین است که انتقادات دیده  
 نمیشود، ضرب المثلی است معروف که یک  
 سوزن بخود بزنی و جوالدوزی به دیگران  
 ولی گاهی دیده شده که روابط عاطفی درون  
 گروهی بحدی است که حتی یک سوزن هم از  
 خود انتقاد نمی‌کنیم اینجا است که مردم  
 عدل طلب ماچندان استقبال از احزاب  
 و گروهها ننموده و احزاب بصورت مجموعه،  
 بسته یا جدای از مردم در می‌آیند و قاعد  
 نیستند که با طرف عدل الهی سوق داده  
 و متعادل نمایند.

شعار دموکراسی میدهم ولی عنصر  
 دموکراسی را در درون خود دوستانمان پیاده  
 نمی‌کنیم و حتی انتقادات دیگران را به  
 اعضاء خود نمی‌گوئیم، یا وقتی کسی بمانتقاد  
 دارد او را رها کرده و با طیف طرفدار خود کار





## ● این حریت است که میتواند ترس از غیر خدا را زایل سازد بطوریکه فرد حتی با روابط ناسالم درون گروهی نیز درگیر شود و این خیلی مهم است

کرده و روی آنها نیرو میگذارد و تدریجا " قدرت حاصل عقاید مخالف را از دست داده و - گروه گرا و خود محور می شویم .  
بنظر من بهمین علت است که احزاب و گروهها در ابتدای تاسیس خود مترقی بوده ولی تدریجا "افول" مینمایند و بنظر میرسد تنها راه مقابله با آن تقویت حریت یعنی " ترس از خدا " ولاغیر باشد .

### ۳ - حریت و مبارزه با دیکتاتوری

#### مبانی

مطلب دیگری که به تعادل سیاسی جامعه کمک میکند و ریشه عدم موفقیت برخی احزاب هم هست ، اینست که هر حزب و یا گروهی معمولاً با یک مجموعه ایدئولوژیک سیاسی و آموزشی هویت پیدا میکند و نمی تواند احزاب و گروهها را از مبنای آموزشی شان جدا نمود . اگر این مبانی و آموزشها غلط باشد طبقاً به نوعی دیکتاتوری و حتی فاشیسم منجر میشود ، که رهبر حزب یا گروه هم نمی فهمد تا خود آگاه دیکتاتور شده است و اگر بین مردم منزوی شود ، انزوای خود را به حساب پایداری در عقیده و مقاومت میگذارد و به روی آوردن و پشت کردن مردم عدل طلب توجهی ندارد . در طلیکه همیشه دم از مردم میزد ، اینجا به آنها پشت کرده ولی مردم این عدم انجام و تعادل را درک نمی کنند .

از آنجا که گروه از جاده عدل و انصاف خارج میشود ، لذا چنین گروهی قادر نیست جامعه منتهی ما را متعادل کند . اگر فردی آن مبانی را در یک تشکیلات قبول نکند ، اخراجش می کنند ، و آزادی فقط در آن - مفاهیمی که بین خودشان وضع شده وجود دارد . اما اگر یکی به آن مبانی ایستاد بگیرد و طردش می کنند . اینست که باید به این مطلب ظریف هم توجه داشت که در آزادی -

غربی هم همین دیکتاتوری مبانی وجود دارد هم در آمریکا هم در اروپا اگر یکی در مبانی شان شک کند و علیه آن مبانی دست به اقدام بزند با او برخورد قهرآمیزی می کنند . اگر ارکان تمدن غرب و بعنوان مثال فلسفه و منطق یونانی ارسطو را نپذیرفتی همه چیز بهم میریزد . در حوزه های علمیه و مراکز پذیرش جمهوری اسلامی نیز ملاک قبول بدیهیات اولیه ارسطوئی می باشد که در صورت نپذیرفتن طرد شده و پذیرفته نمی گردد . طبق قانونی که در آلمان غربی تصویب شده اگر کسی گرایش ضد صهیونیسم داشته باشد ، از داشتن شغل در نظام کشور محروم است . یعنی آزادی در یک کار خاص از مبانی خاص قبول شده ، لذا آزادی غربی یک آزادی قراردادی می باشد . یکسوی مبانی غلط را بدیهی گرفته کسه نمی توان در آنها شک نمود ، در طلیکه دم از آزادی می زنند ، فاشیسم پنهانی در آنها وجود دارد ، ولی حریت یعنی آزادی با حریت حتی علیه آن مبانی غلط هم می توان قیام کرد .

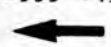
در وضعیت فعلی جامعه ما هر حزب و گروهی مجموعه آموزشی خاصی را تحویز و تبلیغ میکند و حتی در کتابفروشی های خود زنگاشت کتب دیگر متفکرین امتناع می ورزد . در برخی از کتابفروشیهای منتسب به حوزه علمیه ، کتاب پرتوی از قرآن را که مورد تایید امام امت نیز هست نمی فروشند . . . . . اینجاست که نمی توان گامی در جهت تعادل جامعه برداشت . حریت موجب میشود که در درون یک گروه هم مبارزه ایدئولوژیک وجود داشته باشد و تا " در بدیهی ترین مبانی نظری هم تجدید نظر شود تا سلامت حزب یا گروه تامین گردد .

۴ - تقویت ارتباطات بین عناصر منصف و صادقان تعادل جامعه و آزادی هاست .

مطلب دیگر ، اگر ما به مفهوم عمیق حریت معتقد باشیم باید آزادی را کسب کنیم و با موانع آن درگیر شویم و وقتی آزادی را می چشم باید آن را حفظ کنیم که مهمترین قسمت آن ، همان حفظ آزادیهاست و حفظ آزادیها هم امکان ندارد مگر اینکه ارتباط نیروی انقلابی و صادق عمیق تر شده و گسترش یابد همین ارتباطات افراد صادق بدون توجه یا صالت دادن به طرز تفکر آنها پشتوانه آزادی است . یک عده می گویند تا آزادی نباشد هیچ کاری نمیشود کرد ، نظر من خلاف این است . حتی اوج خفقان و فاشیسم هم می توان به یک سری اعمال صالح دست زد که اساساً موجب تبلیغ و فراگیری اندیشه های انقلابی گردد مثلاً " در دوران خفقان شاه عمل صالحی که از طرف مجاهدین میشد حتی خود رژیم هم مجبور بود که آن را تبلیغ کند پس در اوج - خفقان هم میتوان ارتباط داشت و دست به عمل صالح زد . نمونه ای از عمل صالح اینست که زیر شکنجه های ساواک یکی آنقدر مقاومت میکرد و هیچ چیز و هیچ کس را الو نمی داد ، در عین حال طوری برخورد میکرد که حتی میتوانست دوستش را ببیند و ملاقات را در بیاورد و از این طریق با دوستانش ارتباط می گرفت . پس این توجهی درستی نیست که در شرایط خفقان نمیشود کار کرد یا ارتباط داشت . البته تا کنون روال بر این بوده که جریانی مقاومت میکرد و وقتی در اثر این مقاومتها جومی شکسته سوکله میوه چینی پیدا می شده که از امکانات سازماندهی هم برخوردار هستند و قبل از آن شعار میدادند تا آزادی ندهند نمیشود کار کرد .

### فرق بین میوه چینی و مقاومت

آزادی کسب کردنی است اما باید برای حفظ آن نیز مبارزه کرد . ما بعد از پیروزی





● شعار دموکراسی می دهیم ولی عنصر دموکراسی را در درون خود و دوستانمان پیاده نمی کنیم حتی انتقادات دیگران را به اعضا خود نمی گوئیم ، یا وقتی کسی بمانتقاد دارد او را رها کرده و با طیف طرفدار خود کار کرده و روی آنها نیرو می گذاریم و تدریجا قدرت تحمل عقاید مخالف خود را از دست داده و گروه گرا و خود محور میشویم .

و بعد از خدا مهلت می خواهد و خداوند می فرماید: "انک من المنظرین" - تو از مهلت یافتگانی - یعنی با اینکه شیطان دشمن قسم خورده خداست ولی خدا به او مهلت می دهد و او را از دست می گذارد برای اینکه خدا قائم بالذات است. از این رو قرآن که مفهوم عمیق حریت را مطرح می کند هیچ وقت با آزادی و آزادی مخالف نیست. اتفاقاً حریتی که قرآن مطرح می کند باعث می شود که آزادی کسب شود. از سوی دیگر این حرفها که خداوند به شیطان می زند برای ما هم باید الگو بشود. "ما اگر اعتراف بدین فسق و ثبات و آراش داشته باشیم و بخودمان شک نداشته باشیم و دیگران را که با او راه سلامی داشته باشیم که تاریخ دارای جهت بوده و جهتش هم سوا رشد و گسترش جامعه توحیدی امام زمان است و هیچ نیروئی نمیتواند جلوی این حرکت بایستد، از آزادی مخالفین هراسی نخواهیم داشت. و این بی هراسی همان تعادل جامعه است. لذا فردی که به قرآن جهت تاریخ ایمان داشته باشد هیچگاه از آزاد گذاشتن دیگری وحشت ندارد". دیگر نمی گوید اگر فلان نیروها را آزاد بگذاریم حاکم میشوند، پدر در می آورند. در حالی که اینطور نیست یعنی کسی نمیتواند مانع جهت تاریخ شود، اگر بفرض چند صبا حی ترمز شوند جهت داری و سمت داری خلقت و تاریخ موجب نابودی اینها میشود. نتیجه گیری: برخی احزاب و گروهها، تعادل سیاسی جامعه را همان منتحه یا برآیند نیروها و گرایشهای مختلف میدانند هر کس رایش بیشتر، نیرویش بیشتر و در نتیجه حاکمیتش بیشتر است، خواه این نیرو حق باشد یا باطل. ولی بنظر من تعادل سیاسی وقتی بوجود می آید که نیروی حاکم در جهت عدل الهی جهت تاریخ گام بردارد. اگر جامعه در این راه سوق داده نشود از آنجا که توده ها خدا جو و عدل طلبند. این تعادل ناپایدار را بهم میزنند و تعادل پایدار را جایگزین آن می کنند در نهضت ملی

و این به دیکتاتوری و انحصار طلبی منجر میشود. البته بقای در این وصیتنامه مطرح کرده است که آزادی فراگیر تر از مذهب است یعنی ما که به آزادی معتقدیم به هر مذهبی احترام می گذاریم ولی مذهب به آزادیها احترام نمی گذارند. علت این تحلیل دکتربقا ئی اینست که او مذهب را در یکسوی احکام خشک بی چون و چرا خلاصه می کند در صورتیکه حقیقت توحید این نیست و قرآن این را نمی گوید.

وقتی توحید را بررسی می کنیم، امام حسین میگوید بنده دیگری مباش. خدا تورا آزاد فریده، یعنی بنده خدا باش دیگر زیر بار بر قدرت ها نرو. خدا و نند در قرآن میفرماید "وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون"، فلسفه خلقت عبادت خداست. و هیچ حکمی بالاتر از عبادت و بندگی خدا نیست. این مفهوم عمیق آزادی است هیچ وقت مذهب مانع آزادی نیست. و هر چه ایمان و بندگی مان نسبت به خدا بیشتر باشد. اتفاقاً "آزاد تر هستیم و بهتر می توانیم با موانع آزادی درگیر شویم، با دستهای مرموزی که در مراکز قضا ئی مانفوذ کرده اند و شیوه های غیرا سلامی مثل شلاق برای اعتراف را رایج کرده اند درگیر شویم. البته الحد لله آیت... منتظری با این شیوه های غیرا سلامی برخورد فعل دارند. این است که مذهب هیچ تضادی با آزادی ندارد. حضرت علی (ع) در دعای کمیل میفرماید "وانک قضیت علی عبداک بعدا تک و امرتهم بدعا تک"، یعنی تو ای خدا بندگان را بر بندگی خودت حکم کردی و امرشان کردی که تورا بطلبند، ملاحظه می کنیم در احکام اسلامی بالاترین حکم، کم بندگی خداست و بندگی خدا عین آزادی است. در داستان آدم و شیطان یک جاشیطان میگوید: "فبعزتک لاغویبنهم اجمعین الاعدادک منهم المخلصین" - ای خدا به عزت تو قسم که من همه بندگان را که همراه میکنم جز بندگان خالص شده ات را

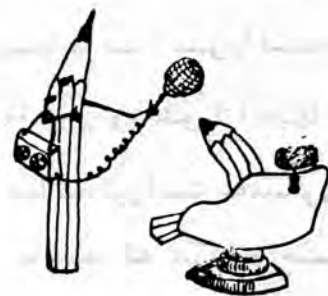
انقلاب عظیم مان، آزادیها ئی را که بدست آوردیم بخوبی حفظ نکردیم. و طلا دوباره این مسئله مطرح است که اگر آن بهر آزادی بوجود آمده چگونه آن را حفظ کنیم، در حالی که کسی نیامده این مسئله را بدرستی ریشه یابی کند که چطور شد آن بهر آزادی از بین رفت حال هر آزادی که بدست بیاید، مسلماً به آن عظمت نخواهد بود چون شرایط دیگری بوجود آمده است و حتی در احوال حاضر آزادی های نسبی موجود را باید بررسی کرد که چطور حفظ کنیم. بنظر من حفظ آزادی بدین ترتیب است که نیروهای انقلابی و صادق اعم از هر گروه و دسته (مرز نگذاریم، خط کشی نکنیم آنها ئی که صادق و دل سوزند و لوا ینگه در گروهی قرار دارند که مواضع آن گروه ایراد دارد) اینها ارتباطات خود را تعمیق نمایند و مسلطی را مطرح نکنند که مانعی در این راه بشود. این ارتباطات و مطلق و تقویت آن تضمینی است برای حفظ آزادی ها، یکی از موانعی که امروز در سوره بدست آوردن آزادی قرار دارد، بحث آزادی و مذهب است.

۵ - ایمان به رشد و جهت تاریخ موجب ثبات، آراش و تعادل سیاسی جامعه می گردد.

دکتربقا ئی از دستهای مرموز نهضت ملی و انقلاب اسلامی (که قصد من در اینجا صرفاً بررسی اعتقادات اعلام شده است) در وصیتنامه سیاسی اش به مسئولین و اعضای حزب زحمتکشان که منتشر شد بدین مضمون مطرح کرده که: "من عاشق آزادی هستم و شما عاشق مذهب، ولی من به مذهب شما احترام می گذارم چون عاشق آزادی ام ولی شما چون مذهبی هستید به آزادی احترام نمی گذارید". در ادامه صحبت وی میگوید که: "مذهب یک سوی احکام بی چون و چرا و خشک است که بشکل خشک هم باید اجرا شود



● وقتی کسی به ما انتقاد دارد او را رها کرده  
و با طیف طرفدار خود کار کرده و روی آنها  
نیرو میگذاریم تدریجا قدرت تحمل عقاید  
مخالف را از دست داده و گروه گرا و خود محور  
میشویم.



که مواضعشان مشخص میشود. بنظر من بزرگترین  
چیزی که نیروهای منحرف و ضد انقلاب را  
محدود میکند همین آزادیهاست، زیرا  
بسیاری از اینها مطلبی ندارند که ارائه  
دهند و پتانسیل انقلاب در ایران و منطقه  
بقدری بالاست که جواب آنها داده میشود.  
خوشبختانه در گروههای چپ مستقل،  
جمع بندی مثبتی پیدا شده و آن اینکه به  
این نتیجه رسیده اند که در مورد انقلاب اسلامی  
اشتباه کرده اند و با وجودیها آزادی -  
تطیل شان از انقلاب غلط بوده و خودشان  
موجب انزوای جریان چپ شده اند. لازم که  
معتقدند آلترنا تيو جمهوری اسلامی، یک  
جریان راست آمریکائی خواهد بود عده ای به  
حفظ جمهوری اسلامی علاقه مند شده اند اینها  
تا حدی به مظلومیت انقلاب و شدت توطئه ها  
علیه ما مرسیده اند و حاکمان با نصاب را رعایت  
کرده اند.

احزاب و گروهها را بنام گروهک میکوبند  
که درست نیست، هر جا را که دست بگذاری یک  
انحرافی بوده که نمی شود به کلیه گروهها  
نسبت داد. بنظر من گروههای قانونی موجب  
تعادل در جامعه میشوند به شرط اینکه  
مواضعشان اعلام شده تا طبیعتاً از طرف مردم  
حسابرسی شود و دیگر اینکه آزادی را در کنار  
عدالت مطرح کنند. گروههای فشار و باندها  
معمولاً در یک جامعه نامتعادل همه کاره  
هستند چون هیچ جامعه وضع اعلام نمی کنند و  
در هر شرایطی همچون حزب با دشمنان خود  
را تغییر می دهند، باندها همه جا هستند، جو  
می سازند، تحریک می کنند و مرموزانه عمل  
می کنند.

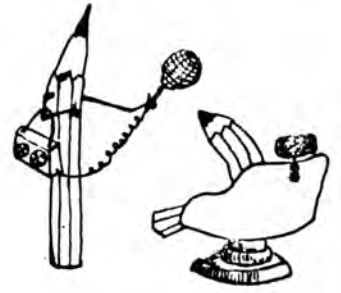
بنظر من در طول طریقی تحقق  
آزادیها و در ضمن، تعیین حدود آن بطوریکه  
حافظ مصالح انقلاب و سونوشت جنگ و بحران  
نه جنگ نه صلح یا صلح یا صلح باشد باید  
وزیر کشور همه ما بنظران صادق و دلسوز را  
بخواهد و یک قانون مشورتی تشکیل بدهد تا  
هر کس نظرش را آزادانه بگوید، بدون آنکه

همین بس که کنگره آمریکا ما را تایید  
شدن نفت، انگلیس می گفت ایران با ملی  
کردن نفت صلح جهانی را بخاطر نداشتن  
تعادل منطقه را برهم زده در طلیکه مرحوم  
مصدق میگفت بخاطر صلح جهانی نفت را ملی  
می کنیم. که البته تعادل ناپایدار را بهم  
زد و پیروزی ما موجب شد که منطقه بحرکت درآید.

۶ - نتیجه ضدیت با گروهها و احزاب  
سالم، تقویت بانداست.  
یک مطلبی که بعد از انقلاب باب شد این  
شعار مشکوک ضدیت با تشکیلات است که بدون  
دلیل با هر گروهی مخالف بودند، بنظر  
میرسد که بنی صدر هم درگسترش چنین خطی  
در جامعه نقش داشت وی در مدت اقامت خود  
در خارج در قیل از انقلاب هیچ وقت گروه  
تشکیل نمیداد اگر چه در همه گروهها دخالت  
میکرد و علتش هم این بود که او آدم مغروری  
بود. در طلیکه تشکیلات حساب و کتاب دارد،  
خصلتها حسابرسی میشود و زیر سؤال میرود، او  
هیچ وقت نمیخواست حسابرسی پس بدهد با  
همین روحیه شعار ضدیت با گروه را مطرح  
میکرد. در صورتیکه مجموعه روابطش یک باندا  
را بوجود میآورد همین دفترها مانگی یک  
گروه بود، بدون تشکل که نمی شد حرکت  
کرد. واقعیت اینست که گروهها و احزاب، یک  
آئین نامه و ضابطه ای دارند که به اعتبار آن  
آئین نامه و ضابطه ها و مواضع اعلام شده  
میشود از آنها حسابرسی کرد و به ماهیتشان  
پی برد چندی قبل حرکتی در تشکیلات رجوی  
بوجود آمد. اینها تمام مواضع  
گذشته او را در دادگاه شاه و ابتدای انقلاب  
مطرح کردند، و گفته بودند که در طول طضر  
مواضع تو ۱۸۰ درجه با گذشته فرق می کند  
ابتدای انقلاب وقتی که کنگره آمریکا به  
ایران در مورد اعدام القانیان اعتراض  
کرد رجوی گفته بود که افتخار برای انقلاب  
اسلامی همین بس که کنگره آمریکا با ما  
مخالف است. اما طلامی گوید افتخار ما

آن ۹ نفری که هواپیما را ربودند در عراق  
شکنجه شدند، شکنجه های آنها نقل زبان  
بود، طال چطور شده که رفتید با صدام شکنجه  
گروا بسته دست بیعت داده اید؟ یا حزب توده  
که خیانت های آن برای اعضای مشخص شده  
بر خلاف حزب های کمونیست جهان، چطور از  
درون پاشیدند تمام احزاب کمونیست در مقابل  
کودتا، مقاومت میکردند مثل عراق، جلوی  
کودتای بعثتها مقاومت کردند، در اندونزی  
همینطور، اما در ایران اصلاً حزب توده از  
درون متلاشی شده و جریان اصلی از درونش  
بیرون نیامد و علتش هم مبارزه مرحوم مصدق  
با حزب توده بود. و آن هم نه مبارزه شکلی،  
چون مصدق آزادی را به حاکمان رعایت  
کرد و در پراخ عده ای که معتقد به انزال و غیر  
قانونی بودن حزب توده بودند گفت، اینها  
اگر غیر قانونی بشوند مشروعیت پیدا می کنند  
در طلیکه هیچ منطقی ندارند و شعار انگلیسی  
یا شعار روسی خواهند داد و همین هم شد. اینها  
آمدند با شعار ملی شدن نفت در سوت سوایران  
مخالفت کردند. در قیام ۳۰ تیر هیچ موضع  
فعلی نداشتند و شواهدی هم هست که به  
قوام نزدیک می شدند، یا در برابر کودتای  
۲۸ مرداد هیچ موضع فعلی نگرفتند و تمام  
اعضای شان را به قرارهای ۴ ساعت دعوت  
کردند که مبادا خود بخودی به صحنه بیایند و  
علیه کودتا فعال شوند. بعد هم معلوم شد که  
اینها میگفتند بگذار کودتا شود تا ما ضد  
کودتا کنیم و باین ترتیب کودتا را تثبیت  
کردند. پس اگر آزادی باشد بهترین افشاء  
کننده خصلتها یا وابستگیهاست. رهبرانی  
که بنا به الم و وابسته باشند، در آزادیها ست





● در رابطه با زمان بندی اجرای قانون احزاب باید گفت عده ای معتقدند پس از پذیرش قطعنامه که انجام ضد امپریالیستی نظام جمهوری اسلامی کم شده اجرا این قانون و تحقق آزادیها در جهت تعدیل انقلاب و حاکم شدن جریانات میانه رواست نه مبارزه با امپریالیسم . تشکلهای باید هشدار باشند که در دام چنین دامی نیفتند .

رادیوهای بیگانه از این اختلاف آراء سو- استفاده کنند . مسلل اساسی مثل خودکامی استراتژی دفاع ، نفت ، ارتش ، سپاه ، زندانها مسا ئلی است که باید به آن توجه کرده البته خیلی ها رانمی شود در مطبوعات درج کرد .

پیشنهاد ما اینست که یک شخصیتی که از سعه صدر ثبات اید ثلوی یک بالائی برخوردار است و در رابطه با امام هم می باشد هم نیروها ئی را که تشخیص می دهند که دارای صداقت هستند چه در درون نظام و چه غیر آن حول خود جمع کرده و یک کانون قوی بمنظور مشاوره در مسلل فوق الذکر تشکیل بدهند . بنظر من جوهر اسلام اجتهاد است ، اجتهاد به مفهوم آزاد اندیشی ، نه بمفهوم لیبرالی ، آزاد اندیشی که انسان در سیر اندیشه اش ترسی جز از خدا نداشته باشد لذا چنین شخصیتی میتواند در این زمینه راهنما ئی های مطلوبی بنماید و پیشنهاد دیگر اینست که افراد مومن به انقلاب که مسئولیت اجرا ئی ندارند جمع شوند و مسلل و نظراتشان را مطرح کنند و نتیجه آن را به آقای نخست وزیر بدهند . این مسلل موجب رشد اجتهاد سیاسی و آزاد اندیشی و جلوگیری از خود سانسوری میشود . دیگر اینکه روی مسلل اصلی صحبت میشود ، بنا بر این باید یک کانون مشورتی ، که دستهای مرموز در آن نفوذ نداشته باشند مسلل اساسی را مطرح کنند اینکار همچنین موجب میشود نیروهای دلسوز ارتباط و انجام بیشتری داشته باشند و جلوی رشد نفاق گرفته شود . تطیلی یا دم آمد از شهید حنیف نژاد در رابطه با عدم موفقیت احزاب گذشته و رمز موفقیت حرکات آئنده ، ریشه یابی حنیف نژاد این بود که سوان احزاب گذشته هر وقت پای عمل خطرناکی می رسید خود را غلط و نوده های سلازمانی را به میدان میفرستادند بیشتر هم منظور سوان حزب توده بود که پس ز کودتای ۲۸ مرداد هیچکدامشان اعدام شدند . وی می گفت توده ها در رابطه با احزاب

به یک نوع ناباوری رسیده اند و ما بایستی کاری کنیم که در روان توده ها این تحلیل را تغییر دهیم . وی اضافه می کرد که در حرکت جدید بایستی رهبران در میدان خون و شهادت پیش از تر از توده های سلازمانی باشند و در عمل هم دیدیم همینطور شد . سلاواک ۹ نفر از رهبران را اعدام نمود که گرچه ضربه سختی بود ولی با ورمزد رانست به تشکل و تحزب عوض نمود و به همین دلیل مردم چه قبل و چه بعد از انقلاب بـــــــــــــــــــــــ سلازمانی که در خط خون و شهادت بودند روی آوردند ، اصولاً نمی توان گفت احزاب در گذشته نا موفق بوده اند ، تجربه نهضت ملی موفقیت بزرگی بود که مردم را به صحنه آورد و کمربیتانیا را در منطقه شکست و همچنین حرکت مجاهدین آنچنان جذبه ای داشت که حتی در سخت ترین شرایط پلیسی اکثر روطنیون مبارز و مسئولین فعلی نظام جمهوری یا با این حرکت ارتباط داشتند و یا آن را تایید می کردند ، برای موفقیت تشکیلاتی یک حزب یا یک مملکت این ملاک - خوبی است که ببینیم تا چه در رهبران و مسئولین در صف مقدم مبارزه و جنگ شرکت فعال دارند تا حدی که توده ها با و رکنند که ابزار نیستند .

سؤال شده بنظر شما وظیفه احزاب و گروهها و مطبوعات در شرایط کنونی چیست؟ گروهها و احزابی میتوانند نقش مثبت در رشد مردم در این شرایط داشته باشند که در خط انقلاب باشند ، یعنی بایستی ابتدا و بیژ گیهای انقلاب را بشکافند و به هم توطئه ها ئی را که بر علیه انقلاب صورت گرفته و میگیرند برای مردم توضیح دهند که سهم مهمی در رشد و آگاهی مردم دارند همین انتشار ساندانه جاسوسی ( گذشته از ترتیب انتشار آن ) بنظر من ، خودش بهترین دانش موجود ضد امپریالیستی است . احزاب و همچنین مطبوعات در شکافتن این مسلل میتوانند فعال تر باشند . یکی اینکه در موضع جهانی بایستی با کمپ دیوید و همه وجوهش یعنی

صهیونیسم و امپریالیسم و ارتجاع منطقه مبارزه بکنیم و اینها هم یک مجموعه منطقی ، فلسفی ، نظامی ، اقتصادی و اید ثلوی یک هستند . یک مجموعه کاملند که درهمه وجوه باید با اینها مبارزه کرد و کمپ دیوید هم بطور خرنده در منطقه و ایران کار می کند که آیت الله منتظری آن را کودتای خرنده نامیده اند هر روزی که میگذرد یکی از کشورهای از نفس می افتد یک روز مصر ، یک روز اردن ، یک روز تونس ، یک روز کنفرانس فاس مطرح میشود که همه اعراب میروند حتی سوریه و سلاف این ثبات کمپ دیویدی که در منطقه خرنده عمل میکنند در داخل هم تجلی اش کودتای خرنده است که از طریق دستهای مرموز انجام میشود . دستهای مرموز هم سلازمانی هستند که انقلاب ما را از درون می پوسانند . در وجه تشکیلات هم همه احزاب و گروهها مستقل از ضوابط خودشان بایستی با آدمهای صادق چه در درون و چه بیرون نظام ارتباط فعل داشته باشند تا توطئه های دستهای مرموز و مطربین افشاء شود . اگر احزاب و گروهها و وزارت کشور استراتژی مشخصی در رابطه با دستهای مرموز و شیوه های آنها نداشته باشند ، اجرای قانون احزاب موفقیت چندانی نخواهد داشت . شما ببینید در یک سال گذشته روزنامه کیهان را ورق بزنید ، چقدر بین سوان غرب ملاقات شده ، بین آمریکا و پاکستان ، آمریکا و ترکیه ، ترکیه و عربستان ، آمریکا و عربستان ، ترکیه و پاکستان ، روسای سازمان امنیت و ..... اما بین نیروهای انقلابی چقدر ملاقات هست بالاخره ما هم باید پی گیری این ارتباطات باشیم و حفظ آزادی ها را هم همین ارتباطات میتواند تضمین کند بدون این ارتباطات تجربیات سالهای اول انقلاب تکرار خواهد شد ، مطلب دیگر توطئه ایست که خواسته اند انقلاب اسلامی را از ریشه هایش جدا کنند ، انقلاب اسلامی در صدر اسلام ، در زمان امام حسین (ع) ، در زمان تمام ائمه ، در نهضت



# ● در طرابلس نیروهای انقلابی بجان هم افتادند و ۱۳۰۰ چریک بالفعل و بالقوه ضد صهیونیست شهید شدند و همچنین وقایع اخیر در بیروت و جنوب لبنان درس بزرگی است .



آزادی را در کا در عدل مطرح کنیم . عدل الهی ایجاب میکند که با ظلم مبارزه کنیم ، آزادی یعنی همین ، بنده دیگری مباش خدا تو را آزاد آفریده است . در رابطه با زمانبندی اجرای قانون احزاب باید گفت عده ای معتقدند پس از پذیرش قطعنامه که انجام مذا میریالیستی نظام جمهوری کم شده ، اجرای این قانون و تحقق آزادیها در جهت تعدیل انقلاب و احکام شدن جریانات میانه روست نه مبارزه با امپریالیسم . تشکلهای یادهوشیارا شناسکه در چنین دامی نیافتند .

مطلب مهمی که تذکر آن لازم است و اعتماد شهروندان را نسبت به قانون احزاب و آئین نامه احزابی تضمین مینماید این است که مسئولین امر باید تئوری معرفتی آزادیها را بیان کرده تا مردم تصور نکنند که این آزادیها یک ضرورت موقت ( تاکتیکی و استراتژیکی ) است و هر وقت شرایط اضطرار از بین رفت اجرای این قانون متوقف میشود . باید توجه داشت که فلسفه تشکیلات ضرورت موقت یا دائم استخراج نمیشود بلکه شکل و تجمع گامی است در جهت سرعت بخشیدن به ظهور حضرت مهدی (عج) و تشکیل جامعه قسط و عدل . اینطور گفته اند که چون جنگ تمام شده طاقوت اجرای قانون احزاب فرار سیده است . این نظریه تخریب و تشکیلات را تنها در زمان صلح قبول دارند در زمان بحران و جنگ ، که این دیدگاه درستی نسبت به تشکیلات نمی باشد و قانون احزاب را فراگیر نخواهد کرد . علاوه اگر در زمان جنگ هم اگر انتقادی به یک خط مشی غلط جنگی وارد باشد ، چگونه باید ابراز کرد ؟ بنظر میرسد دوزیر کشور در شرایط بحرانی جنگ بایستی با تشکلهای ارتباط برقرار کرده و مصلحت کشور را گوشزد نماید و نه اینکه در شرایط جنگ و بحران قانون احزاب تعطیل گردد .

مطلب دیگری که به اجرای کامل قانون بقیه در صفحه ۷۰

کند ، قطعات یدکی کا رخانه وارد کند ، کارهایش لنگ است ، بخش دولتی هم بدون ارز نفت نمی تواند کاری کند اینست که بخش دولتی و خصوصی هر دو به در آمدت محصول نفت وابسته اند و بایستی که محور مشترک هر دو شان خود کفائی و مبارزه با امپریالیسم ، مبارزه با کمپانیهای نفتی و آن قوه مدبره شیطانیه که این توطئهها را انجام میدهد که یک دفعه قیمت نفت را از ۳۰ دلار به ۵ دلار می رساند ، یک خانواده هم که فرض کنید با سه هزار تومان بخواهد زندگی کند بر نا مه ریزی می کند چقدر گریه ، چقدر صرف دار و چقدر صرف غذا ... ، حالا این ۳۰۰۰ تومان بشود ۵۰۰ تومان ، تضادهای خانوادگی شان رشد می کند تعادل بهم میخورد ، نقاش مطبوعات ، نقاش احزاب و گروهها اینست که با اراخه اخبار و تحویل های متعجم مردم را آرامش و تسلی بدهند تا این تضادهای ناراضی ها به حرکتی در جهت خواسته های امپریالیسم تبدیل نشوند . این تضادهای را حل کنند مشکلات مردم را حل کنند پیش از آنجه که به ناراضیهای محیط اطرافشان توجه دارند ، به مظلومیت انقلاب ببینند که توطئه های علیه آن بیش از دوره نهضت ملی است ، یعنی طوری نشود که فکر کنیم آلترناتیو ما هم و یا کس دیگری است . نه آلترناتیو شق دیگر ، یک استبداد کثیف آمریکا ئی خواهد بود که یک نفر آدم انقلابی را سالم نخواهد گذاشت ، خوب مطبوعات باید روی این زمینه کار کنند .

مثلا " روز عا شورا علی اصغر (ع) آت ب نداشت ، شیر نداشت ، اگر بگوئیم ناراضیها را یکی بسیج کند خوب از روز عا شورا هیچ مظلومیتی باقی نمی مانده ما ناراضی ، ما چون مردم به مظلومیت امام حسین (ع) اندیشیده اند نمیتوانند ناراضی ها را صبر کنند ، تحمل کنند ، طلال این مسئله مظلومیت نباشد ، خیلی این انقلاب را فلج می کند . حریت واقعا " اینست که با کمپ دیوید درگیر شویم با امپریالیسم درگیر شویم با اصطلاح

مشروطیت در قیام جنگل ، نهضت ملی ، قیام ۳۰ تیر ، در قیام ۱۵ خرداد ، در حرکتی که مرحوم طالقانی در مسجدها بیت شروع کرد و نهضت آزادی ، در حرکت مجاهدین ، حرکت شریعتی همه ریشه دار ده که اگر یکی یکی این ریشه ها را بزنیم دیگر چیزی از انقلاب نماند . یک تلاش ما هم باید این باشد که ریشه های انقلاب را نشان بدهیم که یکی از نتایجش بالارفتن وحدت نیروهاست برای اینکه اگر انقلاب بی ریشه شود و ریشه های انقلاب از آن جدا شود آنرا زود از زمین میبرند . دیگر اینکه از دو قطبی کردن کاذب انقلاب جلوگیری کنیم نگذاریم مثل طرابلس شود ، در طرابلس نیروهای انقلابی بجان هم افتادند و ۱۳۰۰ چریک بالقوه و بالفعل ضد صهیونیست شهید شدند همچنین وقایع اخیر در بیروت و جنوب لبنان درس بزرگی است . طالاجمع بندی کردند و فهمیدند که اشتباه کرده اند و باید مواظب باشیم در ایران خود نیروهای انقلابی بجان هم نیفتند و ما لشگری جیره و مواجب آمریکا نشویم .

بعنوان مثال دو قطب کاذب مثلا " بخش دولتی ، بخش خصوصی درست می کنند . ایست درست نیست که بگوئیم هر کسی دم از دولت زد کمونیستی است و هر کسی دم از غیر دولت زد کاپیتالیستی است در حالیکه اقتصاد دولتی در صدر اسلام بوده است . حضرت یوسف (ع) یک اقتصاد کلاما " دولتی داشتند منتهی دولتشان دولت کریمه بوده حضرت علی (ع) در راس حکومت بودند همه اقتصادشان بود ما نگوئیم اقتصاد دولتی کمونیستی است و از شرق و غرب الهام میگیرند بلکه ببینیم اگر دولت ، دولت انقلابی است میتواند تا جر خوبی هم باشد و کشا و رز خوبی هم باشد ، اگر غیر انقلابی است باید نارسائی های آنرا از بین ببریم تا این کار را بکند . مارک زدن درست نیست ، باز یک دو قطبی کاذب دیگر هست . بخش خصوصی ، بخش دولتی ، بخش خصوصی اگر ارز نفت نباشد که نمی تواند جنس وارد -

# اجتهاد مصطلح در

## حوزه ها

### برای حل معضلات انقلاب کافی نیست

انقلاب اسلامی ایران بناده سال فرازونشب کوله‌باری از تحریکات به همراه دارد که هم برای مسلمانان جهان و هم برای انقلابیون از هر مرز و مملکتی ارزشمند و قابل تاءمل است.

از موقعیکه نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت یعنی ایجاد حکومتی که میبایست بر اساس ایدئولوژی اسلام و ابسط و نهادهای خود را تاءسیس کند، جریان‌های مختلف اسلامی هر یک مدعی بودند که به پیش و طرز تفکر آنها باعث پیروزی انقلاب شده و پس از آنهم میتوانند راهگشای مشکلات و انقلاب باشد. گمان میکردند چنانچه امور انقلاب و نظام یکباره در اختیار آنها قرار گیرد ایران را به بهشت برین و مدینه فاضله تبدیل خواهند کرد.

اما در این ده سال بسیاری از این جریان‌های خود را در آزمایشگاه انقلاب آزمودند. ادعاهای در عمل ارزیابی شد. گرچه نمیتوان صرف عمل و تجربه را ملاک صحت و سقم دانست و ملاک ثابت و یاباری بر تر از آن وجود دارد، اما روند انقلاب اسلامی و نیازهای آن و عمل صالح هر زمان تا حدی میتواند زمینه برای برخورد و بررسیهای عمیق تر افکار و بینش‌ها باشد. تحولات انقلاب ما چنان بینش‌های مختلف را در برابر سؤالاتی قرار داده است و تناقض‌هایی را در بطن بینش‌ها نشان عریان نموده است که نمیتوانند از کنار آن بگذرند و همین میتواند موجبات رشد و تعالی پیروان این بینش‌ها را فراهم آورد.

### بینش فقهی مصطلح با فقه عبادی فردی

یکی از این جریان‌ها ما حبان بینشی هستند که معتقدند حوزه‌های علمیه موجب انقلاب بوده و بعد از پیروزی بایستی فقه رایج و احکام رساله‌های عملیه محور مسائل و برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد. اینها می‌گفتند: امام خمینی خود جزئی از کل روحانیت،

است و بدلیل روحانی بودن رهبر انقلاب شد و توانست پیروز شود و شاه را بیرون کند. لذا انقلاب مدیون روحانیت است. این تفکر علت ضربه خوردن نهضت‌های گذشته (مثل مشروطه - نهضت ملی نفت - یا سازمان مجاهدین و...) را در این خلاصه می‌کند که در آن نهضت‌ها یا روحانیت را راس نبوده و یا با روحانیت، بدبر خورده اند و لذا به پیروزی نرسیده اند.

ما حبان این بینش عمده حبل سبتشان روی احکام فردی عبادی اسلام است. با رژیم شاهنشاهی بطور بنیادی مخالف نبودند بلکه در مواردی که رژیم بطور آشکار احکام فقهی را نقض میکرد تضاد پیدا میکردند. مثلاً در مورد مشروب خواری بی حجابی، پخش موسیقی و یا توهین به روحانیت و مقدسات مذهبی ناراضی بودند و برخا "اعتراضاتی هم میکردند و یا بعنوان تقیه در همین موارد هم سکوت اختیار می نمودند. هم اکنون نیز از همین موضع با خط امام درمی افتند.

در قضیه ۱۵ خرداد بیشتر بخاطر شرکت زنان در انتخابات، یا اصلاحات رضی و بعد از زداشت یک شخصیت روحانی مثل امام خمینی و توهین به حوزه‌های علمیه و روحانیت با رژیم شاه مخالفت ورزیدند نه مسئله کابیتولاسیون و خط وابستگی رژیم که بعداً امام خمینی روی آن دست گذاشت.

انتقادشان به مجاهدین زمان شاه نیز از همین موضع بود. مثلاً اینکه چرا زن را در مبارزه شرکت میدهند، یا توجه به اینکه حفظ جان واجب است در موارد لازم تقیه نمی‌کنند، خودکشی حرام است ولی آنها برای اینکه دست پلیس نیفتند دست

به این کار میزنند یا می‌گفتند چون پلیس در زندان نمی‌گذارد نماز و روزه را درست انجام دادند یا یکدکری کرد که به زندان رفت و از این قبیل مسائل. این طرز تفکر در خلائی که بعد از ضربه سال ۵۴ مجاهدین بوجود آمد تا حدی قوت گرفت. می‌گفتند علت اصلی انحراف مجاهدین این بوده است که روحانیت بر سازمان آنها نظارت نداشته و آنها مستقل از روحانیت عمل کرده اند لذا منحرف شده اند. لذا فقط گروه‌هایی اسلامی هستند و سالم می‌مانند و منحرف نمی‌شوند که با روحانیت در تماس باشند و از روحانیت الهام بگیرند. به عبارت دیگر می‌گفتند باید کارهایشان را از فقه اسلامی الهام بگیرند و آنهم در اختیار روحانی است. تسبب آنها از انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی این بود که امام خمینی بدلیل مرجع تقلید بودن صلاحیت رهبری دارد. و چون چنین رهبری در صدر حرکت است و مراجع دیگر هم تاءیید می‌کنند لذا انقلاب اسلامی است و بایستی مسعود حمایت قرار گیرد. می‌گفتند امام خمینی هم حزبی از کل حوزه است و در واقع انقلاب از حوزه درآمد است و طبعاً "بایستی در خط حوزه و رساله و فقه رایج عمل کند البته اگرچه رهبری امام خمینی را تاءیید می‌کردند ولی با بسیاری مواضع ایشان منحلله دعوت به قیام و درگیری با رژیم شاه اختلاف نظر داشتند و از "خونریزی را غیر شرعی دانسته و مردم را دعوت به آرامش و راه حل سیاسی می‌کردند.

در ابتدای انقلاب که هنوز با قیامانده های رژیم سلطنت فعال بودند عمده تلاششان این بود که موسیقی از رادیو



وتلویزیون قطع گردد، از بی حسابی  
بشدت جلوگیری شود زیرا در ادا رات و -  
اجتماعات حضور نیا بند و کلا " احکام رساله ها  
و فتاوی مراجع ملاک قانون گذاری  
و بر نامه های مملکتی باشد، در همین  
را ستا مصا دره اموال و طرح تقسیم زمین  
بندج و روابط با بلوک شرق و آزادی -  
احزاب و گروه ها و... را غیر شرعی  
می دانستند.

این تفکر که بایستی فقه رایج حوزه ها  
ملاک عمل برای نظام و انقلاب باشد کم و  
بیش و با شدت و ضعفش در نهادهای انقلاب  
و مبارزین نیز وجود داشت و دارد، یا بهتر  
بگوئیم تبیین اسلامی و انسجامی که در  
مقابل آن، تئوزی دیگری را مطرح  
کنند مشخصا " وجود نداشت. مسئله ولایت  
فقیه و فقه حکومتی هم ابعادش شکافته  
نشده و بصورت یک سیستم مستقل ارائه  
نشده بود لذا ولایت فقیه را بیشتر  
ولایت فقه آنهم فقه مطمح رایج در  
حوزه ها بدون هیچ تحولی معنی میکردند.  
در این همسال جمهوری اسلامی و  
خصوصا سال آخر و چند ماه اخیر مسئله  
بوقوع پیوست که این طرز تفکر را در -  
برابر سئوالاتی قرار داد که لزوم تجدید  
نظر در این دیدگاه را مطرح می کنند:

## ۱ - نظرات مسئولین انقلاب در باره فقه رایج.

الف - امام خمینی چندین بار  
صراحتا " مطرح کردند که فقه رایج در حوزه ها  
توان حل مسئله انقلاب را ندارد. در  
نامه ای که " منشور برادری " نام  
گرفت می نویسند:  
" همین جا است که اجتهاد مطمح  
در حوزه ها کافی نمی باشد، بلکه فرد  
اگر علم در علوم معهود حوزه ها هم باشد  
ولی نتواند مصلحت جامع را تشخیص  
دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از  
افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در  
زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح  
و قدرتی تصمیم گیری باشد این فرد در  
مسئله اجتماعی و حکومتی محتهد نیست  
و نمی تواند در مام جامع را بدست بگیرد."  
در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۱ طی نامه ای

به شورای تشخیص مصلحت خطاب به فقهای  
شورای نگهبان می نویسند:

" حکومت، فلسفه عملی برخوردار  
شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را  
تعیین می کند و با این بحثهای ملل بگی  
مدارس که چه راجوب تئوریه است نه تنها  
قابل حل نیست که با راه بن بستهای  
می کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون  
اساسی میگردد."

ایشان در کتاب حکومت اسلامی خود  
نیز اشاراتی داشته اند مثلا " در جایی  
می گویند، فقیه در اسلام کسی است که علم  
استقلال و آزادی بداند، فقیه کسی است  
که بمچپ و راست نمی رود و اسلام را  
می شناسد، که با این تعریف از فقه  
بسیاری از فقها در محدوده فقه نمی گنجند.  
چرا که در آموزشهای جاری حوزه ها اساسا  
برای مسئله استقلال و آزادی سیاسی  
اجتماعی جایی باز نشده است، همین  
واقعیات بود که امام خمینی در کتاب  
حکومت اسلامی (صفحه ۵) شجاعانه مطرح  
می کنند:

" برای اینکه کمی معلوم شود فرقی  
میان اسلام و آنچه بعنوان اسلام معرفی  
میشود تا چه حد است شما را توجه میدهم به  
تفاوتی که میان قرآن و کتب حدیث با

## ● بانفی و طرد و حذف نمی شود

### تحول ایدئولوژیک بوجود آورد.

رساله های علمیه هست. قرآن و کتابهای  
حدیث که منابع احکام و دستورات اسلام  
است با رساله های عملیه که توسط  
مجتهدین عصر و مراجع نوشته میشود از لحاظ  
جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی  
میتواند داشته باشد یکلی تفاوت دارد...

آیت الله خامنه ای نیز جمع بندی شان  
را در اولین نطق دوره دوم ریاست جمهوری  
در مشهد مطرح کردند که " فقه موجود  
سیاسی نیست و بدرد حکومت نمی خورد"  
حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در  
یک سخنرانی در مدرسه فیضیه ضرورت باز  
نگری و تحول در فقه را مطرح کردند و

گفتند: ما هنوز نتوانسته ایم در بسیاری  
از موارد از جمله مسئله سیاست خارجی،  
مسئله اجتماعی، اقتصادی، مسئله  
مستحدثه، فضا دریاها مرزهای جغرافیائی  
روابط با مسلمانها، کفار و مسئله زن  
تراسلام را مشخصا " و کلا " بیان کنیم.

" جمهوری اسلامی  
شماره ۲۷۰۴

اکنون آن دسته از مدافعان فقه  
فردی که فقه رایج را کافی و شایسته  
حکومت و حل معضلات جاری می دانند  
چگونه جمع بندیهای مسئولین انقلاب را  
ارزیابی می کنند؟

(۱) - مثلا " وزیر کار سابق با شعار  
اسلام فقهائی و اسلام رساله ای قانون  
کاری تدوین کرد در عمل بنفع سرمایه داران  
تمام نمی شد و مورد تصویب قرار نگرفت.  
یا در گزینشها سئوالات فقهی بر اساس  
رساله مطرح میشد و این معیار تشخیصی  
افراد صالح از ناصالح گردیده بود که  
عوارض منفی آن در عمل آشکار شد و  
مسئولین امر با آن مخالفت کردند.  
روزنامه رسالت نیز نوشته بود که  
حکومت اسلامی بر پایه فقه موجود در  
رساله های عملیه خواسته مردم است " شماره ۴۹۲.

## ۲ - مسئله تقلید از میت

پس از درگذشت امام خمینی بسیاری  
از روحانیون متوجه یک خلأ در روحانیت  
شده و مطرح نمودند که مقلدین امام  
میتوانند از ایشان تقلید نمایند و حتی  
برخی علاوه بر تحویر، تقلید از میت در این  
مورد را واجب شمردند. (رسالت ۶۸/۳/۲۴)

ادبلا عبه آیت اله حنتی )  
بنظر میرسد این اعلام نظرها بخاطر  
این واقعیت بود که بعد از امام خمینی  
و آیت اله منتظری در میان مراجع موجود  
شخصیتی که بتواند جایگزین امام خمینی  
شود و خلأ وجودی ایشان را پر کند یا فست  
نمی شود. این مسلم است که از ویژگیهای  
اجتهاد شیعیه یونانی و رتبه بودن آن است  
اجتهاد در مسئله مستحدثه است که معنی  
و موضوعیت پیدا می کند. لذا اصل تقلید  
از میت با اصل اجتهاد در نه سازگار نیست  
خود امام خمینی نیز در رساله عملیه شان

● اگر نتوانیم با فقه فردی عبادی برخورد را شادی کرده و بطور جوهری و بنیادی در آن تحول ایجاد کرده و فقه حکومتی را ایجاد کنیم طبیعی است که با حذف احکام رایج بسمت نظرات کارشناسی و علم روز خواهیم رفت و با معیارهای مکتبی تدریجا " بیگانه خواهیم شد .

فقه‌داریم فقه امام فقه‌همه مراجع است و امام جیزی حزمین حوزه‌ها ندارد و ... اما اکنون روحانیون دوستدار امام با بیان لزوم تقلید از میت به این مسئله معترفند که این حوزه‌ها خلا وجود امام را نمی‌توانند پر کنند و تمبیین جزئی از کل در مورد امام و حوزه‌ها واقعیت ندارد .

### ۳ - مسئله عوام زدگی و القاء پذیری روحانیت .

زمانی مطرح میشد که هر گروه سیاسی که با روحانیت در تماس نباشد منحرف میشود و "اساسا" راه‌ج‌لوگیری از افتادن بدام انحراف و التقاط پیوندد با روحانیون است . بعبارتی چنین مدعی میشدند که روحانیت و اکسن التقاط است اما اکنون مشاهده میکنیم میگویند یک روحانی در سطح مرجعیت تقلید که طبعاً " با یستی محل رجوع و هدایت همه اقشار منحلله گروهها با شد بدلیل تماس با گروههای سیاسی یا رفت و آمد آنها مورد انتقاد قرار میگیرد و چنین استدلال میشود که ایشان تابع آنها شده است .

اما جان سخن اینهاست حداقل کسانیکه مدعی بودند گروههای سیاسی بدلیل عدم ارتباط با روحانیون منحرف شده اند و مجاهدین چون روحانی در میان شان نبود به ما رکسبم کشانده شدند و صرف وجود روحانی در یک سازمان مانع انحراف و التقاط است ، در مقابل این ادعا که مرجعی تابع اطرافیان خود بوده است اکنون چه جمع بندی دارند ؟ یکروز می گفتند چون شما کائال ولایتی ندارید منحرف خواهید شد اما امروزه می‌گویند اگر بنا باشد خود ولایت و مرجعیت تابع گروههای سیاسی شود دیگر برای نمایندگانی و روحانیون درجه ۲ و ۳ چه می‌ماند .

شد غلام که آب حوی آرد

آب حوی آمد و غلام ببرد

تقلید از میت را جز در یک مورد استثنایی جایز نمی‌دانند ، اینکه امروزه جمعی از فقهاء مبارز حکم بر تقلید از میت میدهند بحران ناشی از خلا وجود امام است . اکنون این سؤال قوت میگیرد که : آنها که می‌گفتند امام خمینی جزئی از کل روحانیت است امروز چگونه تمبیین می‌کنند که این کل ناتوان از معرفی فردی در حد مرجعیت و رهبری امام خمینی است و در برگیرنده آن جزء نیست .

زمانی با یکی از برادران روحانیت مبارز مذاکره داشتیم . می‌گفتیم روحانیت مبارز صرفاً "یک مرکز بندی سیاسی در روحانیت بوجود آورده و این عمق ندارد با یستی ایدئولوژی و فقه غیر مبارز را مرز بندی کرد . گفتیم خط مشی و افکار امام در حوزه‌ها مظلوم و مطرود است شما که روحانیت مبارز هستی با یستی ایدئولوژی امام و خط مشی ایشان را در حوزه‌ها جاری کنید ، فقه امام خمینی خود مقوله‌ای است که با یستی حوزه‌ها در جهت آن متحول شوند . مثل اینکه امام کلید فهم قرآن را دعا می‌دانند یعنی برای درک احکام قرآن با یستی از طریق رابطه با خدا و دعا مندی و دعا های ائمه وارد شد . در طایفه در فقه رایج "اساسا" دعا های ائمه یا حجت فقهی ندارند و یا می‌گویند ربطی به استنباط احکام ندارد و در آموزشهای رایج حوزه‌ها آنقدر که تعلیم افکار و منطق یونان رواج دارد مسئله خدا شناسی و دعا حایبی ندارد . یا امام می‌گویند حاد در اساس احکام است در طایفه در رساله‌های عملیه کلاً حذف شده است و در آموزشهای مرسوم هم بهای چندان داده نمیشود . و بسیاری از این قبیل .

برادر روحانی سخت بر آشفته که امام تا فته جدا با فته از روحانیت نیست امام قطره‌ای از دریا و جزئی از کل حوزه است . البته قطره‌ای با ارزش و گران بها . مادو

البته ما در مورد القاء پذیری در نشریه شماره گذشته مشروح نظرمان را گفته ایم ولی ما جان این بینش که با سکوتشان و یا این جمع بندی را تا ییدی کنند با یستی با این سئوالا تا یخ دهند .

بنظر میرسد ما جان این بینش از یک طرف تطیل شهید مطهری را که روحانیت عوام زده است قبول دارند از طرفی در همه زمینه‌ها به روحانیت اصالت می‌دهند و تابعیت دیگران را از آن می‌خواهند . کما اینکه علیرغم اینکه تطیل عوام زدگی روحانیت توسط خود برادران روحانی بعد از انقلاب چند بار چاپ و منتشر شده ولی تحلیلی در رد و نقد مستدل آن مطرح نشده است .

با این وصف آیا این تز که فقه مصطلح اگر در اساس کارها یا شده هم چیز اصلاح میشود چگونه تمبیین میشود ؟ آیا بدون تحول در آموزشهای رایج روحانیت میتواند اشتباهات گروههای سیاسی را - اصلاح کند و خلوط انحرافی را بگیرد ؟ نکته دیگری که در همین زمینه قابل تاءمل است قضیه سید مهدی هاشمی است . با توجه با اینکه آقای ری شهری و زیر اطلاعات اعلام کردند اصلی ترین جرم سید مهدی هاشمی التقاط و تسوی لتقاط به حوزه‌های علمیه است . با ردیگر این تئوری که تماس با روحانیت و اکسن التقاط است غلط از آب در آمد . بلکه معلوم شد خود حوزه‌های علمیه در معرض خطر قرار دارد . نکته قابل فکر دیگر مسئله انحراف مراجعی چگون آیت الله شریعتمداری است که تا حد رابطه با سیاست و کودتای آمریکایی علیه امام خمینی پیش رفت وقتی مرجع و عالیترین مقام روحانی بجا رچنین مسأله می‌شود برای سلیمراتب طبعاً " زمینه بیشتر است . پس چطور با خط همان آموزشهای که چنین کسان را پرورش داده است مدعی میشود مطلقاً "روحانیت میتواند اصلاح کند و لا غیر .

### ۴ - حذف شرط مرجعیت از رهبری .

مجموعه فقهای خبرگان با این مسئله رای دادند که مرجعیت از شرایط رهبری حذف شود . از امام خمینی نیز منقول است که این مسئله را تجویز کرده اند . قانون اساسی نیز با همین تطیل تدوین

وسنت استخراج میشود بالاترین قانون است و هیچ مصلحتی مقدم بر آنها نیست .

## ۷ - انتخاب آیت اله خامنه ای

جریان انتخاب آیت اله خامنه ای به رهبری نظام اسلامی نیز خود اقدامی قابل تامل بود . گفته میشود پس از درگذشت امام خمینی طرفداران بینش مزبور سواغ مراجع تقلید غیر از آیت الله منتظری رفتند و ولایت را به آنها پیشنهاد نمودند . در مجلس خبرگان نیز این پیشنهاد مطرح شد ولی فقهای خبرگان آن را تأیید نکردند . البته این پیشنهاد بطور طبیعی از آن بینش درمی آید چرا که آنها علیرغم تلاشهای امام مصلحت را در اعلمیت فقهی آنهم فقه رایج در حوزه ها می دانند . اما اینکه خبرگان آیت اله خامنه ای را سوانجام انتخاب کردند ، این حقیقت را آشکار کرد که فقهات حوزه بدلیل محدود بودن در مسائل فردی عبادی نمیتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند . آیت اله خامنه ای بدلیل سوابق سیاسی و تجربیات انقلابی که داردمورد توجه واقع شد نه طی مدارج علمی و فقهی کلاسیک . این اقدام خبرگان نیز مسئله ای است که بایستی ما جان بینش مزبور را بخود آورد و در خط مشی و ایدئولوژی خود یک بازنگری داشته باشند .

## نتیجه گیری

موارد فوق و نظایر آن نشان میدهد که فقه رایج و احتیاط مصلح در حوزه ها پاسخگوی نیازهای انقلابی جامعه اسلامی واقعاً نیست و هماطور که مشاهده کرده ایم این روزها بسیاری مسئولین و روحانیون ، باین مسئله اذعان دارند . امام خمینی نیز مدت ها بود روی این مسئله که فقه حکومتی برفقه فردی اولویت و حاکمیت پیدا کند کار می کردند . تلاشهای علمی و فرهنگی سیاسی آیت اله منتظری نیز در جهت تدوین و استحکام فقه حکومتی و همه جانبه ، اقدام بزرگی در این جهت بود . خط آنها این بود که احکام حکومتی بر احکام جاری و رساله ای اولویت پیدا کند . اینک اسلاما " این احکام نفی یا

تقلید بودن نیست ، در عین حال مراجع تقلید ملزم به اطاعت از دستورات رهبری هستند . یعنی احکام حکومتی و نظرات رهبری ، حاکم و اولی تر از فتاوی مراجع است .

بنظر میرسد این مسئله بیا نگرایی واقعیت است که حوزه های علمیه خود بایستی تابع و همگام با نیازهای انقلاب باشند . حکومت و انقلاب اسلامی بایستی محور حوزه های علمیه و سیستم آموزشی آنها قرار گیرد . که لازمه آن تحول و تکامل در آموزشهای حوزه ها است . نه آنچنان که طرفداران بینش مزبور مدعی بودند که همه بایستی تابع رساله های علمیه باشند .

## ۶ - شورای مصلحت و تقدم مصلحت

### بر احکام رایج .

در روند قانون گذاری و برنامه ریزی کشور در این ده سال نیز فرازونشیب های زیادی داشتیم . فقهای شورای نگهبان که خود را موظف به پاسداری از احکام جاری می دانستند هر کجا قانونی مخالف با احکام مصلح و جاری بود آنرا وتو می کردند . از جایی دیگر مجلس شورای اسلامی آن قانون را برای پیش برد امر مملکت لازم و ضروری می دید . این اختلاف بارها شدت گرفت و با دخالت امام خمینی و تاکید بر برخورد استدلالی تخفیف می یافت تا سوانجام امام خمینی شورای مصلحت را تشکیل دادند .

شورای مصلحت بنا به توصیه امام برخی قوانین که از نظر شورای نگهبان مخالف شرع تشخیص داده شده بود بدلیل مخالف کشور و نیاز از انقلاب مشروع و لازم - الاحراء اعلام کرده و بامی کنند . این اقدام نیز حاکی از این بود که تفکر خشکی که میگوید این انقلاب بایستی خود را تابع احکام رایج در حوزه ها تطبیق بدهد به بن بست رسیده است و احکام فقه رایج کافی برای حل معضلات انقلاب نیست . ناگفته نماند که از نظر برخی فقهاء تقدم مصلحت جامعه اسلامی بر احکام مصلح جاری نیز خود یک امر غیر شرعی است . آنها استدلال می کنند مصلحت را ما بهتر تشخیص میدهم یا خدا و پیغمبر و ائمه ؟ بنا بر این خدا در همان قرآن و سنت همه مصالح را در نظر گرفته و حکم داده است و فتاوی مراجع و مجتهدین که از قرآن

یافته است . این مسئله حائز نکات چندی است :

اولاً : فقهای خبرگان باین مسئله اذعان کرده و صحت گذاشته اند که نه رهبری امام خمینی صرفاً " بدلیل اعلمیت فقهی و مرجع تقلید است بلکه صلاحیتهای دیگر نظیر تشخیص عمل صالح و بیسیج مردم و ملاک رهبری بوده است .

ثانیاً : از رای خبرگان چنین برمی آید که امروزه مراجع موجود گذشته از آیت اله منتظری صلاحیت رهبری جامعه اسلامی ما را ندارند . بلکه افراد دیگر که از نظر مدارج حوزه ای در سطحی پایین تر از آنها هستند بصلاحیت رهبری را دارا باشند . این مسئله هم نشان میدهد که سیستم آموزشی رایج حوزه ها بنحوی است که کار در فارغ التحصیل آن امروز قادر به پاسخگویی به نیازهای انقلاب و جامعه اسلامی نیست . سیستم آموزشی رایج حوزه ها عقب تر از نیازها و تحولات انقلاب اسلامی است .

اگر انقلاب از همان سیستم حوزه ها بوجود آمده است چرا امروزه بعد از امام خمینی و آیت اله منتظری خبرگان رهبری به سراغ سایر مراجع نرفتند ؟

ثالثاً : در قانون اساسی جدید اصل صدونهم که شرایط رهبر را ذکر میکند بجای شرط " مرجعیت " که حذف شده " صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه " آمده است . در اینجا نیز نکته مهمی نهفته است . مراجع غیر امام خمینی و آیت اله منتظری عمداً روی مسائل فردی عبادی تاکید داشته و حول همین امور کنکاش میکردند و در رساله ها می نوشتند . باب جهاد و امر معروف و نهی از منکر و مسائل اجتماعی ، اقتصادی جدید و معارف اسلامی اسلام " تعطیل بوده و هست . بهمین دلیل مرجعیت شرط لازم - برای رهبری شناخته نشده است . و بهمین دلیل امام خمینی میگویند اجتهاد مصلح در حوزه ها کافی نیست . تا گید خبرگان روی کلمه " ابواب مختلف فقه " نیز بیا نگره همین حقیقت است که اعلمیت مصلح بدون جامعیت دردی دوانمیکند .

## ۵ - تقدم رهبر بر مرجع

مسئله مهمتر که بایست تبیین گردد اینست که میگویند گرده لازم رهبری مرجع



پیش بینی

# مرحوم دهخدا

در مورد

## سرنگونی شاه و پیروزی انقلاب



مقدمه :

در نیمه دوم خرداد ماه سال ۶۸ بمنظور عیادت و دیدار از مهندس کاظم حسینی عازم منزل ایشان شدم. ایشان در گذشته علاوه بر استادی درس و فیزیک دانشگاه تهران، نماینده مجلس شورای ملی هم بودند و از ارکان مبارزات ضد استعماری نفت هم محسوب می شدند.

سالهای نمایندگی ایشان در مجلس شورای ملی همزمان بود با اوج مبارزات سرآوری مردم ایران برای قطع یزدان بیگانگان و ملی شدن صنعت نفت. پیروزی ملت ایران در نهضت ملی شدن نفت تا حدود زیادی مرهون تعهد و تخصص جامعه مهندسين ایران و بویژه آقای مهندس کاظم حسینی بوده است. گزارشات کارشناسی ایشان در باره نفت زبانزد عام و خاص بود.

نطقهای "مکی" درباره نفت، توسط ایشان تهیه و تنذیم می گردید. مرحوم مصدق بارها از زحمات ایشان قدردانی بعمل آورد. در کتاب "مصدق در محکمہ نظامی" آمده است، "مرحوم مصدق همیشه از آقای حسینی به عنوان 'مرد خدا' یاد میکرد."

در مصاحبه ای که با آقای حسینی در رابطه با قرارداد بانک بین الملل انجام دادیم (راه مآهده شماره ۲۹ تحت عنوان دکتر مصدق و قرارداد آمریکا با بانک بین الملل) ایشان توضیح دادند: "زمینه لوری برنامه ریزی شده بود که قرارداد امضاء شود و ما با مطالعه

قرارداد من متوجه شدم که اصل ملی شدن قرارداد گنجانیده نشده است. مرحوم دکتر مصدق در سالن مذاکره متوجه من شد و گوش خود را به من نزدیک کرد من هم توطئه را به ایشان گفتم و ایشان هم فوری پذیرفت. سپس متنی تهیه کردم که آمریکا بی نهایت نمایندگی ایران عمل کند که پس از آن آمریکا بی نهایت عصبانی شدند و سالن مذاکره را ترک کردند. خواست خدا این بود که بدین ترتیب اصل ملی شدن نفت مخدوش نشده و مبارزات ملت پایمال نگردد."

مرحوم مصدق در آخرین روزهای حیاتش در بیمارستان نجمیه از همسر و مهندس حسینی پرسید: "حسینی که به من سخت می گرفت به شما چطور؟"

برای پی بردن به بینش سیاسی مهندس خوبست اشاره ای به خاطرات روزمره ایشان بنمایم. ایشان در سال ۴۱ در زندان قزل قلعه در خاطرات خود از بختیاریه عنوان فردی با گرایشات آمریکائی نام برده است.

مهندس حسینی از وقتی چهارم مبارزه خود را شروع کرد یک لحظه از جاده ایمان، صفا، خلوص، صداقت، جدیت، پشتکار خارج نشد. کوهنوردان ایران همیشه از مهندس حسینی به نیکی یاد می کنند. حتی در سوما و برف و یخبندان، کوهنوردی او به پس قلعه، کلک چال، توچال و... البته تا قبل از بیماری اخیر ترک نشد هنگام دست دادن در سلام و خدا حافظی آنچنان دست آدم را می فشرد گویی استخوانهای دست خرد شده. متاء سفاهه قریب به سه سال است که دچار عارضه سکته شده و در خانه پر خاطره شان واقع در قلعه تهران بستری هستند.

پس از دیدار، متقابلاً در گذشت امام را تسلیت گفتیم. ایشان گفتند: "امام ملت را نظامی کرد و نگذاشت حوادث تلخ شهرتور ۲۰ تکرار شود. امام به ملت ماهویت و عظمت بخشید."

ایشان چند بار تفاءل مرحوم دهخدا از قرآن را در سال ۳۴ برایمان تعریف کرد. و اصرار زیادی داشتند که مردم از این تفاءل آگاه شوند. از آنجا که درخواست ایشان این بود که مطالب کم و زیاد نشود، صحبت های ایشان را که ضبط شده بود از نواری پیاپی کرده امی آوریم

لطف الله میثمی

### مرحوم دهخدا و تفاءل از قرآن

مهندس حسینی چنین آغا زسخن نمودند: من خیلی عاشق بودم که مرحوم دهخدا را ببینم. بکرات مراجعه کردم یا خواب بود یا مانعی داشت یا کلاً بود و نبود. نپذیرفتند. تا روز ۱۲ آذر ۳۴ شمس به من وقت دادند. رفتم پیرمرد را دیدم در اطاقی به طول ۸ متر و عرض ۳ الی ۴ متر، همه جای اتاق پر از قفسه مربوط به لغتنامه دهخدا بود. نشستم آنجا، پیرمرد در حق من خیلی بزرگواری نمود گفت میخواهم یک جریانی را به شما بگویم و شروع به سخن کرد:

نوروزا سال همه بچه ها و نوه هایم دورم بودند، خیلی خوشحال بودم ولی مصدق در زندان بود و اجازه ملاقات به او نمی دادند



## پیرامون

# فقه امام خمینی

از آنجا که اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما) نظور که هستند (تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شدیم مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم. ضمناً "راه مجاهد" با این اخبار برخورد فعال میکند.

سخنرانی حجت الاسلام سید احمد خمینی در گردهم آئی ائمه جمعه که از رادیو جمهوری اسلامی ایران پخش گردید  
۶۸/۴/۱۳

### مقدمه

پس از ارتحال امام، در تاریخ ۶۸/۴/۱۳ حجت الاسلام سید احمد خمینی در گردهم آئی ائمه جمعه پیرامون تحول در فقه و عطش شدید طلاب به اسلام راهنما، عمل و نیاز آنها برای شنیدن پاسخهای مناسب برای سئوالهای بنیادیشان صحبتهائی نمودند و چند مورد از این سئوالها را مطرح نموده و از مدرسین حوزه تقاضا کردند که به تک تک آنها پاسخ داده شود.

از آنجا که تحقیق و بررسی روی فقه امام خمینی و به عبارتی پر کردن خلأ فقهی را عمل صالح زمان دانسته و خود نیز در این راستا مقالات زیادی داشته ایم گزیده ها ئی از صحبتهای ایشان را آورده و امیدواریم تا فرزند امام و دیگرانی که به چنین ضرورتی رسیده اند این راه را تداوم دهند.

ضرورت این امر به حدی است که امام بدین مضمون گفتند که اگر حوزه های علمیه ما روی اسلام آمریکا ئی کار می کردند شهید عارف حسینی الان در میان ما بود.

بنظر ما مظلوم ترین وجه امام همانا نظرات فقهی ایشان است که اصولاً در روحانیون به بحث گذاشته نمیشود و آن نظرات را در کلاسهای آموزش نمیبهند و بیم آن میرود که "ولایت فقه فردی" جای "ولایت فقیه به روش امام خمینی" را بگیرد و دستاوردهای انقلاب بایک "ماده واحد" همه را یکجا

از دست بدهیم.

امید است که این پی گیری جدی گرفته شود و نهاد، کنگره یا بنیادی در مملکت مسئولیت این کارها را بعهده بگیرد.

بنظر می رسد که در این راستا بایستی از آن فقیه عالی قدری که ۴۰ سال در مشرب فقهی امام زحمت کشیده و امام او را ثمره عمر خود می دانند استمداد طلبید.

### ملاک فقهی مصلحت از نظر

امام "حاکمیت مستضعفین" است

حجت الاسلام خمینی پس از تاکید زیاد روی اصل نه شرقی و نه غربی و ضرورت پاسداری از آن، نقطه نظر امام در مورد محرومین را بشرح زیر توضیح دادند "مسئله محرومین و مستضعفین یکی دیگر از چیزهایی است که امام روی آن پافشاری دارند اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام، جهت گیری یعنی موضع گیری خصمانه، در اینجا اینجوری است، اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام، با زاراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به شمار میرود و بیان این حقیقت که ما حبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیازی و برتری

از این جهت بر فقر اندازند و ابداً "اولویتی بآنان تعلق نخواهد گرفت مسلماً" راه شکوفایی و پشرویش استعداد های خفته و سرکوب شده یا برهنگان را فراهم می کند در جای دیگر ایشان می گویند خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع امر محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و ائمه امیرالمومنین و ائمه معصومین (ع) سازگار نیست و دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است و تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از یا برهنگان برخاسته اند و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.

در جای دیگر ایشان می گویند: هر قدر کشور ما بطرف فقر زدائی و دفاع از محرومین حرکت کند امیدواران از ما منقطع و گرایش ملت های جهان به اسلام زیاد ترمی شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند.

درجای دیگر با زهمین مسائل را دارند و می گویند که باید فریاد براثت ما فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنگه هایی است که حاصل عسرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند و حریصانه از خون دل

ا سیر و مفقود و مجروح داده های معنی همین محرومینی که موقع جنگ ، جنگ می کنند موقعی که مال می خواهید با زهمین ها می آورند می دهند ، اینها باید و در یک کلام مصلحت پابرهنگه ها و گودنشینها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا

آنها ئی که به نظام گرایشی دارند همیشه از محرومین و مستضعفین دفاع می کنند ، و علیه مستکبرین بپا خاسته ما باید سعی بکنیم . این مسئله مربوط به ایران نیست ، این مسئله مربوط به جهان است و اسلام ناب در جهان نباید زیر سؤال برود . ببینید این مسئله مربوط نیست که ما بگوئیم اصلاً در چهارچوب ایران این قضایا مطرح است این جور نیست .

## ● چه اجتهادی در نزد امام برای اداره

امور لازم است که امام می فرمایند :

اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نیست ؟

ملت های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان به اسم سرمایه داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را بخود پیوند داده اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده اند . پس دفاع امام از محرومین یک چیز روشنی شد . حضرت امام میفرمایند دفاع از محرومین تنها با صحبت و مقاله نوشتن و خطبه نماز جمعه و اینها نمی شود اگر ما بخواهیم به اینها کمک بکنیم باید در متن مسائل کشور از اینها استفاده بشود . در قانون برای اینها رحمان قائل بشویم . لذا در اینجا می گویند به همه مسئولین کشور ما تذکر می دهیم که در تقدم ملاکهای ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و حالامی رسیم به آنجا و همین تقدم ارزش الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین کردن امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح چه امروز و چه فردا و خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده و برای افراد محروم و فقیر صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند ، بایدهم در متن قوانین و مقررات وهم در متن عمل و عقیده و روش و منش ما پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و

و نظام اسلامی مقدم باشد . امام فرموده اند که ما باید مصلحت فقرا و گود نشینها را مقدم بدانیم و باید هم در متن قانون و در متن مسائل خودمان باشد . تا اینجا که مسئله روشن است یکسری مسائل داریم واقعا " ماها توی این قصه ها ماندم حالا این باشما ست و قهری باکمک اساتید و مدرسين حوزه ها این مسائل باید برای ما روشن شود یعنی برای ایران و جهان اسلام روشن شود . ببینید امام میفرمایند امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تا بلوی تمام نمای حل معضلات خویش میدانند . مصلحت نظام و مردم از امور مهمه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام امریکایی ، اسلام مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گردانند عده ای اینجا باین فقه پویا و فقه سنتی فکر می کردند ، مثلاً " امام دارند در این زمینه ها صحبت می کنند . خود امام فرمودند که ما مقصودمان ، اینکه در اینجا دارند می گویند با پشتوانه میلیاردها دلار ، معلوم است دیگه اسلام سعودی است ، اسلام سلطنتی است ، اسلام امریکایی است ، و الا همه روحانیونی که در ایران ، مخصوصاً "

مظلوم ترین وجه امام نظرات فقهی ایشان است

حالا مسائلی که برای عده ای از افراد شاید برای خیلی از شما مطرح باشد این را من می خواهم سؤال کنم دانه دانه . انشاء الله بعد خودتان و دبیر خانه محترم و عزیز ما که زحمات زیادی در طول سالیان سال کشیده اند بحمد الله همه مورد تأیید امام هم بوده اند ، نمایندگان امام هم هستند انشاء الله این عزیزان در این زمینه ها یک کارهایی که مفید است و نفع خط امام است باید انجام بدهند . ببینید بعقیده من این مسئله ای که تغییر موضوعات احکام حرام و حلال مثلاً یکی از موضوعاتی که الان مطرح است در دانشگاهها مطرح است ، در جاهای دیگر مطرح است مسئله هنر است . ما میخواهیم برخورد با هنر چه جوری بکنیم ؟ ' خوب ما چه برنامه ای را تدوین کرده ایم بعنوان کارشناس نظام چه برنامه ای را تدوین کرده ایم و داده ایم و گفتیم معنای هنر این است ، چهار چوب اجرایی اش هم این است . تا آنها بتوانند بروند دنبال این کار ، کار را درست انجام بدهند . امام می فرمایند برخورد با هنر به معنای اعم چون عکاسی ، نقاشی ، مجسمه سازی موسیقی ، تئاتر ، سینما چگونه باید باشد . این را امام گفتند و رفتند . سرفصل هایی گفتند و از کنار قصه رد شدند ولی خوب ما باید دنبال کنیم قصه را ، نمیتوانیم که ول کنیم . مثلاً چه اجتهادی نزد امام برای اداره حکومت لازم است که امام می فرمایند اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نیست . خوب ما باید ببینیم چه چیزی کافی است . ببینید امام



میفرماید مهم شناخت درست حکومت و جامعه است. اینها هر کدام در یک اعلامیه است. اینطور نیست که همه در یکجا باشد. در طول یکی دوسه سال اخیر امام می دانستند که قضایا دارد به یک جایی ختم می شود که ممکن است بین ما نباشند. مسائل خودشان را بصورت رمزگونه گفتند و رد شده اند و واقعاً "تکلیف شرعی همه ماها و همه آنها" که میتوانند در این زمینه کار کنند هست که این مسائل را روشن کنند. تنها مسائل فقط، مسائل قبل عبادات و اینها که نیست، آنها بسیار خوب است همه گردن می نهیم اما اینها مسائل اساسی است. شما دیگر مسئول این مردمید. شماها جزو نظام هستید شما پشتوانه نظام هستید. اگر شما جواب برای این پیدا نکنید ممکن است کسان دیگر جواب پیدا کنند و اگر جواب پیدا کردند و آن جوان با نظر دینی درست نباشد ماها همه مسئولیم.

ببینید امام می فرمایند مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین حاست که اجتهاد مصطلح در حوزه همه کافی نمی باشد. اگر اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نباشد پس اگر کسی این مسائل را نداند قهری نمی تواند رهبر باشد. پس شناخت حکومت و جامعه یکی از آن مسائلی است که یک نفر اگر آن را نداند در آن زمینه مجتهد نیست و قهری اجتهاد در حوزه ها هم میدانیم ما به این مسائل نپرداخته اینها برای من لا اقل سؤال است اگر برای بعضی از آقایان حل هست برای من لا اقل راجع باینها سؤال است. من میدانم اصلاً زمان و مکان مثلاً چه نوع نقشی دارد در مسئله اجتهاد.

با تغییر موضوع چه جور ... من به امام می گفتم امام هم می دانستند من حالانمیدانم به چه حیث هر وقت با ایشان راجع به این زمینه ها صحبت می کردیم می گفتند حالا باشد بعد. حالا باشد بعد.

ببینید من می گویم که این مسائلی که ما گفتیم، مسائلی است که از منته و امکان آخر چه جوریه قصه زمان و مکان

نقش داشته باشد در اجتهاد از روایت آخه این چه جوریه چه نقشی میتواند داشته باشد. اینها باید مشخص شود. ببینید نقش زمان و مکان در اجتهاد یعنی ده چرا ماهم چه سؤالی می کنیم برای این می کنیم. امام در پیام به مجمع مصلحت فرمودند یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی

## ● ما می بینیم که در بین روحانیونمان

مسائل امام مورد بحث نیست و من

عقیده ام این است که مظلومیت امام

در همین جاست.

## حجة الاسلام سید احمد خمینی

می گویند حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می کند و با این بحث های طلبگی مدارس که در چهارچوب تئوریهاست نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بستهای می کشاند. حالا بنده یک دانشجو از جمع آقایان یک سؤال میکنم. این مسئله را کی می خواهد

نقش زمان و مکان در اجتهاد و تنوع تصمیم گیریهاست. یعنی اگر یک محتهدی در تبریز باشد ممکن است یک جوری به قصه برسد که مجتهد افریقایی نرسد. ببینید این صریح پیام امام است ما از کنار اینها نباید رد بشویم این فقه جدید امام است که من عقیده ام است که مظلومیت امام در همینجاست والا امام آمده دنیا را تسخیر کرده، پرچم اسلام را در جهان برافراشته ولی ما می بینیم در بین روحانیونمان مسائل امام مورد بحث نیست. اگر امروز جامعه محترم مدرسن به این مسائل جواب ندهند کی باید جواب بدهند؟

من طلبه کی بفهمم اینها چه چیزی است من دانشجو، من کارگر من کشاورز، از کجا بفهمم اینها را. ما باید جوابگوی این مسائل در دانشگاهها باشیم. امام گفته اند و رد شده اند ببینید یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیریهاست. این عارت بعد را خوب گوش کنید. "حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می کند. آیا در اینجا نقش احکام چی می شود؟ اگر حکومت هر جور توانست که با اینها معضله را حل کند می تواند؟ حکومت اسلام، برای اینکه ایشان که دیگر قید نمی زنند

بما جواب بدهد. این مسئله، مسئله بسیار مهمی است برای اینکه امام می گویند آنچه که در مدارس در قالب تئوریهاست حل کننده معضلات کشور و نظام نیست و نظام اسلامی هم عملاً باید معضلات را حل بکند معضلات اجتماعی را معضلات سیاسی اقتصادی را معضلات نظامی را و ما اینجا باید جواب بدهیم. لذا در جای دیگر مثلاً مسئله تلفیق ...

شما که دعوی فقه سنتی - فقه پویا را که الحمدالله خوب همه شنیده اید ببینید امام می فرمایند اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم دیدید که در وصیتنامه شان بود قبلاً "هم هر وقت امام صحبت می کردند پایه اجتهاد را فقه جواهری و اجتهاد جواهری - اصلاً" این اصطلاح مال امام است. که الان یک اصطلاح مورد قبول همه هم هست این ... ایشان می فرمایند که: تخلف از آن را جایز نمیدانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است یعنی به سبک جواهری. ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. حالا اینجا توجه کنید این مسئله واقعاً مسئله مهمی است ایشان میفرمایند:

زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. تمام چیزها را این می ریزد بهم. یعنی تا بحال کسی زمان و مکان را بعنوان دو عنصری که بخواهد

احکام خدا را در بیاورد، به اینها هم توجه داشته باشد والا به حکم خدایمی - رسد، تا حالا کسی این را نگفته، خوب امام صریح گفته اند، اینها را دنبال کنید، رسیدگی کنید اگر بعضی ها هستند که ممکن است در این حد نباشید خوب بروید از مدرسین بخواهید این را اصلاً ماباید از علمای

قدیم دارای حکمی بوده است بظاهر ممکن است حکم جدیدی پیدا کنند حضرت آیت الله قدیری که می دانید از دوستان بسیار خوب امام بودند که در نجف با امام بودند آمدند قم با امام بودند، از ازل با امام بودند تا آخر

## ● حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر

و معضلات داخلی و خارجی را تعیین میکند

آیا در اینجا نقش احکام چه می شود.

خودمان بخواهیم که افکار امام را در زمینه مسائل فقهی در چهارچوب مسائلی که خودشان مطرح می کردند برای ما و شاید روشن کنند.

ببینید می فرمایند زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در احکام هستند. این را توجه کنید مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است بظاهر ممکن است حکم جدیدی پیدا کند این پس همان حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام او حرام الی یوم القیامه نیست در اینکه امام نمیخواهند بگویند هست می خواهند بگویند موضوع تغییر پیدا میکند یعنی شباه ظاهری نگاه می کنید به موسیقی تا دیروزی گفتید

حرام است، اما خوب که بهش نگاه می کنید می بینید حلال است، حالا چه جوری من نمی دانم هر کس از آقایان هم می داند ما خواهش می کنیم بنشینند بنویسند منتشر کنند تا مسئله برای همه ما روشن شود ماباید این مسائل را برای دانشگاهان حوزه ها مان، برای طلبه ها، برای خودمان همه باید حل کنیم. ببینید این مسئله خیلی مهم است. ایشان می فرمایند زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در احکام هستند. مسئله ای که در

هم با امام بودند. آن قضیه نامه ایشان را شما می دانید، امام در آن نامه می نویسند ماباید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته، تا سرچشمه، زلال اسلام ناب محمدی (ص) را برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است. یعنی اسلام ناب است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. حضرت امام قربانی این ارتجاع بود و خدا بوسیله شما و مردم او راه حلی رساند که آنها که تا دیروز اگر فرزندان ایشان از کوزه ای آب می خورد می گفتند بریزید نحس است بروید کوزه را آب بکشید، دیگر نتوانستند حرف بزنند والا امام وقتی مبارزه کرد که شما هم دنبال امام بودید یک عده آمدند گفتند امام انگلیسی است. یک عده آمدند گفتند امام امریکائی است یک عده آمدند گفتند در نجف می آمدند می گفتند والله می گفتند این واقعیت دارد که امام تارک الطلوه است. والله واقعیت دارد. می گفتند روزه نمیگردد

زردچوبه به صورتش می مالند تا بگوید که من روزه میگیرم. خوب دیگه اگر ما بیایم بگوئیم مسئله خرافه، جهل دیگر چه می شود اگر اینها نباشد. خوب شما ببینید هر موضعی که امام گرفته یک عده ای آمده اند مخالفت کردند امام با شاه مخالف بود مبارزه کرد تبعید رفت زندان رفت. عده ای می گفتند مگر با شاه شیعه می شود مبارزه کرد خوب این جهل است دیگر، پس جهل چه چیزی است. نسبت تارک الطلوه بودن، روزه نگرفتن، دروغ گفتن، همه اینها را به امام دادند. کی دادند؟ همانهایی دادند که جهل و خرافه چشمشان را بسته بود

ارائه سیستم برای کل

جهان استضعاف

انشاء الله دنباله سخنان ایشان را که از نوار پیاده شده و در رابطه با مسئله فوق می باشد در شماره آینده خواهیم آورد.

\*\*\*\*\*

## نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراک با نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم نمايل كنشي خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بهای اشتراک:

۱۲ شماره ۳۰۰ تومان  
۶ شماره ۱۵۰ تومان

لطفا وجه اشتراک را در شعب بانک ما در ات به حساب پساندا ز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک ما در ات شعبه میدان قیام بنا مطلق الله منی حواله نموده و فتوایی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال فرمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم  
جناب مستطاب هجت الاسلام  
والمسلمين آقای حاج سید  
علی خامنه ای رهبر منتخب  
جمهوری اسلامی ایران دامت  
برکاته .

پس از سلام و تحیت و تسلیت  
بمناسبت ضایعه جبران ناپذیر  
و مصیبت عظمای عالم اسلام، ارتحال  
روح خدا، پیشوای عالیقدر  
آزادگان و مستضعفان جهان  
بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران  
قائد عظیم الشان حضرت آیت  
الله العظمی امام خمینی (قدس  
سره الشریف) که بهمه جهانیان  
درس فداکاری و مبارزه و قیام  
در برابر طاغوتها و مستکبرین  
را آموخت، از خداوند قادر  
متعال مسئلت می نمایم جناب عالی  
را که فردی لایق و متعهد و دلسوز  
و در دوران مبارزات و انقلاب  
تجربه ها آموخته و همواره مورد  
حمایت رهبر بزرگ انقلاب  
بوده اید در انجام مسئولیت  
خطیر رهبری که مجلس خبرگان  
به جناب عالی محول نموده است  
یاری نماید تا انشاء الله  
موفق شوید به کشور و به ملت  
مسلمان ایران که در راه تحقق  
اهداف و آرمانهای انقلاب این  
همه گذشت و فداکاری از خود  
نشان داد و با همه وجود در صحنه  
انقلاب باقی است خدمات شایسته  
و سازنده ای انجام دهید و با حفظ  
سیاست نه شرقی و نه غربی در  
تقویت کشور و پیشبرد مبانی  
و موازین شرع مبین کوشش  
فرمائید و دشمنان خارجی و داخلی  
اسلام و کشور را از هر جهت  
ناامید و مأیوس نمائید .

انشاء الله در مسائل مهمه  
و سرنوشت ساز مشورت با  
حضرات آیات عظام و علماء  
اعلام و شخصیت های متعهد و  
آگاه مورد توجه خواهد بود .  
والسلام علیکم ورحمت الله و  
برکاته ۶۸/۳/۲۳  
حسینعلی منتظری

تلگرام تسلیت و تبریک

آیت الله العظمی منتظری  
به

آیت الله خامنه ای و هجت الاسلام رفسنجانی  
و  
جوابیه آیت الله خامنه ای

کیهان

۶۸/۳/۲۷

خبرگزاری جمهوری اسلامی  
۶۸/۵/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

آیت الله آقای حاج شیخ  
حسینعلی منتظری دامت  
برکاته .

جناب مستطاب هجت الاسلام  
آقای هاشمی رفسنجانی رئیس  
جمهوری محترم اسلامی ایران  
دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت از پیام  
تسلیت بمناسبت ضایعه  
عظیم جهان اسلام، ارتحال  
پیشوای آزادگان و امید  
مستضعفان حضرت امام خمینی  
قدس سره العزیز و همچنین از  
دعای خیر و اظهارات محبت  
آمیز نسبت به اینحضور و  
تایید اقدام مجلس محترم  
خبرگان متشکرم .

اکنون که امت بزرگ اسلامی  
و بخصوص ملت فداکار ایران  
با مصیبتی بدین عظمت مواخه  
شده است نخستین وظیفه ما و  
همه اقشار و آحاد مردم آن  
است که با توکل به خدا و تقویت  
روح اخلاص و همبستگی و همدلی  
و همزبانی حرکت عظیمی را که  
امام بزرگوار و فقید ما آغاز  
کرده و مجاهدت و تلاش بی نظیری  
را برای تداوم آن مبذول داشته  
بودند ادامه دهیم و مطمئن  
باشیم که نصرت الهی شامل  
حال مومنان و نیکوکاران خواهد  
شد . از خداوند متعال توفیقات  
جناب عالی را مسئلت می نمایم  
۶۸/۳/۲۵

سیدعلی خامنه ای

می نمایم . ۶۸/۵/۱۳  
قم حسینعلی منتظری

بقیه از صفحه ۴۸

اوجون ازنا حیه نظام ضربیه  
خورده میخواست استانتقام  
بگیرد و نیروهای فعال نظام  
را به یکدیگر بدبین کند چنانچه  
شد . آیا درست است ما به بافته  
های او ترتیب اثر بدهیم؟

اصلاً در آن شرایط اعترافات  
آدم مورد اعتماد هم شرعاً  
منشاء اثر نیست تا چه رسد به  
اعترافات مثل او . ظالمان در  
شناخت او اشتباه کرده بودم . و  
ماهیت او برای من شناخته  
نبود و "کم لذلک من نظیر"  
آیا آقایانی که او را شناخته اند  
و برتناقض گویی های او واقف  
اند، صحیح است با بافته های  
او معامله و حی منزل کنند؟  
در صورتیکه اشاعه کذب هم حکم  
کذب را دارد . مخصوصاً "اگر  
موجب بدبینی ها و دشمنی ها  
گردد . . . . ."

دشت عطش

دلایه دشت عطش قطره های باران باش  
گرو آفتاب نئی، شمع شام یا باران باش  
گشاده دست و پنیر، چوبی کزان صحرا  
کریم و پاک چو دریا و چشمه ساران باش  
کم از درخت نئی، سایه بر سری گستر  
غمت بدور، پناه میدواران باش  
به دشت سوخته خاطر شکسته دلان  
شمیم فصل بهاران و لطف باران باش  
سیاس خاطر شا دودل خوشی که تراست  
تسلای دل نو میدو گواران باش  
نه همجو سید دلمان های و هو به راه انداز  
طنین زمزمه نرم جویباران باش  
تعلقات زمان بسته زمینت کرد  
بهل تعلق و فارغ ز روزگاران باش  
از این سرای دودر چون دم سحر بگذر  
نسیم صبح دم و نکهت بهاران باش  
گر (آشنای) مناعیش جاودان طلبی  
انیس خلوت غمگین میگساران باش  
امین الله رشیدی  
(آشنا)



خودشان بکنند. هبده ظلم از ما سر بزند و ماحتی توجه نکیم به اینکه این ظلم است. مبلده ظلم چهره‌ای بخودش بگیرد که نشانسیم آنرا که این بزرگترین بلاها برای ملت و یک کشور است. بحث را باید جزئی و دقیق انجام داد. به امید اینکه بتوانیم از پرتو قرآنی استفاده کنیم و خودمان را از ظلم و ستم مبرا سازیم.

## بدترین ظلم ظلمی است که

### از ظلم بودن آن غافل باشیم

آیت‌الله خامنه‌ای دوهفته بعد در خطبه اول نماز جمعه مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۸۴ داد این بحث را ادامه دادند.  
جمهوری اسلامی ۱۴ خرداد ۶۸

جامعه پر از ظلم جامعه آسیب پذیری است.

یعنی آن جامعه‌ای که بر اساس ظلم و ستم بنا شده باشد و یا اگر اساس آنهم بر پایه ظلم و بی دانیست اما فضای جامعه پر باشد از ستم و بیاداد چه در رابطه با افراد جامعه یا یکدیگر و یا حکام جامعه یا مردم، این جامعه یک جامعه آسیب پذیر است و در معرض انواع فتنه‌ها و بلاها است.

ظلم موجب انهدام تمدنها میشود.

حالا ممکن است این بلیه که در این جامعه بروز می کنه عبارت باشد از زوال و نابودی انهدام مطلق که یک تمدنی، نظامی و کشوری بکلی دگرگون بشود که این نوع را در تاریخ داشتیم یا آن بلیه بمعنای زوال و انهدام کامل آن ملت و تمدن نباشد اما به معنای فساد و انهدام یا ذلت و تابسانی و پریسانی افراد آن جامعه باشد. این رانیز در تاریخ داشتیم و هم در تاریخ معاصر خودمان.

مواظب باشیم که نظام ما آلوده به ظلم نشود.

در این باره صحبت کردیم و منظور ما از این بحث همانطور که قبلاً عرض کردیم این است که ما بعنوان یک جامعه نوپا و یک نظام جوان که تازه شروع کرده‌ایم به یک روال جدیدی از زندگی و یک پیام جدیدی را در دنیا مطرح کردیم باید شدیداً مراقبت کنیم که آلوده نشویم و دچار این بیماریها نگردیم. می خواهم چند بحث لازم را در این زمینه عرض کنم لکن پیش از همه این بحث ها فکر کردیم دیدم باید پایه قرآنی این بحث را محکم کنیم یعنی مشخصا معلوم بشود که آیا الهام قرآنی همین است که ظلم و ستم در جامعه ویرانگر است یا نه؟ چون ممکن است مثلهایی مطرح بشود که موجب سوال بشود و بگویند خوب، اگر ظلم ویرانگر است پس چرا در فلان جامعه ظلم بود و هست ولی ویرانی نیست.

هدف پیامبران تشکییل حکومت عادلانه است.

ایشان با الهام از آیه ۱۳ سوره یونس و آیه ۲۵ سوره حدید چنین نتیجه گیری کردند که:

اصلا هدف ما از آمدن پیامبران این است که نظام زندگی مردم یک نظام عادلانه باشد و مناسبات مردم با یکدیگر روابط مردم با یکدیگر ظلم و ستم و تجاوز و وجود نداشته باشد.

جامعه مرتب می شود به کسانی هم برسد که خود آنها ظلم نکرده‌اند. مواظب باشید فتنه‌ای بوجود نیاید که اگر بوجود آید فقط دامن ستمگران را نگیرد، گاهی یک فتنه‌ای در یک جامعه‌ای بدست یک عده‌ای روشن می شود که دامن خود آتش افروزان را فقط نمی گیرد، دامن همه را می گیرد، قضیه اینجوری است.

وقتی که در یک جامعه ظلم و ستم رایج و معمول شد و مردم حساسیت روی ظلم نداشتند، قدرتمندان و حاکمان و زمامداران جامعه بدون هیچ ملاحظه‌ای ستمگری و تجاوز و تعرض به حقوق انسانهای آن جامعه کردند، اینجا بلای الهی بر این جامعه نازل خواهد شد.

ایشان بدین مضمون توضیح دادند که در قرآن پس از ذکر قصه انبیاء و مبارزه با ظلمی که شده است یک نتیجه گیری کلی شده و آنگاه در تفسیر آیه فوق اظهار داشتند:

«و تلك القرءاء این قریه‌ها که عرض کردیم در یکی از خطبه‌ها، قریه یعنی آبادی اما منظور آبادی به معنای ده نیست یعنی این مراکز آبادانی، مراکز اجتماع، این شهرها، این جامعه‌ها، این کشورها، اینها را ما هلاک کردیم، چرا چون ظلم کردند.

عقوبت ظلم بلافاصله پس از ظلم نیست.

اینجور هم نیست که تا ظلم و جور انجام گرفت هلاکت پشت سر آن بیاید به یک موعود و حساب و کتابی دارد و در یک حدی است که پیمانته پر می شود و عذاب الهی نازل می شود.

امروز عذاب الهی از نوع دیگری است، اگر چه آن جور عذاب ها هم امروز در دنیا وجود دارد و ممکن است وجود داشته باشد (مثل زلزله و ...)

لکن عذابهای مهمتری هم هست. شما امروز جغرافیای سیاسی و انسانی دنیا را ببینید چقدر ملت هایی که ثروت های طبیعی دارند، ثروت های بزرگ دارند اینها ذلیل اند، ضعیف و تو سری خورند، نسبت به زندگی خودشان تصمیم گیر نیستند، گرسنگی می خورند، بچه‌هایشان از گرسنگی می میرند، خوب این عذاب الهی است، این همان عذابی است که بر این ملت بخاطر ظلم نازل شده است.

وقتی یک جامعه‌ای از ظلم و ستم پر شد، وقتی مقدمات ظلم و ستم توسط عناصر نیرومند در یک جامعه بوجود آمد و جامعه نظامش، نظام ظالمانه شد و ظلم در آن رایج شد، این آتش همه را خواهد سوزاند و خشک و تر را می سوزاند و این یک اصل قرآنی است.

البته نمیخواهم مسئله را ذهنی مطرح کنم. من میخواهم مسئله را عینی مطرح کنم و میخواهم جوری این مسئله در نماز جمعه مطرح شود که من مسئول و مسئولین و آحاد مردم و شمای نمازگزار و قشرهای مختلف یک بازنگری در مورد وضع و کار

آیت‌الله خامنه‌ای نماز جمعه ۲۹ اردیبهشت و ۱۲ خرداد،  
نقل از روزنامه جمهوری اسلامی  
۳۰ اردیبهشت و ۱۳ خرداد ۶۸

آیت‌الله خامنه‌ای پس از بازگشت از سفر به چین و کره شمالی بحث های خطبه اول خود را به مسئله ظلم و اثرات آن در جوامع بشری اختصاص دادند. ایشان در تفسیر آیه شریفه "وتلك القرى اهلكناهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا" "مظالمی‌ها را داشتند. بلحاظ اهمیت مسئله بخشهایی از آن را می آوریم:

اولا عنوان ظلم و تاثیر ظلم در انتقام الهی این امر در قرآن، در بین همه این عناوینی که قبلاً گفته شده و یا عنوان خواهد شد شاید سهم بیشتری دارد یعنی اگر اختلاف و فساد و چیزهای دیگری که قبلاً عرض کردیم در قرآن ذکر شده ظلم بیشتر از آنها در قرآن ذکر شده است.

آیاتی است که بعضی را عرض می کنم یک نگاه کلی که به قرآن انسان می اندازد و آیات ظلم و تاثیر ظلم در حال یک جامعه و افراد انسان را مطالعه میکند یک استنتاجی را بطور کلی میکند و آن این است که ظلم یک تاثیر ویرانگر دارد یعنی اگر در یک جامعه‌ای و در بین مردمی ظلم مرسوم و باب شد این عادت و این خصوصیت ویران کننده است. ظالم را ویران میکند، زندگی ظالم و زندگی محیطی که ظالم در آن زندگی میکند یک اثر پذیری بسیار شدیدی از ظلم ظالم دارد این را انسان در قرآن بوضوح می بیند و بحث هم در این باره زیاد شده است منتها آن عیبی که در بحث ها غالباً وجود دارد این است که این مساله را با مقیاس فردی نگاه میکنند یعنی وقتی گفته میشود که ظلم موجب تباهی و ویرانی است و عذاب و انتقام الهی را پشت سر دارد ذهن مردم فوراً میرود به اینکه یک نفر ظالمی هست، این ظلمی کرده پس باید ببینیم تاثیر این ظلم در این فرد ظالم چیست، چگونه خدا از این شخص ظالم انتقام خواهد گرفت.

می بینید اگر ما مسئله تاثیر ظلم و دامنگیر بودن ظلم نسبت به ظالم را بخواهیم در این مقیاس های فردی محاسبه کنیم خیلی از جاهها قضیه درست در نمی آید، خوب چرا در باب شعر و شاعری و ادبیات از این حرفها هست.

عقوبت ظلم تنها دامنگیر ظالمین نیست.

به هر حال وقتی که جامعه به همان معنای درست از ظلم پر شد این ظلم به این جامعه لگد خواهد زد، این جامعه تاثیر ویرانگر ظلم را خواهد چشید، شاید آن آثاری که بر ظلم در یک



مصادق ظلم در این آیه

تنها کفار نیستند بلکه

مسلمانها نیز میباشند.

آیت الله خامنه ای در بیان کسانی

که عقوبت ظلم بر آنها وارد می شود

اظهار داشتند:

همین کفار در اطراف نومهند

و اعراب ساکن مکه آنها هم اگر ظلم کنند نتیجه کار خودشان را

خواهند دید. البته این هم مخصوص کفار مکه هم نیست

مسلمانان مدینه هم مشمول این حرف بودند.

علت انهدام حکومتها

ظلم است نه کفر.

ما در همین یکی دو قرون گذشته در کشورهای اروپائی و

آسیائی در بقیه مناطق عالم دیدیم امپراتوریهای را که یک روزی

بودند و امروز از آنها اثری نیست یک روزی در همین آسیا چند

امپراتوری بزرگ وجود داشت که البته بعضی هم به نام اسلامی

بودند ولی در حال حاضر نیستند.

آنچه موجب از بین رفتن و نابودی می شود دهر نیست، آنچه که

یک جامعه و نظام و یک حکومت و تمدن را ساقط می کند و به زوال

می کشاند این عقیده کافرانیه نیست که این روایت معروف ظاهر

از حضرت رسول اکرم (ص) است که نقل شده است: کفر موجب

نمی شود که یک حکومت و یک تمدن زائل بشود و از بین برود، نه

اگر مناسبات ظالمانه ای در آن جامعه نباشد کفر موجب زوال یک

حکومت نمی شود حکومتهای کافر بوده اند و الان هم هستند ظلم

موجب انهدام بنیان حکومت می شود.

ظلم موجب فساد درونی

جامعه میشود.

آیات قرآنی این حقیقت را بطور مسلم و قاطع برای ما بیان

می کند که ظلم برای یک جامعه، برای یک تمدن، برای یک

کشور، برای یک گروه از مردم، برای یک دسته حاکم، برای یک

رژیم حالت از بین بردگی دارد و نابود کننده است.

حالا در شرایطی سریعتر عمل می کند، در شرایطی یک

قدری کندتر عمل می کند که این هم باز در آیات قرآن هست،

مهلت و استدراج الهی در یک مواردی مانع می شود. انکی

نیست که ظلم نمی گذارد یک جامعه با وجود و حرکت خود، به

سمت هدفهای خودش ادامه حیات بدهد. چنین چیزی ممکن

نیست. حداقل این است که آن جامعه و کشور را دچار زلت

خواهد کرد. دچار فساد درونی خواهد نمود و آنها را در مقابل

فتنها و بلیات آسیب پذیر خواهد کرد. این حداقل قعبه است.

مردم سعی کنند که نظام

حکومتی را از آلودگی

های احتمالی نجات دهند

همینطور که آن هفته هم عرض کردم مقصود بحث ذهنی

نیست نمی خواهیم بر معلوماتان یک چیزی اضافه بشود یا یک

کلمه ای بیشتر از آنچه که می دانستیم بدانیم، مقصود فقط این

نیست. مقصود این است که ما بعنوان یک نظام جوان، بعنوان

یک کشوری و یک نظام جدیدی با یک پیام جدید که تازه اول کارمان

هست و می توانیم خودمان را از آلودگی هایی که دولتها و

کشورها و نظامهای فاسد به آنها آلوده شده اند نجات بدهیم و حفظ

کرده مصون نگهداریم، مراقب باشیم و این کاری است که فقط به

عهده برنامه ریزان کشور و زمامداران کشور نیست بلکه به عهده

همه مردم مخصوصاً بر عهده آگاهان باید درباره آنها مفصلاً

صحبت بشود.

● شکی نیست که ظلم نمی گذارد یک

جامعه با وجود و حرکت خود به سمت

هدفهایش ادامه حیات بدهد. چنین

چیزی ممکن نیست. حداقل این است که

آن جامعه و کشور را دچار زلت خواهد

کرد. دچار فساد درونی خواهد نمود

و آنها را در مقابل فتنه ها بلیات

آسیب پذیر خواهد نمود. این حداقل

قضیه است.

● مقصود این است که ما بعنوان

یک نظام جوان، بعنوان یک کشور و یک

نظام جدیدی با یک پیام جدید که تازه

اول کارمان هست و میتوانیم خودمان

را از آلودگی هایی که دولتها و کشورها

و نظامهای فاسد به آنها آلوده شده اند

نجات بدهیم و حفظ کرده مصون نگهداریم

مراقب باشیم و این کاری است که فقط

به عهده برنامه ریزان کشور و زمامداران

کشور نیست بلکه به عهده همه مردم

مخصوصاً بر عهده آگاهان.

راه مجاهد - ۱- قابل توجه است که

در انقلاب خلا بحثهای قرآنی عمیق

کاملاً مشهود است و نیاز به تداوم

چنین مباحثی در خطبه ها و سخنرانیهای

منهیبی بوضوح بچشم می خورد.

۲- در برداشتهای قرآنی دوران قبل

از پیروزی انقلاب، برداشتهای ظلم

ستیزانه از آیات عمومیت داشت که

موجب ایجاد وحدت و تحرک در میان

مسلمانهای جامعه ما میشد و همین

حرکت به سقوط نظام سلطنتی انجامید

اما در برداشتهای قرآنی پس از انقلاب

کفرستیزی نمود بیشتری داشته و در

مورد مصادق کفر نیز اختلافات زیاد

وجود داشت که در مواردی برداشتهای

بنیاداً متفاوت بود و باعث

تنشهایی در جامعه می شد که ثبات

و وحدت جامعه را نیز به خطر می انداخت

مثلاً سالها مصادق کفرشوری و بلوک

کمونیت بودند و هرگونه همکاری با

آنها (ولوتاکتیکی) نهی می شد. اما

پس از مدتی همکاری استراتژیک با این

گونه نظامها با تبیین لزوم وحدت

و مقابل امپریالیسم و استکبار

جهانی مطرح و توجیه شد. بنظر

می رسد که این جمع بندی و برداشت

آیت الله خامنه ای نقطه عطف

و چرخشی در جهت ظلم ستیزی و ملاک قرار

گرفتن عدل و قسط می باشد. امیدواریم

آیت الله خامنه ای و دیگر مسئولین

در تنظیم خط مشی و روابط عادلانه

در نظام جمهوری اسلامی بدان توجه

داشته باشند.



## جایگاه

### همه پرسی در اسلام

#### ولایت نفس

#### ولایت رب مکمل ولایت نفس

این نظریه فلسفی را اسلام پذیرفته اسلام قبول دارد. انسان موجودی است آزاد، مستقل صاحب اختیار خود. لا ملک الا نفسی. منتهی در اسلام نظری درکنار این هست که درد دنیا این نیست. در اسلام درعین حالی که این را می پذیرد انسان آزاد است، مستقل است، مال خودش است، خودش به خودش مسلط است، کسی بر او مسلط نیست اینها درست

اما درکنار این یک قدرتی بر انسان مسلط است و آن خدا است. جهان را خالق باشد خدا نام. درعین حالی که من مال خودم هستم، مال خدا هستم. من متعلق به خویشم متعلق به خدایم. وقتی نسبت به چیزهای دیگر آزادم، اما وقتی نسبت به خدایم دهندهم وقتی نسبت به چیزهای دیگر مستقیم، اما نسبت به خدا من وابسته ام، سایه ام، من همه چیزم مال خداست، من ولی دارم، صاحب دارم، مالک دارم، آنهم خداست.

این یکی از مسائل ریشه ای اسلام است که در قرآن بیش از هفتاد مورد این مسئله با صراحت گفته شده است. البته اگر بخواهیم آنها را که لوازم این مسئله است نگاه کنیم از چند صد آیه هم تجاوز میکند پس ما در مقابل خدا آزاد نیستیم در مقابل خدا عبیدیم، صاحب اختیار داریم، ما مالک داریم این بینش اسلامی، بما این را یاد می دهد.

#### تقدم ولایت رب بر ولایت نفس

لذا اگر این دوتا ولایت ولایت الرب و ولایت النفس وقتی به هم در یک جا میرسند ولایت الرب مقدم است.

در تبیین همه پرسی گفته میشود: انسان مالک است و لا مخلوق کیست؟ صاحب انسان کیست؟ اختیار را انسان کیست؟ آنها میگویند انسان آزاد آفریده شده، مستقل آفریده شده، هر کس اختیار خود را دارد هیچکس حق ندارد هیچ شیئی حق ندارد اعمال ولایت و اعمال سلطه کند. این در فرهنگ عمومی هم رفته است. میگویند جان من - لباس من - روح من، بدن من، اموال من، زن و بچه من. بعد می گویند هر کس اختیار خود را دارد من هم اختیار خود را دارم. انسان موجودی است مستقل آزاد متعلق بخود. مالکش خودش است. اختیار را تشهم مال خودش است صاحب اختیارش هم خودش است هیچکس هم بر انسان سلطه ای ندارد. این یک رای است.

در مسائل فردی دنبال این کار میروند. در مسائل اجتماعی میگویند خود انسان ها دور هم جمع می شوند. قرار مدارهایی با هم می بندند. خبر و شریکانشان را بهم دیگر وصل می کنند خودشان می آیند راجع به مسائل اجتماعی رای می دهند شرکت می کنند. ریشه اش قرار داد اجتماعی است که عقیده "روسو" و امثال روسو است

آیت الله موسوی اردبیلی در خطبه اول نماز جمعه مصادف با ۶ مرداد روز همه پرسی قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری مطالبی تحت عنوان جایگاه همه پرسی در اسلام ایراد کردند که بخشهای مهمی از متن پیاده شده از نوار آنرا در ذیل می آوریم:

این روزها سئوالی مطرح است که می گویند: جایگاه انتخابات و همه پرسی در اسلام کجاست؟ مگر ما معتقد نیستیم ان عند الله فی کل موضوع حکما "ما تکالیفمان روشن است هر موضوعی را که روی آن دست بگذارید، پیغمبر حکم آن را بیان کرده. احکام خمس خداوند در روی موضوعات معین است. ما در اسلام رای نداریم خصوصا "اکثریت یکی" نظیر بگوید، یکی اینطور بگوید این را قبول کنیم.

خدا پیغمبر را فرستاد رای نگرفت. خدا اما مهابار تعیین کرد رای نگرفت. احکام را رای نگرفت. مگر اینطور نیست خدا هر چه را امر کرد واجب است و هر چه را نهی کرد، حرام است یک آدم متشرع می گوید من حاضر بروم رای بدهم اما از جنبه شرعی اش گیر کرده ام من نمی دانم از نظر شرعی چگونه مسئله را حل کنم؟

اینکه خدایم گوید نماز بخوان، حق ندارم بگویم نمی خوانم. روزه بگیر، حق ندارم بگویم نمیگیرم، مکه برو. حق ندارم بگویم من اختیار خودم را دارم نمیروم. این علتش این است، ولایت خدا مقدم بر ولایت نفس است ولایت خدا، ولایتی است اصیل نسبت به او ولایت انسان بر خودش یک ولایت تبعی است، یک ولایت فرعی است، یک ولایت علوی است، آن مقدم بر این است. پس انسان از نظر دید اسلامی در میان دو ولایت گیر کرده نه اینکه گیر کرده باشد. موضوع دو ولایت است یکی ولایت خودیبه خویشتن. یکی ولایت خدا بر او. ولایت خدا از خداوند در طول منتقل می شود به پیغمبر. بعد به ائمه معصومین علیهم السلام منتقل می شود به نواب ائمه از فقها همینطور که می آید به تناسب ولایت فرق می کند. مثلا مادر روایات زیادی داریم راجع به تفویض تشریع بر پیامبر که رسول الله می فرماید ما فرض الله ما فرض رسول. که در بعضی جاها از شئون ولایت پیامبر تشریع است. البته این یک مسئله کلامی است و مورد بحث است حتی در مورد ائمه علیهم السلام هم این گفته شده. اما ولی فقیه تشریع نمیتواند بکند مگر در عناوین ثانیه که آن تشریع نیست آن حکم کردن است به مناسبت موضوعات، آن یک ولایت است. یک ولایت هم من خودم دارم به خودم البته این که من خودم بخودم دارم را دنیا پذیرفته است. منتهی در اسلام از باب قرارداد اجتماعی ما پیش نمیرویم اینطور که روسو و امثال آنها گفته، این یک راه صحیح تری دارد. انسان یک سکه ای است دو رو. انسان درعین حالی



که موجودی مستقل، آزاد، روی پای خود ایستاده. در همین حال یک موجودی است یک انسانی است یک شخصیتی است اجتماعی وقتی راجع به اجتماعی بودن او فکر می‌کنیم دیگر نمی‌توانیم وقتی یک انسان اجتماعی که یک عضو اجتماع است یک فرد اجتماع است، یک گوشه اجتماع است، وابسته به اجتماع است اجتماع یک واحداست. وقتی یک واحد شد انسان در مسائل فرعی اش مالک خودش است اما در مسائل اجتماعی وقتی که انسان عضو یک اجتماع می‌شود هماهنگ با اعضا یکدیگر وابسته با اعضا دیگر یک واحد تشکیل می‌دهند آنجا ولایت می‌شود ولایت اجتماع حرف می‌شود حرف اجتماع خواسته می‌شود خواسته اجتماع تصمیم می‌شود تصمیم اجتماع اختیار و انتخاب می‌شود اختیار و انتخاب اجتماع. اینکه ما می‌بینیم در مسائل اجتماعی پای صندوق رای میریزد رای‌های خود را به صندوق میریزد اینها را می‌شمری یا اتفاق آراء را بدست می‌آوری یا اکثریت آراء را بدست می‌آوری و بعد تابع اکثریت می‌شوی اینها همه مربوط به بعد وجودی انسان است. حتی ولایت عدول مومنین آیا ادامه ولایت رب است؟ که از خدا، پیامبر، ولی فقیه می‌آید میرسد به ولایت مومنین که اکثر اینجور فکر می‌کنند یا مربوط به ولایت نفس انسان است از بعد اجتماعی لذا می‌گویند اگر خودش باشد خودش، ولی قهری باشد ولی قهری اگر نیست نوبت میرسد به عدول مومنین. بنظر من ولایت عدول مومنین ادامه ولایت ربوی نیست. ادامه ولایت خود انسان بر خودش است. منتهی از جنبه اجتماعی. وقتی که این‌ها مسئله از نظر اسلامی جایگاهش

این است من درباره خودم تصمیم می‌گیرم، انتخاب می‌کنم می‌پذیرم بعد راه خودم را ادامه می‌دهم. مسلط بر خودم هستم و مسلط بر مالم. از نظر اجتماع. اجتماع یک واحد است، وقتی یک واحد شد، انسانها اعضای آن واحد هستند. اجتماع تصمیم می‌گیرد اجتماع انتخاب می‌کند اجتماع دستور می‌دهد منتهی اگر رای اجتماع قرار باشد به اتفاق آراء در مشکلات برخورد می‌کند آنجا هم اتفاق آراء و هم اکثریت آراء تبلور رای اجتماعی انسان است. اگر آمدند و در جایی به توافق رسیدند اهلاً و سهلاً. اگر متوافق نبودند ادامه ولایت رب، یک چیز را تقاضا کرد، ادامه ولایت نفس یک چیز دیگر را، آن آیه که می‌گوید نبی بر مومنین ولایت دارد مقدم بر خود مومنین است. در مقام تعارض، تباین مخالف، ولایت رب مقدم بر ولایت انسان است. جایگاه رای دادن در همه پرسش‌ها در رفتارند و هاد انتخابات، جایگاه خودش را دارد هم شرعی است، قانونی و منطقی درست. یکجا جایی برای حرف اینگونه افراد که حیثیت کثرت جایگاهش کجاست جایی برای او نمی‌ماند اما چون فکر آزاد است، ما به آن آقایان که دارای چنین اظهاراتی هستند پشت اظهاراتی فکری هست، فکر هم دارند می‌گوئیم بسیار خوب، این حرف ما، دلیل ما، منطق ما، می‌گوئید این جایگاه اسلامی ندارد، پیشنهاد مشخصتان چیست؟ حرف یک نفر زور است کدام یک نفر؟ به جای مراجعه به آراء عمومی و همه پرسش‌ها رفتن به صندوق رای می‌گوئید این اسلامی نیست اسلامی اش چیست؟ اسلامی داریم و این اسلامی

آیا تبیین همه پرسش در اسلام نمیتواند بصورت زیر باشد که اعضای خبرگان منتخب که به قرآن و سنت پای بندند تلاش کنند و قانونی تنظیم نمایند که در مقطع زمانی و مکانی موجود تحقق اسلام باشد ولی به نوبه خود برای ارزیابی میزان حمایت مردم از آن و قابل اجرا بودن آن به رای عمومی بگذارند. آیا این تبیین همه مشکلات را حل نمیکند؟ نیست یا نداریم؟ فکر نمی‌کنم کسی بگوید ما اسلامی را داریم بهتر از این، سالمتر از این دقیقتر از این، منتهی بگویم نمی‌گویم. چون من ندیدم کسی این حرفها را می‌زند. پیشنهاد مشخصی بدهد. اگر بگوید اسلامی اش را نداریم. این معناش این است که در دوره غیبت اسلام حذف شده است. تادوره‌ای که امام حسن عسکری بود بعد این قسمت اسلام تعطیل شد. به دست کفار مشرکین، استکبار داده شد بعد که انشاء الله حضرت مهدی قیام فرمودند مجدداً آنرا پیاده می‌کنند. این فکر فکری نیست که بشود روی و انگشت گذاشت یا او را قبول کرد. بنابراین رفتن به مراکز رای دادن و رای دادن گذشته از منافع اجتماعی آثار مثبت اجتماعی هم شرعی است هم اسلامی هم منطقی است. و رفتن و ولایتی که در زیر پوشش جنبی شبهاتی فرار از تکلیف است پشت کردن به نظام است ضربه زدن به نظام است راه مجاهد:

منظر میرسد انجामी که ارائه شد انجم "راه انبیا" - راه بشر "است. یعنی تا آنجا که می‌توانیم ما ظلمان را با "راه بشر" (ولایت نفس) حل کنیم و اگر نشد با راه انبیا (ولایت رب) حل نمی‌شود اینطور نیست که ولایت نفس و ولایت رب در طول هم باشد بلکه دو روش کاملاً متفاوت است. آیا بهترین است به جای این

آیا تبیین همه پرسش در اسلام نمیتواند بصورت زیر باشد که اعضای خبرگان منتخب که به قرآن و سنت پای بندند تلاش کنند و قانونی تنظیم نمایند که در مقطع زمانی و مکانی موجود تحقق اسلام باشد ولی به نوبه خود برای ارزیابی میزان حمایت مردم از آن و قابل اجرا بودن آن به رای عمومی بگذارند. آیا این تبیین همه مشکلات را حل نمیکند؟ در این تبیین جایگاه همه پرسش "حضور طهر" می‌شود که در خلبه‌های حضرت علی (ع) آمده است و اگر قانونی رای نیاورد دلیل بر غلط بودن آن نیست بلکه در این مقطع از زمان بلطاط حکومتی قابل اجرا نیست. از آیت الله موسوی اردبیلی ضمن تشکر استعدا داریم حال که مطالب به این طریقی مطرح شده، در آینده بیشتر شکافته شود.

"آزادی غربی و آزادی مشروع خطبه‌های نماز جمعه آیت الله موسوی اردبیلی ۶۸/۴/۷ بقیه در صفحه ۵۲

اولین گام در انجام این وظیفه خطیر برعهده مراکز اطلاعاتی و امنیتی کشور است که سوابق نیروهای این چنینی را برای مسئولان مربوطه روشن کنند، تا آنها بتوانند تصمیم لازم و قاطع را برای حذف آنان از مراکز مهم و حساس اتخاذ نمایند.

مقاله‌ای از حسین شریعتمداری  
درموردی معصومین هم  
به دلیل عدم توان، یاران  
صدیق خود را از امور  
حسابی کنار می‌گذاشتند

از دیدگاه اسلام قبول یک  
مسئولیت بخاطر رضای خداوند  
تبارک و تعالی و برای خدمت به  
خلق خدا است و اگر بنا به دلائلی

تا زه ای را مطرح نماید که با توجه به اینکه طرح چنین مسأله‌ای مورد سوءاستفاده بیگانگان واقع می‌شود علامه مسئولین اجرائی را علی‌رغم آنکه می‌خواهند عمل نمایند توان می‌کرد.

درک و بینش گسترده امام و برخورد اصولی ایشان با مسئله نظیر "ساده اندیشی" و بر حذر ماندن از عوامل نفوذی و طرد لیبرالها و منافقین به عنوان ادامه خط خونین شهدای اسلام با ردیگر مصلحت نظام را بر هر چیز دیگر مقدم داشت.

۶۸/۱/۱۷  
نفوذیها خود را موافق  
نظام نشان می دهند و  
بعداً زدرون ضربه میزنند

وقتی جبهه ضد انقلاب، بویژه گروههای چپ و چپ نما در سال ۶۰ از رویا رویی جشن و علنی با انقلاب مایوس شدند و بوضوح بر این واقعیت دست یافتند که هرگونه برخورد خشن و قهرآمیز با نظام منجر به انزوای شدید نیروی درگیر خواهد شد، به سواغ شیوه‌ای نوین و متناسب با شرایط زمان رفتند و آن عبارت بود از: "با نظام علیه نظام"

.....

خود را هم‌مسو و موافق با حاکمیت

مواضع روزنا مه کیها ن

کیهان در همان روز چاپ  
نامه‌های متبادله، مقال‌های  
محت‌عنوان "مصلحت‌نظام"  
قلم "ا، ع، مسعود" را به  
چاپ رسانید که قسمت‌های از آن  
قل می‌شود.

علت دوری از مسائل  
اجرائی و ساده اندیشی  
ناقل اندیشه های  
مخالفاً انقلاب شد

آیت الله منتظری پس از  
دین گزینی مسئولیت های  
اجرائی را پذیرفت و ترجیح  
داد در حوزه به تدریس بپردازد  
و روی آیت الله منتظری از مسل  
اجرائی و دسترسی افراد فرصت  
طلب به بیت ایشان و عدم قاطعیت  
بر برخورد با چنین افرادی که  
بعداً "ناقل اندیشه های مخالف  
نقلاب به بیت ایشان بودند  
وضع و احوالی را بر جود  
وردند تا ایشان طی نامه هایی  
مطالب به مسئولین اجرائی مسل

استغفار آیت اللہ منظری

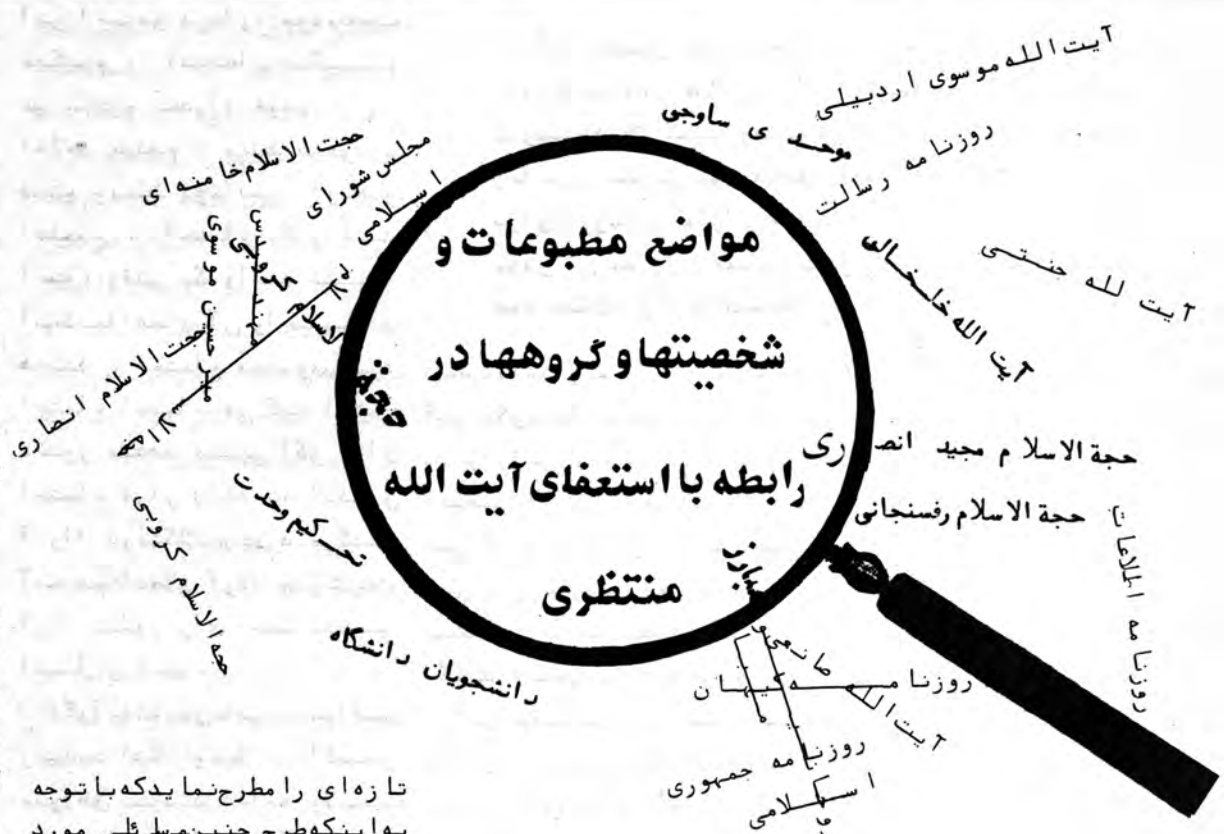
تحويل بزرگی بود که در ماه های  
آخر عمر حضرت امام خمینی (ره)  
پیش آمد.

دراينجاسعی شده بخش ها ی  
سترا تژیک مقالات و صحبتها  
پیرامون استعفا را بیآوریم.

قابل ذکر است که از مجموعه نمایندگان مجلس شورای اسلامی مسئولین مملکتی، نهادهای و رگانه های نظام جمهوری اسلامی و شخصیتها، احزاب و گروهها و آئمه جمعه، تنها تعداد محدودی در بین رابطه نظر دادند. بطور مثال در بین نمایندگان مجلس شورای اسلامی تنها ۴ نفر در این مورد صحبت کرده اند.

قابل توجه است که پس از  
استعفا، روش ما این بوده است  
که در حدنا مه های متبادله هفتم  
فروردین و هشتم فروردین ۶۸  
محبت کنیم.

متاسفانه در برخی موضوع گیریها شاهد دول از حدنامه های متبادله رسمی بودیم که این کم صلاحیتی به اختلافات دامن زد.





آن کس که مسئولیتی را پذیرفته قادر به انجام آن نباشد، رضای خدا در کناره گیری از آن مسئولیت خواهد بود و این همان کاری است که آیت الله منتظری انجام داد و بدیهی است که از عالمی ربانی و فقیهی خداجوی مانند ایشان غیر از این انتظار نمی رفت.

**برخورد شدید امام جزیی  
تفکیک ناپذیر از ایمن  
برخورد حساس امام بود**

از میان نکات فراوانی که در این ماجرا به چشم می خورد این نکته که چرا این ماجرا با عتاب و ملامت آشکار از جانب امام مونسیر پذیرفت که از دریچه دید عمده ای ظاهر "تند" تلقی می گردد؟

در این قضیه شدت وضعف برخورد و چگونگی آن با میزان اهمیت و حساسیت موضوع متناسب است. زیرا از این طریق میتوان "ضریب خطر" و "اهمیت مساله" را ارزیابی کرده .... بخاطر حفظ مصلحت نظام لازم بود در قبال این مساله نه تنها حساسیت شدیدی نشان داده شود بلکه این حساسیت دامنه ای به گستردگی و تناسب جایگاه ایشان داشته باشد.

این مصلحت اندیشی با یتی با برخوردی قاطع، سریع، صریح، آشکار و محسوس برای همگان همراه باشد و امام با حرکت حکیمانانه خود بر سر آن است تا هم توطئه دشمنان اسلام در سوء استفاده از شخصیت حقوقی آیت الله منتظری را خنثی کند هم این شخصیت و فادار به اسلام و مسلمین را از دامی که برای ایشان گسترانیده بودند نجات دهد.

## خطر نفوذیها در بیت آیت الله منتظری بسیار جدی شده بود

هویت طیفی از مخالفین نظام که به قول حضرت امام "به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی" در بیت آیت الله منتظری تردد داشتند مطلب جداگانه ای است ولی آنچه مسلم است اینک ه افراد از این دست با هدف سوء استفاده از موقعیت آیت الله منتظری به بیت نزدیک شده بودند و با تظاهر سالوسانه به دلسوزی برای اسلام و جمهوری اسلامی و در پوشش خیرخواهسی نظریات خود را که در حقیقت متعلق به خود آنها نیز نبوده است را در قالب "داده های قابل اطمینان" به ایشان عرضه کنند.

## دشمنان انقلاب خواهند کوشید تا نظرات فقهی آیت الله را زیر سؤال ببرند

احتمال دشمنان انقلاب اسلامی خواهند کوشید تا با القای این تصور موهوم و جنین و انمود کنند که نظریات فقهی و اجتهادی آیت الله منتظری از عواملی بوده است که باعث گردیده تا قائم مقامی ایشان برای رهبری به مصلحت نظام تشخیص داده نشود.

شخصیت حقیقی "آیت الله منتظری" بعنوان فقیهی ارزشمند، عالمی ربانی، مجتهدی زجر کشیده و پاکبخته با "شخصیت حقوقی" ایشان به عنوان قائم مقام رهبری دو مساله جداگانه هستند و آنچه باعث گردیده تا ادامه مسئولیت ایشان در جایگاه قائم مقامی رهبری به مصلحت نظام نباشد متوجه شخصیت حقوقی او است.

جریانات منحرف دیگری نظیر انجمن حجتیه و گروه موسوم به "ولایتی ها" نیز احتمالاً خواهند کوشید تا کینه خود نسبت به ارزش های انقلابی آیت الله منتظری را ظاهراً "در راستای صلاحیتها و خیر قلمداد کنند و تحت این پوشش سالوسانه نه تنها علیه ایشان بلکه علیه تمامیت انقلاب اسلامی شایعه پراکنشی و جوسازی نمایند.

کیهان ۶۸/۱/۲۶

مقاله حسین شریعتمداری :

## دشمنان انقلاب و اسلام نیا ز بهر سال نه ای مطلوب داشتند

حرکت پرشتاب انقلاب و درگیری شدید "بی نقاب" قدرتهای استکباری با آن، رسانههای آشکار دشمن را در انهان عمومی فاقد اعتبار کرده است و سایر جریانات مخالف و ضدا انقلاب نیز که در اختیار دشمن قرار دارند و لایه دلیل فقدان پایگاه مردمی و ثنائیا "بعلت آنکه در طول دوران پر حادثه عمر انقلاب اسلامی هر کدام به گونه ای مورد استفاده قرار گرفته و افشاء شده اند نمی توانند برای دشمن، رسانهای مطلوب باشند و دقیقاً "در همین نقطه است که بایستی اهمیت عوامل نفوذی را در راستای اهداف دشمن جستجو کرده و رمز تلاش گسترده استکبار برای نفوذ دادن عوامل خود در کانونها، مراکز حساس و خصوصاً در بیوت و کنایر شخصیت های موجه را پی گرفت ... رادیو آمریکا، بی بی سی، مونت کارلو، رادیو مسکو، رادیو ریاض، لوموند، نیوزویک، تایمز لندن، نشریه فلان گروه ضدا انقلاب، اطلاعات و نامه سرگشاده فلان لیبرال خود فروخته، اظهار نظر فلان عامل دستچندم و شناخته شده و ... همه

با یک سال ز بهر رقص در آمده و با یک فرمان حرکت می کنند ولی همه نیز می دانند که اینها همه دشمن هستند و سیلی خورده از اسلام، ماهنگامی که همین القایات از طریق افراد موجه و کانونهای فردی عرضه میشوند اگر چه با زهم القایات و توهیم پراکنشی های دشمنان هستند ولی از زبان دوستان بیرون آمده اند خصوصاً "دروستانی که دوستی" به اثبات رسیده دارند.



کیهان ۶۸/۱/۲۴

سخنان حجت الاسلام محمد علی انصاری در دانشگاه تهران .

## آثار این تصمیم تلخبر چهره امام آشکار است

دیگر ضرورتی نمی بینم که آثار این تلخی را در این چند روز در سیما و گفتار امام بازگو کنم. ولی شما از زبان کسی این حرفها را می شنوید که هیچ داعی برای تحلیلهای خلاف واقعیت در محضر امام ندارد.

## در زمان تصمیم گیری کسی جرات دخالت در حرم امام را ندارد

امام در عین آن سادگی و اعتدال و آن عواطف گرم و صمیمی و رافت و مهربانی نسبت به مردم و بندگان خدا از یک عظمت و استهت و اعتباری برخوردارند



که حتی نزدیکترین یاران حضرت امام و فرزندان امام جرات نمی کنند آنجایی که بحث تصمیم گیری و مرجعیت و رهبریت امام است در آن حریم دخالت کنند و نزدیک شوند.

**آیت الله منتظری فاقد عمق نگری لازم برای رهبری بودند**

تذکره دادند که خسته شدند و علاوه بر خستگی، مطرود شدند. یعنی همین باند مهدی هاشمی آمدند پرونده جعلی ساواکی برای آنها درست کردند و آنها را از خانه آیت الله منتظری بیرون ریختند.

## ● در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که

**مقدم بر هر چیز است.**

### امام خمینی

آقا را با رهبرستاندند. امام در برخورد با ایشان نصیحت ها کردند و همه از روی اخلاص بود و هیچکس نمی دانست من تاهمین او اخرنمی دانستم که امام گروه هایی را مامور کردند که بروند آنجا و بگویند که این بیرونی برای شما مسئله ساز میشود و این بیرونی، بیرونی است که نظر شما را نسبت به اهداف نظام برمی گرداند. این بیرونی شما را در دیدگاهتان نسبت به یک سری جریانات به ضعف می اندازد.

**چرا هر کسی به بیت آیت الله راه داشت**

یک زندانی از زندان آزاد میشود و فردا در آن جاحضور داشته باشد و با ایشان ملاقات و درددل کند و حرف هایی را بزند که اصلاً پایه و اساس منطقی ندارد، کار چه کسی میتواند باشد؟

**تغییر مواضع آیت الله منتظری**

شما تفاوت مواضع این شخصیت بزرگوار از آغاز انقلاب در مبانی اقتصادی را مرور کنید آن دفاع محکم ایشان از بند "ج"

و مواضع اخیری که ایشان در رابطه با تجارت آزاد، اقتصاد آزاد، درهای باز، گرفتن همه چیز از دولت و گذاشتن در اختیار چه کسی؟

**مواضع آیت الله منتظری که ایشان را از انقلاب جدا کرد**

(آیت الله منتظری) با آن قلب صادق و مهربانی که داشتند حاضر نبودند یک حزب الهی از این انقلاب بر جدا مآدر همان اوج انقلاب می گفتند آقا کمیته در کشور وجودش به ضرر انقلاب است، دادگاه زمان جنگ نمی خواهیم، دادگاه انقلاب نمی خواهیم، ما برخوردمان با لیبرالها باید برخورد عادلانه و معتدل باشد، همان برخوردی که بعضی برادران ما وقت می رفتند آنجا می دیدند احیاناً لیبرالها نشسته اند یا می نشسته اند.

خدانیا مرزدان جریانی که با این القایات و با این تفکرات و با این تحلیلهای غلط و کورد ر آنجا نشستند و برنامه ریزی کردند و خط مشی تعیین کردند که امروز بنده در اینجا می که با ید بیایم یک سری مسائل دیگر را با زگو کنیم یا ید بگویم واقعیت قضیه این نیست که امام بدون برنامه های قبلی با ایشان برخورد کردند.

در حقیقت برای خودشان و برای ایشان یک شخصیت منهای امام، منهای رهبری منهای مصلحت نظام قائل بودند.

با کمال تاسف یا ید بگویم که آیت الله منتظری قربانی دفاع از مهدی هاشمی شد.

هیچکس راجع به سابقه مبارزات آیت الله منتظری بحث ندارد هیچکس راجع به فقاہت ایشان صحبتی نمی کند. هیچکس در رابطه با اینکه باید حوزه ها و حوابع فقهی از نظرات ایشان استفاده کند بحثی ندارد. اما نکته اساسی اینجا است که رهبری آینده نظام، رهبری و مرجعیتی که باید با یک دنیای پراز حوادث مواجه باشد می بایست از یک عمق نگری و از یک ژرفنای در تحلیل مسائل برخورد را باشد و تحت تاءثیر عواطف و احساسات قرار نگیرد.

**آیت الله منتظری به مهدی هاشمی بیش از حد اعتماد داشتند**

آیت الله منتظری هم به امام نامه نوشتند و هم در محافل خصوصی و عمومی مطرح کردند که من به مهدی هاشمی یک اعتماد دخی دارم و ایشان یک فرد با تقوا و صادق است و در یک سی از تعبیرات، ایشان فرموده بودند مهدی هاشمی از نظر تقوا، از بسیاری از مسئولان بالای کشور با تقوا تر است.

همه کسانی که ماهیت مهدی هاشمی را می شناختند و در کرده بودند در جریان این حادثه و جریان این واقعه آنقدر به ایشان مراجعه کردند و آنقدر

مهدی هاشمی وقتی که در خانه قائم مقام رهبری حضور پیدا کردند گفتند بالاخره این جنایت ها و این خیانت ها و این پرونده ها و این اتصالات به بیگانگان و این همه تحلیلهای غلط با یک سری عناصرو مسئولینی مواجه میشود که ما را مواخذه می کنند. برای اینکه در جلوی یک چنین حرکتی یک سد بزرگی ایجاد کنند و از یک روزی با یک سلسله انتقادات و برخوردها از ناحیه مسئولین و تصمیم گیرندگان مواجه شدند این ساله را القاء کرده باشند که هدف از برخورد حذف یک چهره بزرگ سیاسی دیگر است. مهدی هاشمی در یکی از نامه های دیگرش به آیت الله منتظری نوشته بود که نظام به من سید مفلوک کاری ندارد. من سید دور افتاده هدف اینها نیستم، در آینده خواهید دید که اینها به عنوان من و به نام من چهره شما را می کوبند.

من در جریان برخورد همه مسئولین کشور بودم که در دل همه این بود که این خانه باید تطهیر باشد، بیرونی آیت الله منتظری تطهیر باشد، در مقابل آن مقدس مآب ها همان افعی هایی که در حوزه ها نشسته اند و حرف میزنند ما هیچ نقطه ضعفی نداشته باشیم که بگویند فلان کس را و فلان



امام تمام کوشش خود  
را کردند تا کارها اینجا  
نرسد

.....  
خدا می داند که نظام و امام  
برای آنکه چنین وضعیتی پیدا  
نشود همه راهها و طرقی را که  
امکان داشت، برای تعدیل  
قضا یا رفت.....

تمام راههای نصیحت، تمام  
راههای ارشاد، تمام راههای  
هدایت برای خیر و مصلحت آن -  
جا یگانه مقدس پیموده شده، اما  
وقتی دیگران می بندنچه باید  
کرد؟.....

ایشان حرفهای مسموم  
لیبرالها و جریانات  
ناسالم را اعلام میکردند

.....  
از سویی نفوذیها و عوامل  
بیگانه اعم از کسانی که با ایشان  
قربت و نسبتی داشتند و یا عنصر  
خود فروخته لیبرال و وابسته به  
برخی جریانات ناسالم سیاسی  
آنچنان خود را در بیت ایشان جا  
زدند و از خویش چهره ای دلسوز و  
مترقی و لایق ساختند که عرصه را  
بر مسئولان و نیروهای دلسوز  
و خیرخواه تنگ کردند. و از سوی  
دیگر با استفاده از روحیه کم تحمل  
و شتابزده ایشان تحلیل ها و  
حرفهای مسموم خود را از زبان  
موجه شان اعلام کردند.....

حجت الاسلام انصاری در جواب  
به سوالی به این مضمون گفتند:  
تا آنجا که اطلاع داریم یکی از  
لیبرالها به ایشان توصیه کرده  
است که نامه ۶۸/۱/۷ را به آن  
مضمون بنویسند.

## مواضع روزنامه رسالت

رساله ۶۸/۱/۹  
سرمقاله آیت الله آذری قمی  
در روز چاپ پیام های متبادله  
بین امام و آیت الله منتظری

امام و آیت الله  
منتظری ابراهیم وار  
و اسماعیل وار عمل  
کردند

.....  
راستی جز در نظام انبیاء  
در کجای تاریخ چنین بزرگمردی  
بوده است که حاصل و محصول  
عمر خود را در راه معبود خویش و  
مصلحت دین او، ابراهیم وار  
قربانی کند و در کجای تاریخ  
یافت میشود که فرزند هم با این  
همه موقعیت و محبوبیت حاضر  
شود که به قربانگاه عشق محبوب  
برود و به خاطر مصلحت الهی  
مسلمین، اسماعیل وار نغمه  
زیبای "یا ابتاعل ما تؤمر  
بتجدي ان شاء الله من المابرین"  
سر دهد.....

این مسئله ثابت نمود که  
در نظام ولایت فقیه می توان  
صا دقانه از همه محبوبيت و  
موقعیت خود به خاطر مصلحت  
نظام خدایی گذشت و از "تعجز"  
مقدس مآبهای بی شعور و شادی  
دشمنان قسم خورده و نادان هراسی

به دل راه نداد و دل در عشق  
خدا بست و در کریمه زیبای "ولا  
تاء خنهم فی الله لومہ لائثم"  
مسکن گزید.

رساله ۶۸/۱/۱۴  
سرمقاله آیت الله آذری قمی

پاسخ به اشکالات  
وسوسه گران

.....  
از آنجا که وسوسه گران تبلیغاتچی  
همیشه از کاهی، کوهی می سازند  
تا با زا رخود را گرم کنند و نه نهایی  
ساده را بفریبند، این مساله  
با ید تبیین گردد و اشکالاتی که  
در اطراف آن ایجاد میگردد،  
پاسخ گفته شود.

چرا امام آیت الله منتظری  
را تأئید و احباب این شدت رد کردند

.....  
اشکال اول: از مقام رهبری  
آگاه و بیدار و مردم شناس بعید  
است که فردی را همچون آیت الله  
منتظری حاصل عمر خود بداند و  
بنامد، و مصوبه خبرگان را توشیح  
کند و از آن سو با این سرعت و شدت  
با آن به مخالفت برخیزد.....

.....  
چون حاکم مسلمین از اطلاعات  
و آگاهیهای ویژه ای برخوردار -  
است و سرخ حوادث کلی کشور به  
دست او است، از این جهت بر اساس  
مصلحت مسلمانیان تصمیماتی  
میگیرد که ممکن است پاره ای از

آن تصمیمات و مصلحت نگرانی ها  
برای افرادی که آن اطلاعات  
و آگاهیها را ندارند، بعید به نظر  
بیاید، در طلیکه اگر زمانه  
بگذرد و چگونگی امر روشن گردد،  
متوجه میشوند که خیر و صلاح جا معه  
اسلامی در آن تصمیمات نهفته  
بوده است.....

شرایط برد و قسم است ۱- اختیاری  
مثل علم و تقوا و عدالت و دلسوزی  
برای انقلاب و نظام ۲- غیر  
اختیاری مثل نیروی جسمی  
و تدبیر و ضعف گرا ئیدن مدیریت  
و از دست دادن حافظه و عدم برخورد  
قاطع با عناصر نفوذی و خائن.  
مسئول منتخب توسط رهبر یا  
نهادهای دیگر ممکن است در هنگام  
انتخاب هر دو نوع شرط را واجد  
باشد ولی به عللی در طول زمان  
ما موریت، یک یا هر دو ویژگی  
را از دست بدهد.....

.....  
بنا بر این وقتی حضرت امام  
مدظله العالی می فرمایند من  
از اول با انتخاب شما مخالف  
بودم دلالت ندارد بر این که  
معظم له ایشان را از نظر قسم اول  
صالح نمی دیدند هرگز بلکه با  
تاء پیدا خیرشان پیدا است که  
صالح می دیدند ولی از نظر  
شرایط قسم دوم در صدد اصلاح  
بودند و لذا تلاش فوق العاده ای  
از روزهای اول در اصلاح بیت  
ایشان میبذول فرمودند تا به  
قضیه سید مهدی هاشمی منجر شد  
ولی این تلاش خالصانه الهی



موثر نیفتاد و به حوادث تلخی برای رهبر الهی و مردم علاقمند و ارادتمند به مقام شامخ روحانیت کشیده شد ولی از آنجا که مدیریت صحیح اقتضای می کند که ولی مسلمین بر همه امور کشور مراقبت داشته باشد و مصلحت این چنین در نظر گرفته شد.

رسالت  
سرمقاله آیت الله آذری قمی ۶۸/۱/۱۷

آیات الله منتظری  
بدلیل انتقاداتی که  
مطرح می کرد برکنار  
شد؟

.....

یکی دیگر از القای دشمنان آگاه اسلام و دوستان ناگاه انقلاب اینست که آیت الله منتظری تنها فردی بود که انتقاد سازنده و قانونی بنفع انقلاب و اسلام داشت و این اقدام موجب تشدید اختناق و دیکتاتوری خواهد شد.

.....

ولایت و اطاعت مطلقه یعنی تنظیم امور و جلوگیری از افراط و تفریط ولی فقیه است که باید هر چه را صلاح بداند، افشا کند و برای مردم بگوید و هر چه را صلاح نداند سست گتمان نماید.

در بسیاری از موارد، رهبر انقلاب مخفیانه تذکر می دهد چون صلاح نمی داند که به طور علنی و در رسانه های گروهی مطرح شود، و گاهی به تلویح و کنایه می فرماید و زمانی صریح و آشکار اینها همه مربوط به رهبری و صلاح اندیشی اوست، ....

.....

در تاریخ اسلام نمونه های فراوانی یاد شده است که بر اساس همین مصلحت نگری پیشوایان، عزل و نصب افراد صورت می گرفته و چه بسا افراد پاکباز و عاقل و باتقوا وجود داشته اند که چون

بعد از مدتی ثابت می شد که بار مسئولیت داده شده به آنان، فوق طاقت آنها بوده است یا خود استعفا می داده اند یا اینکه مقام ولایت، از آنان می خواسته است که به کار دیگری که درخور استعداد آنهاست بپردازند.

.....

اما م مدظله هم به علت عدم طاقت ایشان و عدم نظارت و کنترل کامل بر ایشان هم آنان را می خواستند و هم آنان را پذیرفتند.

.....

قائم مقام نبودن آیت الله منتظری، از حاصل عمرا ما بودن ایشان نمی گاهد و باید افراد، ارزشها و فضیلت های ایشان را از یاد ببرند.

مقامی رهبر به روی ایشان بست

بنظر ما بیت ایشان  
می بایست زیر نظر  
خبرگان قرار می گرفت

اینجا نب (آذری قمی) در خبرگان بر روی همین نقطه ضعف انگشت گذاشتم و گفتم این نقیصه به دو صورت، ممکن است جبران شود.

۱- ماده ۳۸ - مصوبه خبرگان که بیت رهبر را زیر نظر مشاورین تعیین شده از طرف خبرگان قرار می دهد.

۲ - وجود فرد دیگری که جامعیت ایشان را از نظر فضا

حل

● از آغاز مبارزه تا کنون در همه مراحل همچون

سربازی فداکار و از خود گذشته و مطیع درکنار

حضرت عالی و در مسیر انقلاب و اسلام بوده ام.

آیت الله منتظری

علمی و معنوی داشته باشد ولی فاقد نقص مزبور باشد.

رسالت  
بخش سیاسی داخلی - تحلیلهای  
نادرست

تحلیلهای انحرافی  
از استعفا آیت الله  
منتظری

.....

تحلیل های مختلفی در محافل سیاسی و جراید شنیده و دیده شده است. اما متأسفانه دسته ای از این تحلیل ها نه تنها کمکی به درک حقایق نکرده اند که حتی دست به تحریف تاریخ زده و دیدگاهی انحرافی را به جامعه عرضه نموده اند.

.....

بعضی "افراد" در تحلیل های ایشان را به "لیبرالیسم اقتصادی" متهم نموده و این را یکی از دلایل برکناری ایشان ذکر نموده اند! ..... ایشان با توجه به فرموده های مکرر امام نیا ز به مشاوران مردم در امور اقتصادی و آزادی مردم در امور کشاورزی و تولید، غیر دولتی بودن امور را تاکید ورزیده اند آیا اینگونه اعتقادات نامش لیبرالیسم اقتصادی است؟ در واقع آیت الله منتظری در بیان مواضع اقتصادی منادی نظرات حضرت امام بوده و این نظرات از آن جهت که در راستای نقطه نظر اقتصادی مقام معظم رهبری است برای همه دست اندرکاران لازم الاتباع بوده و

تبلیغ آن برای رسانه های گروهی امری ضروری است

.....

امام از همان سال ۶۴ و حتی قبل از آن که زمزمه های قائم مقام رهبری آیت الله منتظری مطرح بوده با این امر مخالف بوده اند. در همین جادریا سخ تحلیلهای انحرافی باید گفت: به قول خود این دسته تحلیلگران آیت الله منتظری در سالهای قبل از مواضع اقتصادی مترقی برخوردار بوده و به اصطلاح اخیراً "روند تغییر موضع" را پیموده پس این دیدگاههای به اصطلاح جدید آیت الله منتظری و سوق یافتن ایشان به لیبرالیسم اقتصادی نبوده که باعث



تصمیم و نظر حضرت امام به کناره گیری آیت الله منتظری گردیده است. این جمله امام به صراحت نشان میدهد که نظرات سابق اقتصادی یا نظری جدید اقتصادی یا اتهام لیبرالی بودن، دیدگاه حضرت امام را نساخته و حضرت امام از ابتدا مخالف قائم مقامی آیت الله منتظری بوده و در واقع زمان فعلی را به دلائلی که در قسمت های بعدی نامه اشاره شده برای برکناری ایشان انتخاب کرده اند...

... با دید پرسید در کجای نامه حضرت امام به مسئله انتقالات و نظرات اقتصادی آیت الله منتظری به عنوان اصل عدم صلاحیت اشاره گردیده و چرا در جایی که به این صراحت به موضوع انحراف افرادنا صالح در بیت و ما جرای مهدی هاشمی اشاره رفته، از تحلیل جریان مهدی هاشمی بعضاً " طفره رفته میشود، ... اکنون باید پرسید ایمن دروغهای رادیوهای بیگانه تا چه حد به تطبیلهای انحرافی بعضی از تحلیلگران داخلی نزدیک و مشابه است.

رساله ۶۸/۱/۲۷  
بخش سیاسی داخلی - ضرورت با زنگری در تحلیلها

تحلیلهای ناصحیح و غیر منصفانه

.....

برخی از قضاوتهایی که در این چند هفته اخیر نسبت به موضوع مذکور شده است " ناصحیح و غیر منصفانه " می باشد.

عده ای که تا دیروز آن چنان در طرفداری افراط می نمودند به طوری که اگر کسی نظری مغایر نظر آیت الله منتظری اظهار می نمود ( در عین داشتن علاقه به ایشان ) از طرف این افراد به عنوان مخالف و ضد آیت الله منتظری معرفی شده و مورد شدید ترین هجمه های تبلیغاتی و سیاسی قرار میگرفت امروز آن

چنان در مخالفت با ایشان افراط مینمایند که حتی " انصاف " را هم در حق ایشان زیر پا گذاشته و کمالاتی که حضرت امام به صراحت در مورد آیت الله منتظری قائل شدند، نادیده میگیرند و به اینکه از چند سال پیش مخالف آیت الله منتظری بودند فخر میفروشند.

رساله ۶۸/۱/۲۸

بخش سیاسی داخلی - ضرورت با زنگری در تحلیلها

آیا علت برکناری آیت الله منتظری انتقادات ایشان بوده است؟

یکی از دلائلی که برای برکناری آیت الله منتظری در تحلیلها و به اصطلاح ریشه یابیها مطرح و روی آن مانور نسبتاً زیادی هم داده شده است این است که ایشان گاه و بیگاه خصوصی و عمومی نسبت به برخی از عملکردهای دستگاههای دولتی و اجرایی انتقاداتی داشته و تذکراتی را در این خصوص ارائه می دادند.

.....

اتفاقاً یکی از پر حجم ترین سوژه های تفسیرها و تحلیلهای رادیوها و رسانه های بیگانه پیرامون این واقعه نیز همین " انتقادات آیت الله منتظری از مسئولین " بوده است.

.....

با این حساب روشن است که اظهار نظرها و تحلیلهای داخلی که بر روی " انتقادات آیت الله منتظری " تاکید نموده اند تا چه حد میتوانند تا " شیر منفی " به همراه داشته باشند و مورد بهره برداری رسانه های مغرض خارجی قرار بگیرد.

.....

با بررسی مجدد نامه حضرت امام روشن میشود که در این نامه

موضوعی تحت عنوان " انتقاد " ایشان مطرح نیست.

.....

به طور کلی همه دنیا و بخصوص ملت خود ما میدانند که فضای سیاسی جامعه ما، فضای بسیار بازی است به طوری که هرگونه انتقاد و حتی اعتراض به حق یا ناحق از سوی آحاد مردم از ما چهره نظران و مطبوعات گرفته تا مردم معمولی، در مجلس، روزنامه ها، خیابان ها و کوچه و بازار از دستگاههای اجرایی، دولت و حتی برخی مواقع نظام صورت گرفته و بیان میگردد و هیچ یک از دستگاههای انتظامی یا اطلاعاتی افراد را به صرف انتقاد و اعتراض ( هر چند به اصل نظام هم باشد ) مورد تعقیب قرار نمی دهند.

رساله ۶۸/۱/۲۹

بخش سیاسی داخلی - ضرورت با زنگری در تحلیلها

بعضی از انتقادات آیت الله منتظری مخرب بوده اند.

.....

ما ادعا نمی کنیم کلیه انتقادات و نظرات مطرح شده توسط آیت الله منتظری همگی سازنده و به صلاح نظام بوده و هیچ یک از آنها مخرب و به تضعیف نظام نشده است. خیر! در انتقادات ایشان مواردی هم بوده که مصداق انتقاد مخرب بوده و اصل نظام را به زیر سؤال می برده است و به همین دلیل هم مورد توجه و سوء استفاده رسانه های بیگانه و ضد انقلاب داخل و خارج قرار گرفته است ولی اولاً " بیشتر پیشنهادات و انتقادات ایشان سازنده و مفید بوده و به قصد ونیت خیر و اصلاح انجام میشده است

رساله ۶۸/۱/۳۰  
بخش سیاسی داخلی - ضرورت با زنگری در تحلیلها

آیا آیت الله منتظری به لیبرالیسم اقتصادی گرایش داشته اند؟ !!

.....

یکی دیگر از تحلیلهایی که برخی از روزنامه های یومیه مطرح کردند و جدا " موجب تعجب گردید " آن است که دلیل برکناری آیت الله منتظری را گرایش ایشان به سمت لیبرالیسم اقتصادی به خصوص در یک دوساله اخیر، تعجید از بازار و اقتصاد دوازده دانسته است. البته این تحلیل بیش از آنکه تحلیل کناره گیری آیت الله منتظری باشد بیشتر برای مستمسک قرار دادن این موضوع، جهت کوبیدن دیگران است.

.....

به نظر میرسد مقصود نویسنده، صرفاً اطلاع رسانی از گرایش لیبرالی اقتصادی در آیت الله منتظری، اظهار نظراتی است که ایشان به خصوص در چند ساله اخیر در ارتباط با پرهیز از دولتی شدن مطلق امور به خصوص در مسائل اقتصادی، پرهیز از تمرکز گرایی دولتی و مشارکت دادن مردم در امورات اقتصادی مثل صنعت، تجارت و کشاورزی است.

وحدت نظراً ما و آیت الله منتظری در مسائل اقتصادی.

.....

نظرات آیت الله منتظری مبنی بر آزاد گذاشتن مردم و واگذاری امورات آنها به خودشان به ویژه در مسائل اقتصادی و پرهیز از تمرکز گرایی در تجارت و

صنعت چیز تازه ای نبوده زیرا قبل از آیت الله منتظری و دیگران، خود حضرت امام از سالیان قبل برمشا رکت مردم در امور اقتصادی تاکید داشته و مکررا "مسئولین اجرایی را به دلیل تمرکزگرایی هشدار داده اند.

رسالت

بخش سیاسی داخلی - ضرورت بازنگری در تحلیلهای

امام اخیرا از جانب نفوذی ها احساس خطر جدی می کردند.

... سکوت حضرت امام تا به امروز به خاطر مصالح نظام و عدم وجود فرصت مناسب برای طرح موضوع بود. شرایط حساس و هادجنگی کشور، احتمالا دلیلی قوی در ارتباط با سکوت حضرت امام طی چند سال اخیر بود. اما این که چرا این مقطع را انتخاب کردند می توان گفت: اولاً به دلیل آرام وعادی تر شدن شرایط سیاسی - نظامی کشور و ثانیاً به دلیل احساس خطر جدی از نقشه های بود که نفوذیها (اعم از باند مهدی هاشمی، لیبرالها، منافقین، میثمی ها، امتی ها و غیره) تحت پوشش و به نام آیت الله منتظری برای انحراف نظام طراحی نموده و -

حتی مقدمات اجرای این طرحها را هم به زعم خود تدارک دیده بودند، لذا لازم بود در همین مقطع مسئله فیصله یافته و امید نفوذیها به یاس تبدیل و طرحهای آنها با شکست روبرو شود. ثالثاً به نظرمی آید احساس خطر امام برای شخصیت خود آیت الله منتظری بود.

مهدی هاشمی در پوشش بیت آیت الله منتظری در جهت انحراف و شکست انقلاب فعالیت میکرد.

مجموعه اجزاء طیف نفوذیها (اعم از باند مهدی هاشمی - لیبرالها و ...) به دلیل ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر و از آن مهمتر به دلیل منسوبیت خانوادگی بخشی از آنها (باند مهدی هاشمی) با آیت الله منتظری توانستند شبکه ای وسیع برای انحراف انقلاب و شکست نهایی آن (به نام و تحت پوشش آیت الله منتظری) ایجاد و سازماندهی نمایند.

مهدی هاشمی با سوء استفاده از حسن ظن آیت الله منتظری دست به خودتوانست باند سیاه و مخوف خود را بعد از انقلاب حفظ نموده و با عوام فریبی های جدید، عده دیگری را نیز به خود جلب نماید. وی به نام و تحت پوشش آیت الله منتظری و بیت ایشان اقدامات متعددی را علیه انقلاب و نظام انجام داد و متأسفانه آیت الله منتظری نیز همواره از وی پشتیبانی نموده و نوعاً در قبایل اقدامات مخرب و ضد انقلابی او با حسن ظن ناشی از ساده اندیشی، برخورد می نمود.

فعالیت مهدی هاشمی در حوزه علمیه برای تضعیف جامعه مدرسین و شورای مدیریت

خط مشی باند مهدی هاشمی در حوزه علمیه حول دو محور ذیل بود: ۱ - جلب و جذب طلاب جوان و تازه وارد ... ۲ - تضعیف و مقابله با جامعه

مدرسین و شورای مدیریت حوزه و ایزارهایی را برای پی گیری مقاصد خود تدارک دیده و در اختیار گرفته بود که از جمله این ایزارها میتوان از مدارس منتسب به آیت الله منتظری و کتابخانه سیاسی دفتر تبلیغات قم نام برد.

واحد نهضت های مهدی هاشمی و سیلهای برای تضعیف وزارت امور خارجه بود

مهدی هاشمی پس از پیروزی انقلاب توانست با نفوذ در سپاه، خود را به عنوان مسئول واحد نهضت های آزاد بخش سپاه مطرح نماید.

حمایت آیت الله منتظری از یاران مهدی هاشمی

با دستگیری مهدی هاشمی و برخی از همداستان وی به فرمان مبارک حضرت امام و پی گیری وزارت - اطلاعات این جریان خطرناک ضربه جدی خورد ولی از بین نرفت. دنباله های این جریان و همیاران مهدی هاشمی متأسفانه به دلیل حمایت های آیت الله منتظری از آنها، از ضربات وارده مصون مانده و همچنان در پوشش بیت ایشان به حیات توطئه آمیز خود ادامه دادند. آن حمایت و این ادامه حضور در بیت متأسفانه تا جریان کناره گیری آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری نیز ادامه یافت.

همکاری لیبرالها با یاران مهدی هاشمی بر علیه انقلاب

بنا بر اطلاعات موثق باقیمانده

باند مهدی هاشمی با همکاری و اتصال به جریانات نفوذی دیگر مثل لیبرالها اخیراً "در صدد طراحی توطئه های جدیدی علیه نظام اسلامی ما بودند و قصد داشتند تا با ورود و قرار دادن آیت الله منتظری با حضرت امام و انقلاب، به نیات شوم خود ادامه عمل پوشند.

دومین گروه نفوذیها که به خصوص اخیراً "در بیت آیت الله منتظری نفوذ کرده و توانسته بودند حمایت ایشان را نسبت به خود جلب کنند، لیبرالهای شکست خورده و منزوی و دیگر عنا صر منافق و التقاطی مخالف نظام بودند.

این گروه که قبلاً "دسترسی مستقیم به بیت آیت الله منتظری نداشتند، از چندی پیش با اتحاد استراتژیکی با عناصر باند مهدی هاشمی (که ادا ره بیت برعهده آنها بود) توانستند، حسن ظن آیت الله منتظری را به خود جلب نموده و ارتباط و مراودات خود را با ایشان بیشتر نمایند.

تا زمانیکه مهدی هاشمی زنده بود لیبرالها راهی به بیت آیت الله منتظری نداشتند.

خود این اتحاد استراتژیکی و همراهی دو جریان مهدی هاشمی و باند لیبرالها (نهضت آزادی) می تواند بیا نگر توطئه ای جدی و هماهنگ علیه نظام با شد چرا که تا چند سال پیش (به طور مشخص تا قبل از دستگیری واعدام مهدی هاشمی) باند مهدی هاشمی خود را جناح تندرو و رادیکال انقلاب محسوب میکرد و شعارهای تند آنها در مقابل لیبرالها - هنوز فرا موش نشده و چه بسا به همین دلیل هم لیبرالها راهی به بیت نداشتند ولیکن بعد از اعدام مهدی هاشمی ملاحظه می نمایم



که پای لیبرالها و عناصالتقادی دیگر چون میثمی ها و امتی ها و ... به بیت باز شده و جلساتی را با آیت الله منتظری تشکیل می دهند. طبیعی است که علی القایده باید نزدیکی و اتحادی ما بین این جریانات با باند مهدی هاشمی (که بر بیت آقا مسلط بودند) ایجاد شده باشد و الا کمافی السابق آنها راهی به بیت نداشتند.

رسالت ۶۸/۲/۲  
بخش سیاسی داخلی - ضرورت بازننگسری در تحلیله

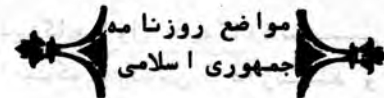
امام از بر خشی  
اظها رنظرهای اخیر  
آیت الله منتظری  
احساس خطر جدی  
کردند.

.....  
علی رغم همه تذکرات، اشکالات مرتفع نگردید. اخیراً حضرت امام به دنبال برخی از اظهار نظرات آیت الله منتظری ناشی از همان القایات عناصرفنوذی در بیت و خانواده ایشان بود، به طور جدی برای انقلاب و نظام به (خصوص در ارتباط با رهبری آینده) و نیز برای خود آیت الله منتظری احساس خطر نموده و تصمیم خود را که از قبل مورد نظر داشتند، اتخاذ و اجراء نمودند اما نظراتی که آقای منتظری مطرح میکردند و مورد اکنش جدی حضرت امام قرار میگرفت حول چند محور ذیل بود:

- ۱ - زیر سؤال بردن دستاوردها و شعارهای اصیل انقلاب
- ۲ - زیر سؤال بردن پیروزیهای مردم در جنگ تحمیلی
- ۳ - اظهار دلسوزی برای لیبرالها و درخواست برای مشارکت آنها در مدیریت عمومی کشور

.....  
مطالب اظهار شده توسط آیت الله

منتظری ضمن اینکه در بردارنده نکات مثبت و پیشنهادات سازنده ای هم بود ولی انتقادات مخرب و مطالبی که اصل نظام و دستاوردهای آن و اصول انقلاب را زیر سؤال برده و مخدوش می نمود نیز در آنها به طور وسیع به چشم میخورد.



جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۰  
تحلیل سیاسی هفته - مصلحت نظام بالاتر از همه چیز

گمان نکنیم با این  
واقعیه و سوسه های  
لیبرالها و منافقین  
بپایان رسیده

.....  
علاوه بر این، توجه به این نکته نیز حائز اهمیت فراوان است که گمان نبریم با این واقعیه، وسوسه های لیبرالها و ایادی نفوذی منافقین در منازله و مراکز برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی به پایان رسیده است.

مخالفین نظام که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا میزنند، در هر حال با شیوه های گوناگون اهداف شوم خود را دنبال خواهند کرد. به همین جهت، بنظر میرسد برخورد قاطع با نفوذی ها از یک سو و امان نظر دقیق و عمیق همه کسانی که بنحوی در معرض سوء استفاده نفوذی ها قرار دارند یک ضرورت اجتناب ناپذیر است

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۵  
در مطلبی تحت عنوان "ریشه"

توطئه جدید منحرفین  
و نفوذیه

.....  
کسانی که تا دیروز تلاش میکردند حرف خود را از دهان "ساده اندیشان موجه" بزنند، امروز که چنین زمینه ای در اختیار ندارند، راه دیگری برگزیده اند. ....  
اینان، به بهانه دلسوزی برای افرادی که در تقدس آنها هیچ تردیدی وجود ندارد، تلاش میکنند تقدس های بالاتر را زیر سؤال ببرند.

مسئولان امنیتی باید  
با ریشه ها برخورد  
جدی کنند.

.....  
آیا مسئولان امنیتی نباید به این نکته توجه کنند که با عناصر ناپاک باید برخورد جدی و قاطع شود؟ آیا این یک وظیفه حتمی نیست که با "ریشه" مبارزه شود؟ جریان ناپاکی که تلاش میکرد حرف خود را از دهان "ساده اندیشان موجه" بزند، ریشه اش مشخص است. اگر ایس ریشه، با زهم به همان دلایل سابق که عمدتاً "به ملاحظه" و "مسامحه" و "اغماض" بر میگردد، خشکانده نشود چه اطمینانی وجود دارد که از جای دیگر بشکل دیگری سردر نیآورد؟

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۶  
سرمقاله - روزه های شیطان را مسدود کنید.

جرا مسئولین اطلاعاتی  
در مقابل لیبرالها  
ساکت هستند.

.....  
ملت از جانب لیبرالها گزیده شد و مومن از یک سوراخ، دوبار گزیده نمیشود. لیبرالها در خط معارضه با انقلابند. آنها در طول

ده سال گذشته همواره با آمریکا همصدا و هم آوا بودند. با صدام همصدا بوده اند با منافقین جنایتکار همراهی و همصدا سی کرده اند و چنین پرونده سیاهی نباید بفراموشی سپرده شود. باید پرسید که دارندگان چنین پرونده سیاهی، چرا بحال خود را شده اند تا هر جا خواهند نفوذ کنند و هر جا خواستند، شیطنت کنند و از عقوبت کارداران بپاشند؟

آیا مسئولین اطلاعاتی کشور از این مسائل بی اطلاعند یا آنکه هنوز هم ترجیح میدهند که با سیاست صبر و انتظار، زمینه برای شاهکارهای بعدی لیبرالها فراهم شود؟

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۷  
مقاله درس اصول گرائی بقلم  
ابراهیم انصاری

جام زهری برای امام  
وبیداری از غفلتی  
مرگ آور برای امت.

.....  
این حادثه هر چند فی نفسه تلخ است و قطعاً به کام حضرت امام نیز جام زهر دیگری است اما در دل این تلخی نوعی بیداری را شدن از غفلتی مرگ آور برای همه رهروان صدیق اسلام ناب مصلحتی نهفته است. این حادثه عبرتی است عظیم، هم برای شخصیتها و ستوانه های انقلاب و هم برای امت حق جوی ایران که در پیروی از امام برحقشان به سمت اصول گرائی و مصلحت گریزی در همه ابعاد زمینه ها خیز بردارند و انقلاب بزرگ اسلامی را از مهلکه ای که بدان دچار شده بود و امام امت نغمه نجات آن را سودا دندبرها نند.



جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۲۳  
مقاله ای با عنوان "درد دین"

منافقین توانستند  
حرفهای خود را از  
زبان موجهی—  
ساده اندیش بزنند

.....

آنچه در همان زمان، قلبهای  
همه کسانی را که "درد دین"  
دارند سخت میفشرد و آزار میداد  
این واقعیت تلخ بود که درست  
در همان زمان، حرفهای  
نفوذی ها در قالبی دیگر و لی  
دقیقا "با همان محتوا از زبان  
افراد موجه البته بدون آنکه  
خود توجه داشته باشند چه آثاری  
بر این حرفها مترتب است زده—  
میشود و از رسانهها منتشر—  
میگردید. تاکید فراوان و مکرر  
بر ضرورت ترحم بر منافقین  
آنهم درست در دوران تروریسم  
بیما بقیه ای که منافقین برآه  
انداخته بودند.....

.....

خلاصه این جمع بندی خدشه دار  
شدن مشروعیت نظام از یک سو و عدم  
کارآئی مسئولین و متصدیان  
از سوی دیگر بود. و نتیجه آنکه  
با دیده "اشباهات"! اعتراف  
کرد و با یدجای خود را به افراد  
با تجربه ای که اکنون کنار  
نشسته اند داد و....

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۲۴  
مقاله ای با عنوان "درد دین"

این سخن ها انتقاد  
بود یا انتقام؟

.....

این روزها این تلاش دقیقا  
روی این نکته متمرکز شده است  
که نظام جمهوری اسلامی نتوانست  
حتی یک نفر را که "انتقاد" میکرد  
تحمل کند، زیرا او "حرف دل مردم"  
را میزد.

اینکه عملکرد ۱۰ ساله انقلابی  
که علیرغم همه توطئه های کمرشکن  
خارجی و داخلی توانسته است  
باقی بماند و استقلال کشور را  
خط کند، زیر سؤال برود و نظام  
جمهوری اسلامی بدلیل برخورد  
قاطع با منافقین مورد حمله  
قرار گیرد و چنین نتیجه گرفته  
شود که باید لیبرالهای جاده—  
صاف کن آمریکا روی کار بیایند،  
آیا چنین سخنی انتقاد است؟

کسانی که برای تاریخ  
کار میکنند حاضرند  
انقلاب را یک شبه  
بفروشند

.....

کسانی که به باقی ماندن نام  
نیک خود بر صفحات تاریخ فکر  
می کنند، حاضرند انقلاب را یک  
شبه بفروشند تا هم خود برای  
اداره کشور گرفتار مشکلات نباشند  
و هم مردم را بدلیل رسیدن به  
شکمشان راضی نگه دارند. و طبعاً  
آن تاریخی که از چنین افرادی  
با نام نیک یاد خواهد کرد همان  
تاریخی است که از رضا خان و محمد  
رضا خان هم به نیکی یاد کرده و  
در باره مدرسه ساکت مانده....

برخوردهایی که  
اخیرا "با امام میشد  
انتقام بود و نه  
انتقاد

.....

در منطق انسانهای آگاه و کسانی  
که "درد دین" دارند و میدانند  
که در طول ۱۰ سال گذشته  
مسئولین نظام با چه سلیهای  
صورت خود را سرخ نگه داشتند تا  
استقلال این کشور را حفظ کنند  
و ارزشهای انقلابی را پاسداری  
نمایند، چنین برخورد غیر واقع  
بینانه و غیر منصفانه ای "انتقام"  
نام دارد نه "انتقاد"

از برخوردهای اخیر  
مشخص بود که—  
"درد دین"  
وجود ندارد.

.....

دو دیدگاه وجود دارد. یکی دیدگاه  
"انذار و تبشیر" است و دیگری  
دیدگاه الحاق یا سونا میدی

.....

دیدگاه اول، دیدگاه کسانی  
است که "درد دین" دارند و  
مایلند عیبها و نقصها و ضعفها  
را با راهنمایی های عملی  
برطرف نمایند و با میدادن ها  
و تقویت روحیه ها به نظام قوت  
و قدرت ببخشند و دیدگاه دوم—  
مربوط به کسانی است که مایلند  
روحیه ها را درهم بشکنند و نظام  
را از پا در آورند تا به اهدافی  
که دارند برسند.

## مبانی فقهی حکومت اسلامی

ادارات ولایتی، ولایتی، ولایتی

حضرت آیت الله العظمی تهرانی

برای: دولت، حکومت

زیر نظر

مهر و مودت



جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۲۶  
مقاله "حجت و تکلیف" بقلم  
محمد صادق طاهری

مسئولین با شمشیر  
اسلام آن گروه باطل  
را از متن جا معه جدا  
نمایند.

.....

امروزی بینیم عده ای از همین  
جوانانی که روزی در زیر سخت—

ترین حلات اید ثلوث یک—  
دشمن، مقاومت کرده تا امروز  
پاک و منزله باقی مانده اند،  
دستخوش هجوم تفکری غلط و  
نا درست لیبرالیسم سیاسی و  
اقتصادی شده اند. تفکری که  
سرمه دارانش مثل مارهای زخم  
خورده با ردیگر سوز سوراخ مرگبار  
خویش بیرون آورده تا جا معه  
انقلابی ما را آماج تیشه های  
کشنده خویش قرار دهند.

بدنبال این تحولات  
ناجوان مردانه، بلافاصله امام  
عزیز این رهبر بیدار مسلمین،  
همچون همیشه حجت را بر همه گان  
تمام فرمود و آخرین فرمانها و  
رهنمودها را به مردم و مسئولین  
ارائه دادند.

ایشان با افشاگریها و  
روشنگریهای پدران خویش چهره  
منفور این پس مانده های سفره  
استعما و غرب را روشن ساخت تا  
ملت و خدمتگزاران ملت با  
چشمی باز تکلیف خود را در مقابل  
آنان معلوم نمایند. یعنی آنکه  
دروغله اول مردم قهرمان ما با ر  
دیگر احساس مسئولیت نمایند و  
جوانان عزیزشان، این تسلسل  
پویا و پرا افتخار را در برابر  
القائات اندیشه های لیبرالی  
مطفط نمایند و سپس مسئولین  
و دست اندکاران مملکت به  
نحو قاطع و سریع، شمشیر  
تما یز اسلام را از نیام به سر کشیده  
و با چرخش آن گروه باطل را از—  
متن حقیقی جا معه جدا نمایند.  
که اگر در این امر مهم خدای ناکرده  
ذره ای تأخیر و ساهمه شود،  
آنگاه با زیاید منتظر ظهور جماعتی  
باشیم که تا آنگاه ها نه فریب  
دشمنان را خورده و با شانتاژهای  
آنان مسموم گشته اند. مسلما  
آنروز دیگر نمی شود به ایمن  
آسانی که الان می توانیم، در  
مقابل سیل دشمنان، موفق  
باشیم.....

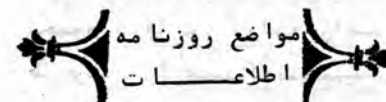
.....

.....

جمهوری اسلامی  
مقاله‌ای با عنوان "شایعه"

هرزمان دست‌جریانات  
قدرت‌طلب‌کوتاه  
میشود، به‌شایعه  
پراکنی می‌پردازند.

طبیعی است که وقتی یک جریان  
قدرت‌طلب، سورا ستفاده‌گر  
دست‌ش کوتاه شود، تلاش میکند  
این‌و آن را به آنچه خود میدان  
مبتلاست متهم کند تا بازیر  
سؤال بردن دیگران، خود را  
تبرئه کند. مردم باید در چنین  
وضعیتی کاملاً هوشیار باشند و به  
شایعات بی‌اعتنائی نمایند  
و حتی با آن مقابله کنند.



اطلاعات  
سخن‌روز - انقلاب و نظام فرا تر  
از اشخاص و شخصیت‌ها است.

جام زهردیگری  
که امام  
سرکشیدند

شاید بتوان گفت قبول واقعیه  
اخیر به این‌صورت برای امام در  
حکم قبول جام زهر آلود دیگری  
بوده است، اما مصالح و اصول  
اساسی و زیربنایی حقیقتی  
است که قابل اغماض نیست.

آیت‌الله منتظری  
صلابت لازم برای  
رهبری را نداشته‌اند

رهبری همچنانکه صد اقت

صمیمیت لازم دارد، صلابت نیز  
می‌طلبد. آیت‌الله منتظری  
از همان روزهای نخست و پیش از  
برگزیده شدن برای رهبری  
آینده، در وجه اول آنقدر استراق  
یافته و مضمض شده بود که میتوان  
گفت وجه دوم را، ساسا، فاقد  
بود.

رهبری نظام جمهوری اسلامی مسئولیت

سنگین و خطیری است که تحمیلی بیش از

طاقت شما می‌خواهد امام خمینی

اطلاعات  
سخن‌روز - تفکیک وجهه سیاسی  
از وجهه علمی

با دید وجهه سیاسی  
آیت‌الله منتظری  
را از وجهه علمی  
ایشان جدا کرد

شخصیت آیت‌الله منتظری دارای  
دو وجه است. وجه سیاسی و وجه  
علمی. کنار رفتن ایشان از  
سمت قائم مقامی رهبری نباید  
حربه‌ای باشد در دست مخالفینی  
که از گذشته‌های دور تا امروز  
همواره می‌خواسته‌اند مقام علمی  
و فقهی ایشان را مخدوش کنند.  
امام، چند ماه پیش از این  
خطاب به یکی از نزدیکان آیت-  
الله منتظری صراحتاً گفته  
بودند: من برای ایشان نگرانم.  
دو گروه ممکن است به ایشان  
لطمه وارد کنند. یکی لیبرال‌ها  
و دیگری بعضی از معممینی که  
مقام و موقعیت ایشان را  
نمی‌توانند تحمل نمایند.

اکنون کسانی خواهند کوشید تا  
با دوا به زنده کردن خاطره‌ها  
و وقایع گذشته (نظیر قضا بای  
مربوط به شهدا و بدو اشکامات  
نا روا و...) مقام فقهی و  
علمی آیت‌الله منتظری را هدف

حملات ناخواسته خویش قرار  
دهند.

مخالفین مشی فقهی  
امام خواهند کوشید  
تا مقام فقهی  
آیت‌الله منتظری  
را زیر سؤال ببرند

اطلاعات  
سخن‌روز - انتقاد

آیت‌الله منتظری  
بخطرات انتقاد تش  
برکنار نشد.

در مورد آیت‌الله منتظری نفس  
انتقاد مطرح نیست. آنچه مطرح  
است اولاً طرح مطالبی است که نه  
انتقاد بلکه بعضاً حتی بیان  
نظرات گروه‌های ضد نظام و ضد  
انقلاب بوده ....

اطلاعات  
سخن‌روز - صبر و طاقت

حضرت موسی و حضرت  
خضر هم طاقت  
یکسان نداشتند

صلابت، صبر، هشاری و فراست  
سیاسی و مبارزاتی آیت‌الله  
منتظری در طول حکومت شاه خائن  
و خبیث و نیز مبارزات ارزنده  
ایشان علیه رژیم پهلوی و تداوم  
آن در سالهای بعد از انقلاب  
علیه آمریکا و ارتداد غرب و  
شرق و علیه ملی‌گرایان وابسته  
ولس‌الها و منافقین، امری  
است انکارناپذیر. اما در جایگاه  
قائم مقامی رهبری، خیلی  
بیشتر از آنها مورد انتظار بود.

در مقام تمثیل می‌توان گفت  
حتی موسی و خضر هم صبر و طاقت  
همسان نداشته‌اند تا جایی که  
به غیر آنها حدانکه در آیات  
قرآن صراحتاً ذکر شده و در مکالمات  
عبد صالح خداوند (که بعضاً او را  
خضر دانسته‌اند) با حضرت موسی  
این تفاوت تشریح شده است.

و برخلاف آنکه امام در نامه  
خویش خطاب به ایشان گفتند  
میل دارم شما فقهی باشید که  
حوزه و نظام را با بحث و درس خود  
گرمی ببخشید و همه از نظریات  
شما استفاده کنند، در جهت دلخواه  
خود عمل کرده و مقام علمی ایشان  
را زیر سؤال ببرند.

باید بدانیم که چنین کسانی  
حس نیت ندارند و حتی قلیلاً  
امام و مشی فقهی و خط سیاسی  
امام نیز چندان موافق  
نبوده‌اند و نیستند. اینست که  
امروز ممکن است تا کوبیدن  
آیت‌الله منتظری در واقع  
بخواهند امام و خط فقاقت امام  
را بکشند. کتاب "مبانی فقهی  
حکومت اسلامی" که حاصل  
تحقیقات و درس‌های آیت‌الله  
منتظری است، به خوبی نشان  
میدهد و این حقیقت را اثبات  
می‌کند که در میان علما و فقهای  
طراز اول و دوم، حدی تاکنون  
بدین خوبی و بدین قوت تداوم  
دهنده و استحکام‌دهنده خط فقهی  
امام خمینی در زمینه حکومت و  
دولت ولایت نبوده و نیست  
انصاف اینست که این واقعیت  
و این بینش فقهی را انکار  
نکنیم هر چند معین بینش، در-  
زمینه‌های سیاسی نتواند است  
راهگشا باشد.

اطلاعات  
سخن روز - روند تغییر مواضع  
۶۸/۱/۱۹

گرایش آیت الله  
منتظری به سمت  
لیبرالسم سیاسی  
و اقتصادی

در دوسه سال آخر رفته رفته روند تغییر مواضع شدت گرفت و بزرگانی امثال آیت الله منتظری، هم در مسائل سیاسی و هم در مسائل اقتصادی تسلیم و سعه صدر را به اوج رساندند. نتجتاً "هم لیبرالها به این سوی نزدیک و متمایل شدند و هم آنها که فقه سنتی را مدافع سوخت اقتصاد بازاریاری هستند معرفی می کردند..."

منافقین و لیبرالهای معتقد به براندازی نظام همچنین مقدس نماهای متحجر و معتقدین به حداسی دین و سیاست و دشمنان سابقه دار و سودو کینه توز نیز سعی کردند در جنب فضا برای خود حاسی پیدا کنند و در این سوی و آن سوی نفوذ کنند و انتاد را به انتقام تبدیل نمایند.

اطلاعات  
سخن روز - سهل ممتنع  
۶۸/۱/۲۱

در مورد علل و عوامل  
این واقعه نباید  
سکوت کرد.

صداها با تحریر کرده ام که سکوت در مواقع شبهه، به منزله راندن و سوق دادن افراد است بسوی خیرهای حلی و دشمن ساخته و نیز تحلیل های القاء شده از سوی بیگانگان و...

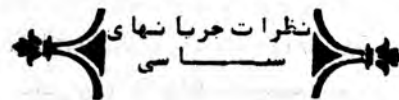
اطلاعات  
نقد حال - جدایی پرونده  
۶۸/۱/۲۱

رهبری با پرونده علمی و  
حوزه ای .

قضیه اخیر را میتوان  
مشابه قضیه موسی و  
خضر دانست .

مواضی که حضرت آیت الله منتظری بهما "اتخاذ کرده اند و با مسائلی که عنوان مینمودند چیزی شبه مواضع و سخنان موسی علیه السلام در مقابل خضر بوده است. خضر که متکی به حکمت و علم لدنی بود در احوال کشتی مساکین را می شکست و میداد که "صدورستی در شکست خضر هست" و موسی که اعطاعت صبر نداشت و کم طاقت بود اعتراض میکرد. می گویند اعتراض موسی عین تشرم او بود.

خلاف مقصود ما و خلاف واقع است. همچنین این تصور که گویا ما تغییر مواضع را اصل گرفتیم تصحیح مواضع و صداقت و شجاعت را مستحسن ندانسته و مصداق این تغییر را هم در وجود قائم مقام رهبری منحصرنموده ایم! بالکل اشتباه است..... (بنظر میرسد که مطلب فوق در جواب روزنامه ریلالت باشد)



اطلاعات  
بیانیه روحانئون مبارز تهران  
۶۸/۱/۳۰

## ● جناب عالی انشاء الله با درس و بحث خود حوزه

امام خمینی

و نظام را گرمی بخشید

اطلاعات  
سخن روز - پاسخ  
۶۸/۱/۲۳

علت اساسی حادثه  
اخیر نفوذ پذیری  
سوده است

تصوراتی از آن دست که ما انتقاد را علت واقعه اخیر دانسته و انتقاد به سیاست های اجرایی و اقتصادی و اداری و دولتی را به عنوان عامل رخداد اخیر معرفی نموده ایم و علل اصلی و اساسی را که به مسئله نفوذی ها و لیبرالها و نفوذ پذیری ها و کم طاقتی ها و از جمله ما جرای باندهایی از قبیل باندمدی عاشمی و..... مربوط میشود نادیده انگاشته ایم

آیت الله  
منتظری کا نون  
امید همه دشمنان  
شده بود .

بنظر میرسد، مهمترین عاملی که امام را بر آن داشت تا نظر خود را نسبت به آینده رهبری اعلام کنند همین خطری بود که در اثر نفوذ ناپاکان و ایادی دشمن در بالاترین و مقدس ترین مرکز نظام، اعلام و انقلاب را تهدید میکرد. خطری که از مدت ها پیش مشهود بود و با کمال تأسف آیت الله منتظری بخاطر بیاروایی، نقص ها و علیرغم همدار رهبران و بیگانهای امام و نیز استبدال

و توجیه مفصل و مکرر علاقمندان به ایشان، نسبت به آن توجه خاص میدول نداشتند و در نتیجه بیت بالاترین مقام معنوی بعد از مقام رهبری کا نون امید همه دشمنانی شد که در جنگ و ترور و مبارزه سیاسی و تبلیغی با جمهوری اسلامی ناامید شده بودند.

تغییر مواضع  
آیت الله منتظری

ساده انگاری و قضاوت غیر مبتنی بر واقع بینی و تدبیر و القاء پذیری سریع آیت الله منتظری که علیرغم سوابق و خصوصیات مثبت، ایشان را فاقد صلاحیت و طاقت لازم برای تحمل بار سنگین رهبری کرده بود، دشمن را به طمع انداخت..... در آغاز انقلاب، مواضع اقتصادی ایشان به نفع متخلفان که بخصوص در کا نون اولیه اراضی ظاهر شد، از آن جهت که متضمن نظرفقهی انقلابی بود برای نیروهای تشنه اجرای عدالت اجتماعی و یای بنده موازین شرعی و فقهی در حاشیه حجت شرعی بود و همین نظریات است منای ملامتین برای مواضع بسیاری از مسئولان متعهد نظام شدولی بعد از مدتی در اثر القاء همین نفوذیها و در روند اجرای طرح انفصال، ایشان به کلی نظر خود را تغییر دادند و به شدت دولت و دستگاههای قضایی و دیگر خدمتگزاران را در همین موضوع مورد شدید ترین اعتراضها و انتقادها قرار دادند.

آیت الله منتظری  
نهاد های انقلاب را  
مورد حمله و منافقین  
و مهدی هاشمی  
را مورد حمله است  
قرار داده بودند



.....  
تحت تاثیر اوقات شیطانی  
دشمنان کابرجائی رسید که  
ایشان به محض شنیدن خبری  
بدون تحقیق لازم، ضعف موهوم  
یا موجود در یک نهاد انقلابی  
را به صورت یک اصل و قاعده  
مبنای حمله با سازمانهای  
انقلابی و نیروهای مومن و  
فداکاری که موجودیت انقلاب  
وابسته به وجود آنان است، قرار  
دادند و از جمله همواره دادگلهای  
انقلاب را مورد اعتراض قرار  
می دادند که چرا در دفاع از حقوق  
ملت و حفظ نظام اسلامی،  
احکام خدا را در مورد چپا و لگران  
حقوق محرومان و یاغیان  
و آدمکشان و جنایتکاران صادر  
و اجراء می کنند.

.....  
نسبت به جنایت افرادی چون  
مهدی هاشمی و باندتهکارا و که  
با قساوت مخالفان فکری خود از  
روحانی و غیرروحانی را به  
قتل می رسانند و با جعل و  
انتشار اسناد دروغین نیروهای  
متعهد و انقلابی را ترور شخصیت  
می کردند، از سوی ایشان  
حساسیتی نشان داده نمی شد  
بلکه همواره از آنان حمایت  
می کردند و بیت ایشان پناهگاه  
و یکی از مراکز خرابکاری آنان  
بود.

### دشمنان طرح انفصال آیت الله منتظری از نظام را داشتند

.....  
این نقطه ضعفها زمینه مساعدی  
را فراهم آورد تا دشمنان نفوذی  
ضرح انفصال آیت الله منتظری  
از نظام و ایجاد تفرقه در صفوف  
طرفداران انقلاب و طرح نزدیکی  
کردن لیبرالهای شکست خورده  
و گروهکهای رسوا را با قائم مقام  
رهبری با شیطنت به صورتی پیش  
برند که همه ننگها و رسواییهای  
این دشمنان و نااهلان را که

مورد نفرت ملت بودند، در پشت  
چهره موجه ایشان پنهان کنند و  
از زبان ایشان که مورد احترام  
ملت بودند نظام و انقلاب را مورد  
تهاجم قرار دهند.

### کیهان

۶۸/۲/۱۲

### بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران

### مادینمان را درامام خلاصه می کنیم

.....  
مادین و ایمان خویش را درامام  
ورهنمودهای او خلاصه می کنیم،  
که ما رستگاری آخرت را در گرو  
تبعیت عاشقانه از امام میدانیم،  
که ما مشروعیت اعمالمان را در  
اتصال به امام امت می یابیم  
که ما ولایت حق و ولایت رسول الله  
و ائمه معصومین را در ولایت امر  
خمینی یافته ایم ...

### بقایای مهدی هاشمی برنامه اوراد نبال می کردند.

.....  
گرچه مهدی هاشمی بالاخره در  
چنگال عدالت اسلامی گرفتار  
آمد که منافقان این اقدام  
انقلابی با واکنش منفی  
آیت الله منتظری و تعطیل  
ملاقاتها و تعطیلی یک روزه درس  
ایشان همراه بود ولی علیرغم  
تذاکرات حضرت امام و نیروهای  
دلسوزان انقلاب دنباله روان وهم  
پالکی های مهدی هاشمی که  
بعضا "از بستگان و وابستگان  
نزدیک آیت الله منتظری بودند  
اعمال و اهداف وی را با شدت  
و حد کمتری بیشتری پی گرفتند  
و بالاخره اقدامات نامتو را و را  
به تمام رساندند، روند تاثیر

گذاری بعضی جریانها ضد انقلاب  
و مخالف نظام، بعضی جریانها  
متحجر و مقدس نما و همچنین  
لیبرالها، امتی ها و میثمی ها و  
..... حتی بنا به اعتراف سید  
مهدی ها بعضی افراد وابسته به  
سلطان زمان منافقین و درایین  
او ا و بعضی جویانها با تمایلات  
اقتصادی راست گرایانه همه و  
همه از طریق افراد این بانند  
انجام می شده است.

### علی رغم مخالفتها، آیت الله منتظری انتخاب شد

.....  
علیرغم مخالفت یکی از بزرگان  
و استوانه های انقلاب با قائم  
مقامی ایشان در مجلس خبرگان  
و علیرغم مخالفت نهائی حضرت  
امام در تاریخ ۶۲/۴/۲۳ آیت  
الله منتظری به قائم مقامی  
رهبری انتخاب شدند.

### آیت الله منتظری به فردی بدبین نسبت به انقلاب تبدیل شده بود.

.....  
آنچه که نمی بایست روی دهد،  
رخداد و شخص آیت الله را به یک  
فرد بدبین نسبت به سیرا انقلاب،  
مظنون نسبت به اکثر مسئولین  
رده اول و دوم کشور را منفی نگر  
نسبت به تداوم جنگ تا پیروزی  
مخالف با بسیاری از نهادهای  
انقلابی از جمله سپاه و دادگاههای  
انقلاب و زندانها و گزینش و ...  
و بیت ایشان را به صورت یک ما و

وماء من جهت تجمع نیروهای  
مسئله داروگاه حتی مخالف نظام  
و انقلاب کرد.

### گرایش آیت الله منتظری به لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی

بنا به تاثیراتی ایشان را از رده  
یکی از رادیکال ترین و  
انقلابی ترین روحانیون کشور  
به عنوان یکی از مخالفین  
پروپاقرص لیبرالها و یکی  
از طراحان اصلی قانون اراضی  
و بند "ج" و یکی از مدافعان  
صدور انقلاب و زدن ضربه به منافع  
آمریکا و اسرائیل در هر نقطه  
از جهان تبدیل به یک روحانی  
معتقده لیبرالیسم اقتصادی و  
لیبرالیسم سیاسی با غلظت  
زیاد نمود.

### ● من صلاح شما و انقلاب را در این می بینم که شما

### فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما

### استفاده کنند. امام خمینی

### آیت الله منتظری هنوز از نظرات گذشته اش دست بر نداشت

.....  
پاسخ اخیر آیت الله منتظری  
به نامه چندن از بزرگان و  
روحانی نمایانگر این مطلب  
است که ایشان هنوز هم بر بسیاری  
از باورها و برداشتهای خود  
هستند، حل این مشکل جزا طریق  
تدبیر امام امت و روشن نمودن  
امت حزب ... ممکن و میسر  
نیست.

منحرفین بایید  
بدانند که برخورد  
با آنان آسانتر  
خواهد بود

سوم و مهمترین آنکه کلیه نیروهای پیرو خط امام از بالاترین مقامهای کشوری تا سربازان گمنام اسلام و امام همگی و همگی بایدها را خور موقعیت خویش درس و پند لازم را از این تجربه عظیم اخذ کنند، مطمئناً "عدم رعایت اصول اسلام ناب محمدی و هرگونه تخطی این اصول عزیز و هر نوع تخفیف در شعارها و آرمانهای بلند انقلاب و هر مسامحه و ممانعت در امر صدور انقلاب و جهانی کردن انقلاب اسلامی و هرگونه رفاه طلبی و عافیت طلبی و بالاخره عدم رعایت مصلحت نظام از طرف هر کس و در هر مقام و موقعیتی با برخورد انقلابی و قهرآمیز امام و امت امام مواجه خواهد شد و مطمئناً این برخورد تدارک اندک و تلخی کمتری از برخورد اخیر خواهد داشت.

نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ کسی شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می نماید.

ابرار ۶۸/۲/۱۵  
بیانیه اول دفتر تحکیم وحدت

این حادثه از  
قطعنامه تلخ تر  
بود

در همین بهار انقلاب شاهد تلخ ترین و ناگوارترین حادثه انقلاب، یعنی ازدست دادن نهائی یکی از استوانه های انقلاب و کناره رفتن حضرت آیت الله منتظری از صحنه رهبری آینده نظام شدیم. حادثه ای که بحق باید گفت از زهر تلخ

قطعنامه ۵۹۸ که به امام نوشانیده شد بسیار تلخ تر و ناگوارتر بود.  
.....  
پرواضح است که ضرباتی که نظام از تفکرات انحرافی از لیبرالها گرفته تا منافقین، خورده است آنچنان تلخی در کامها ایجاد کرده است که بیم حاکمیت، رشد این عناصر پلید در جای جای نظام موجب نگرانی هر دلسوخته انقلاب شده است.....

همه میدانند که شما حاصل عمر من

بوده اید و من به شما شدیدا "علاقه مندم

امام خمینی

آنچنان پیش رفت که منجر به صدور پیام هشدار رهنده امام در قضیه سلمان رشدی گردید.

در زمینه اقتصادی شعارهای انقلابی اولیه حمایت از مستضعفین و محرومین رنگ می باخت و جای خود را به میدان دادن و بالابردن اعتماد سرمایه داران و متکثرین برای چپاول اموال می داد.

در زمینه فرهنگی و اجتماعی، اشاعه فرهنگ مبتذل غربی از طریق رسانه های گروهی، رادیو تلویزیون بخصوص..... با وجود اینکه لیبرال های شناخته شده در صحنه گردان نیستند، اما خواست و امیال ایشان با دست عناصرا شناخته و غلط انداز صورت می گیرد.

علت حادثه اخیر  
رشد و نفوذ لیبرالها  
بوده است

با این تحلیل که علت اساسی حادثه اخیر (کناره رفتن حضرت آیت الله منتظری) گسترش

رشد و نفوذ لیبرالها و منافقین بوده است، ذکر پاره ای موارد و هشدارها را در جهت گیرهای جدید لازم میدانیم. در یک بررسی، تفکرات و مواضع متخذه در قبال حادثه اخیر را به شکل زیر می توان دسته بندی کرد.

لیبرالهای نامرئی  
به ناسزاگوئی به  
آیت الله منتظری  
پرداخته اند

گروهی که گویا مترصد فرصت بوده اند و اینک با طمع جلب باز خوشبختی به خیال خودشان، سوا را عریان کرده و با عدم تفکیک شأن رهبریت و مرجعیت، فرصت طلبانه به هجو و ناسزاگوئی به ساعت پاک و شخصیت والا حضرت آیت الله منتظری پرداخته اند که برآ حتی میتوان پی برد که اینان به نحوی از عوامل کانون اصلی قدرت لیبرال های نامرئی بوده و هستند....

نشر مقالات بی نام و نشان و تحلیلهای و خطابه های با این منظور همان سگند خوردن های بی پایه است که باید دم خروس را از مواضع و گرایشها و تحلیل های قبلی ایشان در حمایت از غرب گرائی و ارتباط با غرب، پس از پذیرش قطعنامه شناخت.

شدیدا هشدار میدهم که اگر زمینه برای این گروه همچنان مناسب باقی بماند زهر آخراهم، ایشان در کام انقلاب خواهند ریخت و سرمایه داری و غرب گرائی و لیبرالیسم با قوت بیشتر تجدید حیات خواهد یافت.



## بسیاری از دلسوختگان انقلاب به بن بست رسیده اند.

..... گروه دوم، سکوت پیشگامان و آتشی هستند که در تجزیه و تحلیل مسائل به تناقض رسیده اند به علت ناسازگار بودن اطلاعات و نتیجه ها، به بن بست رسیده و سکوت اختیار کرده اند، و با کمال تأسف تعداد زیادی از نیروهای جبهه رفته و دلسوخته انقلاب نیز در این مجموعه قرار دارند.....

## لیبرالیزم مذهبی دشمن اصلی انقلاب در جبهه داخلی است

ما برای این اعتقادیم که بنا بر روح حاکم بر مواضع متخذه از جانب حضرت امام، همانا گونه که در جبهه سیاست خارجی، دشمن اصلی انقلاب، امپریالیسم جهانی به سوکردگی آمریکا است، در جبهه داخلی نیز باید و اذنا به غرب و آمریکا و آنهایی که در جهت منافع و ایجاد ارتباط با آنها و فسخ فرهنگ انقلاب و شعارهای اصیل انقلاب در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گام بر میدارند دشمن اصلی انقلاب اند. یعنی هر چند وجود مارکسیست ها و گروهک های انحرافی برای انقلاب خطرناکند اما آنچه در تار و پود نظام قدرت نفوذ وریشه دوانیدن دارند و نهایتاً "توان" پوسانیدن این پیکره را خواهند داشت تفکر لیبرالیزم است. البته لیبرالیزم با پیچیدگی و آمیختگی با ظاهر مذهبی و با دست عنا صریح ظاهر مخالف با لیبرال های مارکدار چون نهضت آزادی و یا جبهه ملی، زیرا نفرت عمومی نسبت به عملکرد گذشته این عناصر مارکدار چنان ریشه دار است که امکان

قدرت یافتن مجدد و حاکمیت جدید برای ایشان متصور نیست..... اعتقادند داریم که مخاطبین امام در پیام به روحانیون در زمینه گرایش به غرب و تجدیدنظرطلبی... صرفاً "لیبرال های مارکدار" است، زیرا آنها مطی از اعراب در صحنه تصمیم گیری نداشته و ندارند.....

با تطیل ریشه های گرایشات به غرب و لیبرالیزم جدید و نامرئی در قالب رشد سرمایه داری و حمایت بی قید و شرط از صاحبان زور و زورسایر تجدیدنظرطلبی ها و در یک کلام اسلام آمریکائی در مقابل اسلام ناب محمدی (ص) و آنهایی را که با ظاهر مناسبت و با فریب در این مسیر، خود را زده اند به مردم بشناسانیم...

## اطلاعیه دوم دفتر تحکیم وحدت

دفتر تحکیم وحدت در رابطه با استعفای آیت الله منتظری اطلاعیه دیگری نیز منتشر ساخت که در روزنامه های کثیرالانتشار بجا پرسید.

## نظرات شخصیت های ملکتی

رسالت  
نما ز جمعه - حجت الاسلام  
خامنه ای .

اما مردم را به انجام  
وظیفه قاطعیت  
دارند

واقعاً "یکی از خصوصیات برجسته امام مهین قاطعیت در راه انجام

وظیفه است و این البته همان روش امیرالمومنین (ع) است. امیرالمومنین یک روزی محمد بن ابی بکر را که از یاران و شاگردان نشان بود به حکومت مصر منصوب کردند و یک روز هم او را برداشتند. یک قدری به محمد بن ابی بکر برخورد بجای او مالک اشتر را گذاشتند. محمد بن ابی بکر با وفای عزیز و نزدیک و محبوب امیرالمومنین بود و گله مندهم شد، خوب بشود. مصلحت و تکلیف شرعی بالاتر از این حرفهاست.....

البته در موردی که امروز در جامعه ما اتفاق افتاده یعنی کنار رفتن قائم مقام رهبری از این مسئولیت و منصب قائم مقامی شبیه اینها نیست، از جهاتی فرق دارد. اما از این جهت که رهبر انقلاب وقتی که مصلحت را در یک جا تشخیص داد دیگر ملاحظه نمی کند که مردم و دوستان و دشمنان و رادیوهای بیگانه چه خواهند گفت و تحلیل و تفسیرهای سیاسی چه خواهد بود، هر چه می خواهد بداند.

..... امام به فکر این نیست که تا ریح دربارها وجه قضا وت کند، امام در این فکر است که تکلیفش چیست.

این مرد می که هشت سال گفته بودند "جنگ، جنگ" امام عزیزمان آن وقتی که مصلحت دانست قطعاً راه را قبول کرد و گفت آتش بس. ملاحظه نکرد که طامان هفته قبل یا ده روز قبل یا یک ماه قبل خود من چه گفتم. نه، تکلیف این است. مصلحت اسلام همین است.

..... امام در همین نامه ای هم که به آیت الله منتظری نوشتند به ایشان گفتند همه میدانند که من به شما قدر علاقه دارم. ما هم که خدمت ایشان بودیم ایشان به

ما هم همین را میفرمودند که به ایشان علاقمندند و این شاگرد قدیمی خودشان را دوست دارند و ایشان را مرد فقیه و عالمی میدانند اما مسئله، مسئله دوست داشتن نیست، مسئله، مسئله نسبت و رابطه نیست. این یک تکلیف و مصلحت اسلام و مسلمین است.

## ماهیت قضیه به ما خیلی ربطی ندارد

..... من طالدار ماهیت قضیه نمیخواهم وارد بشوم که ضعفها چه بوده است. آن مسأله ای است که به ما خیلی ارتباط پیدا نمی کند. آنچه که در مزقومه حضرت امام آمده و جوابی که ایشان به حضرت امام نوشتند مسائل را تا حدود زیادی روشن میکند. من از این بعد به مسئله نگاه میکنم که جا معاً اسلامی در مقابل بله با خطرات و مواجدها توطئه های جهانی به این چنین قاطعیتی احتیاج دارد. والله اگر ما از این قاطعیت و ولایت وی رودر بایستی بودن در مقابل مسائل برخورد را نبود انقلاب هفت کفن پوشانده بود، "لا اگر این قاطعیت را امام نداشت انقلاب به پیروزی نمی رسید و جمهوری اسلامی تشکیل نمیشد.

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۹  
نما ز جمعه - آیت الله موسوی  
اردبیلی .

مسئله آیت الله  
منتظری در سطح  
اسماعیل بن جعفر،  
احمد بن موسی،  
محمد حنفیه وزید بن  
علی است

..... گاهی معیار را بجا می کنند که یک زید و محترمی و یک شخصیت علمی، یک فرد با تقوا و دارای مقام بسیار عالی در میدان باشد



ویک وقت هم اقتضای می کنند در کنار با شد و این نه توطئه و نه جنگ قدرت است .

ما می بینیم که این موضوع در دوره ائمه (ع) هم اتفاق افتاده است ، در دوره اسماعیل بن جعفر بن محمد این جریان بوقوع پیوست ، اسماعیل که گروه اسماعیلیه کنونی در دنیا از او تبعیت می کنند و حضرت موسی بن جعفر را قبول ندارند ، آچنان مقام والائی داشته است که حتی قائم مقام رهبری آن حضرت بوده است ، محبوب امام صادق (ع) بود ، اما دستور این بود که امام موسی بن جعفر (ع) باید امام بعد از امام صادق باشد .

برای خود امام موسی بن جعفر احدین موسی که اکنون قبرش در شیراز است و ما برای زیارت به آنجا می رویم ، ما در این احد بن موسی امام احمد آن مقامی را داشت که حضرت مقداری از اسرار امامت را در پیش او گذاشته بود و خیلی ها فکر می کردند که بعد از حضرت موسی بن جعفر (ع) احدین موسی امام خواهد بود . محمد حنفیه با آن مقام والائی که برخوردار است آن دستور جنگی علی بن ابیطالب به او داده است در وقت از دنیا رفتن خود به امام حسن (ع) سفارش محمد حنفیه را نزد او می کند که بعد از آن یک دسته معتقد بودند که راجع به مقام امامت ، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که فرزندان حضرت زهرا (س) هستند بعنوان دومین و سومین امام می باشند و بنا بر این در چهارمین امام بودن محمد حنفیه هیچ شکبی روا نمی داشتند که هنوز هم ثقفیه معتقدند که محمد حنفیه امام بوده و امام سجاد (ع) در کسوت امامت نبوده است ، این قبیل مسائل در نظام اسلامی حل شده است ، جریان امام باقر (ع) و زید بن علی و امثال اینها

وجود دارد که حل شده است . در رابطه با شخصیتی مانند آیت الله منتظری در این سطح مطرح هست ، ایشان در خصوص مجلس خبرگان نامه ای نوشته بودند که آن نامه تعارف نبوده بلکه آنچه را که حضرت امام هم در نامه اش اشاره فرموده بود درخواست کرده بود که این مسئولیت به ایشان محول نشود و این مصداق معیار الهی هست .

**کیهان**  
جلسه هئیت دولت - مهندس میرحسین موسوی .

همه باید مراقب باشند تا بلندگوی منافقین و لیبرالها نشوند

حضرت امام بدون هیچ ابهامی خطر نفوذ لیبرالها و منافقین را مطرح فرمودند و غلبه ای است که همه باید مراقب باشند تا ندانسته و نخواسته بلندگوی لیبرالها و منافقین نشوند . مطمئناً " ما به سمت لیبرالیزم سیاسی و اقتصادی در هیچ زمینه ای نخواهیم رفت و هیچ تزلزلی نسبت به خطوط اساسی انقلابمان احساس نمی کنیم .

گذشته است .

جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۱۴  
نماز جمعه قم - آیت الله جنتی .

این عمل مصلحتی بود که امام تشخیص دادند

وقتی رهبری که به وجود آورنده این نظام است و بیشتر از همه به

آن علاقمندی باشد مصلحت نظام را این چنین تشخیص می دهد و رهبر آینده هم آن را تأیید می کند دیگر چاره زدن بی مورد است .

جنبه مثبت این قضیه قوی تر از جنبه منفی آن است

اگر جمع بندی کنیم ، جنبه های مثبت این قضیه بسیار قوی تر از نقاط منفی آن است ، درست شبیه جریان قطعه نامه است .

آیت الله منتظری با سابقه ترین عالم در طول مبارزات است

آیت الله جنتی در پایان همگان را توصیه نمود تا در برخورد با قضیه رهبری آئینده از افراط و تفریط پرهیز نموده و تعادل اسلامی را مراعات نمایند و افزود : نسبت به عالم فقهی که عمرش را در فقه گذرانده و با سابقه ترین عالم در طول مبارزات انقلاب است و آن همه سختی را تحمل کرده و در سهای فقهی را به صورت زنده در حوزه

این انقلاب عظیم تا کنون در سایه رهبری

و ارشادات حضرتعالی از خطرات مهمی .

آیت الله منتظری

علمیه مطرح نموده نباید افرادی حسابها را با هم مخلوط نمایند و موضوع رهبری آئینده را با حسابهای دیگر خلط نمایند هر حسابی باید در جای خود محفوظ باشد ، زیرا انسان باید تقوی داشته و در هر حال خدا را در نظر داشته باشد .

سخنران قبل از خطبه های نماز جمعه - حجت الاسلام کروبی ۶۸/۲/۱۵

مردم مطیع هستند

..... چون مسئله بود که با مردم مطرح نمی شود گفته نمیشد ، چه با مردم توجیه نبودند و نمی دانستند ، مردم مطیع امام هستند و قضا یا برای ایشان حل است ، اما این ابهام برای عده ای وجود داشت .

امام در این جریان بسیار خنود دل خوردند

..... خون دلها می که امام خورده بود ، در دلها می که امام داشت ، نامه ها می که امام نوشته بود ، مذاکراتی که امام کرده بود ، نفونهای که گروهک ها داشتند ، شیطنت های که آنها می کردند ، گزارش های غلطی که آنها می دادند ، متأسفانه نظام را بطور کلی زیر سؤال برده بودند .

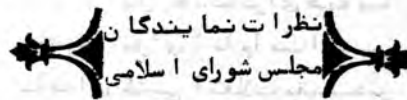
عزرائیل چاره مریض ها می است که این جزوه معالجه شان نکنند

..... این جزوه ( نامه حجج الاسلام احمد خمینی به آیت الله منتظری ) را هر کس بخواند و نه هر منصفی بخواند ، اشک ریخته میشود و پی می برد که این امام با این عظمت چه خون دل ها می در این قضیه خورده و چه تحملی داشته و چه سعه صدری داشته و تعجب می کند که امام در مهر ۶۵ نامه می نویسد و آن جوابهای گستاخانه و بدیهه امام داده میشود و با این همه رشادت و با این همه شهامت و با این همه قاطعیت

با این همه صراحت بخاطر یک مطلب مهم واهی تحمل می کند. هر کدام از دوستان خواننده اندی اختیار گرفته اند تکان خوردیم و اشکمان در آمده و به شما عرض کنیم گریه کردیم. ما صمیمانه تشکر می کنیم از این جزوه بسیار روشن کننده نه آنکه آدمهای منصف را بلکه آدمهای مریض هم بخوانند و اقل دیگر معالجه می شوند. مگر آنکه مریض با شد و دیگر مریض خیلی صعب المعالج باشد. مریض خیلی مریض باشد. فی قلوبهم مرض باشد که او دیگر جز عذرا قیل کس دیگری کارش نمی کند.

امام در مقابل  
مصلحت نظام همه  
چیز را فدا  
می کنند

.....  
امام با همه عواطف و علائق خود وقتی خطر را حساس می کنند و نظام را در خطر می بینند همه احساسات را کنار گذاشته و حاصل عمر خود را فدا می کنند.



جمهوری اسلامی ۶۸/۱/۲۱  
مجلس شورای اسلامی - حجت  
الاسلام رفسنجانی .

دردورانی که نمایندگان محترم اینجا حضور داشتند و مجلس تعطیل بود یکی از حوادث نادر، مهم، تاریخی، کم سابقه و شاید از جهتی بی سابقه در کشور و انقلاب ما اتفاق افتاد.

نظام نیازمند  
رهبری پولادین  
و نفوذنا پذیر است

.....  
واقعیت و حقیقت مطلب همانست که امام با همان شیوه همیشگی شان بلور روشن با مردم در میان گذاشتند و این یکی از ویژگیهای حضرت امام است که مطالب را پوست کنده و صریح و قابل درک با مردم مطرح میکنند که اعتماد مردم از این ناحیه میتوان دلال بسیاری مشکلات باشد و همیشه این بلور بوده است. حضرت امام محور این اقدام را مصلحت نظام مطرح کردند و علت و عامل را همان دو موضوع مهمی که در جوابی که فرموده بودند آورده اند که مربوط میشود

نظرات آیت الله مانهی  
کیهان ۶۸/۲/۱۸

این تصمیم برای  
امام بسیار دشوار  
بود

.....  
اگر امام چنین تصمیمی میگیرد به علت آن است که جاره ای جز آن نیست و حتی بعد از آن تصمیم ایشان سه بار گریه می کنند برای اینکه فقط مصالح جامعه از همه امور بالاتر است.

خدانمی خواست که  
این فقیه بزرگوار  
وسيله ضربه زدن  
به اسلام بشود

..... دشمن میخواست از کائنات تقوا - فضیلت - فقه و تعهد نفوذ کند و معلوم نبود که در صورت موفقیت در این کار چه بلائی بر سوایران می آمد که ماهنوز عمق آن فاجعه را درک نکرده ایم. خدانمی خواست که آیت الله منتظری وسیله ای بشوند برای ضربه زدن به اسلام و این لطفی بود که خداوند شامل این فقیه بزرگوار کرد ...

به مدیریت و مسئولیت رهبری نظام انقلابی و اسلامی که در دوران حوادث جهان نیاز به رهبری پولادین و نفوذنا پذیر دارد که همگان این مساله را در متنیها سخ حضرت امام دیدند و شنیدند.

اختلاف نظری وجود  
ندارد

.....  
مسئله اینکه میان حضرت امام و آیت الله منتظری اختلاف نظری هم وجود داشته باشد نیز چیزی نیست که جا بیفتد چون آیت الله منتظری با صراحت و قاطعیت اعلام اطاعت کردند حتی قبل از این پاسخ، ایشان وقتی فهمیدند نظر امام این است که در مقام مقام رهبری نباشند خودشان استعفا دادند.

مردم تصمیمات  
رهبری را همیشه  
بمنفع دیده اند

.....  
رهبری در کشور ما بصورت ولایتی است که جزو معتقدات اصلی و اصولی و پایه انقلاب ما است. مردم در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب همیشه تصمیمات حضرت امام را در جهت منافع دیدند.

علاقه امام به  
آیت الله منتظری  
در کل کره زمین یگانه  
است

.....  
ملت ما، روحانیت شریف ما، مسئولان کشور و خبرگان ملت یکپارچه در پشت تصمیمات حضرت امام ایستاده اند و از آن حمایت میکنند و نمایندگان مجلس هم جزو همین مردم و همین مسئولان هستیم که در همین راه قدم بر میداریم. .... در برنامه حضرت امام پرونده رهبری با پرونده علمی و حوزه ای آیت الله منتظری از

هم جدا شد. این مقام علمی و حوزه ای جای خودش را دارد که حوزه و علما و مردم از آن استفاده خواهند کرد و مسئله رهبری هم چای خودش را دارد که قطعاً حضرت امام برای آن فکری دارند که در موقع مقتضای فکرشان را ارائه خواهند داد - بنا بر این ما صمیمانه از مقام معظم رهبری تشکر می کنیم که اینگونه ولایت خودشان را برای حفظ نظام و مصلحت نظام احرا می کنند و هیچ چیز و هیچگونه علایق شخصی و هیچگونه رابطه نمیتواند مانع تصمیم و اجرای تصمیماتشان باشد و ما میدانیم که ایشان این تصمیم را از لحاظ احساس و عاطفی با چه تلخی اتخاذ کردند. قطعاً "علاقه ایشان به آیت الله منتظری از لحاظ عاطفی در کل این کره زمین یگانه است اما وقتی که نظام چیزی را میطلبد و وقتی که مصلحت اسلام میطلبد همه چیز را با فدا کرد که ایشان کردند و اینهم درسی است برای ما که این راه را ادامه بدهیم.

رسالت ۶۸/۲/۱۳  
مجلس شورای اسلامی - مجید  
انصاری

امام مدتها ی مدیدی  
کوشش کردند تا آیت -  
الله منتظری را نجات  
دهند

.....  
هرگز تصور نشود که حضرت امام بدون مقدمه و بطور عجلانه نسبت به امر مهم بزرگاری و عزل آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری اتخاذ تصمیم فرمودند که چه امام از همان اول بر اساس شناخت دقیقی که از خصوصیات اخلاقی و توان مدیریت آیت الله منتظری داشتند، با قائم مقامی ایشان مخالف بودند.



اما پس از انتخابشان توسط خیرگان تمامی همت خود را با کمال تواضع و در سطحی بسیار گسترده به کار گرفتند تا نقاط ضعفی که ایشان داشتند جبران و از من شخصیتشان را از آنها مات و وابستگی به تبهکاران پاک کنند. خدا می داند که ما مباحثی صری فوق تصور با درایت و تیزبینی و پشتکاری بسیار مجدانه از هر طریق ممکن که احتمال فایده می دادند، نسبت به راهنمایی و نجات آیت الله - منتظری از دامی که شیادان برای ایشان گسترده بودند، اقدام فرمودند. جلسات متعدد و طولانی نصایح و هشدارهای کتبی، اعزام اشخاص موجه جهت تدوین و توضیح حقایقی که اطراف آیت الله - منتظری و در بیت ایشان میگذشت و صدها اقدام دیگر که متأسفانه آیت الله منتظری از حوادث بیت الحراف خودشان یا بی خبر بوده اند یا با عینک خوش بینی همین جنایتکاران به چشمشان دیده بودند همه زشتیهای آنها را زیبایی و تمام سیرتهای بدتر از شیطان آنها را ملائکه می دیدند.

اما در این جریان  
بیش از تمام طول  
مبارزه شان خون  
دل خوردند

اما می که با یک سیر صلابت و استواری در برابر همه قدرتها و بر قدرتها ایستاده و کمترین انحطاف و تزلزلی در برابر تهدیدات حدی آنان به خود راه ندادند تنها برای حفظ اسلام و نظام و حفظ شخصیت و شأن آیت الله منتظری چندین سال دندان روی جگر گذاشتند و خون دلی که از این رهگذر خوردند، بیش از خون دلی بود که در طول مدت مبارزه قبل و بعد از پیروزی خورده و تحمل کرده بودند.

... وجود برخی عوامل منفی یاف و همچنین تأثیر پذیری سریع اطرافیان اعتماد بیش از حد برخی از افراد، عجله در تصمیم گیری اظهار نظر و بهترین راه - مناسب را جهت بهره برداری - خائنانانه مهدی هاشمی و برادرش هادی هاشمی و دیگر اعضاء باند خبیث و تبهکاران فراهیم نمود.

ایشان خدمات را  
نمی دیدند

..... آیت الله منتظری را از مواضع اصولی اول انقلاب جدا نموده و به موضع گیری تدریجی در برابر بسیاری از ارزشهای والای نظام قرار دهند. در شرایطی که ما مورین مخلص و سربازان گمنام امام زمان "ارواح فداه" در دادرها و دگاههای انقلاب، وزارت اطلاعات، زندان، سپاه و کمیته و جهاد با از خود گذشتگی و فداکاری مشغول دفع دشمنان و دفاع از ارزشهای انقلاب بودند که از سوی بیست ایشان و شخص ایشان - مورد بی مهری های فراوانی قرار می گرفتند.

من خود به عنوان یک خدمتگزار در کنار این برادرها در زندانها در شرایطی که همه همت را مصروف رفع مشکلات جاری در زندانها و ایجاد محیطی مناسب می کردیم در شرایطی که زندانهای کشور را به صورتی نمونه در تمام دنیا از جهت امکانات فرهنگی، رفاهی، - و ملاقات خانواده ها با اقوامشان، مرخصی های طولانی مدت، شرکت در مراسم، تشکیل نمایشگاههای کتاب، ایجاد امکانات ورزشی هزاران اقدام مفید دیگر برای زندانیان انجام می دادیم، متأسفانه هیچگاه در اظهارات ایشان صحبتی از این همه خدمت و برنامهریزی نظام و دلسوزان نظام نبود. اما همواره صحبت دشمنان انقلاب و همان شایعات

و تهمت های منافقین که نظام را متهم به شکنجه و بی عدالتی و قتل عام در زندانها میکردند، تکرار میشد.

رسالت  
مجلس شورای اسلامی - علمی  
موحدی ساوجی.

ایشان سربازی  
فداکار برای اسلام  
و انقلاب و رهبری  
هستند.

..... این حادثه برای همه ما مخصوصاً "برای امام امت این ناخدا کشتی انقلاب مقدس اسلامی بسیار تلخ و گران بود و پذیرش آن توسط مقام معظم رهبری در عین اینکه نسبت به همه فقها، علما، یاران، مسئولان بلند پایه کشور و همه خدمتگزاران به انقلاب اسلامی کمال احترام را قائل هستیم و خصوصاً "نسبت به آن فقیه عالیقدر که از آغاز نهضت اسلامی دوشادوش و پشت سر ما حرکت کرده و الحق نه تنها شاگرد بلکه سربازی مطیع و فداکار برای اسلام و انقلاب اسلامی و رهبر معظم آن بوده است، تمام علاقه و محبت و ارادت را نسبت به این فقیه عالیقدر داریم و نسبت به نقش بسیار عظیمی که در ارتباط با پیروزی انقلاب و حمایت و پشتیبانی از امام و رهبر عزیز هم دارد، ایفا کرده است، ایشان را می ستایم.



رسالت

۶۸/۲/۱۳

مجلس شورای اسلامی - حسن  
مختاری - نماینده نجف آباد

مردم نجف آباد  
افتخار دارند که  
شخصیتی چون حاصل  
عمر امام را پرورش  
داده اند.

مردم شهید پرور نجف آباد خواستار زنده ماندن دین خداهستند و هیچگاه دست از حمایت اسلام و ولایت فقیه برند خواهند داشت و گوش به فرمان رهبر بوده و هستند. مردمی که افتخار دارند به سهم خود شخصیتی چون فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری را که به فرموده امام عزیز طویل عمر ایشان است پرورش داده اند انتظار جز این نیست و اگر مسئولین و یا افرادی سعی کرده اند چهره این مردم را غیر از این جلوه دهند و در نهان بزرگان چهره دیگری بوجود بیاورند، انصاف را رعایت نکرده اند و در حق این مردم آشکارا ظلم شده است.

رسالت

۶۸/۲/۱۱

مجلس شورای اسلامی - صادق  
خلخالی

چرا در مورد حاصل  
عمر امام که ۳۰ سال  
سابقه مبارزه داشت  
اینطور صحبت میشود

حضرت امام امت در جوابیه ایشان هم خطاب داشتند و هم عتاب داشتند. خیلی محترمانه و ظریف فرمودند که شما حاصل عمر من هستید، یعنی حاصل عمر فقاقت، حاصل عمر درس حاصل عمر پژوهش، حاصل عمر عقل و اندیشه. این یک مسئله

است که نمی شود آن را به آسانی گرفت. متأسفانه بعضی ها اینجا مسئله را عکس میگیرند و میروند سراغ نقائص و نارسائی ها و کاستی ها، من ندیدم از اهل قلم و بیان کسی بخواد در باره حاصل عمر حضرت امام امت صحبت کند، حاصل عمری که ما نندشع سوخت و ۳۰ سال مبارزه کرد و زندانها و تبعیدگاهها را لهام داده و کمک کرد.....

اما در بعضی از مقالات و در بعضی از بیانات می بینیم مسئله را حوری مطرح می کنند که من باب مثل توهین (شاید آنهم قصد توهین نداشته باشند) کمال و صدق و محبت بین نه نقص گناه، که هر که بی هنرافتدن نظریه عیب کند.

**وقتی مهدی هاشمی را "مفسد" و "فاسق" می دانیم چرا به حرفهای او استناد می کنیم؟!**

آقای مهدی هاشمی یک آدم فاسد مفسد، فاسق، قاتل، آدمکش سلاواکی، نمی دانم منافق، با این القاب و اوصافی که قبول دارید و قبول داریم آیا حرف ایشان در باره کسی اصلاً "حجیت" دارد تا اینکه بخواهیم استناد به آن حرفها کنیم. یک دانه از این حرفها همین دروغگویی همین فاسق بودن، همین قاتل بودن، همین سلاواکی بودن کفایت می کند که حرف انسان را از اعتبار ببندازد.

**با دیدک مرجع تقلید در رأس مملکت باشد**

..... امام امت، هم در کتاب بیع خود و هم در کتاب حکومت اسلامی

خود را جمع به این مسئله قلمفرسائی کردند که مرجعیت و رهبریت باید در یک جا متمرکز بشود..... ولی اگر صلاح بشود که یک نفر مجتهد جا می بخواد در رأس مملکت بوده باشد که با یدقیقید شود در قانون که مشا و ره و مشورت کند. با ولی فقیه هر که بود باشد، با مرجع تقلید هر کسی بود باشد.....

**یک عده ضد انقلاب خودشان را برای رهبری آماده کرده اند**

..... و بعضی ها را من شنیدم که بعد از اینکه آقای منتظری استعفا داده اند، قبا، لباده و عبایشان را تازه دوخته اند و جو و منظم کرده اند و از این ضد انقلابها که دیگر نمی خواهند سمشان را در اینجا ببرم، طر کرده اند خودشان را که در آینده مرجع کنند.

شما ها قشری هستید طرفدار انجمن حجتیه بودید، ضد انقلاب بودید، افرادی که همیشه ضربه به انقلاب زدند، در مراکز حساس نشستند، وضع زندگی خودشان را منظم و مرتب کردند و طایب خواهند برای مادر آینده مرجع بشوند. "هیئات منالذله" ما زیر بار ذلت نمی رویم.

**کیهان ۶۸/۲/۲۱**  
اظهارات حجت الاسلام خلیلی در باره استعفای آیت الله منتظری

ملت بزرگ و آگاه ایران می داند که تصمیم اخیر حضرت امام امت روحی فداه در قبول استعفای حضرت آیت الله منتظری به منزله جام زهر کشنده دیگری بود که آن وجود مقدس سوکشیدند و حاصل عمر خویش را در این زمین فدای اسلام و انقلاب نمودند. آنچه موجب این امر گردید در یک لحظه و زمان محدود

جنبه عملی به خود گرفت، بلکه پس از مراسلات و مکاتبات بیشمار از طرف معظم له در طول بیش از سه سال انجام گرفت و خلاصه آن همه جریانات جانکاه در یک نقطه اساسی نهفته است؛

۱- حمایت آیت الله منتظری از مهدی هاشمی و باند خطرناک او بود که به عناوین مختلفه جزو مفسدین فی الارض محسوب میشد.

۲- طرفداری از لیبرالها و دارو دسته بازرگان که در این چند سال جزئی کردن دشنه خونین منافقین کاری را به نفع ملت مظلوم ایران انجام نداده اند و سکوت مطلق آنها در باره شهادت استادعالیقدر شهید مطهری، شهید بهشتی، رجائی، باهنر، آیت الله صدوقی، دستغیب، اشرفی اصفهانی، مدنی، قاضی، طباطبائی، قدوسی، هاشمی، نواد و شهید محمد منتظری فرزند سزاوار شهادت ایشان و شهدای بیشمار دیگر، سندرو سیاه روی و موضع گیری خصمانه این گروه در مقابل جمهوری اسلامی ایران می باشد و آیا کسی میتواند طرفداری از اینگونه افراد را وجهه امت خود قرار دهد تا آنها در آینده به خیال خام خود حکومت

**تسلیم "سفارت دولت فلسطین" به ملت ایران**

**خبرگزاری فلسطینی و فلبولتن خبری سا زمان آزاد بیخش فلسطین ۶۸/۴/۵**  
بمناسبت مصیبت جانسوز و عظمی ارتحال رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، سفارت دولت فلسطین در جمهوری اسلامی ایران خود را در غم ملت مسلمان ایران شریک میداند.

را درد ست گیرند.

۳- طرفداری از منافقین خلق که در هر فرصت خواسته اند دشمنه پر خون خود را بر پیکر این ملت وارد سازند که نمونه کامل آنرا در جریان مرصا شاهد بودیم.

کسانی که در داخل و خارج از کشور برای براندازی اسلام و قرآن سورت آخرا آمریکا و آل سعود و صدام و حسنی مبارک دارند، اصلاحیسته طرفداری می باشند؟ کسی که نداند آنها ما نندافع می خطرناک می باشند که در یک لحظه مناسبات توبه در آمده و ملت و اسلام را خواهند گزید، در باره این سه موضوع حضرت آیت الله منتظری باید حواب صریح بیان دارند تا ملت ایران قانع شود.

**راه مجاهد:**

آیت الله خلیلی برای قانع شدن ملت توضیح خواسته اند. بنظر میرسد که این شیوه خوبی است که با بد زمینه آن فراهم شود.

حضرت آیت الله منتظری توضیحات مختصر و صریحی در اولین جلسه درس خود بعد از ماه رمضان داده اند.

از سوی دیگر مراتب تبریکات خود را بمناسبت آیت الله خامنه ای (ریاست جمهور محترم) بعنوان رهبری جمهوری اسلامی تقدیم مینماید.

از خداوند متعال برای فقید سعید، مرحمت و رضوان میطلبیم و برای رهبریت انقلاب جمهوری اسلامی ایران، در راه خدمت به ملت ایران و کلیه ملتهای مسلمان برادر موفقیت آرزو میکنیم. انالله وانا الیه راجعون صدق الله العظیم سفارت دولت فلسطین تهران



که نیکه در آن جمع بودند و معموم بودند سابقه عما مه داشتنشان به ۴ - ۵ سال میرسد ۴۰ - ۵ سال است که عما مه سوشان است و ادعای احتیاد میکردند اینها قرار بوده که صبح که گذشت یک چهارلاخ سفیدم تـ سـوی ریششان پیدا شد بعنوان پرو حانیت مبارز بیا پندتوی میدان و ببینید تکلیف مردم و تکلیف کسانیکه میخواهند از اینها حرف بکشوند و به عما مه وریش اینها شک نکنند چی میشد البته همه شان معمم نبودند بعضی ها هم غیر روحانی بودند منتظر در حوزه نفوذ داشتند .

س ۴ - با توجه به مصالحه سید مهدی هاشمی و با توجه به اینکه آقای ری شهری اعلام کرده اند اما مام قبلا " این مصالحه را دیده اند یا بنظر شما این مصالحه تضعیف مقام رهبری نیست چرا که در این مصالحه صریحا " اعلام شد که این آقای ( مهدی هاشمی ) تا بحال به آقای منتظری خط میداده اند و بعدا " هم منجر به تکذیب دفتر ایشان شد . لطفا " توضیح بدهید .

نظر آیت الله خامنه ای  
پیرامون شخصیت  
آیت الله منتظری و  
ادعاهای سید مهدی  
هاشمی

در اواخر سال ۶۵ آیت -  
الله خامنه ای در مقام ریاست  
جمهوری در دانشگاه تهران  
به سئوالات دانشجویان پاسخ  
دادند که در راه مجاهد شماره ۴۱  
مورخ فروردین وارد بیست و  
۶۶ منعکس شده است در اینجا  
قسمتی از آن صحبتها را نقل  
می کنیم .

س ۳ - سیاسی : در مورد  
خطر سید مهدی هاشمی امام خطر  
انحراف از اسلام را مطرح کردند  
ولی عملا " رسانه های گروهی  
و بعضی ها که ادعا دارند در این  
مورد کوتاهی نمودند شما چه نظری  
دارید ؟

ج - من نظرم نظرا مام  
است . این یک گروه براندازی  
بود که زیر پوشش حق به جانب  
داشت فعالیت میکرد و تلاش  
میکرد منتهی براندازی نه مثل  
براندازی مسلحانه فلان گروه .  
یک براندازی خرنده یک  
براندازی دراز مدت . متاسفانه  
توانسته بودند خیلی جاها هم  
نفوذ کنند ، توی حوزه هم یک  
مشت " نم کرده " درست کرده  
بودند . حتی بعد اطلاع دارم -  
یعنی شنیدم منتهی شنیدن  
در خیلی بالایی است تقریبا "  
میشود گفت اطلاع ، که بعضی از

ج - خوب ایشان گفتند  
ما میخواهیم به آقای خط بدهیم  
یا خط میدادیم اما آقایان خط  
آنها را قبول میکردند یا نه اون  
اهل بحث است اون خیلی کارها  
میخواسته بکند ، اول برادرش  
در بیت آقای بوده و به خیال خودش  
یک شفیع و پارتی قوی توی  
بیت داشته خودش هم از قدیم به  
همان مناطق بوده و خدمت  
ایشان میرفته می آمده از زمان  
طلبگی یک حسن ظنی را روی -  
سوابق ممکن است در ایشان  
نسبت به خودش بوجود آورده باشد  
اما آیا حضرت آیت الله العظمی  
منتظری که یک شخصیت برجسته  
و ممتاز انقلاب و اسلام هستند  
و بنده افتخار میکنم به وجود یک  
چنین شخصیتی در همان اسلام  
و انقلابمون . آیا ایشان از آن  
آقا خط می گرفتند ؟ او که  
نمیتواند چنین ادعایی بکند .

طالبه فرض ادعاهم که بکنند که  
بنده خط میدادم ، بله ایشان خبر  
میدادند خیلیها خبر می دادند  
ما هر وقت خدمت آقای منتظری  
میرسیدیم ایشان یک مشت نامه  
و مطلب در اختیارشان بود ، نامه  
برای ایشان مینویسند تلفن  
میکند ، نامه جمعه به ایشان  
مراجعه میکنند طلبه هایی که در  
حوزه هستند سردرس ایشانند به  
ایشان مراجعه میکنند مسئولین  
کشور به ایشان مراجعه میکنند  
مسئولین درجه ۱ درجه ۲ درجه ۳  
از روسای سه قوه گرفته از بنده  
شخصا " گرفته تا فلان مدیرکل ، یا  
فلان لشکر سپاه ، فرمانده  
فلان بخش ارتش همه خدمت آیت الله  
العظمی منتظری میروند و همه به  
ایشان حرف میزنند و ایشان  
اطلاعات زیادی دارند ، غالبا "  
وقتی ما میرویم ایشان مطالبی  
طرح کرده توی مشت دارند گاهی  
نوشته اند روی کاغذ آماده  
کرده اند ، ایشان یک چنین آدمی  
است ، آدم آگاهی است ، بیخودی  
که مجلس خبرگرا نیروی شخصیتی  
تکیه نمی کند ، بیخودی که ماها  
ارادت به یک کسی که پیدا  
نمیکنیم ، ما که نمی شود گفت که  
ایشان را نمی شناختیم یا  
دیگرانی که هستند نمی شناختیم  
ما همه را میشناسیم ، این که نیکه  
در حوزه های علمیه هستند شاید  
کمتر کسی توی این برجسته ها  
وزیده ها باشد که ما نشناخته  
باشیم یا اینها نگذرانده باشیم  
با اینها کار نکردیم یا شیم در  
دوران مبارزه بعد از پیروزی  
انقلاب کا علمی کا سیاسی ،  
کا انقلابی ، در میان همه شخصیتها  
آیت الله العظمی منتظری  
شخصیت ممتازی است شخصیت  
برجسته ای است ، نه به مقام  
ایشان و دامان ایشان از ناحیه  
آن اظهارات با همه چگونگی  
غباری نشیند و میخواسته  
تضعیف کند و را ، نه ، بنده به  
احتمال زیاد نزدیک به یقین ،  
او اصلا " منظم فکر کرده و صحبت

کرده برای اینکه ایشان را به  
زیر سؤال ببرد و خیلی ها را  
میخواسته به زیر سؤال ببرد  
و خیلی ها را میخواهند به زیر  
سؤال ببرند ، اما این به عهد  
ماست که بنشینیم و تحلیل  
بکنیم فکر کنیم تیزبینانه و دقیق  
نگاه کنیم و ببینیم که آیا شایسته  
است که شخصی مثل آن مقام معظم  
را با خطراتها را یک متهم  
یک فاسق یک کسی که با خطرات  
گناهش به زندان افتاده و امام  
در مورد آن تجور حرف زدند خطرات  
حرفا و اظهارات نسبت به  
شخصیت ایشان تردید پیدا  
کنیم ؟ خیر بنده تردید پیدا  
نمیکنم شما هم تردید پیدا نکنید  
بنظر من هیچ انسان منصفی  
تردید پیدا نمیکند ، اما این  
مانع از این نمیشود که ما فکر  
کنیم ، اونیش همین بوده بلکه  
نیتا و همین چیزها بوده ، البته  
نیتهای بد دیگری هم داشتند  
خیلی ها را آنها میخواستند به  
زیر سؤال ببرند البته خیلی  
اظهارات دیگر هم او کرده مثل  
دیگری هم او گفته غیر از آن نوار  
اطلاعات دیگری هم گفته که در آن -  
میخواسته که اگر یکی وقتی اینها  
پخش شد اولا " یک کسی ، یک جمعی ،  
یک جامعه ای مورد خنده قرار  
بگیرند یعنی مثل اون که  
دم مرگش هم که بود میخواسته  
بالاخره یک حوری باشد که اگر  
می غلطد و می لغزد کسان دیگری  
را هم با خودش کمی بغلطاند و

بخشی از  
نامه ای که بعد از  
عید فطر آیت الله  
منتظری برای امام  
نوشته اند

..... آیا شایعاتی اساس  
و بافته های سید مهدی که معلوم  
نیست درجه شرایطی و باجه  
انگیزه ای این مقدار رطب و  
یا سبهم بافته صحیح است  
ملاک قضاوتها واقع شود ؟ شاید  
بقیه در صفحه ۲۵

## نظرات اساتید حوزه علمیه قم

### در باره

### مقام علمی آیت الله منتظری

نقل از کتاب فقیه عالیقدر

جلد ۲ - ۶۲/۷/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم  
آشنایی من با حضرت آیه الله منتظری از اوایل طلبگی یعنی حدود سال ۱۳۲۰ بود. ایشان در مدرسه جده بزرگ اصفهان تحصیل میکردند و بایدر من هم مباحثه بودند. من هم در آن سالها تازه جهت تحصیل علوم دینی به مدرسه رفته بودم و در ضمن دوستان و همدرسان پدرم با ایشان هم آشنا بودم. آیت الله منتظری از شاگردان مبرز حضرت امام بودند و در مبارزات هم از کهن ترین وقادارترین وقاطع ترین یاران امام و در همقداران خود بودند مقام علمی ایشان در سطح فقیهی خوش ذوق، تیز فهم و پر مطالعه، پرسابقه، خوش انتخاب و سلیس الذهن است. ایشان در درسهایی که شرکت میکردند معمولا از بهترین شاگردان بودند. تقریراتی که از درسهای مرحوم آیه الله بروجرودی نوشته اند و اضافاتی که بصورت توضیح یا اشکال افزوده اند، گویای اوصافی است که ذکر شد، به علاوه روانی قلم و حسن تقریر. معمولا آنها که از دیرزمان با ایشان آشنا بوده اند به خوبی میتوانند مراتب بالا را تایید کنند. حوزه های علمیه نیز نوعا در مقابل شخصیت علمی ایشان خضوع دارند. هرچند مسائل خاص سبب شده که جمعی از اعتراف به این حقایق روشن سبب زرنند. یکی بی پیرایگی او که باعث شده جمعی که از یک مجتهد یا مرجع انتظارات دیگری دارند مقام علمی ایشان را نتوانند تصدیق کنند و دیگر که دلیل اصلی تراست، رنگ انقلابی و حمایت بی چون و چرای او از مقام رهبری و معرفی ایشان بعنوان مرجع منصر به فرد است که قشور

بی علاقه به انقلاب روحانیست که وضع گذشته را ترجیح میدادند و معتقد بودند ما باید کار خودمان را بکنیم و به کار دیگران دخالت نکنیم و مخصوصا "برامام به علت موقعیت اجتماعی فوق العاده اش رشک میبردند، مسائل را از موضع رقابتها می نگریستند و گاه جرئت میکردند موقعیت علمی امام را نیز زیر سؤال ببرند طبعاً در مورد آیه الله منتظری سؤوالهایی طرح میکردند و از جمله در مقام علمی از در حد یک مرجع تردید داشتند و هنوز هم دارند. تخصص عمده آیه الله منتظری در فقه، اصول و فلسفه است که معمولا فقهای مادر این رشته ها و غالبا در رشته اول تخصص دارند. نقش آیه الله منتظری در مبارزات، پس از مقام رهبری نقش اول است. او در تمام مراحل از آغاز بدون سستی و تردید قاطعانه به دنبال امام حرکت کرد و همه جا با صراحت مسائل را طرح کرد. در اعلامیه ها معمولا نخستین امضا از ایشان بنمود و بسیاری به اعتماد و دلگرمی ایشان امضا میکردند. طرحانوعا "باهمفکری و مشورت او ریخته میشد. البته این هرگز به معنای انکار سهم ارزنده و موثر سایر عناصرازنده انقلاب نیست. در محرت به تهران هنگام دستگیری امام و دعوت دیگران و تشکیل جلسات و هدایت جریانها، ایشان نقش کارگردان داشت در اعلامیه تعیین مرجعیت امام پیشگام بود. در اعتصابات

یعنی تقریبا "طله های ۳۰ تا ۳۴ گاهی با حضرت آیه الله منتظری که به تهران تشریف می آوردند در کتابخانه ها ماء نوس بودیم و مرحوم شهید مطهری رضوان الله علیه هم تقریبا همان اولین دوره امتحانات مدرسین که شروع شده بود از قم به تهران آمد و در امتحانات شرکت کرد و در رشته معقول شاگرد اول شد. بعد کم کم به مدرسه مروی آمد و در کنار حجره ما حجره داشت. همان حجره روه قبله. و با این بزرگوار آنجا ماء نوس بودیم. بعد هم من که به قم آمدم بایستی درس مرحوم آیه الله بروجرودی را می نوشتم و جزوه درس را به ممتحن ارائه می دادیم تا به عنوان طلبه رسمی درس خارج خوان قبول میشدیم. حضرت آیه الله منتظری از طرف حضرت آیه الله العظمی بروجرودی جزء اعضای هیئت ممتحنه بود و با آن بزرگوار ماء نوس بودیم و در حقیقت امتحان میکرد و جزوه را را ایشان می دیدند، چون ایشان از شاگردان به نام مرحوم آیه الله العظمی بروجرودی بودند. دیگران که میخواستند جزوه درس را تنظیم کنند و ببینند، ایشان می دیدند گاهی ایشان در جلسه خصوصی مرحوم استاد علامه طباطبائی حضور پیدا میکردند که آنجا خدمت ایشان می رسیدیم و ایشان از آن نظر که جزه اساتید معروف حوزه علمیه قم بودند، در جلساتی که مدرسین تشکیل میدادند حضور پیدا میکردند و تبادل نظر میشد و نظرات ایشان در حد وسیع محترم بود و مقام و بردستگی ایشان برای همگان معلوم بود.

آیه الله آذری قمی ۱۳۶۴/۱/۱۹  
نقل از کتاب فقیه عالیقدر جلد ۲ صفحه ۳۳۲ و پیام انقلاب ۶۲/۳/۷  
در سال ۱۳۲۰ که در حوزه علمیه قم طلبه بودم آیه الله منتظری مدرسی بود که ادبیات

آیت الله عبدالله جوادی آملی  
نقل از کتاب فقیه عالیقدر جلد ۲ و پیام انقلاب ۶۲/۳/۷  
من در همان دوران تحصیل که در حوزه علمیه تهران بودم



درس میگفت. در آن زمان با مرحوم شهید آیه الله مطهری درس می خواندیم و بحث میکردیم و حضرت آیه الله العظمی منتظری معروف بود به اینکه مدرس خوبی است و درس خوب میدهد. بعد یکی دو سال ما رفتیم به بروجرد که حضرت آیه الله العظمی بروجردی آنجا بودند و تدریس میکردند. درس را خوب برای

پسوان میگفتند. لکن آنها بی هم که از قم آمده بودند شرکت میکردند. من جمله مرحوم شهید مطهری و آیه الله منتظری آشنایی مادر حدود دوسه ماهی از آنجا شروع شد، یعنی در تابستانی که ما به بروجرد رفته بودیم. ایشان از شاگردان بنام ومورد توجه آقای بروجردی بود و در درس فقه و اصول شرکت میکرد. البته دوستی و آشنایی طلبگی آن قدر خرجی ندارد و یاد هم هست که تعدادی و بودیم که برای تبلیغات برویم بیرون، و در آن موقع رسم بود که به مبلغین پول هم میدادند و ما قرار شد که پول بگیریم که حضرت امام خمینی که آن موقع به ایشان حاج آقا روح الله میگفتند و یک وجه مشترکی برای مادرست کرده و ما راه آقای بروجردی معرفی کردند، و آقای منتظری در آن زمان هم در درس آقای بروجردی شرکت می کرد و هم از فضلا بود و در درس حضرت امام نیز شرکت میکرد و با آقای مطهری درس خارج را نیز شروع کردند و اولین افراد درس خارج حضرت امام، آقای مطهری و آقای منتظری بودند که من در جریان

طرح اعتبارنامه مجلس تاکید کردم که اولین کسی که به امام ایمان آورد آقای منتظری بود و منظورم این بود غیر از رابطه درسی یک رابطه دوستی بین آقای منتظری و مطهری و حضرت امام برقرار شد. و ارتباط در آن موقع بیشتر از این مقدار

## ● اولین افراد درس خارج حضرت امام، آقای

مطهری و آقای منتظری بودند که سن در

جریان طرح اعتبارنامه مجلس تاکید کردم

که اولین کسی که به امام ایمان آورد آقای

منتظری بود.

نمود. از خصوصیات مرحوم آیه الله بروجردی این بود که درش را اجازه نمی داد کسی چاپ کند و اجازه اجتهاد نمی داد و خیلی در این جهت احتیاط میکرد ولی در مورد آیه الله منتظری که کتاب طوة جمعه و نماز مسافر را که تقریرات درس آن مرحوم بود، اجازه داد چاپ کند و آثارش هم موجود است و این یک امتیازی بود در حوزه علمیه برای فاضلی که اجازه داده میشد قبل از تقریراتش را چاپ کند.

از طرفی همه به خاطر دارند که مردم نجف آباد خیلی تاکید داشتند که ایشان را ببرند نجف آباد و در آنجا بمانند برای مردم که حضرت آیه الله بروجردی فرموده بودند آقای منتظری باید در حوزه علمیه باشد و محصلین و عمه مردم استفاده بکنند. اجمالاً یک چنین عنایت و توجهی آقای بروجردی آن موقع به ایشان داشتند.

همچنین در آن زمان آقای منتظری و آقای مطهری، خدمت امام فلسفه تلمذ می کردند بعد از فوت آیه الله بروجردی چیزی که ما را به هم نزدیک تر کرد، نهضت حضرت امام بود.

نقل از کتاب فقیه عالی قدر جلد دوم صفحه ۳۴۰ و مجله پاسدار اسلام آبان ۱۳۶۳

من عضو خیرگان هستم و در این احلاسه سال دوم، کمیسیون ۱۰۷ و ۱۰۹ تشکیل شدم من هم از اعضای آن کمیسیون هستم که وظیفه آن کمیسیون

بحث، پیرامون مسائل مرجعیت و رهبری و بهترین شیوه برای انتخابات رهبر می باشد، لذا بهتر میدانم که از اظهار نظر در مورد شخص به خصوصی خودداری کنم که در حقیقت یک پیشداوری نباشد و من با این پیشداوریها که برخی میکنند مخالفم زیرا اعتقاد من این است که اگر از راه مجلس خبرگان و بحث و تحقیق پیرامون افرادی که در مظان این جهت هستند وارد شویم و از نظر علمی مسائل را بررسی کنیم و یک شیوه کلی اتخاذ نمائیم بهتر و درست تر است زیرا اگر از راه تحقیق و بررسی دقیق و بحث بی طرفانه به مسئله برسیم نه تنها در جامعه بهتر جا می افتد که در دنیای نیز مورد قبول واقع خواهد شد و ما مراجع به شخص حضرت آیه الله منتظری در موارد مختلف نظر خود را عرض کرده ام و حتی در مجلس و در جلسات خصوصی و شاید عمومی، نظرم را در مورد ایشان، هم از نظر و ویژگیهایی که در ایشان هست و هم از نظر علمیت صحبت کرده ام.

آنچه الان میتوانم بگویم این است که در علم و مراجع سابق ما شیوه ای مرسوم بوده که اگر فردی را به عنوان فاعل علم می خوانستند معرفی کنند، این بود که اگر مسئله ای از مرجع وقت سؤال میشد و ایشان نظری در آن نداشتند و نظرشان مثلاً احتیاط بود یا به طور جزئی می گفتند در این مسئله به

فلان شخص مراجعه کنید و یا هم به طور کلی میگفتند احتیاطات را به فلان شخص مراجعه کنید. و این شیوه ای بوده است که طریقی آن را ملاک می گرفتند برای فاعل علم من یادم می آید که پس از وفات مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی جمله ای نظیر همین که عرض شد درباره مرحوم آیه الله العظمی بروجردی از ایشان شنیده شده بود و همین ملاکی برای مرجعیت آیت الله بروجردی در میان جامعه و حتی اهل علم قرار گرفت.

در مورد آقای منتظری من نظر شخص خودم را الان صلاح نمی دانم بگویم روی همان حساب و موقعیت که گفته شد ولی دوسه مورد شنیده ام که امام مدظله العالی بالخصوص مسائلی را به آقای منتظری ارجاع کرده اند. در یکی دو سال قبل از شورای سپرستی صدا و سیما شنیدم که از امام درخواست کرده بودند که حد و حدود موسیقی و غنا را برای ما مشخص بفرماید که مورد عمل قرار گیرد. ایشان ارجاع فرموده بود به آقای منتظری.

یکی هم ظاهر را - در مورد تعزیرات بود که آیت تعزیرات شامل تغزیرات مالی هم می شود و جریمه های مالی از مسائل تعزیرات است یا نه؟ این هم آن طور که نظرم هست از برخی از اعضای شورای عالی قضائی در یکی دو مورد شنیده ام که یک مورد را یقین دارم که امام فرموده، بودند؛ من خودم حتی نظرم مخالف با این مطلب است، ولی به آقای منتظری مراجعه کنید اگر ایشان نظر داد، درست است و شما به آن عمل کنید. این ملاک و نشانه ایست که بین سلف از علما و مراجع معمول بوده و خود ملاکی است که امام ایشان را به عنوان فاعل علم می شناسند.

# ارجاعات فقهی امام خمینی

به  
آیه الله منتظری

از آنجا که این روزها بحث پیرامون مرجعیت و روحانیت بحث روز شده و همه بدنبال ملاک تشخیص مرجع می گردند مناسب دیدیم ارجاعات امام خمینی به شمه خود یعنی آیت الله منتظری را از کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی نقل کنیم با این امید که گوشه ای از شخصیت علمی آیت الله منتظری برای مردم روشن گردد.

نقل از کتاب "مبانی فقهی حکومت اسلامی" آیت الله منتظری - ترجمه و تقریر و پیشگفتار از حاج شیخ محمود صلواتی از انتشارات کیهان - صفحه ۶۹ تا ۷۲

شیوه معمول در میان فقهای عظیم الشان اسلام برای استخراج مسائل و استنباط احکام شرعی از منابع اولیه آن بدین صورت است که شخص فقیه مجموعه ادله شرعی مربوط به یک مسئله را اعم از قرآن، سنت، اجماع و عقل، مورد مطالعه و مذاقه قرار میدهد و در صورتیکه ادله مربوط به یک مسئله را از هر نظر کافی تشخیص داد بر آن اساس بدون هیچ تردید و "احتیاطی" فتوا می دهد. اما در صورتی که ادله و یادلالت آن را نسبت به اثبات مقصود و مسئله مورد اجتهاد کافی نبیند، و ادله قانع کننده دیگری را نیز نتواند پیدا کند. دچار تردید شده و از "فتوی" دادن خودداری می کند. و هرگز قاطعانه نمی گوید که مثلاً "حکم شرعی در فلان مسئله طهارت است یا نجاست. حرمت است و یا حلیت و... بلکه حکم شرعی آن را با قید "احتیاط" بیان می کند و می گوید "بنابر احتیاط چنین است. این دیگر فتوی نیست. پائین تر از فتوی است و در اصطلاح فقهی این موارد را "احتیاط" می نامند. مقلدین یک مجتهد اعلم می توانند در مسائلی که او احتیاط کرده. به مجتهد دیگری که در آن موارد دارای فتوی است مراجعه نمایند.

اگر یک مجتهد موارد احتیاط خود را به مجتهد دیگری ارجاع دهد و بگوید در همه مسائل احتیاطی من و یا حتی در فلان مسئله بخصوص به فلان مجتهد رجوع کرده ام و به فتاوی او عمل کنید از نظر عرف حوزه های علمی و از نظر سیره علماء و فقها و بطور کلی از نظر فقهی مفهوم آن این است که من آن مجتهد

را بعد از خودم از همه مجتهدین و فقهای دیگر برای تقلید شایسته تر میدانم. این مسئله را ارجاع مجتهد به مجتهد دیگر و یا بطور خلاصه ارجاع به مجتهد دیگر و یا بطور خلاصه ارجاعات می نامند. و چنانکه گفتیم در عرف فقها، ارجاع مسائل احتیاطی بسیار مسئله مهمی است و در عمل مسئله "فالاعلم" را کشف آن برای مرد عادی همیشه یک مشکل اساسی بوده، حل و آسان می کند.

معنای اصطلاح "فالاعلم" این است که بعد از مجتهد اعلم زنده از میان مجتهدین و فقهای زنده و موجود چه کسی نسبت به بقیه در مرتبه اول قرار دارد و "فالاعلم" است یعنی دومین اعلم فقهای عصر است.

نکته مهمی که در رابطه با فقه است، مقام علمی و مرجعیت حضرت آیت الله العظمی منتظری وجود دارد. این است که حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دست برکنانه که رهبرانقلاب فقیه اعظم و مجتهد اعلم زمان ماست و در اصلحیت و اعلیت آن بزرگوار هیچ شبهه و تردیدی نیست. در بسیاری از موارد استفتاء کنندگان رابطه فتاوی حضرت آیت الله منتظری "ارجاع" داده اند.

ایشان این روش ارجاع را هم در رسائل عبادی و شرعی صرف، مانند بعضی فروع حج عمل فرموده اند، و هم در رسائل شرعی که به اداره امور کشور مربوط می شود. مانند مسئله مفسد فی الارض و برخی مسائل دیات و غیره. و نیز در برخی از موارد اعمال برخی از شؤون ولایت فقیه را به ایشان واگذار فرموده اند. مانند مسئله غزو زندانیان و مسئله تعیین قضا قبل از تشکیل شورای عالی قضائی و موارد مشابه دیگر.

از این رو، مواردی از این نهوع ارجاعات حضرت امام به آیت الله العظمی منتظری را در اینجا بعنوان "نونه" نقل می کنیم.

## ۱- مسئله احتکار

در تعیین کالا هائیکه بعنوان "احتکار" بر آنها صدق کند. در میان فقهای اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها در محدود متنگر و موارد محدودی

مانند گندم و جو و امثال اینها، عنوان احتکار را صادق می دانند. برخی دیگر قلمرو احتکار را از نظر فقهی بسیار گسترده تر از آن می دانند. حضرت آیت الله منتظری از دسته دوم هستند و در مسئله احتکار وسعت نظر دارند.

امام خمینی مسائل شرعی مربوط به احتکار را به فتاوی ایشان ارجاع داده اند و مجلس شورای اسلامی رامکلف نموده اند که در این مورد به فتاوی ایشان عمل کنند. عیضاً تعبیر معظم لدر این باره نقل از حجت الاسلام حاج سید احمد آقا خمینی چنین است.

"مجلس شورای اسلامی می تواند در مسئله احتکار به فتاوی حضرت آقای منتظری عمل نماید.

## ● مجلس شورای اسلامی

می تواند در مسئله احتکار به فتاوی حضرت آقای منتظری عمل نماید.

## ۲- مسئله مفسد فی الارض

این مسئله نیز از جمله موارد ارجاع حضرت امام به فقیه عالیقدر است که ضمن آن دستگاه قضائی کشور را موظف کرده اند که در محدود احکام مربوط به این موضوع، فتاوی آقای منتظری را ملاک عمل قرار دهند.

عین استفتاء آیت الله موسوی اردبیلی و پاسخ امام از این قرار است.

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام عزه

اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است، به نظر آیت الله منتظری جایز است و این مسئله در محاکم قضائی مورد احتیاج است. اگر اجازه می فرمائید در مراجع قضائی طبق نظر ایشان عمل شود. ادام الله عمرکم الشریف

عبد الکریم موسوی



بسمه تعالی

مجازید طبق نظر شریف ایشان  
عمل نمائید . ۶۶/۵/۹  
روح الله الموسوی الخمينی

### ۳- تعزیرات مالی

در این مسئله که مرتکبین جرایمی را که حد شرعی معین ندارند می شود باضربه شلاق تعزیر کرد . هیچ اختلافی در بین فقهای شیعه وجود ندارد ، لکن فقهای اسلام در این مسئله که آیا مجرمین راجربه مالی و یا به اصطلاح " تعزیر مالی " نیز می شود گرد پانه . اختلاف نظر دارند .  
آیت الله منتظری به جواز تعزیر مالی فتوی داده اند . طبق اظهارات جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مومن امام است در پاسخ استفتاء شفاهی

بقیه از صفحه ۲۹

آزادی به مفهوم غربی فرق دارد . آزادی به مفهوم غربی آزادی - کنترل نشده و آزادی بی حدود و مرز است . ما در اسلام چنین آزادی را نداریم . در اسلام ما آزادی داریم اما کنترل شده ، مرز بندی شده ماها اگر طرفداری از آزادی فکری و قلم و اندیشه و عمل می کنیم آزادی به مفهوم اسلام است نه آزادی به مفهوم غربی . اگر شما بخواهید آزادی در فرهنگ غرب با آزادی در فرهنگ اسلام را - مقایسه کنید آن ها های برخورد اینها را ببینید . گاهی فرهنگ اسلام می تواند در یک موقع در یک مقطع در یک عمل با فرهنگ غربی برخورد میکند . چون این اصول و موازین و ارزشهای خود را دارد و آنهم برای خود را دارد .

بهترین مثال ، مثال سلمان رشدی است در فرهنگ اسلامی . سلمان رشدی مرز خود را گذاشت ، خدا را سب کرد به پیغمبرنا سزا گفت ، مقدسات را به باد تمسخر گرفت ، اینجا است که ما میدان آزادی نداریم ، این میدان میدان برخورد است ، لذا حضرت امام بدون کوچکترین فکری

آقای مومن که در معیت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین ربانی املشی به عمل آورد ماند دستور فرمودند که در مسئله تعزیرات مالی به نظرایت الله منتظری عمل شود .

### ۴- دیه قطع پا

در این اواخر نیز نشریات خبری و گزارشی " خبر کوتاه ولی بسیار مهم " نیز را در این رابطه منتشر کردند .  
۳ امام مسئله مربوط به دیه قطع پا را به آقای منتظری ارجاع دادند . قبلاً نیز مسائلی همچون احتکار ، مفسد فی الارض ، و امثال اینها را ارجاع داده بودند که به معنای این است که ایشان را شخص فالاعلم بعد از خود نشان می دادند .

### ۵- مسائل حج

آیت الله سید جعفر کریمی عضو

هیئت استفتائیه امام و هیئت استفتائیه فقیه عالیقدر ، در این باره چنین فرمودند .

" در جریان حوادث خونین مکه در سال ۱۳۶۶ حج برخی از حجاج ناقص شده بودند و تصحیح آنها طبق فتاوی امام خمینی مشکل بود . به خدمت معظم له مراجعه کرده و کسب تکلیف نمودیم . ایشان این مسائل را به آیت الله منتظری ارجاع دادند که طبق نظرایشان عمل کنیم "

### ۶- حق الحضانة مادر برای اولاد

نیز هم ایشان ( آقای سید جعفر کریمی ) در این مورد نقل میکنند .

" باره مسئله حق الحضانة مادر نسبت به فرزندان نیز همان وقت از حضرت امام استفتاء و کسب تکلیف کردیم که امام این مسئله و همه مسائل

پیام دوم امام ، مسئله دوم : دادن آزادی به مردم است . مردم را باید آزادی بدهند مسئولین محترم نظام آزادی فکر - آزادی زبان - آزادی قلم ، آزادی عمل . انسان موجودی است در آزادی رشد می کند در خفقان می میرد . خداوند به انسان استعدادها داده ، قوا داده ، سرمایه ها داده ، اما اینها بخواهند به فعلیت برسند محیط باید مناسب باشد ، مناسب رشد استعدادها .

در نظام جمهوری اسلامی هر کسی با بدیدون کوچکترین فشار و مقاومت و احساس خطر و احساس تردید با آزادی اندیشه داشته باشند نتواند فکر کند فکری که کرده بتواند به زبان آورد ، به زبان که آورد بتواند بنویسد و وقتی نوشت بتواند عمل کند به هیچ مسلمانی سردیگر مسلمان این اجازه داده نشده . مسلمانی جلوی آزادی مسلمان دیگر را بگیرد این حرام است این حرام شرعی است . بالاترین نعمتی که خداوند به انسانها داده نعمت آزادی است . سلب آزادی از انسان فکری ، قلمی ، قدمی ، عملی ، کشتن یک انسان

است . اگر کشتنش جایز است این هم جایز است . این باید شعار ما باشد این پیام امام است شما ببینید امام در پیامهایش گفته ، من هیچگاه جلوی برخورد و مبارزات طلبگی ( خداییش رحمت کند ) ایشان را ز این بحثها تعبیر به بحثهای طلبگی کرده اند من هیچوقت از اینها بدم نمی آید و جلوگیری نمی کنم . این حقوق مسلم انسانهاست . اینجا یک نقطه عطف باید اشاره کنم ، آزادی به مفهوم اسلامی با تأمل و تردید که اگر اینرا بگویم در جهان چه میشود فرمان قتل سلمان رشدی را صادر می کند اما چون با آزادی در فرهنگ غرب قابل تطبیق نیست این دو فرهنگ به هم میخورند می بینید که فتوای امام چه زمزمه ای در جهان ایجاد کرد اینها آمدند ، قابل تحمل نبود کسی در ایران بنشیند بگوید فلان کس را در انگلستان بکشید می گفتند چه شد به آزادی ، چه شد به قوانین بین الملل ، همه چیزشان را آوردند به میدان اما اینجا این فرهنگ اسلامی گفت اینجا میدان آزادی نیست و هر کس جسارت به مقدسات کرده باید

مشکله شرعی راه آقای منتظری ارجاع داد و فرمودند ، در این مسئله و در کلیه مسائل مشکله شرعی به نظرات آقای منتظری عمل کنید .

چنانچه ملاحظه فرمودید اینها موارد و نمونه هایی از ارجاعات فقهی حضرت امام به آیت الله منتظری است و نشان میدهد که امام در مسائل شرعی ایشان را بعد از خود " فالاعلم " می دانند و تنها مجتهد ذی صلاحیت برای مرجعیت مسلمین می شناسند و در رابطه با مقام فقاوت و مراتب عالی علمی ایشان . این نظرات امام حائز اهمیت فوق العاده است و راجع به فالاعلم بودن آیت الله منتظری جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد .



کشته شود این را امام گفت سرش هم ایستاد این دو فرهنگ هم برخورد کردند دیدید . بالاخره فرهنگ اسلامی را ما یک قدم یک وجب ، یک سانت عقب نشینی نکردیم . اما آنها آرام آرام - نمایندگانی که برده بودند برگرداندند کارهایی که کرده بودند آمدند اعتذار کردند حرفهایشان را پس گرفتند حق را به ما دادند این فرق فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب است .

جوانهای ما پیرهای ما تحصیل کرده های ما ، انقلابی های ما برادران ما در ایران ، توجه داشته باشند انقلاب ما انقلاب اسلامی است . موازین ما هم موازین اسلامی است . اساس ما هم تقوا و ارزشهای اسلامی است . آنجایی که اسلام میگوید توقف ، حق جلوگیری حتی یک سانت را نداریم . همانجا باید توقف کنیم . در عین طلی که کمال احترام را به آزادی های انسانها فکری ، عملی ، قلمی می گذاریم و معتقدیم برای آزادی مشروع یک انسان به منزله کشتن یک انسان است این پیام دوم .

زمان شروع می کردیم شاید امروز شرایط عادی کشور خیلی بهتر بود .  
... در کل جمع بندی این است که شاید ما با تاجر به امروز می توانستیم از بروز جنگ جلوگیری کنیم .

راه در همه ابعاد از جمله سیاسی و فرهنگی حفظ کردیم . در مورد مسائل اقتصادی هنوز به اهداف خود نرسیده ایم .

## مواضع استراتژیک

حجت الاسلام ها شمی رفسنجانی

آزادی به معنای واقعی کلمه در ایران وجود ندارد .

روند استقلال را جنگ و کمبود امکانات طولانی کرده است

... ما از سال اول انقلاب مجلس را تأسیس کردیم . مردم واقعا آمدند و نماینده هایشان را انتخاب کردند . ... شما هم می بینید که مجلس شورای اسلامی آزاد ترین مجلس دنیا است . طوری که رئیس جمهور را از مقاضای پابین کشید این از قدرت مجلس است که هیچ وزیری بدون موافقت مجلس نمیتواند سرکار برود . طبیعتا مدیران دیگر هم مشورت از وزیرا هستند . دولت را مجلس تعیین و استیضاح میکند ، رئیس جمهوری دولت را پیشنهاد میکند و مجلس تصویب می کند .

... ما هنوز هم همان شعار اول انقلاب یعنی 'استقلال آزادی جمهوری اسلامی' را می دهیم . منتها آن روز فکر میکردیم خیلی زود میتوان به این نقطه رسید ولی در عمل فهمیدیم که این يك روند طولانی است . . . . . چون ما امکاناتی را که صرف جنگ کردیم اگر صرف سرمایه گذاریهای زیر بنایی

در ابتدای جنگ اگر تجربه امروز را داشتیم تلاش میکردیم جنگ آغاز نشود

... اگر با تجربه های امروز بخواهیم انقلاب را شروع کنیم شاید تلاش کنیم که نگذاریم جنگ شروع شود وقتی که می دیدیم که آثاری که از

اطلاعات ۱۸ / بهمن ۷۷ صاحبه حجة الاسلام رفسنجانی از یادواره فجر

ما آرمانهای انقلابی خارج از صحنه خود را به قانون اساسی تبدیل کردیم

● بلکه یک چیز که ما میخواستیم و نشد

و آن پیروزی نظامی بود که آن هم اگر ما قدری برنا مریزی تر شده حرکت میکردیم شاید دور نبود . حجت الاسلام رفسنجانی

... زمانیکه ما با سرعت قانون اساسی را نوشتیم هنوز آمادگی تجربی اداره یک کشور انقلابی را نداشتیم ، بعد ما انقلابی بودیم که با آرمانهای انقلاب زندگی کرده بودیم و همان آرمانهای را که خارج از صحنه داشتیم روی کف دست آوردیم به قانون اساسی تبدیل کردیم .  
... اگر مثلا ما امروز قانون اساسی را می نوشتیم قانون اساسی جامعتری مینوشتیم .  
... البته حسن دیگر این بوده است که اگر امروز ما می خواستیم قانون اساسی بنویسیم معلوم نبود که بتوانیم این قانون اساسی موقتی را بنویسیم یعنی آن حالت انقلابی لازم بود . . . . .

انقلاب در اهدافش شکست نخورده بلکه واقع بین شده است .

... در يك وقتی هم دیدیم مصلحت این است که این جنگ را ختم کنیم . خلاف این تصمیم دیگر انقلابی گری نبود ، دیگر این میشد يك نوع یکدندگی تعصب و لجاج ، که من حرفی زده ام باید حرفم را تأخیر بیز بوم .

اقتصادی می کردیم شاید الان بسیاری از وابستگیها از بین رفته بود .  
... پس ما درون کشور امکانات استقلال واقعی در همه ابعاد را فراهم کردیم . ابزار پیاده کردن اینها را هنوز نداریم یعنی وسائل و ماشین را نداریم پس خیال میکنم استقلال خود

درگیری وجود دارد و می خواهند جنگ را به ما تحویل کنند تلاش بیشتری می کردیم که جنگ آغاز نشود .  
... در مجموع اگر جنگ را بر ما تحویل نکرده بودند و ما با امکانات ایران سازندگی را در آن

(( توضیح مهم ))

شماره راه مجاهد	تاریخ مطالب بیان شده
۴۰ و ۴۱	شش ماه دوم سال ۶۵
۵۰	شش ماه دوم سال ۶۶ و فروردین سال ۶۷
۴۹	اردیبهشت تا مهر سال ۶۷
۵۲	مهر تا دی سال ۶۷
۵۴	دی تا اردیبهشت سال ۶۸

چاپ رساندیم . هدف این بود که در هر شماره مطالب و مسائل بیان شده توسط ایشان در دو ماه گذشته آورده شود ولیکن موفق به انجام مرتب این کار نشدیم و ترتیب کار برهم خورد . صغفا " مطالب عقب و جلو شده است . در اینجا تاریخ مطالب بیان شده در هر شماره را می آوریم تا استفاده از کل آنها سهل تر امکانپذیر باشد .

تأسیسات در مقدمه این مطلب در راه مجاهد شماره ۵۰ و ۵۲ اشتباهی رخ داده است که با عرض پوزش در اینجا آنها را اصلاح می نمایم .  
در راه مجاهد به شماره های ۴۰ ( بهمن و اسفند ۶۵ ) ۴۱ ( فروردین ۶۶ ) ۴۹ ( مهر و آبان ۶۷ ) ۵۰ ( دی و آذر ۶۷ ) ۵۲ ( فروردین و اردیبهشت ۶۸ ) نکات برجسته سخنان حجة الاسلام رفسنجانی را به





عزت کت این بسیجی ها را

... ما بگونه‌ای که فقط عراق را بلکه کل منطقه و استکبار را هم به وضعی تنبیه کردیم که با جمهوری اسلامی نجنگند، دلیلش هم این است که ما وقتی اعلام کردیم نمی خواهیم بجنگیم همه دست‌ها را بردند بالا و به آسانی قبول کردند. اگر آنها هم مثل ما سرشان به سنگ نخورد بود به آسانی نمی پذیرفتند.

... قانونمندی طبیعت، جهان یا بشريت آن نیست که انقلابها شکست بخورند. قانونمندی این است که انقلابها واقع گرا باشند و واقعیت را ببینند. معنای انقلاب این نیست که برخلاف واقعیت ها حرکت کنند ... انقلاب ما هم نمی خواهد قانونمندی دنیا را بهم بزند. قانونمندی جامعه بشریت میتواند انسان را به مسیر درست و صحیح ببرد. در مورد پذیرفتن قطعنامه هم باید بگویم مگر ما ضمانت داده بودیم اگر جنگ به نفع ما هم نبود آنرا ادامه بدهیم چنین چیزی در قانونمندی دنیا هم نیست.

قبل از پذیرفتن قطعنامه یکی دو ماهی بود که مقدمه‌اتر از افرام می کردیم

... ما شاید یکی دو ماهی بود که تصمیم داشتیم فکر میکردیم و مقدمات را درست می کردیم. برای اینکه دیگر جنگ تمام نشود خوب اثر به سرباز بگوئید تا فردا بجنگیم سرباز دیگر نمی رود بجنگ.

روند کلی صحیح بوده و نیاز به يك جمع بندی وجود ندارد

... البته خوب خیال نمی کنم که روند کلی جامعه اشتباه بوده است ما بخواهیم باز پذیرش قطعنامه همه چیز را عوض کنیم پذیرش قطعنامه حالت دیگری دارد جنگ مسیری داشت در این مسیر ما دیدیم عمر جنگ طولانی میشود و این مسئله‌ای که ما را وادار کرد جنگ را قطع کنیم ما سرورسی نظامی و اقتصادی کردیم. دیدیم

اگر بخواهیم بجایی برسیم حداقل باید پنج الی شش سال دیگر بجنگیم صلحت ندیدیم که دو سه ماه چند سال دولت را به این حالت نکه داریم معنای این کار این نیست که کل مسائل را بخواهیم عوض کنیم و با جمع بندی ما در کل عوض شده باشد منتها چون مسئله مهمی است در کنارش چیزهای دیگری عوض میشود یعنی وقتی که مصلح را پذیرفتیم دیگر دلیل ندارد که با همسایه خود در محاصره باشیم و ضرر بکنیم.

در تشکیلات نظام ما معلوم نیست که چه کسی باید خطوط کلی را مشخص کند.

... الان مجلس کار خودش را میکند دولت کار خودش را می کند رئیس جمهور کار خودش را میکند و دستگاه قضایی کار خودش را می کند همه در میدان هستند امام هم در میدان هستند امام هم بالای سر همه هستند اما جای چیزی همینطور که شما

● ما هنوز هم همان شعار اول انقلاب یعنی

استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی را

میدهیم منتها آن روز فکر میکردیم

خیلی زود میتوان به این نقطه رسید

ولی در عمل فهمیدیم که این یک روند

طولانی است حجت الاسلام رفسنجانی

اگر مجلس حلاله‌هایی را تعیین نکرد چه کسی جوابگوی این مسئله است دولت مجری سیاستهای تعیین شده مجلس است. رئیس جمهور باز چنین وظیفه ای ندارد. بنابراین بنظر می‌رسد که حلقه مفقوده‌ای گشتما میگوید وجود دارد و شاید همان تمرکز باشد و این نوع تمرکز باید مکرر و ناسازگار نیست. الان شما در هیچ کجای دنیا حتی آزادترین کشورهای دنیا همچنین چیزی نمی بینید. در هر کشوری بالاخره يك کشور است که به

مجلس می گوید باید چه کارهای را انجام بدهد چنین چیزی الان به صورت وظیفه در کشور ما نیست. البته امام فوق همه ما هستند اگر خواستند میگویند - اگر نخواستند نمیگویند اگر خواستند امری را به ما محول میکنند گاه دخالت میکنند، گاهی نمی کنند این نقطه ضعف در درون تشکیلات است.

در جنگ ما لقمه بزرگ برداشتم

... در جنگ نیز آنچه امریکا می خواست بطور جدی شکست خورد منتها ما در جنگ مسئله جدیدی مطرح کردیم. پیروزی نظامی و شکست عراق و بطور کلی بیرون کردن امریکا از منطقه چیزی اضافه بر انقلاب بود که بر اثر اشتباه پیش آمد. در این بخش ما لقمه بزرگی برداشتیم و مخفی هم نکردیم. حرفمان را زدیم. البته در شیوه تبلیغاتمان شیوه سیاستهای خارجی مان اشتباهاتی بود و گونه امریکا در اینجا پیروز، ندارد.

... بله يك چیز که ما می خواستیم و نشد و آن پیروزی نظامی بود که آنها اگر ما قدری برنامه ریزه تر شده حرکت میکردیم شاید در نبود. حالا من نمی خواهم در این فصل بحث کنم. اگر روزی جنگ تمام شد و صلح شد من شیوه جنگ و مسائل سیاست خارجی و مجموعه حرکاتی که داشتیم و نوع دیگری که می توانستیم حرکت کنیم را بررسی می کنم. خود من البته میدانم که چه شده است اما دیگر الان نمیتوانم آنها را بازگو کنم.



کیهان ۲۷/۱۲/۲۱  
سخنان حجت‌الاسلام رفسنجانی  
در سالروز میلاد امام حسین (ع)  
و روز پاسدار در دیدار با امام خمینی

گرائی و تورم و بیکاری با دخالت  
امام قابل حل است

... رئیس مجلی شورای اسلامی  
ابراز امداداری کرد که معضلات  
اجتماعی باقی مانده نیز از جمله  
گرائی و تورم و کمی شغل بارهنمودهای  
امام برطرف شود. وی گفت مسئولان  
مجلس شورای اسلامی و دولت در پی  
حل این مسائل هستند. ولی مانند  
مسائل گذشته حل این امور نیاز  
به راهنمایی جنی تری و دخالت  
از سوی امام دارد تا بتوان مشکلات  
مردم را حل کرد.

کیهان ۲۸/۱/۲۰  
سخنان رئیس مجلس در اولین جلسه  
علنی مجلس شورای اسلامی

علاء امام به آیت‌الله منتظری  
درجه یک است

... قطعاً ایشان علاء شان  
به آیت‌الله منتظری از لحاظ عاطفی  
در کل این کره زمین شطره یک و نوره  
یک است اما وقتی نظام چیرزی را  
می طلبد وقتی که صلحت نظام  
می طلبد همه چیز را باید فدا کرد.  
که ایشان کردند.

جمهوری اسلامی ۲۸/۲/۲  
خطبه های نماز جمعه

... توطئه دشمن این است که  
نگذارد مردم به رفاه برسند و اگر  
اینطور شود اسلام زیوستوال سرود

... اینطور نباشد که گمان کنید  
دنیا از نظر اسلام چیز غیر قابل  
توجهی است و خیال کنید اسلام توجه  
و بهره بر داری از مواهب طبیعت  
برای رفاه و سعادت جامعه را ندارد.  
... برنامه های اسلام آنطور که در  
ذهن خیلی ها هست یک برنامه  
پیچیده معاگونه و مشکل زائی نیست  
بلکه برنامه زندگی سالم و عوف انسانها  
است. برنامه ای تنظیم شده است  
تا انسانها در دنیا و آخرت عوف باشند  
و سالم زندگی کنند.  
... یکی از اهداف دشمنان در  
برخورد با ما این است که نگذارند ایران  
بصورت یک جامعه پیشرفته از لحاظ  
مادی برآید. این را با همه وجودم لمس  
میکم و احساس می کنم یکی از اهداف  
دشمنان فعلا این است که نگذارند  
این ملت به رفاه برسد و نگذارند  
استعداد های این ملت شکوفا شود  
و نگذارند این کشور که از غنی ترین  
کشورهای جهان است روی رفاه رابینند  
به این جهت که بگویند اسلام قادر نیست  
در دنیای معاصر جامعه را اداره کند  
... اگر جنگ نباشد و صلح باشد و ما  
نتوانیم نعمتهای الهی که در ایمن  
سوزمین اسلام بکار رفته است اینها را  
در جهت اصلاح جامعه و رفاه دنیای

اسلام بکار گیریم و آن موقع سؤال  
بر انگیز است و ما باید بر این توطئه  
جدی استکبار و مخصوصاً استکبار غرب  
فاتق بیاثم...

باید نیروهای ایرانی خارج از  
کشور را بسعه صدر جذب کرد

... ما اکنون به تناسب این امکانات  
مادی موجود در کشور از نیروی انسانی  
کافی برخوردار نیستیم. البته ممکن  
است ایرانی دانشمند داشته باشیم  
اما خیلی از اینها بخاطر ناسازگاریها  
با انقلاب در خارج ایران بسر میبرند  
یا باید با سعه صدری آنها را جذب  
کرد و آنها بتوانند در ایران زندگی  
بکنند یا اینکه سرعت سازندگی نیرو را  
مقداری شتاب بخشید تا اینکه ما  
جوانان خودمان را وارد میدان نمائیم  
تا بتوانند این امکانات را نقد بکنند

من هنوز موفق به فهم عمق  
ایمن رهبری نشدم

... هر ماه و هر سال دچار چیزهای  
ناخواسته بوده ایم و در این امواج  
خروشان که این کشتی را پایین میا  
می برد و این رهبری که هنوز به عمق  
نعمت آن پی نبرده ایم که بنده خودم  
بعنوان یک شاگردی که الان بهش از  
سی و سی و پنج سال است که از  
نزدیک واز کلاس درس گرفته تا کارهای  
روزمره سیاسی کشور با ایشان تماس  
دارم هنوز موفق به فهم آن چیزی  
که باید می فهمیدم نشده ام.

... خدا را شاهد می گیرم هر روز که  
میگذرد و با هر حادثه ای که برای کشور  
حادث میشود من احساس میکنم که  
عجب نعمت عظمی است که خداوند  
بما داده است و ما به این زودی قادر  
به درک آن نیستیم.

با تلاش وزارت اطلاعات توانستیم  
تعداد فراوانی جاسوس امریکایی  
دستگیر کنیم

... تلاش شبانه روزی وزارت اطلاعات  
در بخش عمده و حفاظت اطلاعات ارتش  
در بخش ارتش، ما توانستیم تعداد فراوانی  
از جاسوسهای کله گنده امریکایی را که  
روی اینها سرمایه گذاری شده و آموزش  
دادند و اینها را در جاهای خاصی  
نگه داشتند برای اهداف خود شان  
ما توانستیم اینها را کشف کنیم و اینها  
الان بازداشت شدند و تحت بازجویی  
هستند...

وزیر امور خارجه هرچه تشخیص  
داد میتواند اجرا کند

... وزیر خارجه ما الان اختیارات  
کافی دارد نه دولت در کار او دخالت  
میکند نه مجلس در کار او دخالتی دارد  
و شخص مورد اعتماد امام است و هرچه  
در آنجا تشخیص داد میتواند اجرا کند  
... وزیر خارجه ما هر چه را که  
در آنجا اجرا میکند این امضا از نظر  
ما محترم است و ما پشت این امضا  
ایستادیم.

جدا دستش شد برای آب بیکرش مجروح شد  
بخون غلطان  
حسین جانم ای حسین ...  
حسین گفتا اکبر آن نوگل دردم رفتن جانب میدان  
که می جنگیم با سپاه کفر تا شوم کشته در ره ایمان  
که این خود دوسی شود زنده در همه عالم بهر  
مظلومان  
حسین جانم ای حسین ...  
حسین جان یاران مایک یک کشته گردیدند در ره  
یزدان  
تجا و ز کردند به رهپویان عزیز تو زینب تالان  
برایمان زندگی مشکل تا کفا شغال است  
خاک خوزستان



نوحه ای از نوحه پرداز انقلاب  
شهید کرنلانی مهندس عباس بروغنی  
نوحه ای بر وزن  
مران یکدم ساریان اشتر  
ناقده زینب مانده اندر گل  
حسین جانم ای حسین جانم (۲)  
مکتب سرخت رهنمای ما ست (۲)  
حسین خونت کرده در عالم  
چهره ظلم ظالمین رسوا

صین عباس است به ما آموخته وفاداری بر  
اما ممان  
ز شط آب تشنه او برگشت چون بدند  
تشنه جمله یاران



روی وجوه مختلف

## انقلاب اسلامی

دسترسى به اطلاعات طبقه  
بندى شده مورد توجه  
آمریکاست

در پاسخ به این سؤال، علت  
اینکه شما را برای این کار  
انتخاب کردند چه بود؟

گفت: .... با توجه به  
تحصیلات من تصور میکردند که به  
تدریج بتوانم به مشاغل مهمتر  
دست یابم و نه اینتا "دسترسى  
بیشترى به اطلاعات طبقه بندى  
شده داشته باشیم و این بسیار  
مورد توجه عوامل آمریکایى  
بوده است ..."

حسابات آمریکا روی صدور  
انقلاب

سؤال: "در ملاقات هاى  
که با عنصر سیداشیدوى از شما  
چهار طلاع تى را میخواست؟"  
" - او اول با توجه به میزان  
دسترسى من به اخبار و اطلاعات  
خواستار اطلاعاتى در مورد  
اوضاع داخلى سفارت جمهورى  
اسلامى ایران در هند و اعضاء  
سفارت بودند که من هم تا آنجا  
که اطلاع داشتم مطالب را در -  
اختیار آنها مى گذاشتم .

آمریکائى ها اصولاً "روى مساله  
صدور انقلاب بسیار حساس بودند و  
در خلال صحبت ها مشخص بود که  
زمینه هاى آسب پذیری را در -  
کشورهاى جهان سوم در مقابل  
ایده هاى استقلال طلبانه  
جمهورى اسلامى بسیار جدى  
مى بینند . روی همین اصل -  
بسیار علاقه مند بودند از نقش  
سفارت وارگان هاى دیگر مثل

خانه فرهنگ جمهورى اسلامى  
ایران و انجمن هاى دانشجویان  
در این زمینه اطلاع داشته باشند  
از دید عوامل سیاسى -  
فعالیت هاى فرهنگى و معرفى  
اسلام به عنوان ایدئولوژى جامع  
که میتواند در تمامى ابعاد  
راهنمای کل مردم در زندگى  
شود نتیجه اش وقوع انقلاب  
اسلامى در مناطق مختلف و بزعم  
آنها به خطر افتادن منافع  
تضمین شده آمریکا در جبهه رجب  
بلوک بندى شرق و غرب میشد .  
لذا شناسائى کسانى که در این  
زمینه ها فعال بودند در اولویت  
کار عناصر سیاسى بود . آنها دنبال  
ضعف افراد بودند که یا مانند من  
در دام همکارى آنها میافتند  
یا به نوعى با تهدید یا برچسب  
مشاورکت در فعالیت هاى  
تروریستى جلو کار آنها را بگیرند .  
من هم در مورد افرادى که از نظر  
خودم فعال مى دانستم به آنها  
گزارش میدادم . به علاوه در مورد  
سایر اخباریهائى که به  
هند مى آمدند و من در جریان  
قرار مى گرفتم به آنها خبر -  
مى دادم . البته آنها از من سند  
کتبى نمى خواستند و به صورت  
شفاهى مطالب را رد و بدل میشد .

حسابات آمریکا روی مسائل  
اقتصادى ایران

"... در مورد مسائل اقتصادى  
نیز آمریکا ئى ها خیلی حساس  
بودند و میخواستند در زمینه  
معاملات اقتصادى ایران با  
کشورهاى دیگر بشتر بدانند  
ظاهرأ " جایگزینى کشورهاى  
جهان سوم در باره واردات -

بخشهاى مهمى از مصالحه  
تلویزیونى دکتر بهمن آقاى  
کارشناس اداره حقوقى وزارت  
خارج که به جرم عضویت در یکى  
از شبکه هاى سیاه ایران  
دستگیر شده بود .

ایران به جای آمریکائى و  
همیمانان آنان بسیار گران  
بود . من احتمال مى دهم با  
توجه به جزئیاتى که از مسائل  
عادى میخواستند بدانند از این  
اطلاعات در جهت اخلاص در معاملات  
اقتصادى استفاده میکردند چون  
اصل خرابى را رومدارها  
در مطبوعات هم آورده میشد و  
حتماً "کنجکاو" سیاسى را بر این رابطه  
منافعى را برای آنها در پی  
داشته است .

حمایت همه جانبه آمریکا  
از عراق در  
جنگ

من در ملاقاتى که در آلمان  
با ما مورسید داشتم سؤال کردم  
چگونه از طرف شما برای موفقیت  
رژیم عراق با آن همه تسلیحات  
روسی و سابقه رابطه با شوروى  
در جریان مذاکرات سرمایه گدارى  
میشود که او به من پاسخ داد " در  
این ده سال در عراق خیلی  
اتفاقات افتاده است ، تاوان  
کندذهنى روس ها از درک واقعیت  
مسائل را که مانع پذیرد رژیم  
آنها صراحتاً " رژیم عراق را در  
بلوک بندى شرق و غرب رژیمى  
در جهت منافع غرب توصیف  
مى کردند البته یک بار هم من  
افسوساً آمریکا ئى به من گفت " ما  
هم اگر جای روس ها بودیم برای  
اینکه همه با زى را نبازیم  
چاره اى جز این نداشتیم " که  
به نظر من نکته قابل توجهى  
بود .

"... در ملاقات هاى که در  
هند با دیوید داشتم به او گفتم  
که احتمالاً به خاطر گزارشهاى  
منفى که علیه من داده اند این  
احضار صورت گرفته است . او هم  
مى گفت که در باره تو تحقیق  
کرده ایم و خبرداریم که مساله  
احضار ربطى به ارتباط با سیا  
ندارد وى متعاقباً این صحبت ها  
ادامه تماس ها را از طریق نامه  
نگارى ذکر کرد ..."  
"... آمریکا ئى ها خصوصاً  
علاقه مند بودند دیدگاه هاى دقیق  
مسئولان ایرانى را در مورد غرب  
بدانند ، آنها ضمن تاکید بر این  
نکته که شخص امام هیچ روزنه اى  
را برای آمریکا ئى ها باز  
نگذاشته معتقد بودند هر کس در هر  
زمینه اى حتى در مسائل داخلى  
یا مسائل اقتصادى با امام نقطه  
نظر متفاوتى داشته باشد به  
صورت بالقوه میتواند هدف غرب  
باشد و ارزش سرمایه گذارى را -  
دارد .

نقش سیا در حملات موشکى  
شهرهاى ایران

من که از جریان حملات عراق  
به شهرها به شدت ناراحت بودم  
در این زمینه سعى کردم ماء مور  
سیا را به خاطر حمایت آمریکا از  
عراق ملامت کنم . ولى او که در  
ابتداء با من همدردى میکرد ،  
به طرح یک سئوال -  
پرداخت نظیر این که اثرات این  
موشک باران ها در مردم چگونه  
بود و آیا ادامه این روند  
میتواند ایران را از مواضعش  
برگرداند یا خیر؟

جزئیات مورد درخواست مامور  
سیا این ظن قوی را در من تقویت  
کرد که این اطلاعات احتمالاً با  
عراقى ها مبادله میشود یا حداقل  
به آمریکا ئى ها کمک مى کند که

ومن اینقدرنا را حشدم که این پیرمرد خدمتگزار از این نعمتی که در بیرون مهیا است، در زندان محروم شود، خیلی ناراحت شدم. در همان حال تفال بر قرآن زدم و این آیه آمد:

وَعَدَاللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ كَمَا اَسْتَخْلَفْنَا الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَنُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمُ الَّذِیْ اَرْتَضٰی لَهُمْ وَلَنُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا یَّعْبُدُوْنَنِّیْ لِیَشْرَکُوْا بِیْ شَیْئًا وَمَنْ کَفَرَۤا بَعْدَ ذٰلِکَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْاٰفَاقِیُّوْنَ آیه ۵۵ سوره نور

و عده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردار شایسته کردند که جانشین گردانندشان در زمین چنانکه جانشین گردانید آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرمانروا گردانید برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان چیزی و آنکه کفر ورزد پس از این همانا آنانند نافرمانان.

مرحوم به خدا چیزی به من گفت که من آن را یادداشت کردم گفت: " آقای حبیبی من حفظه ام درست نیست ممکن است آیه

را درست نخوانم ". بعد آقای حبیبی به فرزندشان گفتند دفتر خاطراتشان را بیاورند. وصحبت های مرحوم به خدا را کنترل کردند. آقای حبیبی اضافه کردند بعداً " جریان را به آقای دکتر سببی گفتند و ایشان در مراجعه به قرآن کامل آن را که آیه ۵۵ سوره نور می باشد پیدا کردند. مرحوم به خدا به من گفت:

" پس از پناه بردن به قرآن و تفال، بسیار امیدوار شدم که اوضاع اینطور نخواهد ماند و اینها سرگون خواهند شد، و مصدق پیروز میشود.

مهندس حبیبی اضافه کرد: پیش بینی مرحوم به خدا این بود که تا چند سال دیگر شاه سرگون میشود و مصدق از زندان آزاد میگردد. پیش بینی در آن زمان تحقق پیدا نکرد ولی در سال ۵۷ دومرتبه به یاد پیش بینی مرحوم " به خدا " افتادم و احساس کردم آیه ۵۵ سوره نور تحقق پیدا کرده و شاه رفتنی است و انقلاب پیروز خواهد شد. ایشان دائماً آیه را می خواندند و تکرار میکردند و روی وعده خدا به مؤمنین و انسانهای صالح تأکید میکردند و همچنین

روی حاجایی و استخلاف که بندگان صالح آمدند و شاه رفت. ایشان گفتند: من بعد خوقهم امنا " تحقق پیدا کرد و سلایحی خوف سیری شد. مهندس باحالت گریه تقاضا میکرد: این امانت را که مرحوم به خدا به دست من سپرده دست مردم بسیار بید که نظام شاهنشاهی سقوط می کند و انسانهای صالح روی کار می آیند. مهندس حبیبی افزود:

انقلاب در واقع وسیله بیداری ملل مسلمان شده و آنها را بهم نزدیک کرد. این آرزوی همه مسلمین بود که انشاء الله آن وحدت بین مسلمین برای زدودن و دور ریختن پدر سوختگیهای ابرقدرتها و سلایح آمریکای بی شرف، ( انجام شود)

ایشان با حالت اندوه اضافه کرد: این سند را من با حال مریضی که اینجا نشستم با نفس گرفته و صدای تغییر یافته تومی دهم که خودت گفتی در دانشگاه شاگرد من بوده ای من که نمی دانستم، تا منعکس شود. و این سند در تاریخ بماند.

## حسابتهای سازمان .....

چه خط هدایتی را به عراق بدهند. البته این افسر سیا که فکر میکنم سابقه نظامی گری هم داشت وقتی بحث منافع آمریکا میشد محسوس بود هیچ احساس خطری از ناحیه عملکردهای رژیم عراق نمی کرد و اقدامات ایران را در تعارض با منافع منطقه ای آمریکا می دید.

## آمریکا، جنگ و توطئه

" من با توجه به آشنایی نسبی ام با مسائل خارجی و سیاست خارجی بدون توجه به ملاحظات که از ارتباطات با سیا بدست آورده ام مطمئن هستم عملکردهای عراق حداقل تا امروز کاملاً در راستای اهداف منطقه ای آمریکا که همانا تضعیف انقلاب ایران است بوده و چه دلیلی دارد که با این وصف آمریکا از عراق پشتیبانی اطلاعاتی به عمل نیاورد؟ اما ذکر جزئیات که این تحلیل را مستدل میکند به نظرم مفید می آید.

سیا بعد از پذیرش قطعنامه در مورد آینده حرکتهای نظامی ما و اینکه چه قدر در پذیرش آنش پس جدی هستیم تأکید داشت و وقتی من به کارشکنی عراقی ها در مذاکرات اشاره می کردم آنها اظهار می کردند ما و عراقی ها هنوز به اینکه ایران به طور جدی به دنبال توقف جنگ است اطمینان نیافته ایم و ما مور سیا تاءکید کرد ایران باید طرف بازنده جنگ قلمداد شود و ما به فضا رخودا دام می دهیم و حفظ حالت نه جنگ و نه صلح از نقطه نظر منافع آمریکا بسیار ضروری است.

## آمریکا به اجرای قطعنامه ۵۹۸ اعتقادی نداشت

ماء مور سیا در پاسخ اظهارات اعتراض گونه من کاملاً پیدا بود که اعتقادی به اجرای قطعنامه ۵۹۸ و جلوگیری از کارشکنی های عراق ندارد. بلکه تاءکید میکرد قطعنامه تا وقتی که ایران را هدف قرار داده بود برای ما

ارزش داشت و عجیب بود که همه این موضع گیریها در جهارحوب مقابل با خطر نفوذ و توسعه کمونیسم دنبال میشد.



بخشهایی مهم از سخنان حشمت الله مقصودی یکی از اعضاء شبکه جاسوسی سیا که در تاریخ سه شنبه ۶ تیر ماه از تلویزیون پخش شد.

## توطئه های آمریکا پس از امام

مقصودی: اهداف اولیه که آمریکا دنبال میکرد به اقتضای شغل و حرفه من بود ابتدا اطلاعاتی در زمینه قوه قضائیه و دادگستری از من خواستند که آنچه میدانستم در اختیار آنها گذاردم.

در زمینه مسائل سیاسی نیز مطالبی از من خواسته شده بود که بخشی از این مسائل راجع به جناح بندی داخل روحانیت، وصیتنامه امام، رهبری آینده و شخصیت و دیدگاه های روحانیون طراز اول و مسئول، اختلاف بین مسئولین کشوری و امکان تشدید آن، موقعیت هر یک از مراجع در محافل مذهبی، اختلاف دولت و مجلس، مواردی را که میتوان با تمسک به آن به اختلافات دامنه زد، زمینه های کیفیت راه اندازی آشوب داخلی بعد از امام، سمت آقایان و سلایح زمینه های که می توان در مقابل تذکرات و صحبت های امام مطرح شود، امکاناتی که بتوان

## راه مجاهد:

آمریکا با تکیه بر اختلافات داخلی در صدد می باشد جنگ داخلی در ایران راه بیندازد، باید هوشیار بود و برادر



# نقض حاکمیت ملت ایران

در

## قطعنامه کازابلانکا

قطعنامه نهائی کنفرانس سران عرب که طی چهار روز در خرداد ماه ۱۳۶۸ در کازابلانکا مراکش انجام پذیرفت، با مطرح کردن حق حاکمیت عراق، بر سر اروند رود بطور آشکار حاکمیت ملت ایران را نقض کرده است. وظایفی که در رابطه با این تجاوز آشکار در پیش پای همه نیروهای مکتبی، مذهبی و ملی ضد اجنبی قرار دارد و همچنین بررسی علل و عوامل این تصمیم گوی و نتایج حاصله از آن برای جمهوری اسلامی منظر و مقصود این مقاله است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی متن قطعنامه را به نقل از شانلی قلمی در بویکل این کنفرانس گزارش نموده است بخشی از این قطعنامه که مربوط به مسائل ایران و عراق است به شرح ذیل است:

کیمهان ۶ خرداد ۶۸  
..... کنفرانس سران عرب تحولات در مسئله ایران و عراق را مورد بحث قرار داده و با ابراز آرامش خاطر از توقف جنگ و آغاز مذاکرات تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل جهت دستیابی به صلح همه جانبه و عادلانه و دائمی، کنفرانس آتش بس را نقطه آغاز بسرای دستیابی به صلح و آرامش کامل میدانند لذا آرزو نمود که مرحله آتش بس پیر اسرع وقت به صلح و استقرار کامل بیانجامد.

همچنین خواستار تلاشهای بین المللی در همبستگی و تشبیهست مذاکرات مستقیم تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل شد. تا صلح بر اساس

اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بر مبنای تضمین حقوق عراق و حاکمیت او بر سرزمین خود و عدم دخالت در امور داخلی عراق تحقق پذیرد. کنفرانس امنیت خلیج عرب (فارس) را در آزادی کشتیروانی در آبهای بین المللی و تنگ هرمز برای همه کشتیها بدون مزاحمت و بر اساس قانون دریانوردی سازمان ملل میدانند.

کنفرانس خواستار پیشگیری از کلیه کارشکنی ها و تأخیر اجرای قطعنامه ۵۹۸ شده و همبستگی خود را با عراق در حفظ وحدت و یکپارچگی خاک خود و حق حاکمیت عراق در شط العرب (اروند رود) اعلام می دارد.

همچنین دعوت از سازمان ملل برای لایروبی شط العرب (اروند رود) را مورد تأیید قرار میدهد.

کنفرانس سازمان ملل و معافیت بین المللی را به اتخاذ تدابیر لازم و استفاده از کلیه امکانات خود برای آزادی اسرا و بازگشت آنها به وطن و خانواده خود بدون تأخیر دعوت کرد و از عدم آزادی آنان علیرغم توقف جنگ از تاریخ ۲۰/۸/۸۸ ابراز نگرانی کرده و آنسرا مخالف قطعنامه ۵۹۸ و پیمان ژنو در مورد اسرای جنگی میدانند.

همچنین کنفرانس از تلاشهای دبیرکل سازمان ملل برای تحقق صلح در منطقه خلیج عرب (فارس) تقدیر نموده و فعالیتهای او را مورد تأیید قرار می دهد.

### بررسی قطعنامه

اعلام حمایت از حق حاکمیت عراق بر اروند رود (شط العرب) در حقیقت حمایت از علت اصلی شروع جنگ، در ۹ سال پیش از سوی عراق می باشد، عراق در سال ۵۹ با مردود اعلام کردن قرار داد ۷۵ و ادعای حاکمیت بر اروند رود و برخی نقیضات مرزی دیگر به ایران حمله کرد و در طول جنگ هنگامیکه در موضع ضعف قرار داشت قرار داد ۷۵ و بازگشت به مرزهای بین المللی را مطرح میکرد (زیرا این قرارداد خواستار عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر بود و پذیرش آن از سوی ایران به منزله تأیید حاکمیت بعثی عراق و کشتار گذاشتن شعار خود در باره تفویض حاکمیت در عراق بود) و اکنون که پس از وارد آمدن ضربه های نظامی بر ارتش و سپاه و در جبهه های جنگ، پذیرش قطعنامه از سوی ایران و بخصوص پس از مسائل اخیر در مورد

رهبری (استعفای آیت الله منتظری) جمهوری اسلامی را در ضعیف ترین موقعیت خود پس از انقلاب می بیند بسیار دیگر ادعاهای تجاوز کارانه خود را تکرار نموده است.

علل و اهداف تصویب این ادعا از سوی کنفرانس سران عرب

جناح ارتجاعی کنفرانس در پی ضعیف یافتن جبهه انقلاب در ایران، نهضت انقلابی منطقه و بخصوص جهان عرب را بدون پشتوانه دانسته اند و آنچه را که در ده ساله اخیر علیرغم میل باطنی خود جرات مطرح کردن و جامه عمل پوشاندن بدان را نداشته اند یعنی بازگرداندن نظام کمپ دیویدی مصر به جامعه عرب را مطرح و به مورد اجرا گذاشتند. مورد حسنی مبارک به جامعه عرب گرایش هر چه بیشتر نظامهای عربی را به کمپ دیویدی، قطع جریان مبارزاتی اعراب علیه اسرائیل و حل سازشکارانه مسئله فلسطین نشان میدهد. ضعیف شدن انقلاب اسلامی، ضعیف شدن کشورهای طرفدار خط ناصر و جهان عرب، بین بست هایی که در خط مشی تکیه به شهری و تکیه به جناح نفتی غرب برای مبارزه با اسرائیل پدید آمده است و توافق شهری و آمریکا در مورد مسائل منطقه روند تسریع گرایش به کمپ دیویدی را بر رهبران جناح مفرق عرب تحمیل نمود.



دیگر تصمیم گیرها و موافقت های

کنفرانس نیز در خط مشی صهیونیستی

امپریالیستی فوق قسار دارد

کنفرانس اسرائیل را به خروج از

سرزمین های اشغالی در سال ۶۷

( و نه مناطق اشغالی در سال ۴۸ و

نه خروج از کل سرزمین فلسطین )

دعوت کرده است . تشکیل دولت

کوچک فلسطینی در کنار اسرائیل

( اسرائیل محدود به مرزهای سال

۶۷ ) را مورد تأیید قرار داده است .

موضع گیری فوق در اساس هیچگونه

تفاوتی با قرار داد کمپ دیوید ندارد

و بلکه نسخه و شکل دیگری از آن

میباشد و تنها اسرائیل را که به علت

ضعیف دیدن جبهه اعراب و ساقط حاضر

نیست به کمپ دیوید هم تنیده تحت

فشار قرار داده است .

آنچه که در کنفرانس در مورد لبنان

گذشت در موافقت اصولی با نظام غیر

قانونی مارونی یعنی دولت نظامی میشل

عون بود . کنفرانس تحت فشار جوسازی

عملا رأی به خروج نیروهای سوریه از

لبنان داد و با فرا خواندن همه

طرفهای درگیر به مصالحه برای حل

بحران ، در حقیقت دولت وابسته و

غیر قانونی عون را بعنوان یک ظمیر

مورد تأیید قرار داد . بنظر می رسد

که نظام سوریه ذکر نشدن صریح لزوم

خروج نیروهای سوریه از لبنان را بسا

کوتاه آمدن در باره ادعای حقوق

حاکمیت عراق در اروند رود معامله

کرده باشد .

کنفرانس سران عرب حق حاکمیت

عراق بر اروند رود دعوت از سازمان

ملل برای لایروبی شط و آزادی اسرای

جنگی را مورد تأکید قرار داده است .

تصمیمات کنفرانس در باره لبنان از سوی

یکی از مقامات بلند پایه وزارت خارجه

امریکا مورد تأیید قرار گرفته است .

ملاحظه میشود که از یکطرف امریکا

نقش اتحادیه عرب را در لبنان رسماً

تأیید کرده است و همزمان این

اتحادیه عضویت نظام کمپ دیویدی مصر

را در این کنفرانس می پذیرد و از سویی

امریکا بر سوریه برای وادار نمودن او

به شروع مذاکره با میشل عون فشار وارد

می آورد ، خط عراق و میشل عون خروج

سوریه از لبنان است . در این اوضاع

و احوال که اتحادیه در خط صهیونیسم

و امپریالیسم عمل مینماید به بحران

شط العرب دامن زده و ادعای عراق

را در مورد حاکمیت بر شط العرب مورد

تأیید قرار میدهد . بنابراین براحتی

میتوان نتیجه گرفت که این قضیه مسئله

ارضی نبوده و جا دارد که تمامی

نیروهای ملی ضد اجنبی با این مسئله

برخورد فعال نموده و با بالابردن

وحدت و انسجام خود در برابر این

توطئه واکنش نشان دهند .

این توطئه چه هدفی را

دنبال میکند ؟

تأیید حق حاکمیت عراق بر اروند

رود با این هدف انجام پذیرفته است

که ایران را بر سر دهرهای تعدیل در

اصول و مواضع داخلی و خارجی و با از

بین رفتن تمامیت ارضی کشور قرار دهد هر

کدام از این دو راه ثبات نظام کنونی

جمهوری اسلامی را در معرض مخاطره

تأیید حق حاکمیت عراق بر اروند رود با این

هدف انجام پذیرفته است که ایران را بر سر

دوراهی تعدیل در اصول و مواضع داخلی و خارجی

و یا از بین رفتن تمامیت ارضی کشور قرار دهد

هر کدام از این دو راه ثبات نظام کنونی جمهوری

اسلامی را در معرض مخاطره قرار می دهد .

تمامیت ارضی کشور عاجز بود . در این

صورت مخالفین نظام اسلامی منطبق پیدا

کرده و نظام در معرض کودتا هسا و

حرکات مخرب قرار خواهد گرفت .

دعوت از سازمان ملل برای

لایروبی اروند رود حرکتی در جهت

براه افتادن عملی آمد و شد کشتیهای

تجاری عراق در این رودخانه است و

لایروبی تحت نظارت سازمان ملل ،

لایروبی را عملاً بر ما تحمیل میکند چرا

که در صورت مخالفت با سازمان ملل

درگیر میشویم .

طرح آزادی اسرا قبل از اجرای

بقیه مواد قطعنامه ( یعنی عقب نشینی

کامل عراق ۰۰۰ ) جمهوری اسلامی را

تحت فشار عاطفی و بین الطلی قرار

خواهد داد تا جنگ در شرایطی که

عراق از ادعاهای ارضی خود دست

بر نداشتن است به اتمام برسد .

گرچه ممکن است در متن قطعنامه

کلمات و واژه هایی که از آن تعبیه های

متفاوتی بشود وجود داشته باشد و یا

اینکه برخی برداشتهای متفاوتی از آن

بنمایند ( نظیر حق عراق بر شط به

معنای سهم داشتن عراق از این رود -

خانه نه بمعنای حاکمیت عراق بر کل

رودخانه و ۰۰۰۰۰ ) لیکن میبایست

دقت داشت که توطئه اصلی به همان

گونه است که ذکر شد و در صورت

تحقق شروط نا گفته سران مرتجع عرب

را حفظ کند ولی نظام اسلامی از حفظ





عبیر از واژه های بکار رفته ممکن است تغییر نماید و موقعا به گونه ای که ایران را هم راضی نماید درآید .

### خطر بزرگتر

#### تقویت محور نفت - اسلحه

ماهیت انقلاب را دگرگون کرد و نه برای فرار از این دو چاله خود را چاه بزرگ فروش نفت برای خرید سلاح و وابسته شدن به کشورهای فروشنده سلاح انداخت . راه چاره پایداری بر موضع اصولی و حق تاریخی خود و برای از بین بردن علت و عامل اصلی گستاخی ارتجاع می باشد .

ما در نشریه های شماره ۴۷، ۵۰، ۵۲ راه مجاهد، در مقالاتی نظیر: زمینه سازان پذیرش قطعنامه، دلائل ضربه های فاد و شلمچه، ریشه یابی پذیرش قطعنامه، برخی از علل و عواملی را که موجب تضعیف جبهه داخلی و زمینه ساز پذیرش قطعنامه از سوی ما شد آورده ایم . علاوه بر این عوامل مسئله اخیری که در رابطه با آیت الله منتظری پیش آمده است، از عواملی است که غر - رابه طمع اختلافات داخلی انداخته است . گرچه آیت - الله منتظری با نوشتن نامه مسووخ ۱/۸ به امام رضوان الله تعالی علیه و در موضعگیری های بعدی دشمنان انقلاب را نا امید کرده اند لکن در صورت تصحیح نشدن برخی شیوه های غلط برخورد با ایشان و خدای ناکرده ایجاد برخی تصادمات، دندان طمع دشمنان در ضعیف دیدن و ضعیف کردن جبهه داخلی جمهوری اسلامی تیزتر خواهد شد .

#### چه باید کرد

عامل مهم دیگری که موجب نا امید شدن دشمنان و قطع امید آنها از وارد آوردن فشار بر جمهوری اسلامی و تقویت روحیه مسئولین نظام خواهد شد حمایت یکپارچه نیروهای ملی و مذهبی از موضع جمهوری اسلامی در این قضیه و محکوم کردن توطئه کمپ

مشهور است که جمهوری اسلامی هیچگاه به این ادعای عراق و سران ارتجاعی عرب تن نخواهد داد لذا این مسئله برای مدهای طولانی تشنج را بین ایران و عراق حفظ خواهد کرد . نتیجه این تشنج دراز مدت برقراری حالت صلح مسلح و مدت برقراری حالت صلح مسلح و تقویت ارتش های طرفین برای حفظ خود در برابر تهدید کشور مقابل است این مسئله دولت کنونی و هر دولت دیگر را وادار میکند که سالها بودجه عمرانی خود را صرف خرید های نظامی کرده، هم از عمران داخل بازمانیم و هم برای جلب رضایت کشورهای فروشنده سلاح ناچار به تعدیل در مواضع خود شویم که عواقب ناگوار و فلاکت باری را برای کشور در بردارد .

واضح است که تن دادن به تمام شقوقی که بر سر دیم نتیجه ای جز فلاکت و سقوط و افول را برای جمهوری اسلامی در بر ندارد . نه باید بمنقصر حاکمیت ملی براروند رود تن داد و نه با تعدیل در مواضع داخلی و خارجی

دیویدی کنفرانس سران عرب میباشد از آنجا که حمایت از موضع نظام اسلامی و محکوم کردن این توطئه، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور است موضعگیری صریح همه نیروهای ملی و مذهبی و میرترین وظیفه این نیروها است . این نیروها باید بدانند که با هر کس که قهر باشند و با هر جریانی که دلخوری داشته باشند از سر نوشت مملکت و استقلال و تمامیت آن نیابستی قهر کنند و باید مسئولیت خود را در برابر این امر بر هر چیز دیگر تقسیم نکنند .

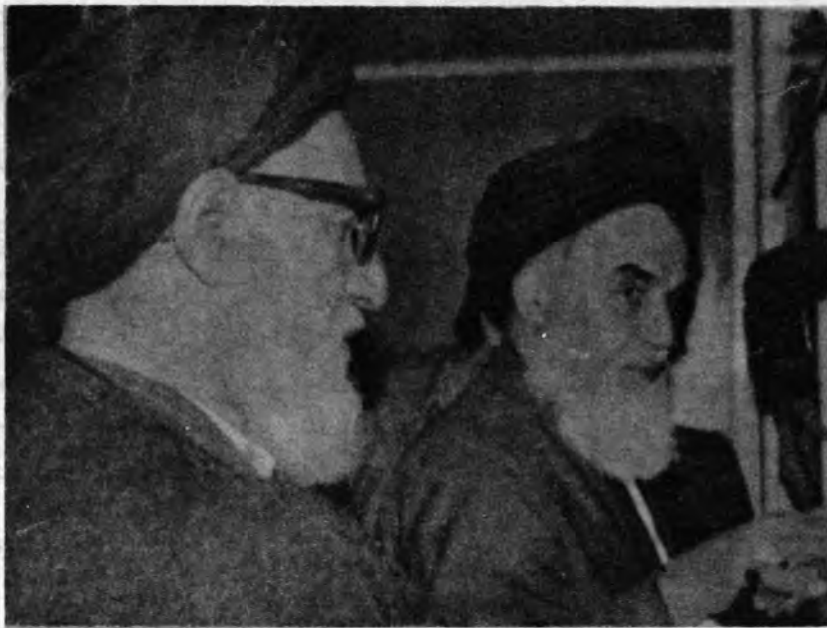
اصلاح ذات بین و وحدت همه نیروهای ملی در دفاع از مواضع بر حق جمهوری اسلامی هم تقویت کننده جبهه داخلی است و مسئولین را قادر خواهد ساخت که بدون تکیه بر غیر، به همان شیوه ای که در عرض ۸ سال بدون وابستگی جدی به کمپانی های تولید کننده سلاح و با تکیه بر بسیج نیروهای آرمان خواه و استقلال طلب، استقلال و تمامیت ارضی کشور را حفظ کرد، این بار نیز بدون دست زدن به شیوه های غلط در برابر این توطئه ایستادگی کرده و تمامیت ارضی کشور را حفظ نماید و هم فرصت طلبها و خائنینی را که بنام خلق و ملت ایران در دامن کسی که آشکارا تمامیت ارضی کشور را نقض کرده

و حقوق تاریخی ملت ما را زیر پا میگذارد زندگی میکنند افشا خواهد کرد همچنین دولت و مسئولین نظام جمهوری اسلامی با توجه به ضرورت حیاتی حفظ وحدت و تقویت جبهه داخلی بمنظور مقابله با این توطئه کمپ دیویدی باید تحولی اساسی در شیوه برخورد با نیروهای اصول مذهبی و ملی ضد اجنبی را مد نظر قرار دهند بخصوص اکنون که جمهوری اسلامی بسوی برقراری اتحاد استراتژیک با حزب موکرات کردستان با آن سوابق ملا

عامل مهمی که موجب نا امید شدن دشمنان و قطع امید آنها از وارد آوردن فشار بر جمهوری اسلامی و تقویت روحیه مسئولین نظام خواهد شد حمایت یکپارچه نیروهای ملی و مذهبی از موضع جمهوری اسلامی در این قضیه و محکوم کردن توطئه کمپ دیویدی کنفرانس سران عرب می باشد .

مصطفائی و اتحادیه کردستان با سوابق پر نوسان خود میروند و همچنین در زمانی که ابر قدرت شمری را که سالها متحد استراتژیک دشمن حری ما بوده است قابل مذاکره میدانیم، هنگامیکه بالاخره پس از چند سال قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته و با صدام بطور غیر مستقیم وارد مذاکره شده ایم، هنگامی که اعلام میکنیم که اگر آمریکا شیطانتر را کنار گذارد بسوی تحسین روابط با او پیش میرویم . . . لزوم تصحیح شیوه های برخورد با نیروهای داخلی بسیار بهتر مشهود میشود .





# پرتوی از:

## قرآن

درسهایی از مرحوم طالقانی

متن کتاب - صفحه ۲۷۶ - جلد اول پرتوی از قرآن :

در تفسیر آیه شریفه: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدًا... أَنْ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمَهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا نَافِثِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

سوره بقره - آیه ۱۱۵  
وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَنُفِثَ وَجْهُهُ... وَإِنْ... وَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِمْ .  
بقره - آیه ۱۱۶

کسیست ستمگرترا از آن کسی که جلوی مساجد خدا را بگیرد، از اینکه نام خدا در آن برده شود و به ویرانی آن بکوشد؟ این گروه را نرسد که در مساجد داخل شوند مگر بحال بیم و هراس، برای اینها در دنیا زبونی و برایشان در آخرت عذاب بزرگیست.

مشرق و مغرب از آن خداست پس هر جا روی گردانیده‌ها نجا روی خداست، چه خداوند فراگیرنده همه و بس داناست آنانکه مساجد و نام خدا را از دیگران ممنوع و بخود محدود ساخته‌اند مردمی را مانند که در عمق دره‌ای همی روز و شب میگذرانند و از آن پافرا تر نمی‌نهند و چون همواره تابش و واتاب خورشید عالمتاب را بر دیوارها و محل خود دیده‌اند می‌پندارند که آفتاب بر آنها می‌تابد و تنها از آن آنهاست، با آنکه ولله المشرق والمغرب.

(پاورقی: داستانیکه بنام قهوه خانه سوره "قهوه سوره" یکی از نویسندگان آورده، این محدودیت

در سیر تاریخ همواره جریانهای مرموز و ناسالمی وجود داشته اند که سعی نموده اند با جوسازی و بوجود آوردن شبهات از رشد جریانهای اصیل جلوگیری کنند و یا به عبارت دیگر از گسترش تفکرات آنها جلوگیری کنند. مرحوم آیت الله طالقانی یکی از کسانی است که در تاریخ معاصر ما از هجوم فکری و فرهنگی این جریان مرموزی - نصیب نبوده و به طرق مختلف سعی شده تا جوانان عاشق و نیا زمندا انقلاب را از دست آورده‌ای آن مرحوم جدا کنند و جای بسی تاسف میباشد که مدعیان دوستی ایشان هم به این مظلومیت خو گرفته‌اند.

تجلیل ظاهری از شخصیت آیت الله طالقانی دردی را دوا نمیکند چرا که تجلیل واقعی آنست که نقطه نظرهای عمیق و همه جانبه مرحوم طالقانی را در راستای پی بردن به واقعیت تعالیم قرآن و روشهای شاکر گرفته از آن مورد مطالعه قرار دهیم. ما تلاش برای این داریم که بخشهایی از نقطه نظرهای آن بزرگوار را ارائه دهیم با این امید که این کار قرآنی موجب شادی بیشتر روح ایشان شود.

توجه شود که تفسیر در ذیل هر آیه را بطور کامل نمی‌آوریم و فقط به قسمتهایی که می‌خواهیم توضیح دهیم اکتفا میکنیم. نوشتن شماره آیه و صفحه متن، برای تقریب به ذهن و تحقیق بیشتر نوشته میشود.

لازم به توضیح است که گاهی ممکن است مطالب با ظاهرات ارتباط پیدا نکند، ولی مرحوم آیت ا... طالقانی با انسجامی که از قرآن و آیات آن داشته‌اند به آن مطالب رسیده‌اند.

نظر اهل مذاهب را می‌نمایاند : گویند قهوه خانه سوره در یکی از بنادر اقیانوس هند بوده و اهل مذاهب و ملل مختلف همیشه در آن رفت و آمد داشتند و گرد هم می‌نشستند و به بحث می‌پرداختند شبی در آنجا دانشمند متحیر ایرانی غلام بت پرست، برهمنی، یهودی کشیش، کاتولیک، پرتستان، مسلمان سنی و شیعه و اسماعیلی که گرد هم جمع بودند بجدال برخاسته و هریک می‌کوشید تا خدا و حقیقت را محدود به آئین و پیمبران و رهبران خود کند، تا آنکه حکیم چینی را به حکمیت خواستند. او گفت: مثل متحیر در وجود خدا، مانند کسی است که می‌خواست حقیقت نور آفتاب را بشناسد و آنقدر در آن چشم دوخت تا کور شد پس از آن گمان میکرد که آفتابی وجود ندارد و هریک از شما مانند مردمی هستید که در جزائر دور افتاده و دره‌های اطراف زمین بسر می‌برند و از آنجا هیچ بیرون نرفته‌اند. از این رو چنین می‌پندارند که آفتاب تنها بر کوه و سرزمین آنها می‌تابد و فقط از همانجا غروب می‌نماید. با آنکه پرتو آفتاب نه محدود به یک گوشه ای از زمین و نه سراسر زمین است، این خورشیدی است که نه تنها بر سراسر زمین بلکه بر سیارات دیگری تابد و هر جا مشرق و مغرب باشد و هر چه خود را در معرض تابش خورشید گرداند و روی بدان آرد، محل و مورد تابش آنست: وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَنُفِثَ وَجْهُهُ



نسبت به ارزشها و برکنار زدن پرده‌های غرور انگیز و کوتاه بینی یاری کند

متن کتاب - صفحه ۱۳۰

تفسیر آیه مبارکه **وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ** فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ .

آیات ۳۶ و ۳۷ سوره بقره .  
آنگاه که گفتیم : ای آدم خود و همسرت در بهشت جای آرام گزین و چنانکه خواهید فراوان و بی رنج از آن بخورید و بهره‌گیرید و با این درخت نزدیک نشوید پس از ستمکاران میشوید پس شیطان آن دو را از آن لغزانید پس از آنچه در آن می زیستند بیرونشان کرد و گفتیم در حالیکه بعضی دشمن بعضی دیگر فرود آئید ، برای شما در زمین قرارگاه و بهره‌ای است تا هنگامی .

.... نزدیکی به شجره منشاء مشاجره ها گردید : **"بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ"** جمله حالیه است برای ضمیر جمع **"اهبطوا"** بدون واسطه فاء و واو ، پس هبوط ، همان محیط دشمنی و خصومت میباشد و دشمنی با یکدیگر لازم ایمن زندگانی و بحسب حکمت ، ازلی میباشد

راه مجاهد : علت دشمنی ای که در هبوط انسان ظهور میکند نزدیک شدن انسان به شجره ممنوعه است شاید بتوان مطلب را باین صورت بیان کرد که وقتی محور زندگی انسان از خدا به چیزی غیر از خدا ( شجره ) تبدیل شد این تبدیل در هدف و محدود شدن و قابل دسترس شدن هدف ، باعث ایجاد منازعه میگردد . هر کس میخواهد خود به آن هدف رسیده و آن را از خود می پندارند . امام خمینی در جمله ای باین مضمون گفته اند که اگر تمامی انبیاء هم جمع شوند با هم اختلاف نخواهند کرد ، بنظر میرسد که علت تفاهم آنها اخلاص در هدف و محور بودن خدا در زندگی شان میباشد .

بهشت اولیه را میتوان به محیط سالم و رشد یابنده دوران انقلاب و بسج مردمی و مبارزه علیه طاغوت تشبیه کرد . در این محیط چون هدف

آیا آنهایی که ارزش را فقط در گروه اندکی از جمعیت مسلمانان جهان می دانند تابش نور خدا را در وجود دیگر مخلوقات و انسانها نفی نکرده اند و با اینکار خود را از درک بخش بزرگی از نعمت های الهی محروم نساخته اند ؟

تاء مین عدالت اجتماعی ( در سایه عدالت بی منتهای الهی ) است و همگی خالصانه برای رسیدن به این هدف در تلاش هستند ، محیط سلم و صفا در میان همه وجود دارد ، لیکن پس از پیروزی انقلاب وقتی عده ای هدف محدودی مانند حاکم شدن جناح خود یا کسب منافع خود را در پیش می گیرند ، بهشت بی تضاد و اختلاف به محیط پر منازعه ای تبدیل میشود که دیگر صفا و خلوص اولیه را ندارد

متن کتاب - صفحه ۱۹۷

در تفسیر آیه شریفه : **وَأَذَقْنَا لِمَنْ يَكْفُرْ نَفْسًا فَأَذَارُ تَمَّ فِيهَا وَاللَّهُ بَخِيرٌ عَلِيمٌ** گفتم **تَكْتُمُونَ** . آیه ۷۳ سوره بقره .  
بیاد آرید آنگاه که نفسی را کشتید پس در باره آن بستیزه برخاستید و بگردن یکدیگر گزاردید ، و خداوند آشکار کننده چیز است که پیوسته کتمان می کردید .

... تجاوز به حقوق و کشتن نفوس و ستم پیشگی از عوارض نفسانی است و علل آنرا مانند بیماریهای جسمی باید از خارج جستجو نمود . مطمح بصیر اجتماعی چون طبیب حاذق باید ریشه ها و موجبات انحرافها را بیابد آنگاه به علاج بپردازد . بهمان اندازه که توجه بحق مطلق ، مبدء خیر و کمال و عدل است ، پرستش غیر خدا منشاء نقص و شر و فساد میباشد ، زیرا حقیقت پرستش تقرب و همانند شدن عابد با معبود است که آنرا کامل مطلق و پرستش آن را کمال خود می پندارند . پرستش جماد جمود می آورد و پرستش حیوان ، حیوانیت را می افزاید ، پرستش هر موجودی پرستش کننده را در آن حد می دارد . پرستش مطلق از هر بندی آزاد میکند و بسوی بحر کمالی پرواز میدهد . پس پرستش بهر صورت منشاء وریشه فکری و نفسانی هر خیر و شریست و همین سر : **"قولوا لا اله الا**

... تفلحوا " است که ایمان و اعلام این حقیقت رستگاری مطلق می بخشند و از هر بند وحدی می رهاند ، پرستش حیوان پرستش شهوات حیوانی است ، خواه در صورت چهار پای بی زبانی باشد یا آدم نمای مستبدی که محکوم شهوات و هواهای خود است . بهر صورت اینگونه پرستش بند وحد و جدانیات و فطریات را درهم می شکند و موجب هرگونه ستمی میگردد . پس قاتل ستمکار رودزد جنایتکار در حقیقت همان معبود ناحق و پرستش آنست ، نه بشری که فطرت خیر خواهی و حق پرستی او اگر منحرف نشود و با نیروی ایمان تقویت شود از هر گناهی و جنایتی باز می دارد .

راه مجاهد : هنگامی که یک جرم و جنایت و فساد اجتماعی شده و همه گیر است می بایست بدنبال علل عمومی ارتکاب جرم بود از آنجا که منشاء هر عمل خیر و شر در نفس و ارزشها و ملاکهای است که نفس برگزیده است ، بنا بر این تصحیح یک جرم و فساد اجتماعی را باید در تصحیح ارزشها و ملاکهای حاکم بر افراد جامعه دنبال کرد . مثلاً اگر در جامعه قتلها بی دلیل وجود منیتها و غرورها گسترش یافته است ، مطمح اجتماعی می بایست بجای پرداختن به علل فردی ارتکاب قتل ریشه را در انگیزه های عمومی قتل دنبال کند . بسیاری از قتلها ریشه در غرور و خود پرستی های افراد دارد که اگر خود پرستی جای خود را بیه خدا پرستی و دنبال کردن آرمانهای عالیه انسانی بدهد ، تصادمها و بدنبال آن جنایتها نیز کم میشود . بنظر میرسد علت اینکه در آیه فوق ضمیر مخاطب جمع برای فاعل قتل بکار برده شده است این باشد که این قتل جمعی بوده و







## سیر مواضع آیت الله کاشانی

## پس از کودتای

## آمریکائی - انگلیسی ۲۸ مرداد



پس از کودتای آمریکا بی - انگلیسی  
۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری دکتر مصدق  
و یارانش، در تاریخ ۹ / مهر / ۱۳۳۲  
مهندس کاظم حبیبی از مخفیگاه خود  
نامهای به مرحوم آیت الله کاشانی  
نوشتند (مکتوبات آیت الله کاشانی  
جلد ۴ صفحه ۲۲۸) و پس از یادآوری -  
سوابق ضد استعماری و ضد ظلمی ایشان  
وزنده کردن خاطرات را ایشان میخواهد که  
تا بید خود را در دولت زاهدی را برداشته و  
سکوت خود را در مورد تجدید رابطه با  
انگلیس و وابسته شدن به آمریکا و همچنین  
روند قرار دادکنش سیوم نفت و خفکان  
و استبداد مطلق رژیم کودتا بشکنند.

متن نامه مهندس حبیبی به آیت -  
الله کاشانی در نشریه راه مجاهد شماره  
۵۳ به چاپ رسید، ناگفته نماند که نشریه  
آژنگ در آبان ۳۲ این نامه را منعکس  
کرده است.

متاسفانه در چاپ نامه بجای قنات  
آبادی، دولت آبادی و بجای خانم  
اعتضادی، خانم اعتقادی آمده است و در  
انتهای نامه بجای خدا، یا رخدمتگزار  
صدیق است. خدا یا رخدمتگزار صدیق  
می باشد آمده است.

بلحاظ مطالب استراتژیک و  
ایدئولوژیک و تطیل شرایط آن موقع،  
خواندن این نامه را به همه مشتاقان حق  
و عدالت توصیه می کنیم.

از آنجا که دستهای مرموزی چون  
بقائی، میراشرافی، شمس قنات آبادی و  
معینیان و طوئی زاده و... در ارتباط  
نزدیکی با آیت الله کاشانی بودند و  
مرحوم آیت الله هم اینها را درست  
نمی شناختند، لذا در مواضع ایشان قبحی  
برای کودتا و زاهدی و... دیده نمیشود  
ولی ملاحظه میشود که پس از وصول نامه  
مهندس حبیبی که از خیرخواهان نهضت  
و ایشان بود تحولی در مواضع مرحوم  
کاشانی بوجود میآید که این سیر تحول در  
مواضع را می توان در جلد ۴ مکتوبات  
آیت الله کاشانی که توسط محدوده نوی  
جمع آوری شده (از انتشارات چاپخش)  
شاهده نمود.

پس از کودتای آمریکا بی - انگلیسی  
۲۸ مرداد .  
۱۲/ آبان / ۱۳۳۲

آیت الله کاشانی در ۱۲ آبان ۳۲ طی  
اطلاعیهای ضمنی بید دولت زاهدی و انتقاد  
از دولت مصدق بدین مضمون گفتند که من  
ما یلم نفت به با زارهای جهانی عرضه  
گشته ولی نه از هر طریق بلکه با یستی  
مخالف قانون ملی شدن نفت و قانون ۹  
ماده ای اجرایی آن نباشد.

۲۸/ آبان / ۱۳۳۲

در تاریخ ۲۸ آبان ۳۲ اعلام میشود  
که آیت الله در ساعت ۴ بعد از ظهر اطلاعیهای  
در مورد نفت و تجدید رابطه با انگلستان  
صادر خواهند نمود که معلوم نیست چه شد.

متن این اطلاعیه توسط آیت الله  
کاشانی تهیه شده بود ولیکن  
هرگز منتشر نشد

۱۴/ آذر / ۱۳۳۲

آیت الله کاشانی در تاریخ ۳۲  
در اطلاعیهای خطاب به ملت روی محورها بی  
چون استقلال، جهاد ملی، قانون ملی  
شدن نفت، عدم تجدید رابطه با انگلیس،  
مقابلیه با پیمانال شدن جهاد ملی در قضیه  
نفت تا کید نموده و تصریح می کنند که  
هرگونه تجدید رابطه با انگلیس یا امضاء  
قرار داد نفت با یستی بتصویب نمایندگان  
مجلس بعدی برسد و نباید در دوران تعطیل  
مجلس دست به اقدامات غیرقانونی زد و  
در خاتمه از زاهدی می خواهند که به عقاید  
سابق خود یعنی کمکهای که به نهضت ملی  
در دوره شان زده اند کرده است وفادار بماند.  
توضیح اینکه دانشجویان دانشگاه  
به ورود نیکسون به تهران اعتراض کرده  
و در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ کماندوهای رژیم کودتا  
پس از شکستن حرم مقدس دانشگاه در سالن  
دانشکده فنی ۳ تن را بنام های قندی،  
بزرگ نیا و شریعت رضوی بقتل میرسانند  
و مقامت با لامیگیرد.

از این به بعد تدریجا "درگیری  
مرحوم کاشانی با رژیم کودتا بشخص خلاصه  
زیر زیا دگشته و در اعلامیه اول شهریور ۳۳  
به اوج خود میرسد. بطوریکه از درج اطلاعیه  
مرحوم کاشانی در روزنامه های کودتا  
جلوگیری میشود و دوستان آقا آنرا بصورت  
اعلامیه در اختیار علاقمندان میگذارند.  
البته در سال ۳۴ بدنبال دستگیری  
رهبران و اعضاء فدائیان اسلام، مرحوم  
کاشانی راهم مدتی بازداشت نموده و در  
مورد قتل رزم آرا و... مورد بازجوئی  
قرار می دهند و مغضوب کودتاچیان  
میگردند.

## ستاره

امشب ستاره‌ای که نهان بود پیش روی در چشم هر که هست فروبرد پای نور اما کسی ندید که چندین هزار سال آن نور رانده است سوی ما ز راه دور

شاید در آن کیبودی بی انتهای شبی توفان مرگ‌کننده زجا آن ستاره را اورفته است ، لیک به سوسوی خودکنون آباد کرده است دل هر کناره را اومدتی است مرده و بنهاده بی دریغ تابوت خود بدوش فضا های بیگران افسوس ، آن زمان که دلش تابناک بود هرگز نجست کس به نگاهی از او نشان اینک ولی بکاسه هردیده روشن است آن نورکز ستاره تراوید برزمین او نیست لیک پرتو اوسالهای سال فانوس می کشد بسر راه هم چنین یکشب اگر که پیکر ما در دیار غم خود را به دار مرگ بیاویزد آشکار ما همچو آن ستاره بتابیم بی وجود در نور عشق خویش بمانیم پایدار

اسماعیل شاهرودی



آیت الله طالقانی هنگام تبعید در بابت کرمان

بقیه از صفحه ۶۳

همگی در آن شریک بوده ، از انحراف عمومی سرچشمه گرفته است . در آیه قبل که دستور کشتن گاو برای قسوم موسی (ع) آمد ، گاو که بصورت خدای آنها در آمده بود ، در حقیقت کشتن و از بین بردن و محو کردن ارزشهای غلط و معبودهای ناحقی است که نتیجه اجتماعی آن ارتکاب چنین قتل و فساد شده است .

این روزها که مسئولین بدنبال کشف باندهای قاچاق و دستگیری معتادین هستند ، کمتر علت العلل گرایش جوانان به مواد مخدر مطرح میشود .

## سیر مواضع آیت الله کاشانی

۱۳۳۲/ذر/۲۵

آیت الله کاشانی در بیست و نهمین مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی بعمل می‌آورد که از درج آن در جراید جلوگیری میشود ولی متن آن مستقلاً چاپ میشود . در این مصاحبه آیت الله تصریح کرده اند که هنوز علل و موجبات قطع رابطه با انگلیس بر طرف نشده و تجدید رابطه با انگلیس را غلط می‌دانند و می‌گویند : " ... آنچه را که دولت (زاهدی) فعلاً موجب تجدید رابطه میدانده نظر من ارزش ندارد .

..... روزی که دولت اعلام تجدید رابطه بدهد روز عزای ملی است و باید مردم نوار سیاه بسینه خود نصب کنند ... جف که را دیو در اختیار من نیست که از افکار عموم و احساسات پاک این ملت نجیب استفاده کنم و علی‌الطال ما تا آخرین قطره خون خود در مقابل انگلیسها و عمال آنها ایستادگی خواهیم کرد ....

مطلب مهمی که لازم به ذکر است این است که فرمول فوق در رابطه با فسادهای اجتماعی صادق است یعنی بدلیل اجتماعی بودن انحراف نقش درونی افراد کمتر بنظر می‌آید و گرنه نمیتوان خطاهای یک فرد خاطی را در علل خارجی جستجو کرد ، گرچه فطرت پاک است و ضعفها و انحرافها عارض بر فطرت میباشد ، لیکن این نفس انسانی است که انحراف را می‌پذیرد و به آن عمل میکند ، لذا عامل و علت انجام عمل غلط ، درونی بوده و عامل خارجی بحساب نمی‌آید . ● ●

در این اطلاعیه برخلاف اطلاعیه‌ها و مواضع‌های قبلی انتقادی به دولت مصدق نمی‌شود .

۱۳۳۲/ذر/۲۵

آیت الله کاشانی در ۲۵ آذر در ملاقات با زاهدی ( رئیس دولت ) : " ... از ایشان میخواهم که از قهر و شدت کاهیده و بمهرورافت بیفزایند و در امورات مملکتی رویه‌ای اتخاذ کنند که مصالح مملکت بیشتر مورد مراعات قرار گیرد که اجانب استفاده نکنند .

۱۳۳۲/دی/۱۵

آیت الله کاشانی در ۱۵ دی ۱۳۳۲ طی نامه‌ای به سید زاهدی اشاره میکند که از قرائن معلوم است که انتخابات دوره بیستم فرمایشی ولیستی خواهد بود . انجام این امر در تهران مقاومت شدید مردم را بدنبال خواهد داشت و تصمیمات چنین مجلسی اعتبار قانونی ندارد .

بدنبال نامه اعتراضی آیت الله کاشانی به شاه در مورد نفست و انتخابات و دخالت خارجیها ، تیمسار

فرزنان و وزیر پست و تلگراف رژیم زاهدی کودتای طی یک مواجبه مطبوعاتی با لحنی توهین آمیز آیت الله کاشانی را سید کاشی خطاب کرد و گفت : اخیراً " شخصی بنام سید ابوالقاسم کاشی برای خود نمائی و کسب شهرت مطالبی دور از حقیقت در باب ...

بدین سان آیت الله کاشانی هم میغوض رژیم کودتا گشت و پس از چندی نواب و یاراناش به شهادت رسیدند .

..... فاطمی اعدام ... نواب صفوی و یاراناش اعدام ... مصدق در گوشه زندان .... کاشانی میغوض و منزوی ... انتخابات قلابی ... قرارداد دکنر سیوم امضاء .... اعدام و خشونت فزاینده ... پیمان بغداد امضاء .... سازمان امنیت شکنجه و سرکوب برپا ... دستهای مرموز فراموش ... دربار حاکم ... نیکسون وارد ... سفارت انگلیس باز ... انگشت مبارزین و مجاهدین بر نهان ....

فاعتبروا یا اولی الابصار



## ملاک مرجعیت

ملاک مرجعیت

## از دیدگاه

از دیدگاه

## مرحوم آیت الله کاشانی

مرحوم آیت الله کاشانی

### مقدمه

پس از فوت آیت الله العظمی بروجردی، بحث مرجعیت و روحانیت با لا گرفت و سخنرانها شد و کتابها چاپ گردید. بعنوان مثال کتاب مرجعیت و روحانیت "چاپ شرکت انتشار" بحثهای بسیار مفیدی داشت.

پس از رحلت امام خمینی بار دیگر این بحثها شدت گرفت و همه بدنبال ملاک و معیار صحیحی برای مرجعیت و رهبری می گردند.

در این رابطه مناسبت دیدیم گزیده هایی از نامه های مرحوم آیت الله کاشانی که پیرامون مرجعیت و روحانیت است را بیاوریم.

ایشان در تاریخ ۱۱ رجب ۱۳۶۹ (۱۳۲۸ هجری شمسی) از لبنان در جواب حاج آقا توتونچی نامه ای به ایشان نوشتند که ما سعی داریم قسمتهای مربوط به مرجعیت و روحانیت آنرا در اینجا نقل کنیم. به برادران و خواهران توصیه می شود که کامل این نامه را در جلید پنجم "مکتوبات آیت الله کاشانی" از انتشارات چاپخش (جمع آوری توسط محمد دهنوی) صفحه ۹۱ تا ۱۰۵ مطالعه نمایند تا متوجه تحلیل شرایط از دیدگاه آن مرحوم بشوند.



مصاحبه مطبوعاتی آیت الله کاشانی در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۳۱

آیا ملاک مرجعیت "دفاع از ضروریات دین" است یا "زهد بمعنی سکوت و بی حرکتی"؟

..... طفیان ظلم و بیدادگری در غارت بیت المال و صرف عیاشی و شهوت رانی در ایران و خارجه و مداخلات اجنبی در امور این ملت و مملکت و فقر و فلاکت عمومی که مایه فساد اخلاق، تشکیل شهر نو و اتلاف نفوس و مهاجرت فوج فوج بخارج از مملکت، منحلله یک قلم پنجاه هزار نفر از آذربایجان از سر سرما و گرسنگی تلف میشوند و در سایر بلاد هم البته خیلی تلف شده در بحر حیرت فرو میروم چگونه زعماء قوم چشم پوشی مینمایند و باین همه فجایع و مصائب تن در میدهند آیا حکما سلام همین است؟ آیا میدانید چرا ساکت هستند و امر بمعروف و نهی از منکر و دفاع از حوزه دیانت که از ضروریات اسلام است نسیانمسیا شده و عدم اعتناء باین ضروریات اسلام علامت زهد و تقوی گردیده برای اینست که متدینین عقیده دارند پیشوای متقی زاهد کسی است که کار بهیچ کار نداشته باشد هر چه بسردین و دنیای این ملت میاید نفس نکشد و مردم برای تقلید و نماز و سایر امور شرعی، از حقوق مثل سهم امام علیه السلام با و مراجعه مینمایند. من از بی دینها شکایتی ندارم. بیدینی آنها مستعد بهمین سکوتها و کناره گیری ها و دسا شایع است که وسایل بیدینی را فراهم نموده اند، از متدینین احق که محرمات ضروریه اسلام را علامت زهد

و تقوی می شمارند تعجب دارم و باین انتخابات که همه چیزش گروگان آنست مخالفت میکند و حرام میدانند یا مسامحه میکند. در این جمعیت طهران فی الحقیقه سی هزار رای داده اند و ای بزرگان احمقها بی که آزادی را نمی خواهند و تن بتوسری و ظلم میدهند.

آیا دخالت مجتهد و مرجع در سیاست حرام است

علة العلل عدم مداخله روحانیین در امور اجتماعی، انگلیسها و دربار های فاسد هستند، چون دیدند قوه روحانیت قوه بزرگی است و امتیاز دانیات را بهم زد. بوسا ئلی که در دست دارند در ذهن مردم کردند مجتهد، مرجع تقلید و امام جماعت نبایند مداخله در سیاست بکنند و حرام است.

تقلید مراجع از عوام بابا بالعکس

آنها هم چون امور معاششان مربوط بمردم است بر طبق مذاق و عقیده مردم عمل کردند، فی الحقیقه در ظاهر مردم مقلد آنها بودند و در باطن آنها مقلد مردم در حالی که دین اسلام دین سیاسی است، فقط دین نماز و روزه نیست. چون از اجتماعات کناره گیری کرده اند مردم بزدل و جیون بار آمده اگر حسین بن علی علیهما السلام را در میدان سیه تیر باران کنند مردم قیام نمیکنند. این خادم اسلام را که صح

بشوند والا سهم امام ع کسی به آنها نمیدهد. من دودفعه تظاهر برضدیهو د ( صیونیزم ) کردم یکنفر از آقایان با من همراهی ننمود و خیال می کنید آن کاربادهائی که از روسها و انگلیسها و آمریکا ئی هادرکار بود کار آنسانی وبدون وحشت بود؟.....

سهم امام باید به کسی داده شود که مجتهد عادل باشد ، چه مقلدش باشیم یا نباشیم، این سهم باید صرف مصالح مسلمین شود .

### آیت الله کاشانی

این ملت شریف و طبقه است ، شق سیم خیلی کم است . یک طبقه بیدین که از آنها توقعی نداریم . طبقه دیگر متدین ترسوی بی فهم بی غیرت که بجهت تبعیت از مرجع تقلیدش هر حقیقتی را اسمش را سیاست میگذارد و کناره گیری می نماید . با آنکه دخول در سیاست معلوم نیست به کدام آیه یا روایت حرام شده ؟ یا پیغمبر اسلام و حضرت امیر مملکت اسلام راه نماز و روزه اداره می فرمودند؟ هر چه بگوئی تسلط ظالم بر عرض و ناموس و جان و مال مخالف دین و عقل است و هر مسلمانی مکلف است در جلوگیری مجاهده نماید ، میگوید: " آقا فرموده مداخله در سیاست حرام است " ....

مسلمین بخورند مع الاسف کسیکه فقط در مقام حفظ اسلام و جلوگیری از خائنین و ظلم است مثل مخلص ، از غیرت مردم باید تهی دست باشد ، اگر یک اعلامیه بخواهد بدهد باید پول چاپش را قرض کند ، در حالیکه در این مبارزه بزرگ باید پول زیاد در اختیار من باشد ، اشخاصی که در اطراف من فسادکاری مینمایند و فقیر هستند نگاهداری کنم ، مبلغ بولایات بفرستم ، تلگرافات بخارج بکنم ، اشخاص با آنجا بفرستم طلاب مجاهد تربیت کنم . پیغمبر اسلام بدون مال خدیجه نمیتوانست کاری بکند در تبعید من باید زن و بچه من بیچاره باشند ، خودم در اینجا مقروض باشم با این وضعیات هر کس جای من بود قدمی برنمیداشت ، ولی چکنم عشق بحفظ دین خدا و آسایش این مسلمانان نالایق دارم واللہ العظیم از این وضعیات رقت بار ایران ، درهم و غم هستم . این که مرقوم داشته اید: آیا مسئول این وقایع کیست؟ یکعده دزد شیاد و بیشرف و قطاع الطريق که خود را بنام هیئت طکمه معرفی مینمایند، برادر من هر چند آنها البته آنها مقصر هستند ولی اساس تقصیر از زعمای قوم است . گوشت را بگذارید گربه ببرد، در خانه را باز بگذارید، شب مالتان را سرقت کنند ، مقصر شما هستید، حال زعمای ملت و ملت و هیئت حاکمه همین است تقصیر متوجه ما است . نوشته اید دولت حکومت پوشالی بود را شناختا حدی از علمای قم و غیرهم اعتراض نمودند، برادر من حق با آنها است ، جور نباید داخل سیاست

تا شام وقف مردم بودم بردند ، یک ساعت تعطیل نکردند ، برای خودتکداری ندارم البته چنین ملت بیحسی را با کمال آسانی هر بلائی بخواهند بسرش میاورند چون میدانند با کمال بی غیرتیی تحمل مینماید . با هر کدام از پیشوایان مذاکره میشود میگویند از من چه کاری پیش میرود ، اگر همه دست بدست هم بدهند همان قسم که این ضعیف در بیدار کردن مردم و تشجیع آنها جدیت داشتم و تا اندازه ای هم الحمد لله نتیجه گرفتم ، همه ناهمواریها صاف میشد ، اینکار را نمیکنند هیچ ، اغلب مردم را از امور اجتماعی منحرف مینمایند . اگر احمق از آنها بپرسد " شرکت در انتخابات چگونه است؟ میگویند: برو عقب کارت تو را باینکارها چه راه را برای دزنها، خائنها، اجنبی پرستها باز میکنند.

پرداخت سهم امام بنه مجتهد عادل یا مرجع کناره گیر ؟

مردم احمق حتما " باید سهم امام علیه السلام را بدهد به کسی که تقلیدش را مینمایند و مخصوصا " خیلی کناره گیر باشد . در حالیکه باید کسی داده شود که مجتهد عادل باشد چه مقلدش باشد یا نه . این سهم باید صرف مصالح مسلمین شود از قبیل: حفظ حدود اسلام و جلوگیری از خائنین و تربیت طلاب بوجه صحیح که بدرد اسلام و

### پاسخ به خوانندگان

معتقدند بایستی آزادی قدس را بصورت خط مشی فرهنگی مطرح نمود . بایستی مواظب این تفکیکها باشیم . قدس آرمان مستضعفین جهان است و همه ملل بایستی خط مشی خود را بطوری تنظیم کنند که به این آرمان برسند هر کس در فازی و مرتبه ای . آزادی قدس وحدت کلمه تعالی بخش است برای همه ملتها و نژادها و ایدئولوژی ها . (رجوع کنید به راه مجاهد شماره ۸)





## تصحیح مطلب

در شماره ۵۲ نشریه راه مجاهد مقاله "پیرامون آزادی احزاب" تحت عنوان "غلاً ایدئولوژیک" گفته شده بود که "در یکی از شاخه های سمینار تحکیم وحدت اعلام شده بود که مارکسیسم لنینیسم منسجم ترین تئوری ضد امپریالیستی است."

لازم بذکر است که مطلب فوق بدین صورت نبوده است و نویسنده میخواست که چکیده مطلب بصورت مضمون آورده شود که اشتباه شده است.

چنانچه در نشریه راه مجاهد شماره ۴۵ دیماه سال ۱۳۶۶ خلاصه ای از آن آمده است در این سمینار بحثی در مورد شناخت نسبت به امپریالیسم و تعریف آن میشود و تفکرات مختلف مورد بررسی قرار میگردد. در آنجا گفته شده که آنقدر حرفهای مختلف درباره امپریالیسم گفته شده که دیدگاه اسلامی راجع به تبیین امپریالیسم مشخص نیست در مقابل دیدگاه مارکسیستی تعریف مشخص و مدون وجود دارد.

\*\*\*\*\*

س- آقایان محترم چرا سعی میکنید مردم را فریب دهید و با اصطلاح رهبران را میز جلوه دهید. مگر به چه ده ساله نصیحت میکنید؟ نظامی ضد مردمی و ضد آزادی را مترقی و مردمی بدانید و باز صحبت از نفوذیهای هم چون بریا در زمان استالین بگوئید. کدام نفوذی؟ دستگاهی که دیوانه وار و آگاهانه می کشد و قراردادهای ننگین می بندد دیگر چه احتیاجی به نفوذی دارد؟ واقعاً "برای چه قلم بدست گرفته اید

برای پوشاندن حقایق فکر نمیکنم چون خیلی زمسائل را می گوئید. شاید با گفتن مسائل می خواهید مشروعیت برای این نظام کسب نمائید.

البته زحمات شما و امثال شما فراموش شدنی نیست ترا بخدا از این گرداب بیرون بیائید و عامل بدبختی این مردم را به مردم معرفی کنید و راه حذف آن را نیز.

ج- برادریا خواهر محترم

از قرائن مطلب شما برمی آید که از هواداران ساده اندیش رجوی باشید.

خط مشی ما راجع به معرفی کرده اید که گویا وظیفه تبرئه رهبران نظام و مشروعیت دادن نظام را بر عهده داریم. اینگونه قضاوت راه استدلالات و روشن بینی را سبک میکند. آیا ما هم بجای استدلال بگوئیم چرا شما می خواهید دستهای مرموز و ساواکیها و سیاهی های نفوذی در نظام را تبرئه کنید یا چرا میخواهید به رژیم عراق مشروعیت بدهید... آیا برای شما قانع کننده است؟ مسلماً "خیر".

شما که عامل بدبختی ها و نارسا ئیها را در مسئولین شناخته شده نظام خلاصه می کنید آن نقش عناصر نفوذی جوسازیهای آنها تفکرات انحرافی موجود، فشارهای خارجی و جنگ با عراق را نادیده نمی گیرید؟

بایک مقایسه ظاهری کاری به محتوای دوجریان نداشته باشیم.

ملاحظه می کنیم در همین جنگ تحمیلی نیمی از ارتشهای مستکبر دنیا علیه انقلاب برهبری امام خمینی صف آرائی کردند و همه گونه کمکی به صدام نمودند. از لطفی رجوی در کنار آمریکا، عربستان صدام، ملک حسین و شیوخ مرتجع خلیج فارس قرار گرفته و از چنین موضعی اعلام و اعتراف

می کند که ما حزب را بدین دلیل منفجر کردیم و رنجایی و باهتر و شهدای محراب را بدین دلیل نابود کردیم که انقلاب را دچار کم کیفیتی نموده و با از بین بردن برنامه ریزه نظام را دچار روزمره گی نمائیم، بعد نارضایتیها زیاد شده و مردم با باقی مانده نظام درگیر خواهند شد. با کمی دقت می بینیم اولاف پالعه هم همین خطرا داد که باید رژیم ایران تعدیل شود و بعد انفعال حزب پیش آمد. حال کدام یک در خط امپریالیسم است. و آیا خود شما که از اوضاع ناراضی هستید این نارضایتی توسط ایادی امپریالیسم بوجود نیامده این جنگ تحمیلی با حمایت امریکا و اسرائیل و ارتجاع چه دلیلی پشت سر آن بود؟ جز اینکه آشکارا سران بعث اعتراف کردند آنقدر جنگ را ادامه میدهند تا در اصول تعدیلی بوجود آید. اینها اعترافات آشکار خودشان است.

از آنجا که در روش شناختن از ظاهر به باطن پی می برید خوبست در این مورد تعمق کنید که چرا رجوی با دشمنان قسم خورده انقلاب و مجاهدین پیوند خورده و آنها را در آغوش می گیرد.

ما ماهیت او را در زندان و بعد از انقلاب شناختیم. در زندان که بودیم از آنجا که ما را دشمن اصلی خود دانست با ساواک و پلیس همکاری میکرد و تمام ارزشهای رزیز را گذاشت حتی انسانیت را.

پس از انقلاب در مورد مرحوم طالقانی که وی را پدر و فرمانده کل قوایشان خطاب می کردند در محلی گفته بود طالقانی به سه دلیل برای ما موی دماغ شده چرا که اولاً "در مسئله کردستان که برای ما جنبه استراتژیک دارد نظرش مغایر ماست.

ثانیاً "در مورد رهبری امام وثالثاً "در مورد اتحاد با کمونیستها. امیدواریم راهنمایی پیدا نمائید که عمق قضایا را متوجه شوید.

البته این بدین معنی نیست که شیوه های غلط در انقلاب نبوده و انحرافات ایدئولوژیک وجود ندارد. ولی فاز برخورد با اینها درونی است و غیر سر ملحانه و مبارزه مسلطانه خیانت آشکار به انقلاب و خواست طبیعی امپریالیسم است.

\*\*\*\*\*

میشود؟

ج - پیرامون مطالب فوق چند نکته بعرض میرسانم :

۱ - بنظر میرسد تعاریفی که از "آرمان" ، "استراتژی" و "تاکتیک" و... شده است ، بیشتر در چهارچوب "استراتژی ملی" می گنجد تا یک استراتژی جهانی و مستقل از ذهن .

۲ - تا سال ۱۳۴۲ نیروهای ملی - مذهبی ایران هم همینطور فکر میکردند استراتژی همان عمده حول منافع ملت ایران دور می زد . قیام ملی ۱۵ خرداد نقطه عطفی بود و پس از آن هم خود امام خمینی و هم گروههایی که بوجود آمدند فقط در کا درمنافع ملی فکرنمی کردند . مثلاً " حزب اسلامی ملل که از اسمش پیدا بود ، میخواست با یک روش اسلامی همه ملت های مسلمان را در یک خط مشی جهانی گرد آورد ، استراتژی مجاهدین هم این بود که پیشتر از منطقه را فلسطینها می دانستند و می گفتند هماهنگ با آنها باید عمل کرد ولی به ویژگی ایران هم توجه می کردند - امام خمینی از سال ۴۲ مسئله صهیونیسم و آمریکا را بعنوان دشمن مسلمانان جهان مطرح کرد .

۳ - بنظر میرسد سه نوع استراتژی داریم :

الف : استراتژی ملی که در کا در یک ملت برنامه ریزی می کند .

ب : استراتژی جهانی در کا در تضاد کاپیتالیسم و سرمایه که اصطلاحاً "نرا استراتژی پرولتری" می گوئیم .

ج : استراتژی جهانی در کا در تضاد مستضعفین ( حق ) و مستکبرین ( باطل ) که منظور از مستضعفین با تعریف اسلامی است نه ابزاری یا ملی .

استراتژی الف کاری به سایر ملتها ندارد و عمده منافع یک ملت مطرح است . مسئله فلسطینی ها مربوط به فلسطینی هاست و مسئله آفریقا مربوط به آفریقا ئیان و مسئله ایران مربوط به ایرانها .

استراتژی ب خود را در چهارچوب یک ملت محدود نکرده ولی با معیار ابزاری و طبقاتی نگاه می کند ، طبقه کارگر در هر نقطه جهان را تکیه گاه خود می داند و بر علیه منافع سرمایه داری جهانی طراحی میکند شعار پرولتاریای جهان متحد شوید را یی استراتژی می گنجد .

با روحانیت گفته اند منظور این نیست که همه روحانیت را قبول کنید بلکه تلاش من این است که همه آنها را رد نکنید و منیز این تقسیم بندی را در کتاب " از عوام زدگی تا بسیج مستضعفین " مرز بین روحانیت مکتبی و غیر مکتبی آورده ایم .

\*\*\*\*\*

س - برادری واقعاً " زحمت کشیده و مطلبی در رابطه با " استراتژی انقلاب " فرستاده اند که نشان دهنده برخورد مسئولانه و دلسوزانه ایشان است . ضمن تشکر از ایشان و استفاده از مطالبشان خلاصه ای از نظرات ایشان و توضیحی پیرامون آن را می آوریم :

ابتدا اصطلاحات " استراتژی " " مشی و خط مشی " و " تاکتیک " را چنین تعریف کرده اند  
۱ - استراتژی : مجموعه نسبتاً منجمد چند مشی و تاکتیک های مناسب که در چهارچوب مبانی عقیدتی باشد .

۲ - مشی و خط مشی : شیوه ها و برنامه ها - یی که در یک مرحله از استراتژی اتخاذ میشود .

۳ - تاکتیک : اتخاذ شیوه های مشخص موضعی و مقطعی و موقت برای اجرای مشی در قالب زمان و مکان که بایستی از نظر اصول عقیدتی و سیاسی مجاز یا مباح باشد . سپس در رابطه با وضع موجود می گویند ( بطور خلاصه )

۱ - برای انقلاب ما با توجه به اصلی شدن خود جنگ عملاً آزادی قدس و فلسطین یک آرمان است نه " استراتژی " و " خط مشی ملموس " ، ولی برای فلسطینی ها آزادی قدس را میتوان بعنوان " استراتژی مل" مطرح کرد .

۲ - شما " آزادی قدس " را با واژه های مختلف " استراتژی " " خط مشی " و یا " شعار و هدف " می آورید که بنظر میرسد تبیین واحدی از آن ندارید .

۳ - شعار " پیوند با مردم عراق " که مطرح میکنید درجه سلزماندهی میباشد ؟ با دولت عراق ، مجلس اعلا یا بقیه مردم یا هر سه

۴ - استراتژی " بازسازی " چه رابطه ای با آزادی قدس " و " آزادی کربلا " دارد ؟

۵ - با توجه به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تکلیف استراتژی آزادی قدس و کربلا چه

س - سئوالی در مورد نظریات متضاد دکتر شریعتی داشتم . ایشان در کتاب پاسخ به سئوالات به شدت از روحانیت طرفداری نمود است و از آنها بعنوان مجاهدان پاکباز راه علم و ایمان نام برده است . البته در این کتاب روحانیت و علمای مذهبی را از هم جدا دانسته و ادعا کرده است که وی به روحانیت متحجر تاخته است نه علمای مذهبی . در حالیکه در کتاب اسلام شناسی مشهد علاوه بر رد کردن واسطه بین انسان و خدا و مخالفت با رسمیت روحانیت به مسئله فتوی دادن علمای مذهبی بدون دلیل قانع کننده و همچنین اطاعت کورکورانه مردم از فتوی به شدت انتقاد کرده است . علت این تناقض چیست ؟

ج - رد کردن واسطه بین انسان و خدا بمعنی رد کردن روحانیت نیست . از مبانی توحید است که رابطه انسان و خدا مستقیم و بلا واسطه است و قرآن هم برای این امر صراحت دارد . حال اگر فرد روحانی و یا هر چیز دیگری را واسطه بین انسان و خدا قرار دهیم نوعی شرک محسوب می شود . مسئله شفاعت و توسل هم بمعنی واسطه و دلال نیست . کما اینکه از خود خدا می خواهیم در شفاعت و توسل ما را یاری دهد فتوی بدون دلیل و اطاعت کورکورانه هم با اعتقادات شیعه واقعاً جور در نمی آید .

شهید مطهری این مسئله را بطور مستدل و بابتکیه به آیات قرآن در مقاله " اجتهاد و تقلید " خود مشروح بیان می کنند و صراحتاً می گویند در اسلام سرسپردگی و تقلید کورکورانه نداریم . امام خمینی نیز در تحریر الوسیله دارند که وظیفه عالم مذهبی مبارزه با تقلید کورکورانه است . رابطه عالم و مردم رابطه آموزشی و تعلیم و تعلم است نه تقلید و بدون عقل تاکید دکتر شریعتی بر این مسئله بسیار

بمعنی نفی کل روحانیت نیست بلکه مبارزه با این روش در میان روحانیون و مردم است . ضمن اینکه برخی روحانیون خود این افکار را در کتاب قبول دارند در عین حال وجود چنین رویه هایی در بین روحانیت نفی آن ارزشهایی را هم که دکتر در پاسخ به سئوالات یا جاهای دیگر آورده است نمیکند . لذا ما تناقضی ندیدیم . مگر مشخص تر بیان فرمائید . توجه فرمائید که امام خمینی در تفسیر الحمد در رابطه



## بقیه مصاحبه .....

احزاب کمک می کنند این است که وزیر کشور باید توجه کند که ۸ سال مقاومت و خون و شهادت در برابر کمپ دیوید مقاومت بیست و عظیمی بوده و رزمندگان و شهدای زنده این جنگ پیاپی داری دارند که پیام خون است و بایستی آنها را تشویق و ترغیب به تشکیل و شرکت در قانن احزاب نمایند. مسلم است اگر گروهها و احزاب از یک بخش جامعه باشند و حرکت عاشقانه و جان برکف بخش عظیمی از جامعه در این ۸ سال مقاومت و دفاع فراموش گردد هیچگونه کمکی به تعادل جامعه نمی کند. از طرف دیگر در این ده سال پس از انقلاب نهادها یا تشکلهایی بوده اند که در همه جریانهای سیاسی مملکت نقش داشته اند نظیر جامعه مدرسین و روحانیون و رهبران و اگر این تشکلهای در قانن احزاب شرکت بجویند، باز هم قانن احزاب اجرا نگشته و کمکی به تعادل جامعه نمی کند و اینطور تلقی میشود که تبعیض وجود دارد و برخی تشکلهای روحانیت فوق قانن عمل می نمایند و همه کاره غیر مسئولند و هیچ حسابرسی از آنها نمی شود. مسئولین وزارت کشور در اجرای قانن احزاب باید این را بیاد داشته باشند که تشکلهای پس از قیام ۱۵ خرداد عموماً بدون ضوابط شکلی نظیر اساسنامه و مرامنامه و پرکردن آنکت عضویت و ..... بوده است و نداشتن اساسنامه و مرامنامه در مدتی کوتاه کاری است عجولانه و لذا باید در ضوابط شکلی سخت گیری نشده و به محتوی و عملکرد گروهها و احزاب توجه شود.

در اجرای قانن احزاب باید از جنجال و هیاهو پرهیز نمود و گامهای اساسی در جهت ایجاد اعتماد برداشته شود.

در رابطه با قسمت دوم سؤال اول تاثیر احزاب و گروهها در قانن گذاری: آنچه مسلم است قانن اساسی انقلاب اسلامی ملاک خوب و میثاقی است برای وحدت نیروها البته متمم هم از اول لازم داشت و دارد. منتهاً برای هر تغییری در قانن بایستی نمایندگان ملت و ملت را در جریان گذاشت که طبقاً احزاب و گروهها هم نسبت به آن نظر خواهند داد و بدین ترتیب بخش عظیمتری از مردم در سیر قانن گذاری قرار می گیرند. همطور است در مورد قوانین دیگر. من مخالف تغییر قانن اساسی از موضع انقلابی اسلامی نبوده بلکه سیر قاننونی آن بایستی طی گردد.

## بقیه اجتهاد مصطلح ....

حذف شود. با تحکیم و تقویت مبانی فقه حکومتی و جوهریت پیدا کردن آن بطور طبیعی فقه حکومتی اهلیت پیدا کرده و حاکم میشود.

با نفی و طرد و حذف نمیشود تحول ایدئولوژیک بوجود آورد. این شیوهها اولاً باعث برهم زدن ثبات جامعه شده و خطر تشنج و تجزیه را به همراه دارند. ثانیاً از آنجا که مسئله فقه رایج، یک مسئله بینشی و فرهنگی است و عده ای صادقانه بآن معتقدند یا آموزشهای ایدئولوژیک خود خو گرفته اند، بایستی با آنها برخوردی ارشادی و استدلالی کرد. - همانقدر که حاکم شدن این طرز تفکر در کل جامعه باعث رکورد شده و بقول امام نظام جمهوری اسلامی را به بن بست میکشاند نفی و حذف مکانیکی آن نیز برای جامعه خطرناک است.

اگر نتوانیم با فقه فردی عبادی برخورد ارشادی کرده و بطور جوهری و بنیادی در آن تحول ایجاد کرده و فقه حکومتی را حاکم کنیم، طبیعی است که با حذف احکام رایج بسمت نظرات کارشناسی و علم روز خواهیم رفت ولی با معیارهای مکتبی تدریجاً "بیگانه" خواهیم شد. در خط کارشناسی و علم روز نیز بطور طبیعی غرب و تمدن غربی پیشتر خواهد بود و ما دنباله رو. لذا شخصیتی میتوان بدین بست فعلی جامعه را حل کند که روی فقه فردی کار کرده و به تحول آنهم معتقد باشد و در فقه حکومتی هم ما بنظر رجوع افتاده باشد تا بطور جوهری این انتقال و تبدل را انجام دهد بدون اینکه به ثبات و دوام انقلاب و نظام خدشهای وارد شود.

با توجه به روند جاری و اینک مسؤلیتی که به ضرورت کار روی فقه فقهی و بینشی موجود در جامعه رسیده اند، نیروی جدی برای این مهم نمی گذارند. بیم آن میرود که پیش بینی برخی تحقق یابد که معتقدند روند جاری نه بسمت فقه فردی عبادی است و نه بسمت فقه سیاسی اجتماعی و نه بسمت اولویت دادن فقه سیاسی برفقه فردی عبادی بلکه یک روند دیپلوماسی خواهد بود تا در دنیا پر مکر و حیل صرفاً از حیثیت جمهوری اسلامی دفاع نماید. در این راستا است که این هدف برای کارشناسان و متخصصین داخلی و خارجی و در صحنه سیاست دیپلماتها سهل الوصول تر است.

## بقیه پاسخ به خوانندگان

استراتژی ج - اگر عمل صالح زمان را با استراتژی مرحله ای مترادف بگیریم، باید در گام در منافع مستضعفین جهان باشد. در این استراتژی باید دید عمل صالح مستقل از ذهن ملت و افراد چه است و اصلی ترین جنبه مستضعفین و اصلی ترین دشمن کدام است. بعد هر ملتی موضع خود را در برابر عمل صالح مذکور تبیین نماید. یک جنبه واقعی و اصل وجود دارد که با آن در یک مقطع بدوش یک ملت حاضر است و ملتهای دیگر یا پشت جنبه نظامی اند یا پشت جنبه اقتصادی و سیاسی و مکتبی یا فرهنگی اند.

بعنوان مثال در حله اسرائیل - انگلیس و فرانسه به کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ فرانسه و انگلیس زدا شدند مصالحهای با انقلابیون الجزایر نمایند. ولی الجزایریها از آنجا که متوجه شدند اینکار فرانسه توطئه ای است که دشمن نیروهای خود را بطرف کانال سوئز ببرد، زیر بار آن نرفتند چرا که منطقه ای فکری کردند و صرفاً منافع ملت خودشان را جدا از فلسطینی ها و مصریها نمی دیدند و از یک اشتباه تاریخی مصون ماندند.

ریشه یابی که از اشتباه ما فوتسه دوین رهبران انقلاب چین داریم در شرح مکتب راهنمای عمل ماده ۶ بطور مبسوط آمده است اینست که ما ثوبه دام "استراتژی ملی" افتاد و از همین جا به آمریکا نزدیک شد. ما ثور این راستا به نظریه سه جهان رسید و شوروی را اصلی ترین دشمن چین و سوسیال امپریالیزم خواند و علیه رگم جنایات آمریکا در رابطه با سلیم و نهضت های انقلابی با آن رژیمهای مرتجع منطقه از در دوستی درآمد و نهضت مردمی را قربانی این خط مشی کرد. ریشه یابی ایدئولوژیک این اشتباه ما ثور تئوری تضاد و در کتاب مکتب راهنمای عمل و شرح آن مطرح شده است.

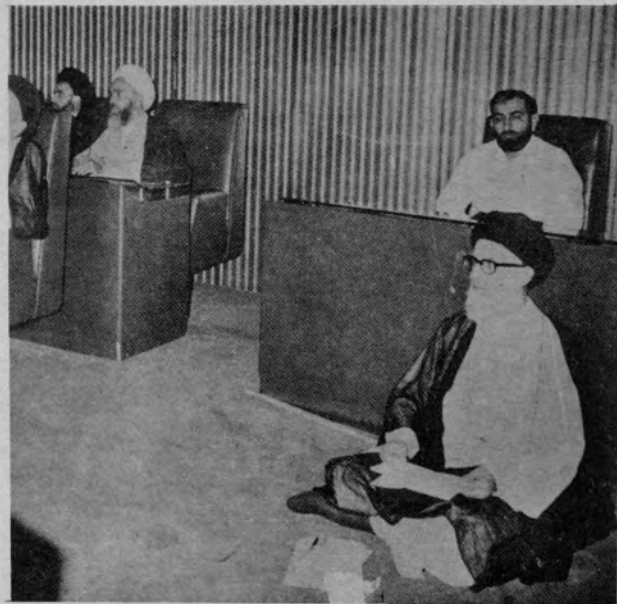
ضمناً "کتاب" سه تکبیر تا قدس "در رابطه با سؤالات شما مطالبی مفید دارد که خوبست مراجعه فرمائید. توضیح بیشتر اینکه در داخل جناحی هستند ضد انقلاب اما نا آشکار که آزادی قدس را یک آرمان دانسته و معتقدند ما بایستی خط مشی سیاسی نظامی برای وصول باین آرمان داشته باشیم چرا که امپریالیسم حساسیت نشان میدهد و اینها

## یادی از



۸ شهریور ۱۳۶۰

شهید رحائی و شهید باهنر در انفجار دفتر  
نخست وزیر به شهادت رسیدند



۱۹ شهریور ۱۳۵۹ آیت الله العظمی

مجلس خبرگان

به رحمت ایزدی پیوستند.



۱۵ شهریور ۱۳۵۱ شهید مهدی رضایی در زیر شکنجه  
در ساواک شاه به شهادت رسید



۱۷ شهریور ۱۳۵۷ مزدوران شاه مردم بی دفاع را در میدان شهدا (زاله)

به گلوله رستند.



نوساده تراز سلام بودی ای مرد  
افتادگی تمام بودی ای مرد  
وقتی که شکوفه از لبست می بارید  
پیغمبر صدیام بودی ای مرد  
سلمان هراتی



فرد انقلابی، جمعیت انقلابی و پیشرو انقلابی  
که فقط توجه به مسیر انقلاب داشته باشد، خود را باید پاک نگذارد،  
تا مبادا آلوده به مال پرستی، آلوده به موضع گیری در برابر دیگران، آلوده به خود بینی، صنف پرستی، و گروه پرستی شود.  
مرحله خطرناکی از همه اینها  
- که يك جامعه انقلابی و افراد انقلابی قدرت یافته -  
وقتی است که آب توی پوست انقلابی می رود،  
یعنی دچار غرور و نخوت میشود. اینجا است که انقلابی تبدیل به ضد انقلاب میشود.